

نشریه توزیعی دیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دیا

سال سوم

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

دینا

در این شماره:

صفحه

۳
۱۴
۲۳
۳۳
۴۰
۴۶
۵۷
۷۳
۸۴
۸۹
۱۰۴
۱۱۱
۱۱۲

یکسال حکومت دکتر امینی
ملی کیست؟
حل مسئله ارضی در کشورهای کم رشد
خاطراتی از حزب کمونیست ایران
اند یشه هائی چند درباره حافظ
مبانی تئوریک بر مایه گزاری و "برنامه گزاری" در ایران
درباره اولین مکاتب فلسفی مادی در ایران، زروانیان و هریون
برنامه "ثبت اقتصادی" دولت و نتایج آن
جنپیش زنگیان در قرن سوم هجری
درباره دپراه رشد
مختصات آماری کشاورزی ایران
آشنایی با یک کتاب نو: تاریخ مختصات ایران با استان
سندي مهم درباره نهضت کمونیستی ایران

ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
هر سه ماه یکبار تحت نظرهیئت تحریریه منتشر میشود.

د و ر ئ د و م
سال سوم
شماره اول
بهار سال ۱۳۴۱

یکسال حکومت دکتر امینی

عقب نشینی برای جلوگیری از سقوط ماهیت طبقاتی دلت دکتر امینی:
دکتر امینی اوانتخابات عمومی دکتر امینی و زاد پهای د موکراتیک
سیاست اقتصادی دلت دکتر امینی سیاست خارجی دلت دکتر
امینی یکسال عوام‌رسی و تزویر چه باید کرد؟

روز ۶ آرد پیشست ماه ۱۳۴۲ یکسال از مدت اداره دکتر علی امینی گذشت، و اکنون دکتر امینی سال دوم نخست وزیری خود را گذراند. دکتر امینی در شرایطی بندخت و زیبی رسید که نسبت نجات بخش مردم ایران در حال اوج بود، و موج مبارزه قشرهای این انتخابات مختلف جامعه ایران، رژیم کود تاراد رعصره شاهی گوناگون مواجه باد شوارهای فراوان ساخته بود.
روز ۹ اخیر اد ۱۳۴۹ در آخرین جلسه مجلس، ۱۱ دکتربال نخست وزیر وقت ناطقی ابراد کرد که اضطراب محافل حاکمه ایران را زیشد نسبت مردم بخوبی نشان میدارد. دکتربال گفت:
"ما با توجه بگذشته اگر بد یم در کارمان بهبودی حاصل شده است باید خدا ارشکرنیم و سعی کنیم که این ارامش را منیت ادامه داشته باشد و گرنه اگر فراموش کاری باشیم هر یکی دنال اشخاصی که تیشه برداشته برشیه این ملت زدن و خوبی خاتمه موقوف هم نشندند ایا اجازه حرف زدن یا تهاب دهیم خدای نکرد کاراز کاریمی گزد. اصولاً یعنیها چه حق حرف زدن دارند. ملت ایران جنبش کرد و اینها را باید خدید نشاند. حالانم از ملت ایران خواهش میکنم فراموش کاریباشد و گرنه خدای نکرد و ممکن است یک فعه ملت و مملکت ازین بسرود.
آنوقت است که پشیمانی سودی ندارد"

ولی سیوحادث نشان داد که مردم ایران از مبارزه حق طلبانه خویشیدست برد از نیستند. انتخاباتی که دکتربال انجام داد، بزودی مواجه بارسواشی شد، نمایندگان تحملی مجوری استعفان شدند، و خود دکتر اقبال نزیر فشار افکار عمومی از طرف شاه محاصل گردید. این بار نهضت شریف امامی بود که اقبال خود را از ماییش کند. شریف امامی با لذت از این انتخابات را متوجه پرسکار آمد، ولی همان راه اقبال را داده داد. انتخاباتی که اموری این بود، با انتخابات اقبال مقاومت اساسی نداشت. در دیهای ۱۳۴۹ دستور شریف انتخابات دزده بیستم از طرف دلت شریف امامی صادر گردید. شریف امامی بمنشاءه پوتاب و تابی برای ایشان بایه از خود در امر انتخابات صادر کرد و روزنامه های وابسته بدلت سعی کردند که شریف امامی را بمری از غرض انتخاباتی معرفی کنند. ولی واقعیت خلاف ان را نابت کرد.

در جریان انتخابات دصف کاملاً هنما بیزیجود اند. در یکطرف احزاب درباری ملیون و عدو دم و مضرورین وابسته بدلت، و درسوی دیگر احزاب، جمعیت های ملی و ضد استعماری قرار داشتند. مبارزه شدیدی اغاز شد. جبهه ملی که برخلاف حزب توده ایران از امکانات محدودی برخورد نمود، در انتخابات شرکت علیه و فعال کرد. میتینگهای متعدد جبهه ملی و سازمانهای دیگر سیاسی، تظاهرات علیم داشتند. جویان در تهران، تبریز، اصفهان و شیراز بر ضد دشمنان و لوت و منتظر این ازادی انتخابات شانه دیگری از شدتمایلات د موکراتیک در میان طبقات و قشرهای مختلف جامعه ایران بود.

دیگر اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درگزارش خود به نهضیں پلنوم کمیته مرکزی در ازیابی این مبارزات چنین میگوید:

"شرکت موئروف عال کارزاران برخی از مراکز صنعتی در تشاہرات عمومی واقعه امد رتشکیل

هسته های متحد، نمایش مشترک کارگران، دانشجویان و زاربر را صفتان، آبادان و
مریخی از شهرهای دیگر، تعطیل عمومی در تهران بمنظور تأثیر ارادت انتخابات و تقویت
از نژادهای ملی، اتحاد عموم اندیشجویان صریح نظر از اختلاف در تعیین سیاست، وسعت
دامنه تظاهرات و تعدد آن در تهران و سراسی آن شش هزاری دیگر اندیشجوانی نشان
داد که رفته رفته شعار اتحاد کلیه نیروهای میهن پرست و از اراده بخواه در میان مردم رسوخ
یافته است. بهینه میتوان وحدت عمل نیروهای ملی و دموکراتیک و مبارزه مشترک
علیه دشائی و خلاف دلت تحت شعار واحد ارادی انتخابات را عدد ه ترین خصوصیت
سیارات انتخاباتی مردم ایران در این مرحله داشت.

۱۳۳۹ مجلس بیست از زیرخاک شاه افتتاح شد، ولی مبارزه برای اتحاد این امامه بافت.

اعتصابهایی که ازاوائل سال ۱۳۴۰ در شهرهای مختلف ایران روی داد، حاکی از وضع وخیم اقتصادی کشور و مبارزه زحمتکشان ایران برای بهبود شرایط زندگی مادی و معنوی خوبی بود. نخست کارزاران نساجی اصفهان در فروردین سال ۱۳۴۰ مبارزه اعتضابی خود را آغاز کردند. این جنبش اعتضابی در سراسر کشور ساچمه‌زنی کرد و استقبال عمومی مواجهه شد. در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰، هفتاد هزار تن از بیان و اموزگاران سرتاسر ایران پیغام‌پوش تحقیق درست باعتصاب دنده‌گانی زندند. دولت شریف امامی و رژیم شاه بسا مشکل بزرگ روپوشید. بعد از اینکه از طرف شریف امامی میخواست در روز ابرار مبالغ الابات بدیران و اموزگاران عقب-نشینی نمایند و از طرف دیگر سرکوب جنبش نیرومند انسان‌آکاران رسانی نمود. سرانجام گردانندگان رژیم کودتا تائید می‌نمایند که با استفاده از ازیز، جنبش دیران و اموزگاران را در رده شکنند. در شناخته این اتفاق رژیم درمیدان به سهارستان انجام گرفت، بر اثر تیراندازی ازی مادرین پلیس یکی از دیران پیش از این که تکبد الحسین خانعلی کشته شد و جمعی مجرح گردیدند. ولی این جریان چنان خشم و غصه‌داری ایران بوجود آورد، که نجربستوط دولت شریف امامی گردید و کترایینی از ازیزی شرائطی از ازیزی شاه ما گورت شکل کلاینه شد.

در تحلیل هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران در راه دوستی دکتر اینیج چنین گفته می‌شد: "دولت دکتر اینیج درنتیجه تقارن د وعقب نشینی که یکی در داخل کشور وجود یگردد راه بنه بین المللی پرمان امپریالیسم و ارتاج انجام میگیرد و با پیوند عمیقی بهم مربوط است بوجود آنده است. در حالیکه دلتنهای راهدی، علاوه و اقبال د دلتهای دیران تعریض امپریالیسم و ارتاج محسوب میشوند، دولت شریف امامی را میتوان د دلتهای دیران ترازیل رژیم کودتا و دولت دکتر اینیج را بمعاینه د دلتهای دیره وره عقب نشینی این رژیم تلقی نمود."

ماهیت طبقاتی دولت د کترامینی

د کرامینی از خستین روز نخست وزیری خود کوشید که خود را غیر از اسلام خویش و یک رجل ملی و ترقیخواه جلوه دهد. د کرامینی در اولین نطق راد بیوئی خود در روز ۱۷ آردی سپاهش ماه ۱۳۴۰ چنین گفت: "من هیچ قوت خود را جد از مردم نداشت ام و نهایت اشتیاق و ارزیوی من بوده است که با مردم و در میان مردم باشم تا هرچه می شترد در هزار آلام عمومی و اقف شوم و در رفع ان کوشش و مجاہدت نمایم." من قبول مسئولیت نکرد مگر برای اینه د ریس پاسپور صنف متحدد مرد ان پاک و شریف و ازاد و وطن پرست ریشه تباه کنندگان اخلاق عمومی و متجاوی زین بحقوق مردم را زیخ من براند ازیم و این علفهای هر زمان و ادوس ننم".

د کترامینی میخواست خود را مرتباً انتخاب مود و عنصری غیر از اقبال و نظاره‌انها معرفی کند. ولی موقعیت طبقاتی و مسابق سیاسی د کترامینی از همان نخستین روز، این ادعای اورباطل میکرد. روزنامه مود ام اگان کمیته مرکزی حزب توده ایران بلافاصله بعد از انتصاب د کترامینی در سرمهقاله خود اوراچنین معرفی کرد:

” د کترامینی وزیر با اولین دولت کودتا و عاقده قرارداد ادخال اتحاد سوسیوی ثابت است ۰۰ درصد های حاد میهن ما : ناتوانی واشتگی اقتصاد کشور، ورشکستگی های پی دری، بحران ارزی، فقر و روزگار فروزن توده ها ، فقدان بودجه برای بهداشت و فرهنگ، واستگی بتحریکات

جهانی امپرالیستی، منفرد ماند ن درسیاست خارجی وغیره دردهای نیست که با سفسطه و چشم بندی بتوان بعالج آنها پرداخت . این درد همارا فقط یک دلت ملی که سیاست اقتصادی نبینی دروازنگشته های امپرالیستی اتخاذ کند ، دلتی که مد رسه بیشتر از سیاست زبانه لازم داشته باشد ، دلتی که دوست مردم و شمن استعمال را شد میتوانند درمان کند و وجود چنین دلتی با ماهیت رژیم موجود متأفات دارد . باید مبارزه راتا براند اختن رژیم موجود اراده دارد .

این تحلیل روزنامه مردم از ماهیت دلت دکتر امینی اکتون بعد از اینش از یک سال صحت خود را به ثبوت میرساند . دلت دکتر امینی از جهت مشمول طبقاتی و اجتماعی خود باد و لتها بیشین رژیم کود تفاوت نداشت . دلت دکتر امینی هم مانند دلت علاوه واقبال ، دلت ملاکان و سرمایه داران وابسته با امپرالیسم بود . تفاوت دکتر امینی باعلاع واقبال ، تفاوت ماهوئی بود ، بلکه تفاوت ناشی از اختلاف در اسلوب کار و عمل بود . اقبال نماینده هر طرز تکروشیوه عمل آن جناح از ملاکان و سرمایه داران بزرگ ایران بود که سرکوب تهضیث نجات بخش ملی را فقط از از اعمال قهر و توسل به زندان واعد ام مکن میشرند . ولی دکتر امینی نماینده ان جناح است که برای جلوگیری از شدن نهضت انقلابی مردم تن دادن بپاره ای گذشت ها واقبل بعضی تغییرات سطحی و کوچک را لازم میداند و اینکه بهمیچوجه لزوم اعمال قهر و اتفاق کند . دکتر امینی در اواخر زمامداری خود را غصمن بیان مثالی توضیح داد . اولکت : « مالکین و سرمایه داران باید اگریک تومان دارند سه ریال آنرا بد هند تابوت و اند هفت ریال بقیه را برای خود نگاه دارند ». باین ترتیب فرق دکتر امینی واقبال و لاء فرق ماهوئی نبود و نیست . هدف اساسی تمام این افراد حفظ رژیم پوشیده و غاسد کنونی ، یعنی حفظ حاکمیت جبارانه مالکین و سرمایه داران بزرگ وابسته با امپرالیسم است . اگر اختلافی میان آنها وجود دارد ، اختلاف در اسلوک ایست نه در رهد فهای اساسی سیاسی و اجتماعی .

در اولين هفته های زمامداری دکتر امینی ، جنجال تبلیغاتی او ، عده ای رادر شناخت ماهیت اود چار تردید کرد ه بود . دکتر امینی کوشش فراوان کرد که با جمهور ملی تماس بگیرد و طوریکه بعضی از جرائد نوشتند حتی پیشنهاد کرد کمچند تن از سران جمهور ملی را در رکابینه خود شرکت دهد . مقصود دکتر امینی روشن بود . ۱ او میخواست با او گذاری چند پست بی اهمیت در رکابینه بچند تن از سران جمهور ملی آبرو و اعیان این سازمان سیاسی را رانتظار مردم ایران پایمال کند . او میدانست که دوست و وزیر جمهور ملی د رکابینه تا عیزیز درسیاست معمول دلت نخواهد نداد است ، ولی د رعوض جمهور ملی بجز همکاری باعاقده قرارداد نفت با کسری سیوون اعتبار خود را زد سنت خواهد داد . خوشبختانه جمهور ملی د ردام دکتر امینی نیفتاد و این نقشه او از همان روز های نخست مواجه با شکست شد .

اقدامات عوام فریانه دکتر امینی در نخستین ماههای زمامداریش ، از جمله آزادگان در دن جمهور ملی ، زند ائی کرد بعضی از زیارتگران ساقی و امراه شترگر ، رفع نسی سانسور مطبوعات وغیره ، در برآمد ای کاران بخشی از طبقات حاکمه را که هنوز ملزم عقب نشینی معتقد نیستند ، دچار وحشت شد ید کرد . بهمین جهت مبارزه شد یدی بر رشد دکتر امینی آغاز شد . شایعه کودتای ضد دلت در رهمه جا بگوش میرسید . در بعضی از محاکف حتی نام کودتاکنندگان تا بیزند کردند که این کودتا بحالیت شاه و بوسیله عده ای از افرسان هواد اراملی خواهد شد . در حقیقت هم هدف مات یک کودتا نای نظامی از هرچهار فراهم شده بود . افرادی مانند سپهبد بازنشسته حسین آزوده علناد رجراء از لزوم ساقط کرد ن دلت دکتر امینی د میزند . ولی دکتر امینی که بکمک مستقیم امپرالیستهای امریکائی مستقر بزیریند ، توانست که شاه و بخش مخالف طبقه حاکمه را باصبحت لزوم سیاست خود قانع کند . اوربریک مصاحبه طبیعت شاه د لکمی داد و گفت : « من که به مند لی نخست وزیری نچسبیده ام ، هرروقت اعلیحضرت اراده رفوم ندوخواهمن رفت ، از این جهت احتیاجی به کودتا نیست ». در عین حال تعریض شد ید بخش مخالف دکتر امینی درهیئت حاکمه موجب شد که دکتر امینی حتی در اقدامات عوام فریانه خود اعتقد ای بیشتری را مراعات کند . حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی که مدتسی سختگوی دلت بود و نطقهای « هیجان انگیزی » ایجاد میکرد ، بزیری از سخنگوی دلت معااف شد . وزیران دکتر امینی که به پیروی از زیارتگران خود هریک قیافه « قهرمانان انقلابی » بخود گرفته بودند ، یکی پس از یک ری ایام خاموش شدند . نهرالدین الموتی وزیر ادگستری که سپهبد آزموده را « ایشمن ایران » می نامید ، و معتقد

بود چنانیکاری بزرگتر از وجود ندارد، بزودی از عوده را زاد گذشت. به حسن ارسنجانی دستور داد مشد که پا از گلیم خود فراتر ننهد، و گزنه اماده سقوط باشد. مهندس فریور که در کابینه ازلزوم سیاست بیطرافی حمایت میکرد، مجبوراً استھفا گردید. بطوط خلاصه هنوز ۶ ماه نگذشت بود که گرد و خاک ها فروشست، ابهما از اسیا افتاد، و کابینه دکتر امینی به شکل یکی از کابینه های معمولی رژیم کود تابکار خود را داد.

انتظاری جزا یعنی ۵ ماه از کابینه دکتر امینی جائز نبود.

دکتر امینی و انتخابات عمومی

یکی از اولین اقدامات دکتر امینی بعد از انتصاب پنجمی تحصیل فرمان انحلال مجلسین شورا ملی و سنا نبود. این عمل دکتر امینی با موافقت افکار عمومی روبرو شد، نیز امداد انتخابات مجلس پیشتم را، جعل و مخدوش میدانستند و این مجلس سنا نیز علی الاصل موافقی حاصل نبود. ولی مردم در عین حال که خواهان انحلال مجلسین بودند، تقاضا داشتند که انتخابات عمومی بدون تأخیر اغاز شود که مردم امکان داده شود که نمایندگان واقعی خود را انتخاب نمایند. در فرمان انحلال مجلسین که در رارد پیمیشت ۱۳۴۰ مصادر رگردان گفته میشد که دولت باید قانون انتخابات مجلسین شورا یعنی وسنا را اصلاح و انتخابات راحلیق قانون جدید نماید. ولی از همان اول این سئله مطرح بود که در غایب مجلسین شورا یعنی وسنا، اصلاح قانون انتخابات بچه شکل امکان پذیر است. یک هفته بعد از انحلال مجلسین، روز ۲۶ اردیبهشت، دکتر امینی در جواب خبر نگار روزنامه اطلاعات که پرسید در رغایب مجلسین قانون جدید راجه شکل بتصویب میرسانید گفت: «رفرازند و میکنیم. قانون جدید را معرف رازمی مردم میگذرانیم و اکثر مسوب شد اجرام میکنیم. با حرف نمیشود انتخابات صحیح انجام داد. اگر ملت ایران در فردا نمود را می داد ماجرا میکنیم. ولی از همان اغاز کار مطلع بود که استناد به نقص قانون انتخابات بهانه ای بیش نمیست. وقتی که اقبال سوچریان انتخابات را مسلول نقص قانون انتخابات میدانست، دکتر امینی این ادعای اوراباطل میشمود. ولی وقتی که خود بمنختست وزیری رسید عیناً همان استند لال اورا تکرار کرد.

حال بینیم، «اصلاح» قانون انتخابات بچه صورت درآمد. موضوع رفراند مباری تسویه قانون جدید همان اوائل کار منطقی نشد. ارسنجانی وزیر کشاورزی در ۱۸ خرداد ۱۳۴۰ اعلام کرد: «رعایت شعب و قضات دیوانعالی کشور پس از مشوره وحث مصلحت نداشتند که تغییر قانون انتخابات به رای مردم گذاشته شود. ۰۰۰ این اصلاح را میتوانیم در نشانه امامه انجام دهیم و طوری عمل کنیم که واقعی مبنظرها شد.

بدین ترتیب، قرارشده که بجای اصلاح قانون انتخابات فقط نشانه ایه مروط به آن اصلاح شود. ولی اصلاح نظالمانه هم بهانه ای بیش نبود. مجلس متعدد در دیوانعالی کشور، ودر وزارت کشاورزی، برای بحث داد راین باره تشکیل شد، ولی مصروف تمام این اقدامات فرمانی بود که در ۲۴ آبانماه ۱۳۴۰ از طرف شاه خطاب به دکتر امینی صادر رگردید. در این فرمان که در حقیقت نقض علیه و صریح قانون اساسی ایران و قیام بر ضد مشروطیت است، شاه میگوید: «ما باقی حقی که قانون اساسی بما میدهد و مواراییکی از میاد رسانشان قانون شناخته است بد ولت ماً موریت میدهیم که تاشکیل مجلس ۰۰۰ قوانین لازمه رایبرای تشکیل انجمن ده بعمل آورد، و نسبت بقایون این چمن شهروزان مجنبهای ایالتی و ولایتی نیز مذاقه و پرسی عینی نموده پا توجه با وضع واحوال و مقتضیات روز جرح و تعدد یل لازم در قوانین موجود بعمل آورد و ان را باتوشیغ ماموقتاً بمقوع اجرایگرد اردن».

فرمان شاه نشان داد که توطئه بزرگ بر ضد قانون اساسی ایران بوسیله دکتر امینی وها پشتیبانی شاه اجرایش دارد. مردم تقاضا داشتند که انتخابات عمومی اجرا و مجلس شورا یعنی اقتتاح شود. این خواست مردم مطبق با اصل قانون اساسی ایران بود. اصل ۲۰ قانون اساسی میگوید که «مشروطیت تعطیل برداشتنیست». ولی شاه دستور داد که بجای اجرای انتخابات و افتتاح مجلس، «قوانين لازم برای تشکیل انجمن ده، انجمن شهرهای ایالتی و ولایتی» تسبیه و اجرایگرد دد. روزنامه مردم ارگان کمیته مرکزی حزب توپه ایران در شماره مورخ ۱۰ اذر خود درباره این فرمان چنین نوشت:

«طبق مواضعه ای که میان شاه و امینی اتفاق شاه به امینی دستور داده است که

از جرای انتخابات خود را کنده و جای ان اصلاح قوانین مربوط به تشکیل انجمن ده و شهرپرورد ازد. معنی این عمل شاه طغیان اشکار پرورد قانون اساسی است. ۱۰۰۰ هزار شاه که بهانه عدم اجرای انتخابات را به دکتر امینی داده است جز یک کود تا اهزمنه علیه موازین مشروطیت چیزی یگری نیست.

فرمان شاه، رجعت بد وران قبل از انقلاب مشروطه واستقرار رژیم مطلق سلطنتی بود. شاه عمل خود را مستند به اصل ۲۷ قانون اساسی کرد و بود. ولی طبق همین اصل قانونیت لایحه بطور اکید موکول بتصویب مجلسین است و شاه و هیچ مقام دیگرچه ندارد را "اسانتا" قانون کند. باشد و فرمان شاه اجرای انتخابات عمومی و افتتاح مجلسین برای مدت نامعلومی بتعویق افتاد و رژیم کود تاد وران جدیدی را که دران دیکتاتوری علی، بد ون مجلس، و در تعارض اشکارا قانون اساسی است اغاز کرد.

امروز که بیش از یکسال از مردم ولت دکتر امینی میگرد، هیچگونه نشانه ای از شروع انتخابات درست نیست. در این دست احزاب و سازمانهای ملی و ضد استعماری پیکرات در مصاحبه های مطبوعاتی پوشیله اعلامیه هاویانیه ها، احترام بقانون اساسی و اجرای انتخابات را خواستار شده اند. ولی دکتر امینی عملاً نشان داده است که کوچکترین ارزش و احترامی برای قانون اساسی قائل نیست. او که با کمک امیرا پیشتر بای امریکائی پسر کارآمد است به پشتیبانی افکار عمومی احتیاج ندارد. اولی رغم مردم حکومت میکند، هدیه هی است که چنین نخست وزیری نمیتواند هواد ارجای انتخابات از آذ باشد.

د کتر امینی واژاد یهای د موکراتیک

روزی که دکتر امینی نخست وزیری رسید و بعد داد که برخلاف اسلام خوش حقوق مردم را محترم شمارد، و به تعدیات و اجحافات گذشته پایان دهد. حسن ارسنجانی سخنگوی دولت بارها بوجود مانسوس پلیسی درد و لتهای گذشته اعتراف کرد و گفت که دولت دکتر امینی بسانسون مطبوعات پایان داده است. در حقیقت هم در اوین هفته های زمامرد ارید دکتر امینی تا اند ازه ای مطبوعات موجود از ازادی برخورد ارشد نه. ولی داعوه این آزادیها محدود و عمر آن بسیار کوتاه بود. دکتر امینی که با آنهمه حرارت دم از علاوه واحترام به ازادی میزد، بهمیچیک از احزاب و سازمانهای سیاسی مخالف دولت اجازه نداد که به انتشار ارگانهای خود بپردازد. مثلاً جمهه ملی پاچود کوش فراوان موقوفه انتشار ارگان علی خود نشد. هنوز مدت کوتاهی از زمامرد ارید دکتر امینی گذشته بود که همان آزادی مطبوعاتی محدود هم تعریض قرار گرفت هم‌تدوی د ائره آن تنگ ترشد. امروز شهریانی و سازمان امنیت مانند وران زمامرد اری علامه اقبال و شریف امامی در کار مطبوعات مداخله و نظارت کامل دارند. "ازادی" وجود ارد ولی برای هواد ازان دولت، افترازنان به احزاب و مجامع ملی و دشمنان نهضت نجات بخش مردم ایران. ولی ازادی مطبوعاتی در ایران مطلقاً وجود ندارد.

در مرود آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی نیز روش دکتر امینی عیناروش نخست وزیران سلف است. حزب توده ایران بزرگترین سازمان سیاسی کشور همچنان غیرقانونی است. چیزهای ملی که در اوائل زمامرد ارید دکتر امینی از آزادی محدود و بدی برخورد ارشد ها بود، اکنون بحال نیمه مخفی د را مده است. رهبران جمهه ملی پحد از جواد ث اخیود انشکاه زند اند و اطلاعی از جریان کار درست نیست. احزاب و سازمانهای سیاسی و مسند یکاوش کشور از اماکن هرگونه تجمع، بحث در پرایه امور اخلاقی و خارجی و بطور کلی فعالیت سیاسی و صنفی محرومند. دکتر امینی درابتدا نخست وزیری خود تشکیل میتینگ در میدان جلالیه را آزاد گذشت. نخستین میتینگ جمهه ملی که با حضور بیش از ۸ هزار تن تشکیل شد دکتر امینی را بوحشت انداخت. از آن پن اصولاً تشکیل میتینگ هامعنون گردید.

در وران نخست وزیری دکتر امینی تعقیب و شکنجه میهن پرستان و ازاد یخواهان با همان شدت گذشته ادامه یافته است. در اینماه سال گذشته دادستان ارش خبرد سرگیری ۹۰ تن از کارگران بد هفتمان پروشنفران اصفهان را باتهم عقوبیت در حزب توده ایران اعلام کرد. روزنامه ها وارد یوی د ولی د استانهای ۴۵ مجموع فراوان درباره این افراد میهن پوست واصطلاح "فالیت های خوب" انها انتشار داشت. مقصود

دل ولت ازاین عمل زمینه سازی برای پوشش جدید برآورده مانند حقوق و آزادیهای مود بود. سازمان امنیت با اخلاقیات انسانی قصد داشت که از این جریان بر ضد جبهه ملی استفاده نکند.

اکنون ماهیه است که این ۹۰ کارگر، دهقان و روشنگر میهن پرسنل اعیانی د رزندان هستند و از سرنوشت آنها یچگونه اطلاعی دردست نیست . دولتی که وزیردادگستری آن اینگونه با مشوره حرارت از عذر اجتناب میکند، بر سرنوشت این میهن پرسان پردۀ ابهام افکندۀ است .

حوال شد که در ۳۰ تیر و دی ماه سال گذشت در تهران روی داد، نمونه دیگر از احترام دکتر امینی را به ازاد یه‌های دموکراتیک نشان میدید. رئیس‌نشیبه اول بهمن واحد های مصلح پلیس و مامورین سازمان امنیت با سببیت بی‌نشیبی ساخته‌های داشتگاه تهران را مورد هجوم قراردادند، و مدد هاتن از داشتگاه بیان راضم پسروج ساختند. مامورین پلیس و سازمان امنیت حتی به تلازه‌های ازما شگاهای داشتگاه هم ابتدا نکردند، و خسارات سنگینی وارد نمودند. روز دیگر در زند یک دبیرستان علمیه، داشتگاهی بنام مهدی کلیر بضرب گلوله مامورین پلیس رخاک و خون غلطاید. متعاقب این جریان عده‌ای از سران جمهوری ملی به امام «تحریک داشتگاهیان» بدستور کترمینی زندانی شدند. دکتر امینی ضمن نقطه‌ای که پس از حادثه داشتگاه ایران کرد، عمل مامورین پلیس را تأیید کرد و اعلام نمود که ایران پس نیز با ایالت‌ها هرگز کان و مخالفین دلت بهمن شکل عمل خواهد کرد. داشتگاه بدستور کترمینی برای مدت نامعلوم تعطیل شد و این تبیطیل تا فروردین امسال بدلیل انجامید. روش مامورین پلیس و سازمان امنیت در هجوم بداشتگاه بدقت روشن و حشیانه بود که مورد اعتراض شدید رئیس داشتگاه قرارگرفت و این اعتراض ضمن نسماهه شدید للحنی بدکتر امینی املاع داده شد. ولی متابعه‌سازنده رئیس داشتگاه در مقام خود راستخواه شد و ثابت قدم نبود. همین‌گاه از پنچ ماه دیدواردید و مدد اکره در ریابرد ولت دکتر امینی تسلیم شد.

موزرد رکوردم از اراده یهای دموکراتیک کوچکترین اثری دیده نمیشود. آزادی همیان، اجتماعی، پوچش، ابوعات، فقط در روی کاغذ وجود دارد. سازمان امنیت حاکم برمالم و جان مردم است. دکترامینی در طی یکسال عملنشان داده است که در شفهي با اراده خلف صدق راهده و اقبال است.

سیاست اقتصادی دولت دکتر امینی

دکتر امینی روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ خمن اولین نطق رادیویی خود چنین گفت:

"ماباید شکلات بزرگ انتقامدار و مطالعه دست بکریان هستیم. سرمایه‌ها زیادی بهد رفتند است. توازن بود چه بسیار نبود و قوانین مالی راندیده گرفته اند. مامواجه با ترقی تمیت ها، بی پولی، فقر اقتصادی هستیم. دستگاههای اقتصادی و مالی دولت دیگر مقنن ندارد. ماباید کوشش و همچنان راسفند نماید که در حیات انتقامداری مملکت بکنیم." دکتر امامی دارد و مین نطق را در پوئی خود در ۲۲ اردیبهشت زیر نمن تشریح برنامه دولت وضع اقتصادی کشور برنامه خود را در این زمینه تشریح کرد. دکتر امامی گفت:

"در عصر ما استقلل سیاستی هر کشور تابع استقلال اقتصادی و سلامت انسانی و مسلاحت

اقتصادی نیز مستلزم ایجاد و تنشیم یک نقشه جامع و متمرکز می‌شد.

، مصطفی بن مسئله اقتضا دارد که در اسان طرح معاشر و مگر آنکه تقدیر و الاته از

مهمترین مسئله این تفاوتی است که در ایران مصرح می‌شود و فریمان‌نیاورانی ترتیب فریب با اتفاق مود م شد و تنها سطح نزدیک و کم‌درجه‌تر از هم داشتند.

فقره العاده مواد و ماحتاچ زانه ، تقدیم مسقمه هنرها با این طرز مسکن کافه ممتاز است.

دکتر امینی و مشغولین اقتصادی دلت او در یک سال گذشته نطق های فراوانی در تشریح اوضاع اقتصادی وارد بیان راه طرحها و فوتشه علای خود ایراد کرد ه اند . دکترا امینی بحرف و روی کاغذ تمام اشکالات اقتصادی مالی کشور ایران را تاریخ کرد ه است . ولی نتیجه واقعی حیست ؟

چنین میتوسد: سال ۱۳۴۰ سال ورشکستگی بود. تعداد ورشکسته های رسمی سال گذشته بتنها ائم
بنیت از جموعه سه سال پیش از آن بود.

اطلاعات ادامه مدد

عقده های چرکین بی بند و مواری اقتصادی از همان اوائل سال ۱۳۴۰ شرگشود و تا پایان سال مردم و دولت گرفتار عذر اب و ناراحتی بودند ۰۰۰ واخواست سفته ها و ایابرگشت چك های برای طلبکار و صادر رکنده سفته با چك و مانکهای مزینه عادی شد بود در سال ۱۳۴۰ های برای شهنازی ۳۷ فقره ورشکستگی رسمی که در مراجع رسیدگی شد اعلام گردید در حالیکه در همین مراجعت در تمام سه سال قبل از این فقط ۲۵ فقره ورشکستگی موجود داشت. سی و هفت فقره فوق نمونه ای کوچک است و شاید بجز این میتوان گفت که یک پنجاهم توقف و ورشکستگی های باعث شناسید.

اینست نوونه ای از وضع اقتصادی کشور، از زبان یک روزنامه نیمه رسمی همین روزتا مه رباره وضیع صنایع میتوسد:

۱۳۴۰ سال بحران صنایع بود. تقلیل قدرت خرید مردم و پائین آمدن میزان کارهای ساخته شده و صنعت بزرگ کشور را مواجه با اختلال کرد. کارخانجات سیمان کسه اغلب در دست دولت است و همچنین کارخانجات رسیندگی هم اندگی در این سال اغلب اینها را پایان ازکارای بود و کمتر کسی برای اینها می‌وست.^{*}

حقیقت اینست که در دولت یک سال زمامداری دکتر ابراهیمی و پس از آن اتمامیتی و پخش اقتصادی کشور نه تنها بهتر نشد، بلکه بوخا گرایید. اشارشی در سیستم اقتصادی ایران اد امه یافت. کم شدن قدرت خرید پول موجب شد که سماح زندگی مردم بشیش از پیش تنزل کند. در همان حال قیمت‌های زیرکه در چند ماه اول زمامداری امیریو بی تخبیرها قیماند بود، در

نیمه دوم سال ۱۴۲۰ مجدد اسپرسو صعودی خود را گزارد.
دکترا مینی و عده داد که بیاست بازگشایی رهای باز را موقوف نکند. در اول اعلان زمامداری خود روید ۲۱۴
قلم کالا را غیر مجاز اعلام کرد. ولی این تصمیم هم در واائل سال جباری مفعون انحصارات خارجی تثبیریافت و از
شماره کالاهای غیر مجاز بنحو حاشی کاسته شد. مقررات جدید صادرات وواردات اکه از ارف دلت تهیه
شد است در حکم بازگشت کامل بسیاست "در رهای باز" وی پنهان گذاشت نتایج صنایع ناتوان داخلی در برابر
رقابت خارجی است. بهمین دلیل این مقررات مورد مخالفت شدید حامیان صنایع داخلی قرار گرفته است.
در یکسال زمامداری خود دکترا مینی به حل هیچیک از مشکلات اقتصادی کشور تونیق نیافت دو رپایان
سال ۱۴۲۹ مجموع بدھی دلت ببانک مرکزی ۱۸۱۳ میلیون ریال بود که اگر ۲۱۱ میلیون ریال بهره و ام
به ان اضافه شود جمیع ۷۴۰ میلیون ریال میشود. دکترا مینی اعلام کرد هبود که در راه استهلاک این
رقم بزرگ که مانند بارستگینی روی دوش دلت قرارداد، اقدام خواهد کرد. ولی در طول یکسال دلت فقط
موفق شد بابت اصل و پهنه این وامها ۵۰۳ میلیون ریال ببانک مرکزی بپردازد و اکتوبر دلت ۱۶۱۱ را
میلیون ریال بهانک مرکزی مفروض است.
یک دلگاه از ظاهر اصلاحات اقتصادی دکترا مینی میدان داد ن هر چه وسیعتر سرمایه گذاری خارجی

در ایران است . در سال ۱۳۴۰ شرکتهای داخلی مجموعاً مبلغ ۲۴۰ ریال بشرح زیردر رشته های مختلف سرمایه گذاری کردند اند :

امور تجارتی	- ر ۰۰۰ ر ۶۸۴
امور ساختمانی و راهسازی	- ر ۰۰۰ ر ۵۵۰
تأسیس کارخانه	- ر ۰۰۰ ر ۳۰۵

	- ر ۰۰۰ ر ۲۴۰ ر ۲۳۱

در همین مدت مجموع سرمایه گذاری شرکتهای خارجی در ایران معادل - ر ۳۱۴ ر ۹۴۴ ریال بشرح زیرست :

امور ساختمانی و راهسازی	- ر ۰۰۰ ر ۲۵۶
کشتی رانی	- ر ۰۰۰ ر ۴۳۴
حفاری و مساختمان مخازن نفت	- ر ۰۰۰ ر ۳۷۵
امور صنعتی	- ر ۰۰۰ ر ۷۵
مشارکت در مؤسسات ایرانی	- ر ۰۰۰ ر ۷۵
مهندسی مشاور	- ر ۰۰۰ ر ۸۳۲

	- ر ۰۰۰ ر ۳۱۴

	- ر ۰۰۰ ر ۷۱۹

مهدهای این ارقام نشان دیدند (۱) که چگونه کشور ما مورد تاخت و تاز سرمایه های خارجی قرار گرفته است . رقم - ر ۰۰۰ ر ۳۱۴ ر ۹۴۴ ر ۲۱۹ میلیارد ریال فقط آن بخش از سرمایه خارجی است که بشكل علني و مسمی وارد ایران نشده است . اگر بخشنود پیگاز از سرمایه های خارجی را نیز به بشکل کالا ، و از طریق غیررسمی در رشته های مختلف بکار گیرد است در نظر گیریم مجموع خواهد شد که وطن مابچه شکل موحشی در کام سرمایه انصصاری غرب فرازه است .

سیاست اقتصادی که ایرانی بطور اختصار سیاست وابستگی هرچه بیشتر بانحصارات مالی غرب و تبعیت بی قید و شرعاً از آنها است . دکتر امینی در حرف از صنایع داخلی حمایت میکند ، ولی در عمل آنها را بپوشان رقابت خود را کننده خارجی قرارداده است . دکتر امینی در طول یکسال زمامداری خود بنفع تحصارات غربی با تمام قوای از سیاست مناسبات بازارگانی ایران و شوروی جلوگیری کرد . است . تهران مصوراً از قول سفیر کمپرسوری را برایان پگوف چنین مینویسد :

"سفیر شوروی اظهار داشت که صادرات شوروی بایران یک درصد مجموع کل معاملات بود . بموجب اماری که دولت ایران هرساله منتشر میکند صادرات ایران بشهروی نیز ۵ درصد مجموع کل معاملات ایران است . با توجه به تمثیلاتی که در حکارت ایران و شوروی موجود است من پیشنهاد کرد بود که صادرات ایران بشهروی تا حد درصد دیگر کارا درود . این مذاکره در جریان است و هنوز تضمیم قطعی درباره آن اتخاذ نشده است . پگوف سفیر شوروی گفت ناراحتی من از این است که اگر بزودی موافق نامه بازارگانی ایران و شوروی امضا شود ، دولت شوروی تا چارخواهد بود کالاهای مورد نیاز خود را از افغانستان ، پاکستان ، ترکیه و عراق تهیه کند . " (۲)

یکی از شکالات مهم اقتصادی ایران تنزل صادرات ایران و ازدست رفتن بازارهای ایران در کشور های اروپائی است . در همین حال دولت شوروی پیشنهاد میکند که صادرات ایران بشهروی ۱۰ درصد بایلا رود ، ولی دولت ایران جواب نمیدهد ! اینست نمونه دیگری از سیاست "اصلاح طلبانه" اقتصادی دکتر امینی . بی جواب گذاشت نیشنده های اقتصادی شوروی فقط برای اراضی محاذل امپریالیستی غرب است . رژیم شاه که با حمایت امپریالیسم بر سر کار آمد است برای حفظ و مستی انسان از ند اکدن عالی ترین مصالح کشور ما درین نداد .

(۱) رجوع شود به اطلاعات ، ۱۹ اسفند ۱۳۴۰

(۲) تهران مصوّر شماره ۹۷۵ ، مورخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۱

در ماههای اخیر استان خراسان مورد هجوم ملخ قرار گرفت . دولت شهریروی پیشنهاد کرد که برای دفع ملن ۱۵ فروند هواپیمای سه پاش بایران بفرستد . ولی دولت ایران فقط با اعزام ۵ فروند هواپیما موافقت کرد ، زیرا امریکائیها هم فقط ۵ فروند هواپیما فرستاده بودند . چون این تعداد هواپیمه تنها ای قادر نبود مبارزه با ملن را در استان خراسان بسنجو موثر عملی کند ، نتیجه از میان رفت مقدار قابل توجهی از محصول بیهاره در خراسان بود . آیا باینگونه اعمال جزو شرکتی دیرابرا مهربالیست های امریکائی نامی میتوان داد ؟

ولتی که اینگونه پیشمنه دهنده دست ایران و شهروی اخلاص میکند ، در برانحصارات غیرهمخواه امریکائی بکلی خاضع و خاشع است . بطوطیکه خواندن کان عزیزید اندند رسالهای اخیر ها هزارتن از کارگران نفت ایران بدستور مقامات کتسرسیوم بین الملکی از کار اخراج شده اند . در رسال ۱۲۲۹ آغازهای رسمی تعداد کارگران نفت ۱۵۰۰۰ نفر بود ولی کتسرسیوم شماره آنها را به ۲۱۷۰۰ نفر تغییل ل داده است ، یعنی ۲۴ درصد کارگران نفت اخراج شده اند . میزان تصفیه نفت در آبادان از ۷۶ میلیون تن به ۱۵ میلیون تنقلیل یافته است ، ولی پرعکس میزان تولید نفت خام که در رسال ۱۲۲۹ میلیون رسیده است . در رسال گذشته به تقریباً ۶۰ میلیون رسیده است .

عکس العمل دولت دکتر مینی درقبال این تعریف آشناز حقوق کارگران نفت و حتی پقرارداد تحریمی کتسرسیوم اینست که رسماً از کتسرسیوم دفاع میکند و اقدامات آن را بعنوان اقدامات یک مؤسسه بازگانی صحیح و حامید اند .

در یکسال زمامداری دکترا مینی ، بیکاری با سرعت در مراشرکت های مبنی و سند دارد . تهران قریب ۵۰ هزار نفر سیکارند . جمله خواندن نیهاد رشماره ۱۳ خود نوشته بود : « در زیارت پریزد ه زار بیکاری شته اند » . در شهر پریزد و حومه بیش از ۴۰ هزار نفر فندۀ پریزد ببابکاری ، کمی مزد و گرسنگی دست پگریانند . روزنامه « نخده دنیا » وضع رقت بارکارگران یزد را این طور توصیف میکند : دستمزد بافنده کانی که در د خدمه های سر و تاریک کار میکنند روزانه ۲۰ ریال است که باید با این پول خانواره خود را داره کنند . در س بافنده یزد که روزانه ۱۵-۲۰ ریال مزد میگیرد ، ۱۰۰۰ ریال بصاحبان کارخانه ها سود میرساند . در از راه مسال گذشته مجله بنان مرکزی ایران ، جد ولی منتشر کرد که گوشش ای ازواچه یت در دنیا اجتماع ایران را نشان میدهد . طبق حساب این مجله هزینه غذائی هر خانواره کم را مدد ایران بحقیقی مای ۲۰۰ ریال و هر خانواره ۱۸۰ مدد را می دارد . طبق حساب همین مجله ۷/۳ لادر دنیا خانواره ۱۴۲ شهیر ایران درآمدی که تراز احمد متوجه هزینه پیش‌بینی شده اند . در حدود ۳۰ مدد را می دارد متوسط را بدست می آورند .

با اینکه مطبوعات کشوری فشار قرار ارزد و قادر نیستند واقعیت اجتماع ایران را اندازه گیریکه نیست نشان دهند ، با این حال همان اندازه اخباری که در راهه وضع زندگی مردم متشمر میشود ، کافیست که ماده بیت رژیم کود تارانشان دهد .

دکترا مینی در طول یکسال زمامداری خود حتی یک قد م هم و موئیرای پایان دادن با این وضع فلاکست باربرند اشت . او سیار حرف زد و کم عمل کرد ، و اعمال او هیچ چند امداد صلاح ملک و ملت نبود . اکنون دکتر امینی د و مین سال نخست وزیری خود را میگذراند . تردید نیست که نتیجه سال دوم زمامداری او هم بهتر از اسال اول خواهد بود .

سیاست خارجی دولت دکترا مینی

د رئیختین روزهای زمامداری دکترا مینی شایعاتی مبنی بر تغییرهای سیاست خارجی ایران در جراید داخلی و خارجی منتشر میگردید . بعضی از روزنامه ها نوشتند که دکترا مینی قصد دارد سیاست بیمارفی در پیش گیرد و وسائل خرچ ایران را زیمان سنتو و پیمان د و جانبه نذاهی با امریکا غراهم اورد . ولی دکترا مینی در هله روزهای اول نخست وزیری خود نشان داد که جز تعلیق سیاست خارجی اسلاف خود کاری انجام نخواهد داد . عضویت در پیمان سنتو و پیمان د و جانبه نظامی امری بود که با تعلیمات مردم ایران تعارض داشت . حزب توده ایران سالهای است که از سیاست بیطریقی حمایت میکند . جیمه ملی نیز در میتیگی که در ۲۸ اردیبهشت

ماه سال گذشته در تهران تشکیل داد، از لزوم اتخاذ یک سیاست مستقل صحبت کرد و خود را طرف ارچنیس سیاست معرفی نمود. سیاست بیطریقی در کاربینه دکتر امینی نیز طرفدارانی داشت. آقای مهندس غلامحسین فریورز نیز صنایع و مهادن کاربینه دکتر امینی، رئیس شهروای "جمعیت ایرانی همکاری ملل اسیا سی و افریقائی" بود. این جمعیت در سوم خرد اد سال گذشته اعلامیه ای منتشر نمود و رآن صریحاً از لزوم اتخاذ یک سیاست بیطریقی حمایت نمود. یک روز بعد خبرنگار اطلاعات با آقای مهندس فریورز ملاقات کرد و از اوردر رباره سیاست بیطریقی پوچید خواست. مهندس من فریورز گفت که او طرف اریاضاستی شبیه سیاست جواهر لعل شرسوت و متذکر گردید که «من با حسن نیت و احباب نظری که در شخص رئیس دلت و سایر همکاران سراغ دارم خیال میکنم پیروی از این سیاست که سرممق و نمونه بارزان را دلت و ملت هند وستان و شخص جواهر لعل نهاده و یا موقوفیتی که در این راه بدست امده، جای تردیدی برای صحبت این رویه برای کسی باقی نماند و شاید مورد قبول همه شهکارانم واقع گرد داد».

ولی مهندس من فریورز مرور "حسن نیت و احباب نظر" دکتر امینی اشتباه میکرد، یاخود را بشتابه میزد؛ زیرا دکتر امینی چند روز بعد از خاست وزیری خود بعد از ملاقاتی که در ۲۵ اردیبهشت با نیکان گفوف سفیر کبیر شهروی در تهران کرد، رسم اعلام نمود که دلت ایران "بهمه تعهدات بین المللی خود احترام خواهد گذاشت و از پیمان سنتو بیرون نخواهد رفت". بعد از این ملاقات ملاقاتی های مکرر بگیریانه و شنیر کبیر شهروی در ایران انجام گرفت. روزنامه های ایران نوشتهند که بزرگ امینی در راه من یک هدیه حسن نیت عازم سکو خواهد شد. ولی تمام این اخبار روغ و هرای انحراف افکار عمومی بود. خبرنگاریونا یت پرس اینترناشنال در همین روزها از قول پگوگ نوشت: «من از روشنایی میکنم د رهبر روابط ایران با شرق و غرب د چار حیرت و شکنگی هستم. من از تمام امکانات برای بهبود روابط د وکشوری ایران و شهروی ایران استفاده کرده ام، اما این حسن نیت شاهرا بحسن نیت مقابله ایران رهبر نشد و ام است».

ولی د دلت دکتر امینی از اتمام شوراهه خود دست برد از پیش د ۲۴ خرد اد ۱۳۶۰ سخنگوی سخنگوی دولت در جواب یکی از خبرنگاران گفت: «بنده صریحاعرض میکنم که پیشنهاد کلت و اعتبار از طرف شرکت ای از عمالک دنیا باشد اگر شرطی نداشته باشد قبول میکنم». پیشنهاد های قبلی شهروی اگر باعتبار خود باقی یا ثابت نموده باشد مجدد اتاً یید کند، توجه ما اینست که زمینه من سبات مابا شهروی به امور فرهنگی و اقتصادی و فنی سوق داده شود».

ولی سخنگوی د دلت هم مانند رئیس خود در دعاوی خود صادر نبود. برای اینکه ببینیم که د دلت دکتر امینی چگونه از هرگونه بسط انسابات ایران و شهروی جلوگیری کرده است، کافی است که بقسمتی از سخنان پگوگ که در شماره ۲۱ ۱۴۶۱ تهران صدور رشید است مراجعه کیم. سفیر بکیر شهروی مکمل شده سه سال است که طرحی برای بسط انسابات فرهنگی بد دلت ایران داده است. پگوگ میگوید همانوقت د دلت شهروی طرحی در این باره بد دلت امریکاد است. مذاکرات شهروی و امریکا به نتیجه رسید و قرارداد ادی هم منعقد شد، و پیکال هم از عمران میگرد، ولی بنزود ولت ایران جواب طرح مراند ادی هم است. در همین مرور سفیر بکیر شهروی میگیرد: «چند ماه قبل از دلت ایران تفاکار کردیم هیئتی برای مذاکره اقتصادی بشهروی بفرستد ولی تا امروز بجوابی داده نشده است».

اینست نوونه ای از سیاست خارجی د دلت دکتر امینی.

در راهنمایی بعد پدر ریچ دکتر امینی بیش از پیش پردازه از ماهیت خویش پرگرفت و نشان داد که سیاست خارجی او هیچگونه تناوتی با سیاست خارجی علاوه و اقبال ندارد. در اسقند ماه سال گذشته امینی بکشورهای اسلام غربی، بلژیک، فرانسه و انگلستان نمود، نطقهای تحریک امیز شدیدی برخدد دلت شهروی ایران کرد و رهمه جا اد امه سیاست تبصیت از غرب و غضوبیت دریمان سنتور اعلام نمود.

در رتام مد ت زمامداری دکتر امینی در مجامع بین المللی د دلت ایران بعنوان الی اراده امپریالیست های امریکائی و انگلیسی عمل کرد ا است پیش از مراجعتی که در رفوردین ماه امسال به امریکا کرد، ضمن نطقی در تکریه امریکا گفت: «متاسفانه امروز دیگر برای دفاع اسلحه کهنه بد د نمیخورد و هیچ ارشته هر قدر روحیه عالی و غرام را خس داشته باشد بد ون وسائل جدید امروزی قادر دفاع نخواهد بود». روزنامه تهران صبور در باره این اتهامات شاه نوشت: "فرمایشات شاهاند رتاید گفتگوهای ایست که از پیش سال قبل تاکنون

در شورای نخست وزیران، وزیران کمیته نظامی و کمیته معاونین کشورهای عضو سنتود رجیان است. چندی قبل در ملا فاقیه بین پوزد نت کنده وزیرال ایوب خان در امریکا صورت گرفت، رئیس جمهوری پاکستان یکندی گفت که ارتشهای سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه باستی با سلاحهای نوین مجہز شوند. ۰۰ تهران صور مینویسد سخنان شاه تائید اظهارات ایوب خان است.

بدین ترتیب رژیم شاه روز بروز در راه میباشد خارجی ماجراجویانه خود قد مهای تازه تری بر میدارد. اکنون تقاضاد ارد که با ایران سلاحهای انداده شود. معنی تقاضای شاه انتست که در کارمزهای جنوبی شوروی بعنوان دفع از ایران پاگاههای اتمی امریکائی بوجود آید و ایران بیش از پیش درگرد اباب مجر اهای جنوب امیرا مهربانی لیسم کشاند و شود.

پرسال عوام فرسی و توزیر

پرسال زمامداری دکتر امینی با کمال وضوح صحبت از زیارت حزب مارا ازا وشنان داد. امروز کشور مابیش از هر وقت با مشکلات فراوان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست بگیران است. دکتر امینی در پرسال گذشتۀ سعی فراوان کرد که با یک سلسه اقدامات عوام‌فرسانه و سلطاحی، مردم ایران را بصلاح طلبی دلت خوش‌معتقد کند. توقیف عده ای از امرا علشگر و وزیران سابق، «جهاد با فساد»، نطقهای پوچهارت و وزیر کشاورزی پر ضد مالکین بزرگ و قائد اهالی، و سرانجام، طرح اصلاحات ارضی، نومنه ای از آقاد امداد دلت دکتر امینی است. ولی هیچ‌یک از این اقدامات داروی کافی و علاج بخش نیست. به‌عاقرق که مبارزه دکتر امینی با انساد سطحی است، اقدام اور راه اصلاح ارضی نیز کم‌عمق است. طرحی که دلت دکتر امینی برای اصلاح ارضی تهیه کرده است مسئله ارضی را در ایران حل نخواهد کرد و تهدید عظیم دهقانان ایرانی را ازگرد آب قروم‌سکت کوتی نجا تنشواهد داد. تردید نیست که طرح اصلاح ارضی عقب نشینی مالکین بزرگ در ایران بدهد هفقاتن باید تلقی شود. ولی این یک عقب نشینی حداقل، با حفظ حد اکثر امتیازهای مالکین، هم‌اکنون حد اقل امتیازهای مالکین است. حل مسئله ارضی را باید بنفع دهقانان کارد و دلت دکتر امینی نیست. این آب سردی است که طبقات حاکم ایران برآش فروزان روستاها می‌پاشند. قصد آنها بجانات بخشیدن دهقانان نیست. قصد آنها حفظ منافع مالکین است. امینی میگوید "از پیکتوان مه ریال را بد همیم تاهفت ریال برای خود مان بماند". این ملخص سیاست است. ولی با این سیاست نمیتوان مشکل ارضی را در ایران حل کرد. حل مسئله ارضی در ایران مسد دست. دلت‌ها اینه تهدید های ملتف ساخته است.

چه باید کرد؟

پاسخ این سوال را حزب توده ایران در طول پرسال زمامداری دکتر امینی برادر رطبوعات خویش متفصل بیان کرد و است. برای ساقط کردن دلت دکتر امینی، برای منهد م کردن رژیم کودتا و برای استقرار یک دلت ملی باید مبارزه کرد. تا وقتیکه رژیم دیکتاتوری سلطنتی در ایران وجود دارد و امور شورتحشت نثارات و درست محمد رضا شاه است، راه هرگونه تحول عمقی و اساسی در ایران مسد دست. دلت‌ها اینه می‌آیند و میروند، خد متگزاران رژیم و سخنگویان وضع وجود نداشتن. بچینن دلت‌ها اینه امید وارن باشد بود. باید مبارزه کرد و است که راه خروج از ایران، تنهای و تنها، منهد م کردن رژیم کودتا است. حزب توده ایران معتقد است که برای احرار پیروزی در این مبارزه، اتحاد و همکاری تمام احزاب، مجاهدین، شخصیت‌های انتی‌رهای طی ضرورت تام دارد. حزب توده ایران تشكیل یک جبهه متحد ملی مرکب از تمام نیروهای ایرانی وظیفه اساسی می‌شود. بهمین دلیل حزب مابا تمام قوا کوشیده است و اکنون هم می‌کوشد که تشکیل جبهه متحد ملی تحقق یابد. با تشکیل جبهه متحد ملی مهمنترین مقد مه برای احرار پیروزی در نبرد با رژیم شاه بدست خواهد آمد.

ملی کیست؟

ملی کیست؟ ای احزاب توده ایران ملی است؟
وطن و وطن پرستی - ای امینهں پرستی با
انتربا سیونالیسم سازکار است؟ - درباره
استقلال حزب طبقه کارگر

ملی کیست؟

اخیراً مجله‌ای که خود را پیشنهاد سوسیالیسم میداند این سؤوال را مطرح کرد و سپس پاسخ داده که "جبهه ملی" ملی است و حزب توده ایران ملی نیست، و طبیعت انتیجه گرفته است که حزب توده ایران در صفحه مبارزان خدا استعمار محلی ندارد.

این سؤوال وجواب هیچکدی ام تازه نیست. ازروزی که حزب توده ایران قد معرفه فعالیت گذاشتها می‌گیرد بودن "یکی از سلاح‌های بوده است که بر سر اهل‌لند کرد" اند. درینجا انگیزه عوامل ارجاع و امیریالیسم کاملاً روشن است. آن‌هانه فقط به "غیرملی بودن" حزب توده ایران اعتقاد دارند بلکه جبهه ملی را هیچگاه ملی تراز حزب توده ایران نمی‌شمارند و رواقع لزوم از ایجاد ناروازین اتهامات باو نیز دریخ نمی‌زند. این‌هه آن‌ها حزب توده ایران را "غیرملی" و "ملی" نام مینهند هرگز از این جهت نیستند که با جبهه ملی دوستی و حسن نظری دارند و فقط بعلت آن نیست که میخواهند حزب مارابلکه ای الوده گردند. من اور انتبا در رده اول تحریک دوستان مادر جبهه ملی و شکاف اند اختن بین این دو سازمان است.

روی سخن مبارکه این‌ها تیست بلکه با افراد و عنصری است که در در رک معنای "ملی" و بارشناخت ماهیت حزب توده ایران دچار اشتباه اند. ماهیت کسانی که عملاد رصف ملت ایران فرادر اند، اگرچه در این‌عرضی سویفتمان نتاریه‌های نامناسب و نیز او ای نیز تسبت بحزب ماد اشته باشدند، احترام داریم و وظیفه خود میدانیم که با آنان برخورد دوستانه داشته باشیم. هدف ما از توجه به بحث مجله وابسته سوسیالیسم نیز گفتگو با چنین دوستانی است.

ملی کیست؟

برای اینکه در موقع جواب به این سؤال مبد ا واحد داشته باشیم نخست باید در این نکته توافق کنیم که ملی بودن بچه معنایست؟

بعقیده مالی‌پیشخون یا حزب یا جمعیتی گفته می‌شود که دشمن استعمار و امیریالیسم و هوادار استقلال کشور خویش است (۱).

۱- ملت که کلمه "ملی" متناسب باشد در اینجا معنای عامد رناظر گرفته شده است نه بمعنای خاص مارکسیستی. ملت در اصطلاح مارکسیسم با اجتماعی ازمرد متفق نمی‌شود که در اثرباری تاریخی خود بمرحله وحدت زبان، وحدت سرزمین، وحدت زندگی اقتصادی و فرهنگی رسیده است. در اسیاری از کشورهای کم رشدی که امروزه بمارازه با استعمار و امیریالیسم هرای بست اوردن استقلال ملی برخاسته اند هنوز ملت‌ها - بمعنای مارکسیستی کلمه - شکل نگرفته و میرندی نشده اند. مثلاً در جمهوری گینه ساکنان این جمهوری در ای زبان واحد نیستند و اقتصاد شبانۀ بیرون را ایشان می‌دانند. که در عالم اروپا بخاتری در روزگاری شرط مقد ماتی پیدا ایش ملت بود - نرسیده است. اماد راث شرایط دوران ماجنبش ملی که در درجه اول بمعنای جنبش ضد استعماری واستقلال طلبانه و مشترک میان همه ساکنان جمهوری گینه می‌باشد در راین کشور اوج یافته و منجر با استقلال آن شده است.

در کشورهای کم رشدی کشیرالمه ای کماز مسلط استعمار و امیریالیسم رنج میرند عموماً کلمه "ملی" به همین معنای عالم بکار می‌برد. مثلاً در کشورهای اصلاحات استقلال ملی، "جبهه واحد ملی"، "رجال ملی"، "صنایع ملی" بهمین معنای مدد اول است.

بد یهی است که دوستداری هموطنان خود و هواداری استقلال کشور خود بهیچ وجه معنای دشمنی باد یگران و پسرهای براستقلال آنها نیست. اما روحیه استمارگری که در جامعه های طبقاتی حکم را است باعث میشود که افراد و قشرهای از جامعه - حتی جامعه هایی که در زیرسلطه استعمار است و پامیزند - خود را با ملت های دیگر ریک عرض نکنند و در عین حال که برای نجات و آزادی خویش با امپریالیسم مبارزه می کنند هواز استیلاجوقی دارد اشته باشند. اینان هرگونه برتری دیگران را برخود نفی می کنند ولی هرگونه ادعای برتری خود را برید یگران باشیونی کامل منعنه می کنند. این طرز تقدیر امانتا سیونالیسم بورژوازی مینامیم. نه ازین جهت که همه دارند گاشتیلرژواهستند بلکه از اینجهت که این طرز تقدیر امانتا هیت اقتصادی بورژواها و جامعه ساخته اند همچشم میگرد و سیله بورژوازی تبلیغ میشود. آن وقت بسیاری از کسانی که ممکن است از لحاظ طبقاتی پیوندی با آن نداشته باشند در داد آن گرفتاریم ایند. در هر صورت، افراد و قشرهای ناسیونالیست: «النچاکه با استعمار امپریالیسم در نبرد اند جنبه مترقب و سود مندد اند و از انجا که بمرحله اُ استیلاجوقی گام میگذارند جنبه منفی و زیانمند پید امی کنند. لین که بکوئیستهای شرق توصیه میکرد به ناسیونالیسم بورژوازی نوشهورد رکشورهای خویش تکیه کنند استفاده از همان جنبه مشت را در نظردارد (۱)».

نظریه استیلاجوقی برگران نه فقط بزیان بشیریت است که باید بانیوی برادری هر ابری بسوی آینده روش ردمپسپارگرد بلکه در درجه اول بزیان ملتها که مرشد است که از یک سو داعمه امپریالیستهای استیلاجوقی جو هستند و از مسودی یا از چنین نظریه ای الود شوند از امت های هم سنگرخود جد امی افتند و سنا چارد رسابر امپریالیسم ضعیف میشوند. از اینجهت وظیفه مارزان ملی ایران در درجه اول نمایند گان طبقه کارگر ایران است که با اتفاق رسانی اینها بمعنای اتخاذ روش دشمنانه نسبت بتوده ناسیونالیست های است بلکه بمعنای بحث و توضیح دستانه واقع آنها باند رستی ناسیونالیسم بورژوازی و آوردن آنها بوضع انتزاع ناسیونالیسم است.

آیا حزب توده ایران ملی است؟

اینکه بـ حزب توده ایران توجه کنیم آیا آنطور که مجله مذکور مدعا شده است حزب مملی نیست؟

- ۱- همه میدانند که حزب توده ایران مدافعان ملی خان و زحمتکشان ایران است و در زمانه نهائی خود میخواهد آنان را بکاره از قید استعمار آزاد گرداند. ولی این نکته نیز برکسی پوشیده نیست که بزرگترین لطمہ مدافعان خان و زحمتکشان ایران از جانب امپریالیسم وارد نمیشود. توده های زحمتکش میهن مادر زیر استعمار و گاهه قرارداد ارنده است که همچوین آنها استعمار امپریالیست هاست. پس حزب طبقه کارگر که مدافعان خان و زحمتکشان است در قدم اول باید مبارزه خد امپریالیستی و ضد استعماری باشد.
- ۲- بزرگرین پشتیان و مدافعان رژیم طبقاتی در عدویش ای از جهان، امپریالیست ها و استعمارگران هستند. از اینجهت هر حزب طبقه کارگروزان جمله حزب توده ایران که در زمانه نهائی خود خواستار تحول سوسیالیستی و ایجاد جامعه بی طبقات است مسلماً باید برگردان ریشه امپریالیسم و استعمار را وظیفه فرو خود بد آند.
- ۳- حزب طبقه کارگرد رعین حال که هیچ گاه مطالب طبقاتی خاص کارگران و زحمتکشان را ازدیده فرو نمیگذرد و پیوسته در راه آنها مبارزه میکند مطالب ایلات مذکور را در وان مبارزه ملی و ضد استعماری هم مواره در چارچوب صلح است این مبارزه مطراح میباشد. دلیل ان نیزههیم است که پیویزی در مبارزه ملی و ضد استعماری قد اول و پیش روی و شرط پیروزی قطعی در مبارزات طبقاتی است. در همین جاست که مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان شکل مبارزه ملی و ضد استعماری خود میگیرد (۲).

در گزارش هیئت اجرائیه کمته مرکزی حزب توده ایران به پنجم چنین میخوانیم:

«ذکر این حقیقت که عدد ترین مبارزه مادر وان کنونی عبارت از مبارزه برای تسامهین استقلال ملی است بآن معنی نیست که ما از هدفهای دیگر جنبش انقلابی مردم ایران منصرف شویم مبارزه همه جانبه حزب خود را فراموش نماییم. بعضی چون مبارزه ضد استعماری

- (۱) مارکس، انگلش ولین درباره انتزاع ناسیونالیسم پرلتاریائی "چاپ ۱۹۰۷ در مسکو صفحه ۴۴۵
- (۲) این ماقوته تونک بنام درباره استقلال و آزادی عمل در جمهوری واحد "فصل وحدت مبارزه ملی و طبقاتی" دیده شود. منتخبات بزیان روسی جلد ۲ صفحه ۳۷۳

عده ترین، عام ترین و پهناورترین مازاره است و اکنون لبۀ تیزجنبیش انقلابی مود میران متوجه امپریالیسم است ناگزیر کلیه خواستهای مردم را در جارچوب این مازاره عمومی قرار میگیرد و نیتواند هابد رکاردهمین مازاره عمومی و مشترک و موارزی با آن انجام گیرد. بنابراین واضح است که تعقیب هدفهای دیگری نهضت بشرط اینکه با توجه به عده ترین مازاره کنونی یعنی مازاره ضد امپریالیستی در کار آن انجام گیرد علی الاموال نیتواند با آن معارضه ای پید آنماید. ولی بهر حال این نتنه تیز مسلم است که در صورت بروز چنین تعارض احتمالی در مرحله کنونی، تقدیم با مازاره عمومی و مشترک ضد امپریالیستی است.

دیده میشود که حزب توده ایران بخاطرد فاع از منافع نهایی کارگران و زحمتکشان ایران چه اهمیت خطیروی برای مازارات می‌وصد استعماری قائل است. حزب توده ایران وظیفه طبقاتی خود میداند که پیوسته در شناسی حیثیت علم و ضد استعمای بحث کتند.

۴- حزب توده ایران انترناسیونالیست است یعنی باطقبه کارگر جهانی پیوند دارد. ولی طبقه کارگر جهانی در همه جایها مهربانی را در پیش می‌گیرد و هر ضریحه ای که در گوشش ای جهان بیکی ازین دنیو وارد شود بسودید یگرچه خواهد بود. پس مبارزه با مهربانیست و پیشنهاد می‌گیرد که ازین دنیو وارد ماهیت انترناسیونالیستی حزب توده ایران سرچشمه می‌گیرد.

منظور نشان داد ن این نکته است که اگر حزب توده ایران خود را مهار شد پسگر راه استقلال ایران و دشمن سرشت امپراطوریسم میداند و خود را بین معنای ملی مشهارند این بهمچوشه با خاطرفرب این و آن و یا رشوه اید علویزیک به فلان حزب و جمیعت نیست و اجانب تاکتیک ندارد. ملی بودن حزب توده اید ایران - بمعنایی که در را الگوییم - خاصیت مرشت است. فقط حزب توده ایران میتواند چنین پیوندهای استوار و همه جانبی ای بالنت داشته باشد و اینچنین عقایمله میباشد.

مجله وابسته به "سویالیس" چنین مینویسد:
 "جبهه ملی دشراپیتی بوجود آمد (در سال ۱۳۲۹) که هیچ حزب و جمعیت سیاسی برای
 مبارزه علیه امپریالیسم برنخاسته بود و آنکه نه سال از سقوط دیکتاتوری میگذشت و شرایط
 اجتماعی و سیاسی سی مساعدی برای مبارزات ملی و ضد استعماری فراهم بود هیچکی از احزاب
 و نیروهای سیاسی در راه تحقق استقلال ملی و اقتصادی ایران جنبشی را آغاز نکرد و بود."
 ولی گویانویسند فراموش کرد ه است که از سال ۱۳۲۱ روزنامه ای در ایران منتشر میشد که یکی از شعار-
 های ثابت سرلوحة اش چنین بود: "برعلیه هرگونه استعمارکشوار ایران مبارزه کنید." این روزنامه، روزنامه
 رزبه ر ارگان مرکزی حزب توده ایران بود که از سال ۱۳۲۶ بعده جای خود را بر روزنامه مردم داد.

حزب توده^۱ ایران پیش از انتشار روزنامه رهبرد رسالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ روزنامه مود خد فاشیست را منتشر می‌ساخت که وظیفه عده آش^۲ چنانکه اعزوناوش پید است – مازرخ بر ضد فاشیسم یعنی ارتضاعی ترین مظهر سیاسی و اجتماعی امیریالیسم بود. در آن روزگار اروپا زیور امن فاشیست های هدیتاری دست و یا میزد و آزاد مرد ادنی که با استقلال و آزادی میهن خوش و فاده ارماد بودند رارد و گاهه اجان می سپردند و رکوه های آدم سوز می‌سوختند. فاشیسم، این د شمن خونخوار مل تائزد یک دروازه های کشور مابه پیش تاخته و دست ایادی و جاسوسیان خود را برای دست ارک قبضه کرد نقدرت بود . سرنوشت میهن مادر هر مرض خطر جدی قرار داشت . ولی متأسفانه ظلمت خطربعلت وجود بیست سال زیم جهالت گستر خشاخان که افکار عمومی را در تاریخ نگهد اشته بود و همچین بحث قدر امن مطبوعات د موکرانیکت بخوبی احس نمیشد و این امر بسر حدت خطربعلی افزود . در چین احوالی حزب توده^۳ ایران روزنامه مود را بعنوان مشعل سیاسی و پرچم مازرخ با فاشیسم برآفرانست . حزب توده^۴ ایران د رهبریه با فاشیسم نه فقط وظیفه انترا سیونالیستی بلکه در عین حال وظیفه ملی خود را در حراست استقلال و آزادی ایران از تعرض برد ه سازان هدیتاری بانجام رسانید . آیا خاطرد اردی که پس از شهریور ۱۳۲۰ عامل کود تای ۱۹۹ با چه تشریفاتی بکمل امیریالیسم انگلستان بایران بازگشت؟ آیا درست نیست که استقرار اور حکومت بمنزله تحکم سلطه امیریالیسم کهنه کارانگلستان در ایران بود؟ واپی متوات منکر شد که در شکست وی و اریان بشیخ حزب توده^۵ ایران نقش عده ه را برعیدد است؟

اگر صحیح است که کلیه د ولتهاي که پس از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون بر سر کارآمد هند (جزد ولست دکتر مصدق) همگي از استعمارگران امریکا و انگلستان الهام میگرفته اند پس حزب توده ایران که بشهادت واقعیات انکارنا پذیرتاریخ، نیرومند ترین هموارد این د ولتهاي بوده است در عین حال بطور پیگیها استعمارهارزه کرد و واژاین راه درجهت تحقق استقلال ملی مکالم برد اشته است *

داد رصد د یاد آوری حوادث پیشمارگذ شته نیستیم یعنی خلاصه، در تاریخ کشور ما پس از شهریور ۱۳۲۰ هیچ توطئه امپریالیستی را در ایران نمیتوان سراخ کرد که حزب توده ایران در افشا و خنثی کرد نان بمارازه راسخ بی تزلزل و اشتی تا پذیرد است نزد باشد *

استعمارهی چگاه در تشدیص اینکه حزب توده ایران بعنوان نماینده ثوره های زحمتکش ملت می بازد گرین و ثابت قدم ترین دشمن اوست اشتباه نکرد ه است . ولی بسیار جای تا سف است که یک مجله ایرانی در تشدیص واقعیات تاریخ کشور خود د چار اشتباه شد ه باشد . مجله مورد نظرمانه فقط حق حزب توده ایران را اندزد ه بلکه برای آنکه حق تقدیم براجی جمهوری ملی ایران در بارزه خدا امپریالیستی قال شد ه باشد مبارزات قهرمانانه ملت مراد رطی ده سال ندیده گرفته است ! همین مجله در حیا د یگرد ریارة جمهوری ملی مینویسد : « این پدیده اصلی از طبیعت جامعه ایران ریشه گرفت » .

در اینجاد واصطلاح بکار رفته یکی « اصلی » و یکی « طبیعت جامعه ایران » که نه فقط در مطبوعات دوستان جمهوری ملی مابله در تبلیغات دشمنان شترک مانیزد راین اواخر شیوع زیاد یافته است . شاه هم در ریکاب خانه ای از تخدود و در مواجهه های پیش بارهایه جاییت جامعه ایران اشاره کرد ه است . از اینجهت لازم می آید که یک بار معنای این د واصطلاح توجه کنیم .

« طبیعت جامعه ایران » یعنی چه ؟ اگر من از ایران اصلی از اصطلاح کیفیت کنونی جامعه ایران است در آن صورت میتوان آن را درست دانست . جامعه ایران مانند هر جامعه دیگر از ارای کیفیت خاصی است که باید مورد مداله قرار گیرد و هر حزب سیاسی باید برنامه عمل خود را بای توجه باز تنظیم نماید . ولی کسانی نظری شاه ایران از این اصطلاح معنای د یکی در نتاره اند . آنها میخواهند تلقین کنند که جامعه ایران دارای طبیعت تغییرناپذیری است . جامعه ایران دارای کیفیتی است که همیشه همین بود و همیشه همین خواهد بود . و خلاصه این کیفیت در نظرانان - که گاهی آشکارا کفر از رهان ابراز میشود - عبارت از زیم استبدادی و سلطنتی . آنها میگویند که اگر ایران در طی چند هزار سال تاریخ خود همواره حکومت استبدادی و سلطنتی داشته این امر لیل آنست که طبیعت جامعه ایران جزا نیز بود .

آیا این استدلال درستی است ؟

در ک این نکته محتاج بحث زیاد نیست که هیچ جامعه ای کیفیت ثابت ندارد . هر کس که « کامل جامعه بشری را بول دارد طبیعت ای این نتیجه گیری رانیزی قبول داشته باشد . بشرنا امور زد و روان جامعه د و مانی » بودگی ، فعدالی ، سرمایه داری و سوسیالیستی را بخود دید و در آستانه نظام عالی کنونیستی ایستاده است . حکومت نیزد رزمانهای مختلف و در مالک گوناگون شکل های متعدد از استبداد مطلق ، سلطنت مشروطه ، جمهوری د موکراتیک و جمهوری سوسیالیستی خود دیده است و با هم سرو شت تازه ای در بی دارد . ما حکومت های نظریات اتحاد شوروی و امریکا و انگلستان ، فرانسه و آلمان را شال نمی آوریم . کشورچن را که از لحاظ قد مت تاریخ و اقول د و روان حکومت سلطنتی همانند وطن ماست در زمان میگیریم . تا پیش از جنگ اول جهانی بد ون تردید مرتعان آنجا نیز استدلال میکردند که چین در راهی چند هزار سال تاریخ خود همواره حکومت استبدادی و سلطنتی داشته و این امر لیل نیست که طبیعت جامعه چین جزا نیز بود . اگری نمی طالبد . ولی تاریخ براین پذار غلط پشت پازد ، طومار سلطنت چین در هم نورد دیده شد و پرچم جمهوری تسوده ای افراشته گردید .

جامعه ایران نیز مسلمان رهیمن جیب رهسپار است . نظام کننده اجتماعی ما بستن یک تحول عظیم است و این تحول بدون تغییر شکل حکومت امکان پذیر نخواهد بود . انقلاب مشروطیت ایران با همه نقایصی که داشت کیفیت تازه ای در شکل چند هزار ساله حکومت ایران وارد کرد پیرکسانی که قد مت حکومت محمد

علیشاہی راد لیل بات آن میدانستند تازیانه عمرت نواخت. لیکن انقلاب مشروطایت، نفعاً پایان نیست بلکه آغاز مرحله جدیدی است. وهمه این تحولات از طبیعت جامعه ایران سرچشمه میگیرد که خود بنا چار د مرعرض تغییرات مدام قراردارد.

پس استدلال به ثبات طبیعت جامعه ایران استدلال بی پایه ای است. این استدلال غلط بسود پوسیده ترین طبقات اجتماعی کشور ما و شخص محمد رضا شاه تمام میشود و ماتزدید نداریم که همه مبارزان شرافتمند جبهه ملی ایران با چنین نتیجه گیری از جان و دل مخالفاند. ولی معذلك در برخی از موارد بکنه استدلال ونتایج حاصل از آن توجه نمی کنند.

امار برای اصطلاح "اصیل" تفصیل کلام لازم نیست. این اصطلاح فقط بمنظور نفاق افکنی در نیروهای ملی اختراج شده است. سابق اعیان و اشراف ایران از "اصالت نسب" صحبت میکردند و آن را وسیله تفاخر قرار میدادند. حالا اگر نظریه همین مفهوم را میخواهند در مردم احزاب سیاسی بکاربرند در آن صورت باید گفت که در نظر هر همین پوستی دیجی خوبی و جمعیتی اصیل ترا آزان حزب و جمعیتی نیست که از تبدیل مردم، از میلیونها کارگرد هفغان ایرانی سرچشمه میگیرد. وحرب تبدیل ایران باعتراف دارد من چنین خوبی است. اما هرگز حزب ما این افتخار را وسیله تفاخر نمیسازد، دیچیگاه همین پوستی واستقلال؛ الی رام من سرخود نمیداند و پوسته با سایر نیروهای ملی به همانی واحترام مینگرد. انتشار از اسما بیمار زان راه خلق نیز نیست که نکارند دشمن با مغالطه و سعایت و اصطلاح بود ازی های خود باعث تفرقه زبان مندد رسین ما و آنها گردند.

وطن و وطن پوستی

بحث راجح به "ملی بودن" از بحث راجح به "وطن پوستی" جد اندیشت. در مجله مورد نظر مانیزد راین باره صحبت شده است. از این بحث خوست یک بارگروشن شود که وطن پوستی و وطن پوستی است. زمامداران ایران که بدروع از وطن پوستی د میزینند هیچگاه حاشیه نیستند مفهوم وطن پوستی روشی شود. زیرا هدف آنسا باز غنای وطن پوستی فقط گنی کردن مردم است. بعثتی آنسا باز وان مانند پوسته های است که باید در آنچو عظیمت آن سریزیر فکند و قرآن داد و حجیج نکت و پوسته. باره از اینها می شوید که میگویند: "آخر یاد وطنی باشد: امن و شما اگر هم با هم دعوای داریم درد اخی آن دعوای خود را حل کنیم." ولی نمیگویند که منظور شبان از این وطن چیست. باید باشد اسما و داد. باید پرسید که آیا منظور شما از وطن فقط آب و خاک و کوه و جنگل و روی ایران است؟ در این صورت متوجه باشید که این پدیده های جای بایعی قرنهای پیش باشد در وجود آن بی تائیه است. بقول سعدی:

وجود خالق مدل کنند ورنه زین
همان ولاست کیم. سرواست وملک تبار

اگر وطن را بعنای سر زمین بگیریم هیچ لحاظه ای از سلطه دشمنان ملی ایران وارد نخواهد شد. شاید منظور شما از وطن آن محیط فرهنگی و اجتماعی و میانی موجود است که شمار رخاخ ایران برپا کرد. بدینهای ماده این محیط چیست.

محیط فرهنگی موجود عبارت از سیساد اکثریت مقالق مردم، اشاعه خرافات و م僻ذلات، تبلیغ، پوستنیز و زور، خواری و درماندگی، انش پژوهان و داشهوان، محیط اجتماعی موجود عبارت است از یحقوقی توده های زحمتش، فقرسیاه میلیونها انسان شرافتمند، شروت بیکران یک مشت غارتگر، بیکاری، درسردی، بیخانمانی. محیط سیاسی موجود عبارت از فقدان هرگونه آزادی، اختناق اتفاق عمومی، تسلط فرمایه تین و تباہکار تین عنابر جان و مال و اندیشه مردم، حکومت خیانت پیشگان.

اینست آن محیط فرهنگی و سیاسی و اجتماعی که شما ایجاد کردید.

اگر منظور شما از وطن همین محیط است این وطن بشما از این دیرخوازه پاکی که در پای چنین پدیده پلیدی ریخته شود.

واقعه هم شما غیر از این وطن دیگر نداشید. آنچه معتقد میسی کیم میراث گرانبهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی است که پدران مادران سر زمین بوجود آوردند و اندیشه های برآمده ای که ما میخواهیم محیط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی یعنی وطن حقیقی مردم ایران را بسازیم.

میراث فرهنگی ماد بیان پرمفرز فارسی است که از قریحة زایندۀ ملت ایران سرچشمه گرفته و بخش

درخشانی ازادیات جهانی بشمارفته و خواهد رفت *

میراث اجتماعی و سیاسی مامن مبارزات مرد اند و پیگیری است که ملت ایران در طول تاریخ بزرگ استگری و مرای حفظ موجود بست و استقلال خود انجام داده است والهای مرد مبارزات امروز و فردا خواهد بود *

وآن محیط فرهنگی و سیاسی و اجتماعی که همیخواهیم بوجود آوریم محیط است که جزمناف و مصالح توده های مرد ایران مدد اعوضشانگی ندید اشته باشد . دفع از سرزمین ایران و حفظ حاکمت واستقلال کشور ربرا بر امپراطوری میگردید . که وظیفه مقدس هرایرانی است ازین هدف سرجشمه میگیرد . وکد ام ایرانی شرافتمند است که برای ایجاد چین محبیط و ساختمان چین وطنی از جان دل نکوشد *

پس در جواب هیئت حاکمه ایران که میگوید: " آخرای وطنی باشد تامن و شما اگر هم دعوای دارید در داخل آن دعوای خود را طی کنید " باید گفت که شما وطن مرد ایران را زیوی بوده اید . وطن داری شما موجب بیوطنه مرد ایران نگردیده است . مرد ایران فقط باراند اختن شما صاحب وطن خواهند شد (۱) . افشاء عماهیت دروغین میهن پرستی هیئت حاکمه یکی از اوضاع بزرگ میهن پرستان حقیقی است . زیرا که هیئت حاکمه از حسن میهن پرستی که دریند ملت مادر ارای ریشه های کهن و متواری است سوء استفاده میکند و با ایجاد هاله ای از بهرام و رویا در اطراف مفهوم وطن عده ای از هموطنان مارابه پیروی ازا غر اض پلید و وطن فروشانه خویش میکشند *

آیا میهن پرستی با انترنا سیونالیسم مازگار است ؟

میگویند چون حزب توده ایران انترنا سیونالیست است وطن پرستی اوجنبه تظاهردارد *

پس نخست بینینم انترنا سیونالیسم چه گفته میشود *

انترنا سیونالیسم عبارتست از همسنگی کارگران و زحمتکشان همه کشورها . واگرمه میگوئیم که تنها پرولتاریا میتواند پرچد ارجمندین انترنا سیونالیسمی باشد ازان جهت است که فقط پرولتاریاست که از هرگونه بهره کشی انسان از انسان دیگر ، از هرگونه نابرابری اجتماعی بد و راست و تباشیان فقط اوست که میتواند در راه باراند ختن بهره کشی انسان از انسان دیگر سود نهادن هرگونه نابرابری اجتماعی موجب بهم پیوستگی استوار افراد خانواده بشری گردد . انترنا سیونالیسم پرولتاریتساوی کلیه ملت هارا باید پرگطرح میکند . انترنا سیونالیسم پرولتاری از زحمتکشان کشورهای سرمایه داری دعوت میکند که بیاری ملت های اسیر شتابند و دست درست انها با هیئت حاکمه استعمارگر و مستعمره جوی خود به پیکار برخیزند . انترنا سیونالیسم پرولتاری مطرح میکند که منافع و مصالح هیچ خلقی با خلق دیگر تضاد ندارد . تضاد موجود زاید ظبطات استمارگر است نه زاید ظسوده - های زحمتکش . از اینجهمت برای پیشریت در سراسر جهان میتواند هاید یک متفعت و یک مصلحت عام ، یک آرزو و یک ارمان مشترک وجود داشته باشد که عبارتست از رهایی از قید استعمار و استثمار . متفعت و مصلحت هیچ خلقی نه فقط با این نکته تضاد ندارد بلکه در حکم جویاری از این جریان عظیم است . هر میهن پرست دوینی باید انترنا سیونالیست باشد و هر انترنا سیونالیستی طبیعت میهن پرست آگاهی است *

در نظر گیرید که بهزادی خواسته و سیله بهم پیوست مردم ایلات منفرد و باعث پدایش ملت واحد گردید . تئک نظری ها و تعصبات محلی در برایان تحول ناگزیر تاریخی تاب نیارود و در هم شکست ویا لاخره وحدت ملی پیوژشد . آن کس که تاد پیروز (میلاد فرانسه) خود را فلاماندی ، باربونی ، یا پروانسی میخواند با وسعت نظریستی بجهان نگاه کرد و خود را فرانسوی تامید . اینک پرولتاریاق م بعرصه گذاشت و مسئله " وحدت انترنا سیونالیستی را طرح کرد ه است . اگر فرانسوی بودن با فلاماندی بودن ، بربونی بودن ، پروانسی بودن مذاقات ندارد امروزه پرولتاریا و سیله بهم پیوستن تمام زحمتکشان و مردم شرافتمند جهان گردید و بشریت را بصورت یک جریان واحد بسوی اقیانوس پیشناور زندگی میکشاند و باستگی باین جریان عظیم انترنا سیونالیست را بحث میتوان مراجعه کرد به : " میلیتاریسم پرخاشگر " اثر لینین جلد ۱۵ صفحات ۲۷۶ و ۲۷۷ (۱) در مردم این بحث میتوان مراجعه کرد به : " میلیتاریسم پرخاشگر " اثر لینین جلد ۱۵ صفحات ۲۷۶ و ۲۷۷ "اعتراضات گرانبهای پیتربیم سروکین " اثر لینین جلد ۲۸ صفحه ۱۶۷ - " میهن پرستی و سوسیالیسم " اثر پلخانف جلد ۳ صفحه ۹۸ تا ۹۸ - " جای حزب کمونیست چین در جنگ ملی " اثر مائوتسله توئنک جلد ۲ صفحات ۴۴۲ و ۴۴۳ - منتخبات زان ژوهین بنیان فراتریه جلد اول صفحات ۴۹ تا ۵۱ *

نال بهیچوجه مفاوته‌ای ایرانی بودن، عرب بودن، هندی بودن، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و هلندی بود ندارد . انترناسیونالیسم مقام جدیدی از ارتقاً بشیری است . انترناسیونالیسم نه فقط نفی کنندۀ وطن پرستی و خدمت بخلق خود نیست بلکه آن را ایجاب می‌کند . فقط آن کن که خدمت‌آزاد رخور و روشینین خلق خویش است میتواند انترناسیونالیست شایسته‌ای باشد (۱) .

مائوئسه توفگ دریک جامپرسد : « آیا یک کمونیست بمنزلة انسان انترناسیونالیست میتواند رعیتن حوال وطن پرست هم باشد؟ » و سپس جواب میدهد : « بعقیدۀ ماهه فقط میتواند بلکه باید باشد (۲) . درصارماکه ارد و گاه عنایی از کشورهای سوسیالیست بوجود آمده، نهضت رهایی پیش‌ملت‌باهر روز ثمرات تازه ای ببارمی‌آورد ، مبارزات کارگران و زحمتکشان کشورهای سرمایه داری هرروزد امنه و سیعتری می‌یابد انترناسیونالیسم پرلتزی نیروی شرف و می‌سایقه ای پدست آورده، امکانات تازه ای برای آزادی خلق‌های اسیرای جاد تردۀ و صورت و شیوه مطمئن برای پیروزی آنها در آمده است . کدام میهن پرست است که کشور خود را از استفاده از این امکانات بکار رانگنهاد است؟ وظیفه هر میهن پرست ایجاب می‌کند که بدون تردید در صفا این انترناسیونالیسم نجات بخش قرار گیرد .

درینچه سال پیش زان‌ژورن چنین مینوشت :

« ازین بعد انترناسیونال وطن بهم پوسته شده اند . استقلال ملت‌ها میتواند در انترناسیونال برای خود بالاترین تضمین را باید مورملت‌های مستقل است که نیرومند ترین و والا ترین ارگان‌های انترناسیونال قرار گرفته است (۳) .

امروز این حققت نه فقط هرود تا بید مارکسیست‌های جهان بلکه همه عناصر ملی و گاهه است . برای مثال میتوان قسمی از گفتار اخیر مکرسوکار نیرویین جمهوراند وزیر را ذکر کرد . وی در کشاورزی "کفرانس بین‌المللی" دانشجویان برای هم‌ستگی بخطاط ارادی ایران غریب "در ۱۵ ماهه مه چنین گفت :

امپریالیسم دارای جنبه بین‌المللی است . امپریالیسم نه فقط در ایران غریب حضور ارد بلکه در کنگو، در الجزیره و در سایر جاهانیزه است . امپریالیست‌ها باید یک گیری‌پوسته اند و ماد سیتاری یک گیر عمل می‌کنند . چنان‌هه بعضی از کشورهای مرسلۀ ایران غریب از هنلد پشتیبانی کردند . ازین‌جهت مبارزه اند وزیری در راه نجات ایران بین‌المللی برای مقابله با امپریالیسم باید گرتمحد شود .

پس انترناسیونالیست بودن حزب توده ایران به تنها از وجدان پرست اوتمنکا‌هد بلکه معنای عمیق تر و عالی تر و انسانی تری بآن می‌بخشد .

درباره استقلال حزب طبقه کارگر

مجلة مورث نشر مادی شده است که حزب توده ایران کورکرانه از مسکوتابعیت می‌نمند و از این جهت نمیتواند جنبه ملی داشته باشد .

اتهام "تابعیت کورکرانه از مسکو" بحزب توده ایران امروزی نیست . خاص‌حزب توده ایران هم نیست . آن را امپریالیست‌های رعورد کلیه احزاب طبقه کارگر جهان تکراز کرد و می‌کنند . این‌ت موجله‌ای که خود را سوسیالیست هم میداند این اتهام را تکراز کرد هاست . ذکر "سوسیالیست" بودن مجله ازان جهت لازم است که اتهام "تابعیت کورکرانه از مسکو" فقط به حزب توده ایران نیز مخورد بلکه لبۀ دیگرش متوجه حزب کمونیست اتحاد شوروی است . بدین‌ایست که تابعیت کورکرانه هیچگاه یعن طرفه نیست و با یاد طرف دیگری باشد که این تابعیت را بخرد و بپورش دهد . باید طرف دیگری باشد که بر رابطه فرماند شی و فرماتبری، خداوند گاری و بردگی ذی‌علاقه باشد . و اتهام فوق در واقع چنین علاوه ای را بحزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت میدهد و قابل توجه است که کسی خود را سوسیالیست بدند و چنان حزنی را بچنین اتهامی آورد و گرداند!

(۱) کمراجعه بفرمایید به نامه سرگشادۀ سوسیالیست‌های فرانسه در ۷۰ سال پیش در جواب اتهام بیوطنی، و نظریات انتقادی انگلیس درباره آن . جلد سوم مکاتبات انگلیس یا لافارگ .

(۲) "جای حزب کمونیست چین در جنگ ملی" جلد ۲ صفحه ۳۴۲

(۳) منتخبات زور من جلد اول صفحه ۱۹۰

یا باشد گفت رژیم سوسیالیستی اصلاد ردنیا وجود ندارد و رهمه جاریم واحدی باما هیت امیریالیستی حکمران است و یا باشد قبول کرد که جهان بد وارد وی تضاد سوسیالیستی و امیریالیستی تقسیم شده است. خود این مطلع "سوسیالیست" از "سیاست خارجی دوپلیتی" سوسیالیستی "صحبت داشته و نوشته است که "کشورهای سوسیالیستی (اصل همنزیستی مسالمت آمیز) را ملحوظه سیاست خارجی خویش قرارداده اند" ، و در جای دیگر تا مید کرد که "درواقع رقابت و مخاصمه سیستم امیریالیستی با اولین کشور سوسیالیستی جهان که در زمان پیش تضاد بین المللی درجه اول را شکل نمیداد امروز عالی ترین وزنگرین تضاد بین المللی است". از این پرسید که چه تفاوت اساسی بین این دو سیستم وجود دارد؟ چرا بقول شنمسازگرین تضاد بین المللی درین این دو سیستم پدیده شده است؟ اگر این هردو ارد و استعمالگراند پس چرا شلانگستان و امریکا که اینهمه با یکدیگر برخود منافع دارند همیشه دریک طرف اند و کشورهای سوسیالیستی دریک طرف؟ چه چیزی باعث وحدت و یک پارچگانی استواره بیخد شده کشورهای سوسیالیستی است؟ اگر قدرت بعضی و ناتوانی بعضی دیگر بقفل شما - موجب ایجاد این وحدت و یک پارچگانی است پس چرا این گفته هیچگاه نمیتواند درین کشورهای ارد وی امیریالیستی بوجود آید؟ چرا قدرت امریکانیتواند درکشورهای تحت نفوذ او وحدت و یک پارچگانی ایجاد نماید؟ اگر ما هیت این هردو ارد ویک است پس چرا اکثر کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و نوستقلال چشم نظر ارتو نقشان بسوی ارد وی سوسیالیستی است و هیچگاه دیده نشده است که یک دولت انقلابی رو بسوی امریکا بیارود؟

مسلمان فقط یک پاسخ میتوان باین پوشرهاد اد و آن اینست که کشورهای ارد وی سوسیالیستی از ریشه با استعمار شمن اند، در روابط خارجی خود با یکدیگرها بیرونیت ها اصل احترام متقابل و تساوی حقوق و مباربری را منقارنارمیدند، ریشه استیلاطلیبی را زیست خارجی خود براند اخته اند، یارکشورهای آزادی طلب و صلح جوhestند.

اگر این واقعیت مورد قبول است در آن صورت "تابعیت کوکوئنه ازمکو" برای هیچ حزب و دلتی اصولنامه واند محلی پیدا کند.

کسانی که اتهام فرمانبری یعنی شخصیتی سیاسی بحزب توده ایران نسبت میدند چهار رنگ رنگی آورند که فرمانبری یعنی شخصیتی همیشه از علاقه بجلب مبالغ خصوصی سرجشمه میگیرد. ولی حزب توده ایران در طی بیست سال نشان داده است که هزاره اثربخش اخاطر هدف های عالی و دو هزار گونه حسابگری های خصوصی است. اگر حزب توده ایران از خود شخصیت سیاسی نداشت و دری جلب منافع غیر از منافع مردم ایران بود، اگر حزب توده ایران دنبال اریاب و خداوند گارمیگشت چرا از زورزنگست دنبال اریابان و خداوند گاران مسلم و شناخته هیئت حاکمه ایران نیفتاد؟ مگر میتوان منکرشد که هیچ حزب و جمعیتی باندازه حزب توده ایران تحمل زیانهای جانی و مالی نشده است؟ مگر قابل تردید است که اینهمه جانی از افراد اکاری ممکن نیست از این چنین نیروی معجزه آساد اشته باشد. یگانه مقام عالی که برگفاره و فتار حزب توده ایران و هر حزب دیگر طبقه کارگر حاکم است اصول مارکسیسم - لنینیسم است وسی.

حزب توده ایران هیچگاه عشق بی پایان و احترام بی خد شه خود را بخانوار احباب کارگری و کمونیستی و پیش از همه بحزب پر اختار کمونیست اتحاد شوروی نپوشاند است و نه بوشاند. ولی عظمت معنوی این پیوند در همین است که هیچ گونه مشاهده و مید اد یکی جز برادری و مباربری و مداداقت و صراحت ندارد. چگونه میتوان مارکسیست بود و هر حزب لینین، حزب معلم زحمتکشان جهان، حزبی که یارهبری ا و تراز رسمنگون شد، در جبهه امیریالیس شکاف افتاد، نخستین دولت سوسیالیستی بوجود آمد، در یک شش روی زمین سوسیالیسم بناند، درین انقلابات سوسیالیستی و ملی یه پیش آمد، فاشیسم در رهم شکست، حزبی که هم اکنون ساختمان کمونیسم را در کشور شوروی رهبری میکند و پرچم اریزگ صلح جهانی است عشق و احترام نداشت؟ حزب کمونیست شوروی در این مبارزات تاریخی خود دارای غنی ترین تجارب و سخن انقلابی است و عملت اعتبار پنهانی و نفوذ کلام وی در زندگانی احباب کارگری و کمونیستی جهان همین واقعیت است. همه احزاب کمونیستی و کارگری جهان دارای ابد علویتی مارکسیستی هستند و فکران از مبدأ واحدی سرجشمه میگردند. از طرف دیگران اهیچ هدفی جزت جات طبقه کارگر و همه خلق ندارند. طبقه کارگر هیچ

کشوری دارای منافع متفاوت با منافع طبقه کارگرکشورد پیگرد نیست تا مایه پیدا شد تضاد درین احزاب طبقه کارگر باشد. از این جهت ماهیت اردی احزاب کارگری و کمونیستی علی الاصول مقتضی هم اهنگی و وحدت ویک پارچگی است. نیروی این ارد و نیزه‌هاین است.

د شمنان طبقه کارگرای نکته هم را بخوبی درک میکند و تلاش آنها از همه جانب متوجه تلاشی نیروی مذکور است. آنها چون میدانند که حزب کمونیست شوروی در مرکز احزاب کمونیستی و کارگری قرار دارد ضربات خود را در رده اول برای ابطه حزب کمونیست هر کشوریا احزاب کمونیست اتحاد شوروی وارد می‌آورند و اتهاماتی از قبیل "تبیعت کوکرانه ازمکو" را برای همین نظرخواه مود یا نه ساخته و پرداخته اند.

امیرالیستها شیوه تبلیغاتشان اینست که سیاست کلی و عمومی اتحاد شوروی را که انطباق کامل آن با مصالح و آزادی و استقلال ملت‌های غیرقابل انکار است از دیده های پرکارگری‌های و مکوشند که اگر رگوشه ای نقطه مهم وقابل تفسیر و تعبیر وجود دارد آن را بیرون پکشند و انکاه بزرگ کرد و سیله بجهال و اتخاذ روش دشمنانه نسبت با اتحاد شوروی گردانند. اما حزب توده ایران افتخار دارد که هیچ‌گاه در این فریبد شمن گرفتار نیاده است. روش حزب توده ایران یک "تبیعت کوکرانه ازمکو" نیست بلکه پیروی آگاهانه از اصول انتراپسیونالیسم پرلتاری و برادری و پرایری احزاب کمونیستی و کارگری است.

پس از رجاست که این بحث را بختان پوغمزنی که رفیق خروش چفدرنگه ۲۱ حزب کمونیست اتحاد شوروی در معهد روایت مقابل احزاب کمونیستی و کارگری ایجاد کرد پایان بخشیم. وی در افشا اتهام رومبیو-سر نیست های یوگوسلاوی که احزاب کمونیست و کارگری جهان را بعد از استقلال و به تبیعت از حزب کمونیست اتحاد شوروی متهم می‌سازند چنین گفت:

"لازم است تا گذید شود که در جنبش کمونیستی و هم‌جنین دارد وی موسیالیستی، کلیمه احزاب کمونیستی و کارگری و کلیه کشورهای موسیالیستی ازتساوی حقوق و استقلال کامل برخورد ار پوده و هستند. حزب کمونیست اتحاد شوروی در واقع هیچ‌جزی را همیز نمیکند و د ولت شوروی کشورهای دیگر را همیز نمی‌کند. در جنبش کمونیستی، احزاب "زید است" و "زیرد است" وجود ندارند. همه احزاب کمونیستی و کارگری با یکدیگر برآورده و مستقل اند و همه آنها در سرنوشت جنبش کمونیستی، در پیروزی و ناکامی های آن مسئول اند. هر حزب کمونیستی و کارگری در پر ابر طبقه کارگر روز محتمکشان کشور خود، در پر ابر تماهی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری مسئول است. احزاب کمونیست د رباره بخاطر منافع طبقه کارگر و بخاطر موسیالیسم، حقایق عام مارکسیسم - لینینیسم را با شرایط مشخص تاریخی و ملکی کشور خود شنا بهم پیوند میدهند. فقط حزب مارکسیستی - لینینیستی که با طبقه کارگر، بامد م کشور خویش پیوند دارد میتواند شرایط مشخص مبارزه را باید، فقط امیتواند خط مشی سیاسی را که با این شرایط و استنایی جنبش کارگری همان کشور متناسب باشد تنظیم کند. عمل اهمیت نمی‌نماید. کلیه احزاب کمونیستی و کارگری بر اساس استقلال کامل و اصول انتراپسیونالیسم پرلتاریائی، بر اساس همیستگی د او طلبانه و کل مقابل، زندگی و مبارزه می‌کنند."

حل مسئله ارضی در کشورهای کم رشد

در سالهای پس از جنگ دوم جهانی حل مسئله ارضی در کشورهای کم رشد بیند ریچ در دستور روز قرار گرفت. در عده زیادی از کشورهای مزبور از برمه و کامبوج و سایر کشورهای جنوب شرقی آسیاتاترکیه و عراق و حتی ایران در خاورمیانه و از متروپولیس تا کهوا و سایر کشورهای امریکای لاتن یک رشته اصلاحات ارضی بعمل آمد و هنوز هم این اصلاحات که بهر حال نشانه حدت مسئله ارضی است در کشورهای مختلف کم رشد ادامه دارد. دامنه این اصلاحات حتی بد ورتین کشورهای کم رشد مانند کنیانزیکشیده شده است. توسعه و گسترش دامنه این اصلاحات نشانه توجه خاصی است که بهر حال بمسئله ارضی ابراز میگردد.

این توجه معلول یک رشته عوامل عینی خارجی و داخلی است.

نفوذ امپریالیسم در کشورهای کم رشد روابط جدیدی - روابط کالائی - پولی راد راین کشورهای با خود بهمراه آورد. احتیاج استعمارگران و سپس امپریالیست هایه نیروی کارویازاریا یه های اقتصاد طبیعی را از طرق مختلف در این مالک در هم شکست. هجوم کالاهای خارجی باین کشورها صنایع خانگی را در چار و پیشکش ساخت و برای این کالاهای بازارهای معادن و صنایعی که درست خارجیان قرار داشت نیروی کار "ازادی" فراهم کرد. روابط سرمایه داری بتد خود را در راین مالک باز کرد و مکامهای آهسته و ضعیف و بطریک جانبیه شروع به پیشرفت نمود.

هواه رشد سرمایه داری جوان ولی ضعیف بر جمعیت شهرها افزوده شد و خود این مسئله موجب افزایش تقاضای محصولات کشاورزی و تبدیل آن بکارگردید. اجاد ورشد صنایع که خود مصرف کننده محصولات کشاورزی هستند این پروسه تسریع کرد و میقیمت کاهش از تولید محصولات مصرفی، تولید محصولات تازه کشاورزی - صنعتی توسعه یافت.

سیستم عقب مانده کشاورزی دیگرستد ریچ قادرست این مواد مصرفی شهرهای نمیشد. بین نیروی مولد و روابط تولیدی جلوافتاده تر شهرهای روابط تولیدی کهنه دهات تضاد عمیقی بروز کرد و مسئله ارضی بصورت یک مسئله جدی در این کشورهای را درآمد. اجاد ورشد صنایع و پهنه بردازی معادن و ساختمان راههای ارتباطی چه از طرف امپریالیستها و چه از طرف بورژوازی داخلی بترا ریچ شهرهای را بردازی جاذبه ای برای جلب دهستانان درآورد (۱). دهستانان که تحت شرایط بسیار سختی بسرمیزدند نباشد یافتن کارومندگی بهتردسته دسته بشهرهای مهاجرت کردند و میکنند.

در ترکیه طی ده سال بیش از ۵ میلیون دهقان پیش رهایها جرت کردند (۲). در ایران طی سالهای ۱۹۴۹-۱۹۵۱ در حدود یک میلیون نفر شهرهای راوری آوردند (۳). در آرژانتین طی یازده سال یکصد هزار خانوار دهستانی بشهرهای کوچ کردند و در راجهای رسالیانه ۳۵۰۰۰ نفرهای اینجا میکردند.

این مهاجرت های از طرفی مصرف محصولات کشاورزی را در شهرهای لا میسد و از طرف دیگر سیستم های عقب مانده تولید کشاورزی که براساس کارابونه دهستان انجام میشود لطمه وارد می آورد و از قدرت تولید آن میکاست. این جریان، تضاد بین روابط عقب مانده دهات روابط جلو اقاده شهرهای را عیقتو آنرا دچار بحران میساخت.

این بحران باشد سریع جمعیت بطور کلی در کشورهای کم رشد تشدید میشود. جمعیت کشورهای کم رشد از اوائل قرن بیست و یاهنگ سرعی رو بازنشاهد. فقط طی سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۸ جمعیت این کشورهای رسالیانه پیش زیارتایش یافته است (۴) :

1) Lenin Werke Band 3 Berlin 1959 S. 28/29

2) Neue Zeit 1961/26 S.19

3) Bericht über Landwirtschaft. Band xxxix Heft 2 1961 S. 343

4) " " " " " " 3 1961 S. 340

آمریکای لاتن	سالیانه	% ۲/۲۵
افریقا	"	% ۱/۴۸
آسیا	"	% ۱/۴۰

افزايش جمعيت موجب افزایش تقاضا و صرف محصولات کشاورزی میگردد و حران سیستم تولیدی عقب مانده در دهات را تشید نمینماید. این بحران (که توضیح بیشتران وظیفه این مقاله نیست) در مجموع اقتصاد یات کشورهای کم رشد، در سرنشوشت تمام طبقات اجتماعی موثر میگردد و بطريقه که رفع بحران برای همه طبقات بصورت یك نیاز اجتماعی درمی آید.

امروز در کشورهای کم رشد یک مسئله ارضی بصورتی درآمده است که حل آن مورد قبول و توافق تمام طبقات است. امروز در این کشورها بحث پرسان نیست که مسئله ارضی یا بد حل شود زیرا در این مورد تمام طبقات از بیرون تاریخ تابعه روزایی و مالکین و امیری بالسیم هم صد استند بلکه بحث پرسان است که مسئله ارضی بچه طریق یا بد حل شود؟ درست در همین جاست که اختلاف نظرها اغایمیشود و طبقات مختلف هر یک میکوشند که برمبنای منافع طبقاتی خود این مسئله راحل نمایند.

این مقاله کوششی است در جهت بررسی اختصاری چونگی علاقه طبقات مختلف بحل مسئله ارضی، ارزیابی انتقادی راه حل هایی که طبقات مختلف برای این مسئله نشان میدهند و بالاخره بررسی راه حل قطعی این مسئله در گروههای مختلف کشورهای کم رشد.

نیاز طبقات مختلف بحل مسئله ارضی

بررسه تبدیل محصول کشاورزی بکالاکلیل از هر چیز بازندگی انبوه دهقانان مروط است. افزایش جمعیت این کشورها و عقب مانده محصول کشاورزی از شد جمعیت طبعاً محصول سرانه دهقانان را تقلیل میدهد. برای نمونه تولید سرانه دهقانان ایران را در مورد سه محصول گندم، جو و برنج در مردمت بیست سال (از ۱۹۳۴ تا ۱۹۵۰) ذکر مینماییم:

سال	گندم	جو	برنج
۱۹۳۷/۴	۱۰۵ کیلوگرم	۶۰ کیلوگرم	۳۵۰۲/۰ کیلوگرم
۱۹۴۷/۴	۱۳۹ کیلوگرم	۲۰۶ کیلوگرم	۲۲۶ کیلوگرم
۱۹۵۰			

همپای تقلیل تولید سرانه درآمد سرانه دهقانان نیز تقلیل می یابد. شکست صنایع خانگی قسمتی از این درآمد دهقانی را ناچار وارد جریان پولی - کالائی مینماید و بالنتیه دهقانی که زمانی شاید باد را مدد خود را عاشه بود امروز یکبار را مدد که مرتباً سیزده زیولی میبینید و تاریخ قسمتی ازان نیز با کالاهایی که سابقاً خود سازنده آن بود میاد له میگردد، دیگر قادر نیست زندگی خود نیست و قسمتی از سال رانا چارنیمه گرسنه میماند. این جریان که در همه کشورهای عقبهایه عمومیت دارد در هر دسته از کشورهای دهه کشیده میگردد. این شکل خاصی بروز میکند. در آنجاکه مالکین خصوصی انحصار اراضی را در دست دارند تبدیل محصول کشاورزی به کالا اگرچه فشارشده بود تردید هقانان و بسیر محصول بیشتر زانهای را عرضه بپارهای از این دست مالکیت خصوصی نیست این جریان موجب انحال کوتهای دهقانی و پر هم زدن نسق جمعی وايجاد مالکیت خصوصی میگردد.

فرد ائم التزايد دهقانان موجب سستی را بده هقانان با زمین میشود و هقانان برای نجات از این فقر نهاره جاره را ترک ده می یابند. صنایع و فعالیتهای شهری (راهسازی، خانه سازی و مثال آن) برای این دهقانان مراکز جاذبه اند ولی صنایع شهری در کشورهای عقب مانده بآن چنان وسعتی نیست که بتواند نیروی عظیم دهقانان مهاجر را جذب نماید. این مهاجرین بصورت ارتش بیکاران درمی آیند و اکثر ابراءی تائیین زندگی خود ناچار از تکی میباشند. این وضع ناهمنجرای دهقانان تحمل ناپذیر است. برای دهقانان تغییر این اوضاع یعنی حل مسئله ارضی یک بصورت یك مسئله حیاتی درآمده است. نهضتهای دهقانی بخصوص رسالهای بعد از جنگ دوم جهانی در هند و سلطان، ایران، عراق، مصر، کنیا، و اغلب کشورهای

امريکاي لاتن نشانه تارضايتي كامل د هقاتان وعلاقه آنهابحل مسئله ارضي است . در اين کشورهانهضتهاي د هقاتان گاه بچنان وسعتي ميرسيد که موجود يت مالکين رابکاري درخاطره قرار ميد . درست بهمیند ليل قشري ازما لکين نيزتا چارا زابراز علاقه به اصلاح ارضي ميرگردد . آنهابصرف با خاطر ترسکين نهضت هايد هقاتان وايجاد محيط آرام برای ادامه غارتگری بيك نوع اصلاح ارضي نيازدارند و آنرا در شرابط امروزي لازم ميشمارند اما فقط اين د وسیروي اجتماعي يعني د هقاتان والکين نيسند که بحل مسئله ارضي (منتها ازد وجهت کاملا متضار) علاقمندند بلکه ساينرس و همانز باين امر علاقه دارند .

پرولتاريای کشورهای عقب ماند نيز از وضع بحراني سیستم کشاورزي لطمه مي بینند . هجوم د هقاتان بشهرها و ايجاد ارتش بيکاران موجب تيزيل دستمزد کارگران ميرگردد . عدم تطبیق عرضه با تقاضا می محدود است کشاورزی موجب افزایش قيمت اين محصولات بطوري مصنوعي و بودن سهم بيشتری از مرد کارگران بعنوان خراج بالکچير ميشود . برهم خوردن اين وضع که توأم بتأمين کاربرای د هقاتان مهاجر و شبيث وضع د هقاتان در دهات و پائين امدن قيمت محصولات کشاورزی است از لحاظ اقتصادي بتفع نگارگران است و همین دليل نيز پرولتاريای اين کشورها بحل مسئله ارضي علاقمند ميشوند . ولی علاقه پرولتاريای حل مسئله ارضي صرفهاي علاقه اقتصادي نيسن ، بلکه پرولتاريآ زاماً موریت تاریخي خود يعني رهبری انقلاب د موکرایيك در کشورهای کم رشد آگاه است . اجرای اين ماقویت تاریخي جزء من اتحاد مستحكم باد هقاتان ممکن نيسن ولی پرولتاريها فقط در صورتی متواند انبوه د هقاتان را جلب نماید که از خود داراي برنامه ارضي راد يکال بود و برای اجرای آن کوشش نماید .

بهمین جهات امروز حل مسئله ارضي پرولتاريای کشورهای کم رشد نه فقط از لحاظ اقتصادي بلکه از لحاظ سیاسی نيز بصورت يك مسئله اساسی و محياتی درآده است . بورژوازی کشورهای کم رشد نيز بحل مسئله ارضي علاقمند است . قلت عواید د هقاتان موجب صفع قوه خريد ابتهه مردم و النتیجه تکي بازار خارجي ميرگردد . خود اين مسئله مانع جدي در راه رشد بورژوازی و تأمين شفاف است . انحصار محصولات کشاورزی در دست مالکين و فرزونی تقاضا بر عرضه موجب ايجاد قيمت انحصاری و گران برای محصولات منزه ميرگردد . بورژوازی صنعتي که صرف کنند د محصول کشاورزی است تا چارقىست عدد مخارج توليد خود را يابد بخرید مواد اوپيشه اختصاص دهد . در مصر ۵۰٪ مخارج توليد نساجي با ت خريد مواد خام يعني پنه و در ايران ۱۴٪ مخارج توليد صنایع قند بابت خريد چغند رپود اخت ميرگردد (۱) . اين وضع برای بورژوازی تجاری که بكارصاد رات محصولات کشاورزی اشتغال دارد نيز صادر است .

موانعی که مسئله ارضي در راه رشد بورژوازی بطوري کلی بورژوازی صنعتي بمنظور خاص فراهم ميکند چنان سنگين است که عملا موجب عقب ماندگي صنعتي اين کشورها ميرگردد . اين واقعيت که در رسال ۱۹۶۰ حجم توليد صنعتي کشورهای کم رشد فقط ۱۳٪ / ۱٪ مجموع حجم توليد صنعتي جهان سرمایه داري و خاور ميانه با صنايع عظيم نفت خود فقط ۱٪ حجم توليد صنعتي کشورهای سرمایه داري را تشکيل ميد و انشان د هند " کامل اين عقب ماندگي است . برای بورژوازی حل مسئله ارضي بمعابه از ميان برد اشتئن موانع راه رشد و تکامل خود مطرح است و نفعي انتقاد ميکند که اين مسئله هرچه عيقتو را در يکال ترحل شود .

غیرازيان نيريدهای داخلي ، نيري خارجي مهمي که در زندگي کشورهای کم رشد نقش مهمي داشته و دارد يعني اميرياليسن نيز بحل مسئله ارضي علاقمند است .

حد و ديت جغرافياي بازارهای کشورهای اميرياليسن که محصول مستقیم پيدايش جهان سوسیالیسم است مونپلیهارا برجسته بوي بازارهای تازه و گسترش بازارهای موجود واد ارميکند . گسترش اين بازارها جز از طرق رفم ارضي و افزایش قدرت خريد د هقاتان قد ورنیست .

حد و ديت جغرافياي ميد ان سرمایه گزاری ، مونپلیهارا واد ارميمازد که فعالیت خود را مناطقي که هنوز درست دارند توسعه د هند و اماکن اين مناطق حد اکثر استفاده را بینمايند . اين انگيزه توجه آنها را بسرمايه گزاری های بزرگ در کشاورزی ملسايد سازی جلب ميکند . اما اين سرمایه گزارهای سنگين در شرابط موجود يت روابط مالکيت فعلی د رکشاورزی برای آنها مقرن بصرفة نيسن و به از ياد قدرت خريد

1) Review of economic development in the middle east 1950/51

د هقانان وگسترش بازارد اخلى منجر نمی شود . بنابراین از این لحاظ نیز امپریالیسم علاقمند به تغییر روابط کشاورزی یعنی به حل مسئله ارضی است . اما علاقه امپریالیسم ضمناً جهت سیاست معینی رانیز تعیب میکند :

جلوگیری از شد انقلاب و مبارزه عليه کوتیس .

در شرایط رشد معین کشورهای عقب مانده بطرف سرمایه داری ، در شرایطی که بورژوازی ، پرولتا ریا و د هقانان برای حل مسئله ارضی مبارزه میکنند و در شرایطی که منافع اقتصادی امپریالیسم نیز برا وابط عقب - مانده دهات در تضاد معینی قرار میگیرد ، دیگر ماکین بعنوان که نیروی اجتماعی در موقعیت نامطلوبی قرار میگیرد و نمیتواند بعنوان پایه اجتماعی امپریالیسم وظایف خود را بخشانیده ای انجام دهد . امپریالیستی ضمن اعتقاد بوقای اری آنها ناجارا پست پایاگاههای جدید اجتماعی برای خود ایجاد نماید (۱) . بین طبقاً موجود در کشورهای کم رشد بورژوازی تمثیل طبقه ایست که با خصوصیات خود و پویایی با خصوصیت د و گاه خود مورد نظر امپریالیسم قرار میگیرد . امپریالیسم ضمن کوشش برای جلب بورژوازی یا جناحی ازان و طرح اصلاحات معین واز جمله اصلاح ارضی سعی میکند که مبارزه اقلابی مردم را تزمیک و قول تروم منع سوق این ملل بطرف " حکوم استبدادی " و " دکترین های نادرست " گردد (۲) .

بنابراین امپریالیسم نیز بحل مسئله ارضی چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی علاقمند است و تحریبه با او موخته است که حمایت از مالکین منجر به ازدست رفتن تسلط وی بر این یا آن کشور کم رشد میگردد (نمونه چین) .

بطوریکه لاحظه میشود تمام طبقات از ماکین تا بورژوازی و امپریالیسم ، از کارگران تا هقانان دمه بیان نمیجده در مورد مسئله ارضی در کشورهای کم رشد میرسند - حل مسئله ارضی . ولی هریک از این طبقات میکوشد که این مسئله را بتفع خود حل نماید .

بررسی راه حل مسئله ارضی از طرف نیروهای غیرپرولتا ریائی

د راینچا لازم است بطور مشخص راههای که طبقات مختلف برای حل مسئله ارضی ارائه میدهند از اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد .

یک ارزیباقی که ناچار از قبول حکم حل مسئله ارضی است ماکین میباشد . بطورکلی ماکین بدنبال نهضتهای د هقانی و بورژوازی و پرولتا ریا برای حل مسئله ارضی خود را تاکثیر از پیدا کردن راهی برای حفظ و تقییت خود می بینند . در تمام کشورهایی که ماکین اتحصال اراضی را درست از دن چنین تلاشی بچشم می خورد . نمونه بر جسته این تلاش را میتوان در عراق قبل از ۱۹۵۸ میلادی لاحظه کرد .

دولت عراق در سال ۱۹۴۵ طی قانونی مقرر است که کلیه اراضی بی صاحب بین عده ۱ ازد هقانان تقسیم گردد . طبق این قانون که میا میست در ده سال اجر اگردد تقیریا ۵۰۰۰۰ هکتار زمین (از ۱/۶ میلیون هکتار اراضی مزروعی) بین عده محدودی ازد هقانان تقسیم میشود . بهرده هقان بین ۵ الی ۱۰ هکتار زمین میرسید (یعنی حد اکثر ۲۰۰۰۰ د هقان صاحب زمین میشدند) (۳) .

این رفرم هیچیک از مسائل اجتماعی ناشی از مسئله ارضی را حل نمیکرد . اراضی ماکین مورد کوچکترین تجاوزی قرار نمیگرفت . پویای آنکه این اراضی بی صاحب برای آنکه مورد بهره برداری قرار گیرد احتیاج ب تحمل مخارج فرآوان باطنور آبیاری ، زه کش و غیره دارد . عمل نیزین " اصلاح " کاری از پیش نبرد .

نوع دیگر اصلاح ارضی اصلاحی است که از طرف امپریالیستها پیشنهاد میگرد و از طرف جناحی از بورژوازی ملی حمایت میشود . هدف اساسی این رفرم ایجاد بورژوازیده و تبدیل تدریجی ماکین (در کشور) هایی که مالک وجود دارد () به بورژوازی کشاورزی است . ضمن این رفرم اراضی ماکین محدود میگردد و مزاد این حد بقشری از هقان تحت شرایط معینی واگذار میشود . در عین حال برای مجموع هقانان نیز امید بد ریافت زمین تا مدتی ایجاد میگردد و باین ترتیب صفت محدود هقانان مورد حمله مستقیم قرار میگیرد و کوشش میشود که این نیروی عظیم از صحنه مبارزه ولو برای مدتی خارج گردد . ضمن این اصلاح که توانم

1) John C.Campbell . Defence of the Middle east . New York 1959 P.270

2) U.S. Department of State , Publication 3719 . Jan. 1950 P. 97

3) Economic developments in the middle east 1955/56 N.Y. 1959

با پرد اخت اعتبار از جانب امپریالیستهاست بازار تازه ای برای محصولات خارجی از قبل تراکتور وسائل کشاورزی بازمیگردد. نمونه این رفمهای میتوان در ترکیه، پاکستان و ایران و هرخی از کشورهای خارود ورثت کا موج پرمه و هرخی کشورهای افریقائی و آمریکائی ملاحظه کرد.

مادر پاکستان رفم ارضی دیگر مراحل آخر خود را طی کرد و مرحله اجرای کامل را بدء است. از ۷/۷ ملیون هکتار برابر ۲/۵ آکر است (ارضی متعلق به مالکین) که تمدید آنها فقط ۱۰۰۰۰ انفرادی (در حدود ۲/۳ میلیون آنکه خرد اری و همانا وگذار شده است. انحصار اراضی در پاکستان باین ترتیب دست نخواهد داشت. مثلاً رایالت مولتان Multan هنوز هم ۹% اراضی در دست ۱۰% کسانی است که بکشاورزی مشغله دارند. این رفم در نهایت خود بشری ازد همانان زمین داده است و مالک مستقیم امریکاییها این قشر بتدریج به چشم نیز بروزی دهد تا خواهد گردید و مالکین سابق نیز برازش مجدد و یت نسبی اراضی شان از طرفی و کم شد تعداد هقانانشان از طرف دیگر یک‌سیزده بیان خواهند شد.

نمونه دیگر این رفم در ترکیه بعمل آمد. در این کشور اراضی مالکین به ۵۰۰ هکتار محدود شد. این محدودیت مسئله زمین را برای هقانان بی‌زمین حل نمود. هشت سال پس از تصویب قانون اصلاح اراضی هنوز در ترکیه ۵ میلیون خانواره دهقان و زمین وکم زمین وجود داشت. این اصلاح اگر برای دهقانان زمین به ارمنان نیاز نداشت ولی با ایجاد قشر بروزی ازد همانا و تبدیل تدریجی مالکین نیمه فقیر ایل سابق به مالکین سرمایه داری امپریالیستها بازار نوی ایجاد کرد. نگاهی بر شد میزان تراکتور در ترکیه نشان میدهد که این رفم چطه میزان فروش تراکتور را در ۴ سال پیش از ۱۴ برابر ساخته است (۲).

جدول تعداد تراکتورهای ترکیه در سالهای مختلف

سال	تعداد تراکتور
۱۹۵۸	۴۲۵۰۰
۱۹۵۵	۴۰۰۰
۱۹۵۲	۲۵۰۰۰
۱۹۴۹	۴۰۰۰
۱۹۴۴	۹۰۶

افزایش میزان تراکتورها البته تا حدود زیادی مربوط با فراش قدرت خردی قشری ازد هقانان واجبار مالکین به جایگزین ساختن ماشین بجای دهقانی است که (بعلت زمین دارشدن یا مهاجرت) ازدست داده اند. جناحی از بروزی ایلی نیز که خود بزمین وابستگی کامل داشته و در عین حال منافع شیرا منافع امپریالیسم آمیخته است در داخل هر کشور پرچد این رفم میگردد. رفم میگردد و طرف مورد انتقاد قرار میگیرد. نخست ازطرف مالکین که بهمیچ قیمت حاضر سه ازدست دادن قسمتی از اراضی خود نیستند و این رفم نه فقط قسمتی از اراضی خود را به عنوان آن روح کلانی را که از طریق سیستمی ایجاد بوده بود این نیمه فقیر ایلی بود است می‌ورنند و رخاطره می‌بینند. انتقاد مالکین و معاشه آنها علیه این اصلاح در حقیقت انتقاد به این رفم از طرف راست بوده و کوشش ارجاعی است. ولی غیر از مالکین پرولتاریاد هقانان نیز این اصلاح را خود انتقاد قرار میدهدند، زیرا با این رفم نه فقط مسئله زمین برای دهقانان حل نمیشود بلکه بتدریج تضادهای جدیدی جایگزین تضادهای گذشته میگردد و وضع عمومی دهقانان حل نمی‌نماید.

کافی است گفته شود که محصول هر هکتار گندم در ترکیه (با وجود افزایش مطلب مخصوص) طی ۲۰ سال اخیر منظمانه تزریق شده است. ارقام زیراين واقعیت را نشان میدهد: (۳)

۱۹۳۸/۳۴	۱۰۱۶ کیلوگرم گندم هر هکتار
۱۹۵۲/۴۸	۱۰۰۰
۱۹۵۸/۵۴	۹۸۹

1) New Zeit 1961/23 S. 19

1959

2) Economic development in the middle east 1946/54 and 1954/59 N.Y.

3) " " " " " 1945/54 " 1957/58 N.Y.

همپای تنزل محصول هر هکتار، تولید سرانه دهقانان نیز تنزل یافته است. تنها طی پنج سال یعنی از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۶ محصول سرانه (گندم) دهقانان از ۳۵۰ کیلوگرم به ۲۴۵ کیلوگرم تنزل یافته و موارزات آن عواید سرانه دهقانان تنزل پیدا کرد.^۱

بنا براین پرولتا ریابا چنین رفرمی نمیتواند روی موافق داشته باشد. بعلاوه از لحاظ سیاسی نیز با این رفرم نمیتوان موافق بود. هدف سیاسی رفرم در هم شکستن صفت محدود دهقانان (بعنوان متعدد اصلی پرولتا ریا)^۲ است. کوشش امیریا لیسم در جهت ایجاد بورژوازی دیگر بعنوان یک پایاکه تازه اجتماعی در دههای وارد وارساختن دهقانان بدریافت زمین و مستثنا کردن روحیه انقلابی آنهاست و اینها مسائلی هستند که پرولتا ریا نسبت بآن بی اعتناند و مضر اعلیه آنها مبارزه میکند. یعنی مارزنه پرولتا ریا علیه این رفرم در حقیقت انتقاد آن از طرف چپ و کوششی است اتفاقی.

غیر از مالکین و امیریا لیسم و قسمتی از بورژوازی ملی طبقات دیگرا جمله جناح مترقبی تبرورژوازی ملی نیز برنامه ارضی معینی برای خود دارد. بد ون شک مقاعن این قسمت از بورژوازی ملی که هنوز امیریا لیسم پیوندی ندارد اقتصادی نماید که اصلاح ارضی بطور عمیق وراد یکال انجام گیرد. ولی ازانجاکه بورژوازی ملی خود صاحب وسائل تولید است طبعاً از مصادر و لوموصادره طبقات دیگر رهبران است و همین جهت اقدام اور در اصلاح ارضی تحت تأثیر این هرمان ناپیگیر و سطحی است و سازنشیا مالکین انجام میگیرد. درست بهمین دلیل است که بورژوازی ملی (جناح مترقبی تر) نه فقط بمنافع دهقانان بلکه بمنافع خود نیز خیانت می‌سوزد و شایستگی خود را برای انجام یک انقلاب ارضی ازدست میدهد.

برای آنکه خصوصیات رفرم ارضی جناح چپ بورژوازی ملی روش تنگردد اصلاح ارضی مصرا بعنوان مثال ذکر مینماییم:

طبق قانون ۱۹۵۲ اراضی مالکین مصریه ۸۰ هکتار محدود و در ۱۹٪ اراضی زیرکشت مشمول قانون رفرم ارضی شدند و در صورت اجرای کامل این قانون فقط ۷٪ دهقانان بزمی میرسند^(۱) و لی عمالاً این قانون با استثنایات آن فقط ۱۰٪ اراضی زیرکشت را بین دهقانان تقسیم کرد و بطور عده املاک سلطنتی هدف اصلاح قرار گرفت. مالکین در مقابل اراضی واگذار غرام سنجنگی دریافت کردند^(۲).

بعد این قانون توسط قانون ۱۹۶۱ اتمامی شد که بطبق آن اراضی به ۴۰ هکتار محدود میشوند. چنانچه قانون بطور کامل انجام گیرد فقط ۲۷٪ اراضی زیرکشت بین دهقانان تقسیم خواهد شد. این رفرم در سه ترین شکل خود یک طبقه بورژوازی شیوه نمودی دارد هات ایجاد خواهد کرد و ما لکنی را که کمتر از ۱۰۰ فدان زمین دارند ناچار از تبدیل شیوه استثمار خود از نیمه فئودالی بسرا برآید که داری خواهد کرد. مسئله زمین برای انبوبه دهقانان بی زمین حل نخواهد شد و مسئله بازار ضم توسعه معینی کماکان بعنوان یک مسئله بچای خود باقی میماند و وسائل تولید بر اثر حلق تا پس مسئله ارضی امکان رشد کامل نمی‌باشد. این رفرم در اصول یا اصلاحی کامپریا لیسم و جناح بورژوازی و باسته بآن طرف در آشت تفاوت دارد و همین جهت امیریا لیسم این اصلاح را نیزهورد پشتیانی قرار میدهد. زیرا بدین فهای امیریا لیسم که ایجاد تفرقه در میان دهقانان و خاموش کرد نجنبش انقلابی دهقانی است کلکه منتمی شد. شرکت فعل امریکائیهاد رمسئله رفرم ارضی مصروف ردد است گرفتن "تنظیم امور کشاورزی رناحیه تحریر توسط Egyptian-American Rural Improvement Service".

زیر نظر اصل ۴ نشانه علاقه امیریا لیسم بجزیری است که در رهات مصروف گرد.

از زیابی این رفرم کار مشکلی نیست. بد ون شک این رفرم و هر رفرمی که از طرف بورژوازی انجام گزید، بطور عینی مترقبی است زیاد رجهت تبدیل مnasایات کهنه به مnasایات تولیدی بورژوازی سیر میکند ولی ازانجاکه کوشش در راه تضیییف نهضت انقلابی بمنظور حفظ قدرت طبقات حاکمه است ناچارین رفهاد ارای جنبه‌های نیزهورند ارتقا گردند. در عصر ما که راه آینده کشورهای کم رشد راه غیر سرمایه داری است چنین رفرم‌هایی فقط ترمز حرکت جنبش بسوی این راه و تعویق اند اختن رشد سریع نیزهورهای مولد و سوق اجتماع برآید. پرست اند از سرمایه داری می‌مدد و همین جهت این رفرمها چیزی جزاقد امات ارتقا گردند.

1) Проблемы востоковедения I96I/I C. 7

2) Doreen Warriner. Land reform and development in the middle east. London 1957 P.14

پرسنیب حل مسئله ارضی توسط پرولتاریا

بطوریکه در قسمتهای گذشته دید یم طبقات غیرپرولتاریائی گرچه هر یک بد لایلی بحل مسئله ارضی ذیعلاقت اند ولی ازانجاهه میخواهند این سائل را در چهار چوب تنگ منافع طبقاتی خود حل نکند ناجاراقد ^{۱۱} آنها فیریگیو، غیرکافی، سلطحی و ارتقایی میگردد.

پرولتاریاد رکشورهای کم رشد خواهان حل عمیق وادیکال مسئله ارضی است، زیرا فقط از این راه است که میتواند بجلب د هقاتان موفق شود و رهبری انقلاب را در دست بگیرد. شکل این رفرم عمیق در هر کشور خاص باشود پیگرد و ن شک متفاوت است و حتی ممکن است در رکشور واحد راه حل‌های مختلف برحسب سیستم ملی و سیستم پهنه برد اری در پیشگرفته شود. لیکن این راه حل بطور مشخص در هر کشور عصده گردان پیشر و طبقه کارگرگهان کشور است. در اینجا فقط میتوان از خطوط اساسی حل را در یکال مسئله ارضی که در تمام کشورهای کم رشد میتواند جنبه عمومی بخود بگیرد بحث کرد و سپس با زهم حل این مسئله را در دسته های مختلفی از کشورهای کم رشد مورد مطالعه قرارداد.

مهترین ملاک برای مترقبیانه بودن یک رفرم ارضی آنست که این رفرم تاچه اند ازه راه رشد وسائل تولید را بازمیناید (۱). بنابراین آن رفرم ارضی را میتوان را در یکال خواند که راه را برای رشد وسائل تولید بطور کامل بازنموده و پیشرفت بلامانع ازرا موجب گردد.

ملک دیگر برای مترقبیانه بودن یک رفرم ارضی آنست که رفرم تاچه اند ازه منافع توده د هقاتان را در بر میگیرد. بنابراین آن رفرم ارضی را میتوان را در یکال خواند که مسئله ارضی را بینغ توده های وسیع د هقاتان حل نماید.

خصوصیات دیگر اصلاح ارضی را در یکال را میتوان با این شرح خلاصه کرد:

- ۱- از میان بردن بقا یا سیستم های بهره برد اری عقب مانده پدر شاهی، فئودالی و نیمه فئودالی.
- ۲- جلوگیری از انحراف سیستم مالکیت و بهره برد اری بطرف سرمایه داری و تسهیل پیشرفت سیستم

بطرف راه غیرسما مایه داری.

- ۳- رفرم ارضی را در یکال نه فقط بجهش انقلابی د هقاتان را خاموش نمیکند بلکه آنان را برای ارتقا بر محله با لاتر انقلاب مجهز مینماید.
- ۴- تغییر کامل و نوکرن کشاورزی قبل از هر چیز متنظر حل مسئله تغذیه و ارتقا سطح زندگی مردم.
- طبعاً چنین رفرمی باشد ابیرقی، فرهنگی توأم خواهد بود.
- اجرای این اصول کلی همانطوره که ذکر شد رهبرکشورها کشور دیگر تفاوت دارد. مادر اینجا بعنوان نمونه رفرم ارضی د رسه کشور مختلف از گروههای مختلف کشورهای کم رشد را در کمیکنیم.
- اصلاح ارضی را در یکال رکشورهایی که اراضی آنها را نحصاً ملاکین داخلی است

در این کشورهای دیگر کم و میش این بان جناح بوزواری برنامه رفرم ارضی خود را مطرح کرد و در صدد اجرای آنست. هدف این رفرمها فلاح ساختن نیروی انقلابی د هقاتان و در کرد ن آنها از صحنه مبارزه و جلو گیری ز اتحاد پرولتاریاد هقاتان میباشد. بنابراین وظیفه پرولتاریا است که در این کشورها نتشه بوزواری راکه مورد حمایت امپریالیسم است فاش سازد و کوشش خود را برای منفرد ساختن این بوزواری تمکن نماید. شرط قبلی انجام این وظیفه درست داشتن یک برنامه ارضی را در یکال برای د هقاتان است. این برنامه شامل خلیع ید از مالکین (رجوع شود بتعريف مالک از طرف ماقوته تنگ) و پس از خاتم غرامت باین بان مالکی است که در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت فعال داشته و بالا اقل علیه مبارزه خلق اقد ای نزد ه باشد. خلیع ید از مالکین بد نیال خود تمام شروعی راکه برای یک رفرم را در یکال لازم است بهمراه میآورد و تحت رهبری پرولتاریا شد کشاورزی را ب مجرای غیرسما مایه داری سوق میدهد و هقاتان را برای ارتقا بمحله عالی تر انقلاب چهزینماید.

نمونه بر جسته چنین رفرمی را در چین میتوان ملاحظه کرد.

لشوا نوچی د رهبر اصلاح ارضی چین میگردید:

(۱) برنامه ارضی سوسیال د مکارسی در انقلاب اول روسیه. اثر لینین چاپ برلن ۱۹۵۰ صفحه ۲۹

"محظوی اساسی قانون رفرم ارضی عبارتست از مصادره طبقه مالک و تقسیم اراضی بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین بقسمی که مالکین بعثابه یک طبقه در جمیع از میان برند و سیستم مالکیت استثماری فضول‌الی جای خود را به سیستم مالکیت دهقانی واگذار نکدند. این اصلاح در واقع اساسی ترین اصلاح در تاریخ چند هزار ساله چین است." (۱)

رشد جهشی چین در سالهای پی‌از انقلاب قبل از هرچیز بد یون همین رفرم ارضی است که امکانات وسیعی برای رشد وسائل تولید فراهم نمود. انجام چنین رفرمهای فقط از عهد پرولتاریاد را تحدید کامل با دهقانان ساخته است.

۲- اصلاح ارضی رادیکال در کشورهایی که اراضی درست مالکین تیستند

در این کشورها مسائل مابه البتلای بطور عجیب‌اند کی شاوهزی از طریق از میان بردن موائمه رشد کشاورزی است. از میان بردن روئاکه عناصر شد فضول‌الیسم در داخل کشورهای دهقانی هستند و در عین حال پایکاه اجتماعی امپرالیسم اند ضروری است. حد فوایده (داخلی یا خارجی) بین تولید گان و بازار قدم پیگر ضروری در راه حل مسئله ارضی د راین کشورها می‌باشد.

اتخاذ تدبیری در جهت جلوگیری از شد سرمایه داری که بصورت تولید بین‌وامبرای بازار وارد مالکیت خصوصی و خرد و فروش زمین جلوه می‌کند از ضروریات رفرم عمیق ارضی در این کشورهاست. در آن رشتہ از کشورهایی که از طریق می‌بینند واحد با امپرالیسم واگستگی دارند، حد فوایده مبنی بر این سیستم از طریق توسعه اراضی زیرکشت محصولات مصرفی داخلی و مخصوص از طریق جد اشنده از بازار جهانی سرمایه داری یکی از جووه اساسی حل قاطع مسئله ارضی می‌باشد. تبدیل سیستم‌های عقب مانده به رهبری برداری پر رشادی و کمونی بسیستم‌های کوپراتیف جدید و مجهز ساختن آنها با وسائل نوین کشاورزی و ایجاد روابط بینکی تازه و لی برمنای استفاده از جهات هشت سنت های روابط جمعی گذشته نیز از لوازم چنین رفرمی است.

عمیق ترین رفرمی که در این دسته از کشورهای تاکنون صورت گرفته است رفرم ارضی گینه است. در گینه "سیستم ریاست" بتدریج بهمراه خود روابط فضول‌الی راجانشین روابط مبارزه دهقانان گینه علیه این سیستم در سالهای قبل از استقلال شروع شد. پس از کسب استقلال مبارزه علیه این سیستم شدت گرفت ما لآخره طبق فرمان مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷ سیستم مزبر منحل گردید و اراده دهات بعده کمیته دهات واگذار شد. روئانزیمانند سایرد هقانان موظف بکار کردند در دهات گردیدند و زمینهای که برخلاف سنت کشاورزی در تصرف خود اشتدند بد هقانان بازگشتند اد اند. بین ترتیب قانون مزبر جلوی رشد فضول‌الیسم را در دهات گینه سد کرد. قانون مورخ ۲۰ اکتبر ۱۹۵۹ خرید، فروش، اجاره و هبته کرد اراضی راقد غن کرد. واین ترتیب مانع د راه رشد سرمایه داری در دهات بوجود آورد.

برنامه حزب دموکرات گینه مبنای تحول کشاورزی گینه قرار گرفت و کوپراتیف‌ها شکل اساسی تولید کشاورزی گردید. آنچه کوپراتیف‌های نوین گینه را از کشورهای سابق مشخص می‌سازد آنست که روابط بین دهقانان دیگر برمنای روابط خانوادگی سابق استوار نیست بلکه هریک از اهالی این کشور حقدارد در هر کوپراتیفی بکار اشتغال هر زن. بعلاوه در آمد کوپراتیف نه بطور سرشن کلکه بر حسب میزان و کیفیت کاریں دهقانان تقسیم می‌شود. مهم‌تر آنکه در کوپراتیف‌ها دیگر وسائل تازه ترکشاورزی و حتی ماشینهای کشاورزی بکار اشتغال دارند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۱۹۶۲ در کوپراتیف‌های گینه ۱۰۰۰ عدد تراکتور و ۵ کاواههن بکار خواهند افتاد و موافی با آن کارشناسان فنی برای کشاورزی تربیت خواهند شد (۲). واین امکان رانیزد ولت اتحاد شوروی در اختیار کشاورزان گینه قرار میدهد.

راهی که د ولت گینه در پیش گرفته است چنانچه بطور قاطع اد امه یاد و متواتند خود را بانزد یکتساختن

1) Liu Shao-chi. on the agrarian reform law Peiking 1951 P.75

(۲) روزنامه پراوادا، ۱۹۶۰/۴/۱۱

بجهان سویالیسم از ازارجهانی سرمایه داری جد اترسازد میتواند به پیشرفت راه غیرسرمایه داری منجر گردد.

۳- اصلاح ارضی راد یکالد رکشورهای که خارجیان در انحصار ارضی شرکت دارند.

در رکشورهای که خارجی هاد رانحصار ارضی شریک اند ومسئله ارضی با مسئله ملی عقیدار رمآمیزد، ملی کردن اراضی خارجیان بکی از وجود اساسی اصلاح ارضی راد یکال میباشد. این تدبیر شرط اساسی رهایی د هقاتان ورشد اقتصاد ملی است. شرایط لازم در این کشورهای اجرا این تدبیر فراهم است. د هقاتان^۱ که در پلانتا سیونها ومزارع خارجی کار میکنند، انقلاب ترین اشاره هقاتان را تشکیل میدهند. این قشر انقلابی با توجه پلانتا سیونها از طرفی ووپرای اقتصاد محلی از طرف دیگر رحال رشد داعی میباشد. در این دسته از رکشورها این نیروی انقلابی د هقاتی مستقیماً در مقابل امپریالیسم قراردارد. اما اینکه مسئله ارضی در این کشورهای بسطور ایکال یعنی قبل از همه از طریق ملی کردن اراضی خارجیها تراجام گیرد بستگی بآن دارد که پولتاریای این کشورها چه حد نیرومند بوده و تاچه حد موفق با تحداد باد هقاتان شده ورهبری آنان را بدست گیرد. در جریان این اتحاد، وجود کارگران پلانتا سیونها ومزارع موقعیت مناسعی برای پولتاریای ایجاد مینماید. هرچه پولتاریا هیئت اتحاد باد هقاتان را بیشتر د رک تعاونی و اتحاد او باد هقاتان عیق تراشید، شرکت د هقاتان در انقلاب وسیع تر و حل مسئله ارضی نیز ایکال ترانجام میگیرد. مقایسه حل مسئله ارضی در اند ونزی و کامپیواند تائیراین توجه و اتحاد پولتاریا باد هقاتان و شرکت د هقاتان در انقلاب و حل مسئله ارضی را بسطور ایکال شناس دند.

در اند ونزی در سال ۱۹۵۴ هنوز ۱۳۵ پلانتا سیون خارجی وجود داشت. از سال ۱۹۴۳ تاکنون فقط ۷۶ پلانتا سیون هلندی و جمعاً ۴۰ پلانتا سیون خارجی ملی شده است^(۱). یعنی جریان ملی کردن پلانتا سیونها باهنگی بخطی از پیش میرود و عمل این جریان انت که بقول آیدیت نیروی اساسی انقلاب یعنی د هقاتان باند ازه کافی به انقلاب کشیده نشد و بودند^(۲).

اما در کوچک پیغام از همان آغاز کاریک انقلاب د هقاتان بود. خیمنز میگوید:

"در دست قلیلی این گروه (گروه فیدل کاسترو) جنگجوی شیانی د هقاتان را نسبت بخود جلب کرد. د هقاتان بصف پارتیزانها پیوستند و نیروی اساسی ارشت پوافتخار آیند. آنقلابی را تشکیل دادند. باین ترتیب د هقاتان مبارزه خود برای زمین را بامارا ره همه مردم کوبا بخاطر پیشرفت، زندگی بهتر، فرهنگ و صلح در آمیختند. وقتی فیدل کاسترو پشرکت د هقاتان شجاع د رانقلاب بسیار ارزش مینهاد کمالاً حق بود.^(۳)

شرکت فعلی د هقاتان در انقلاب طبعاً منجریک فرم عمیق د رکیا گردید. قانون ۱۹۵۹ مه ۱۷ نوئمه قانون رفرم ارضی در این دسته از رکشورها یعنی کشورهای که خارجیان در انحصار ارضی شرکت د اند میباشد. طبق این قانون میباشد ۳ میلیون هکتار زمین بین دوست هزارخانواره هقاتی تقسیم گردد. اداره این اراضی بعهد کوپر اتیف هاست که تعداد آنهایا سال ۱۹۶۰ برابر ۱۴۰۰۰ کابالریا (هر کابالریا ۱۳ هکتار) برای ازیمان برد ن عاقب مضره کشت واحد دلت. اراضی نیز ایش را بکشت محصولات مصرفی اختصاص داد.

رشد سریع و مکانیزاسیون کشاورزی، با ایزد ن تولید سرانه و رآمد سرانه مردم و قبل از همه د هقاتان هدف رفرم ارضی است. با کملت کشورهای سویالیستی این وظایف را میتوان تحقق بخشید. تاکنون کشورهای سویالیستی و قبل از همه اتحاد جماهیر شوروی ۳۵ میلیون د لاروساکل کشاورزی در اختیار کوپا قسراً داده اند^(۴) و امکان مادی و مالی لازم راجهت اتخاذ راه غیرسرمایه داری در رکشاورزی کوپارافراهم کرد مانند

¹⁾M.Vesper.Tausende Inseln-ein Staat. Berlin 1960.S. 81

²⁾ آیدیت، اجتماع اند ونزی و انقلاب اند ونزی، برلن ۱۹۵۹ صفحه ۳۴

³⁾Antonio Nunez Jimenez.Die Bodenreform auf Kuba Berlin 1961 S.24

⁴⁾ Neue Zeit 2.8.1961 NO. 31 S.5

فیدل کاسترو درباره اهمیت این کمکها میگوید :

"این کمکهای رای دهنادی و عماران کویاد ارای اهمیت است. وجود یک رشته کشورهای پیش افتاده سوسیالیستی برای رشد و عمران کویاد ارای اهمیت بزرگی دارد." (۱)

پکی از غاصراً مضمون رفرم ارضی که با عنوان نمونه اصلاح ارضی در تمام این کشورها آنست که دولت انقلابی اصلاح ارضی را فقط محدود بمصادر راه اراضی خارجیان نکرد بلکه اراضی لایق‌وند یست همانیز مشمول قانون اصلاح ارضی میشودند.

در این جاتند کرد و نکته در مورد رفرم راد یکال ارضی ضروری است :

نخست آنکه اصلاح عمیق ارضی یک برنامه استراتژیک است و اجرای آن هرگز معنای نفی اتخاذ آنست که پولتاریا باید همواره توده ده قوانان را بعنوان متفق اصلی خود در نظرداشت اشته باشد و تدبیرات اکتیکی خود را قبل از همه بر منافع این متفق اساسی مبتنی نماید. در اتخاذ آن دبیرات اکتیکی حتی یک لحظه نیز باید فراموش کرد که اراضی مالکین باستی پیده هقانان واگذار گردد و این تدبیرها سرانجام در اجرای این مقصود ندوه بنابراین نمیتوانند متناقض باشد اما استراتژیک باشند و درین حال باید باین هدف مخلوط گردند.

دوم آنکه رفرم عمیق ارضی در کشورهای کم رشد را باید امریکائی د رکشاوری اشتباه کرد. راه پیویسی و راه امریکائی هر دو راههای سرمایه داری اند. در درجه اینهای گذشته در زمانی که هنوز ارد و گاه مقدرت سویتیا تو بوجود نیامده و امکان اتخاذ راه غیر سرمایه داری (در انقلاب د موکراتیک) برای این کشورها موجود نبود پولتاریا را اختیار راه سرمایه داری آن راهی پیروی میگزند که چپ تر را در یکال تر بسیار یعنی راه امریکائی. لیسم ولی در عصر ما، یعنی در وران سومین بحران عمومی سرمایه داری، در درجه این راه پیویسیا و در روانی که سیستم جهانی سوسیالیسم به عصر تعیین کننده رشد جامعه بشری درآمده است دیگر پولتاریا ریای کشورهای کم رشد به در پیش گرفتن راه سرمایه داری در رکشاوری (ولی راه امریکائی) علاقه ای نداشد. خصوصیات در وران ماراد دیگری را در انقلاب ملی د موکراتیک در مقابل پولتاریا فرار میدهد و آن راه غیر سرمایه داری است.

در پیش گرفتن این راه فقط رشد کشاوری را از مجري ای پور را سرمایه داری نجات میدهد، بلکه تحول ورش آنقلاب د موکراتیک را بعمرحله عالی تر آن یعنی انقلاب سوسیالیستی تسریع مینماید. شرایط مادی پیش گرفتن این راه در رکشاوری بعمل وجود جهان سوسیالیسم در تمام کشورهای کم رشد موجود است. اینکه این یا آن کشور موفق به در پیش گرفتن این راه گردند مسئله ایست که به روابط نیروهای طبقاتی و قبل از همه درجه رشد و تشکل پولتاریا در راه اتحاد آن باد هقانان مربوط است.

خاطراتی از حزب کمونیست ایران

طبقه انقلابی و پیشرو جامعه ایران، طبقه کارگریش از بیست سال دارای حزبی بوده است انقلابی و مبارز بنام حزب کمونیست ایران. طی بیست سال اخیر تغییراتی چنی از تاریخ این حزب نوشته نشده وااین تاریخ تغییرپاراموش شده بود. کمونیستهای ایران قبل از تاسیس حزب کمونیست ایران وجود داشته اند. تک تک یا گروه گروه در شهرهای مختلف ایران مشغول فعالیت بوده اند. این کمونیستهای غالباً کارگران ایران بودند که در شهرهای قفقاز در صنایع نفت و سایر شرکت ها کار میکردند. سوسیال دموکراتهای ایران که پایه تشکیلات انسان بنام "همت" در ۱۹۰۴ گذارده شده بودند و رواج همان حزب طبقه کارگری بود جای خاصی در نهضت انقلابی ایران دارد.

بللافاصله بعد از نهضت انقلابی گیلان (اوخر سال ۱۹۲۱) حزب کمونیست ایران شروع نموده مخفی نمود. در دوران انقلاب گیلان در برخی ایالات و شهرهای از قبیل خراسان و تهران فعالیت مخفی این حزب وجود داشت. حادثه میم در این دوره انتقال کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به تهران است. از این تاریخ تا اولين سرکوب شدیدیلات کمونیستی (یعنی تا تاجگذاری رضاشاه، اذر ۱۳۴۴) رایکی از در ورگذاشتن نهضت کمونیستی کفوماً یاد محسوب داشت. در این دوره حوزه های کمونیستی در تهران رونقی گرفت، اتحاد یه های زیادی تشکیل شد از قبیل اتحاد یه کارگران طباع که رهبری نهضت کارگری را به عهده داشت، اتحاد یه کفashan، خوارها، نساجها، تلگرافیها، کارمندان پست، قنادها، مستخد مین، معلمین وغیره. در این ایام در حدود ۸۰۰۰ کارگر در اتحاد یه ها اضطروری داشتند و فعالیت این اتحاد یه ها تقریباً علنی بود. اتحاد یه ها گروه تئاترالی هم داشتند که نمایش نامه های بیفارسی ترجمه کرد. بصحته می آوردند. رهبر این گروه تئاترال رضاقلی عبد الله زاده (سیفی) بود که خود کارگر مطبوعه و از لید رهبری کارگران طباع و ضوکیته مرکزی حزب کمونیست ایران بود. تمام هنرپیشگان این گروه از کارگرهای اشتغالی بودند. در آن ایام از ملاکین و سرمایه داران یا بوروزی ملی هیچکام تشکیلاتی بین عزمت نداشتند؛ نهضت کارگری در سیاست نقش مهمی بازی میکرد. وزیر وقت نصرت الد و قیروز سخت با کارگران در نبرد بود. مجادله روزنامه "حقیقت" با فیروز معروف است. در این ایام روزنامه مترقبی "کار" میز منتشر میشد.

در سالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۲ اعتمادیات گوناگونی دارد ایران از انجله در تهران رخ داد. اعتمادیات کارگران خباری، مستخد مین پست، اتحاد یه معلمین، نساجان، مطابع تهران معروف است. اعتمادیات کارگران را وادار کرد بیست روزنامه مترقبی را تزویید راورد. در سال ۱۹۲۲ می هزار کارگر در اتحاد یه های صنعتی مشکل و مبارزه سیاسی و اقتصادی مشغول بودند. در این مکمل کارگران تهران به اقلیت محلی کابینه قوام در ۱۹۲۲ سقوط کرد.

در آن هنگام حزب کمونیست در رژیم اول در تهران، رشت، پهلوی بعد روزنامه، مشهد ویرخی از شهرهای دیگر تشکیلاتی داشت وکم کم دامنه فعالیت خود را زیاد میکرد. روزنامه "حقیقت" که در رهمند وره منتشر میشد عنوان ادارگان اتحاد یه های کارگری، ولی رواج ارگان حزب و اتحاد یه بود. از روزنامه نامه حقیقت مقام شامخی در میان جراحت تهران داشت. کاه اتفاق میافتاد که این روزنامه با ۵۰ ریال هم بدست نمی آمد. نگارنده میخواهد اسمی چند نفر از کارگران را که خود کارگر و همراه نهضت کارگری محسوب میشدند و در این دوران فعالیت داشتند یاد آور شود. آنجلمه بودند رضاقلی عبد الله زاده (سیفی)، باقرخان (کارگر مطبوعه)، پروانه (کارگر مطبوعه)، استاد میرزا علی بنا (یامغار). البته از همین حزب که در اخفاک امیرکندند راینچنانا م نبرد یم. در ره تغییر سلطنت پیش ام، ارتجاع قویتر شد، رضا شاه (با اینکه در اول خواست باعوام مفترسی کارگران را فریبد هد) از این نیروی مشکل کارگری و همراه شد. برای اینکه جاده راه همار کند تشکیلات

اتحاد یه وحزب کمونیست راد رتهران سرکوب کرد وعده زیادی از فعالین حزب و اتحاد یه را زندانی نمود وعده ای از آنها فراری شدند و تشکیلات برای مدتی متلاشی گردید. اولین شکست حزب کمونیست در رشت و پهلوی بود (یعنی پس از شکست انقلاب گیلان) تشکیلات این دو شهر متلاشی شد، عده زیادی ازانقلابیون از ایران خارج شدند، عده ای زندانی و تهران مستقل گردیدند. تامد تی تشکیلات راین دو شهر وجود خارجی نداشت. در اوایل سال ۱۹۲۲ محمد آخوندزاده عضو کمیته مرکزی با ماً موریت حزبی وارد گیلان شد و باز نورا راین دو شهر حوزه های حزبی داشت. کمیته ایالتی گیلان در رشت و کمیته های شهری د راتزلی ورش شروع بفعالیت کردند. دراین هنگام اتحاد یه های حماله‌ها و کرجی‌بانها و ماهیگیران پهلوی اتحاد یه های نیرومندی بودند. دراین چند اتحاد یه بیش از هزار نفر کارگر غصه داشتند. عده کارگرهای ماهیگیرچون موسی بودند گاهی خیلی زیاد میشد و گاهی خیلی کم. اما اتحاد یه های حماله‌ها و کرجی‌بانها در حدود ۵۰۰۰ نفر بود.

در سال ۱۹۲۳ کارگرها از نزلی محمد آخوندزاده راد رانتخابات محلی کاندید خود نموده بودند. اگر مختار در موکارسی د راین شهر وجود میداشت بی شک آخوندزاده کاندید واقعی مرد از نزلی میشد. علاوه بر کارگرها عده زیادی روشنکران از نزلی که عضو حزب کمونیست، جوانان کمونیست و جمعیت فرهنگی "فرهخت" بودند به آخوندزاده رای میدادند. بوژواری یا سایر طبقات شهر هیچ کدام سازمانی بدینظمی و بزرگی نداشتند. اراد رانتخابات پیرونگردید. غرمانده ای از نزلی مرتقب محمد ابریم، آخوندزاده رای با عده ای از کارگران فعل اعضاً حزب کمونیست (از قبیل داد اشترقی زاده لید رکارگران و سایرین) توفیق نموده بشه زندان رشت انتقال میدهد. خود آخوندزاده تحت الحفظت پتهران فرستاده میشد. بدین ترتیب بار دیگر رپهلوی (از نزلی) ارجاع، تشکیلات کمونیستی و اتحاد یه کارگران را برای مدتی متلاشی میکند.

پیکال قبل از انتخابات پیچیده جمهوری پیچیده. عناصر مترقبی کشور علیه سلطنت قیام کرد و شعار جمهوری را راوج دادند. رضاخان از موقع استفاده کرد خود را طرفدار ارجمندی اعلان کرد. با اینکه خود قراق مرجعی بود ولی برای جلب عناصر مترقبی چند صباخی خود را "جمهوری خواه" جلوه گرساخت.

د ریاضیه حزب کمونیست ایران دراین باره پنین توشه شد و بود:

"رضاخان در عین اینکه انتخابات شمالی ایران را سرکوب نمود بیش از پیش مورد اطمینان انگلیسها واقع گردید. از طرف دیگرچون به تنفر عامله ملت اسلام‌آبادین قاجاریه بی برده بود لذ اجنبه جمهوری طلبی بخود داده، خود را طرفدار حکومت شوروی قلمد اد و بود و افکار عامله را فریب میداد."

باید گفت که در آن ایام شعار جمهوری چندان رسخی دارد و مردم نیافت. حزب کمونیست ایران طرف اعلام جمهوری بود ولی نتوانست توده های وسیع مردم را برای این امر مجهز نماید. حتی عده ای از کمکتیهای تهران تحت تأثیر تبلیغات عوام‌بیانه رضاخان رفتهند. حزب کمونیست ایران خود را طرفدار ارجمندی اعلان کرد و تاحد و دی تبلیغات علیه سلطنت وینفع جمهوری نمود. ازانجلمه تبلیغات زیادی در گیلان شد. مثلاً در رشت میتبیگی بزرگی به مین شاست تشکیل گردید. دراین میتبیگی متنقی عده ای از نمایندگان دهات اطراف شهر رشت حضور داشتند. کمیته ایالتی حزب در گیلان بیانیه ای علیه سلطنت وینفع جمهوری منتشر کرد. عنوان این بیانیه "عکش راه را پاره کنید" بود. در همین اوان یعنی هنگامیکه مجلس موسسان برای حل مسئله سلطنت دعوت شد میتبیگی از ایرانیان مقیم مسکونشکیل و تلگرافی بتهران داعر بر مخالفت با رژیم سلطنت وینفع جمهوری مخابره شد.

در زمان پیدایش رضاشاه و حتی سال‌ها بعد از این در حزب کمونیست عناصر راست وجود داشتند که در راه ماهیت رضاشاه نازل ریات نیاد رستی ابرازمیکردند (از آن جمله افراد برجسته ای از اعضاء کمیته مرکزی حزب مانند باقرزاده وجیل زاده). عده زیادی از وطن پوستان حقیقی واشخاص مترقبی نیز از ایین حیث د رکراهی بسرمیردند. حزب کمونیست ایران با این افتخار غلط مبارزه مینمود و ازان جمله در ریاضیه ای که بعد از نتگرده دوم صادر شد چنین اعلام داشت:

"رضاشاه به تمام معنی ارجاع قرون وسطی را در ایران مستقر نموده و کمترین جنبش آزادی"

طلبه و افکار ترقی خواهانه را با زهر نایبود میکرد *

مدتی پس از سرکوب تشکیلات تهران در رایام تاجگذاری رضا شاه یعنی در اوخر سال ۱۹۲۶ حزب کمونیست در تهران از تو مشغول فعالیت شد و در استانه جشن اول ماه مه تشکیلات نسبتاً منظمی شد بود. این فعالیت پس از تکریه دوم حزب رونق بیشتری گرفت. بعد از سرکوب ۱۹۲۵ کمیته مرکزی وجود خارجی نداشت. عده زیادی در آن ایام زندانی شده بودند از آنچه بعد الحسین حسابی (د هزاد)، استاد میرزا علی، باقرزاده، پروانه و سایر فعالیت حزب. عده ای از اعضای کمیته مرکزی مخابرات از تکریه داشت. مدد و دی در خود کشور سرمهیدند. در اوخر ۱۹۲۶ یهودی مرکزی بجای کمیته مرکزی (تکریه دوم) تعیین شده مشغول کارشد. در اوائل ۱۹۲۸ شب نامه بامضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران خطاب به ملت منتشرشد. در این بیانیه از مسترد نمودن جزا بیرهاین بایران سخن رفته بود. این بیانیه ملت را برای ایام برزه علیه امپریالیسم انگلیس و نوکران اینعین دلت مرتاجع رضا شاه دعوت میکرد. بیانیه فصلی بعنای بیت جشن اول ماه مه در مطبوعه بطریخی (بدون اطلاع صاحب مطبوعه) بامضای اتحاد یه مرکزی خطاب بتمام کارگران ایران منتشرشد. این بیانیه کارگران ایران را برای هزاره و اتحاد علیه ارجاع، برای همپایو و وضع خود، علیه امپریالیسم، برای دوستی باتهم کارگران جهان مخصوصاً کارگران شهری دعوت میکرد. روز سوم ماه مه (روز جمعه) جشن اول ماه مه در تهران در چند دقیقه د لوت در رایاغی بطریخی برگذارشد. با غالیکی از شرافت بود اما زیبایان اجراء شد بود بد ون اینکه برایان بد اندر برای چه منظوری این با غای اجراء میشد. روز جمعه برای این جشن در نظر رکفرته شد بود تا عده بیشتری کارگر قاد ریاست را بشنند. در حدود ۷۰۰ نفر کارگر د و تاد و تامه تامه تا خیفایانه با ظاهر خاصی در این با غای حاضر شدند بودند که خود این عمل را شرایط ارجاعی کارسیار میمی بود. این جشن خیلی بشکوه برگذارشد. سخن رانی بای مفصلی از اطراف رفقاد موضوع وحدت ویگانگی کارگران، هزاره برای بهبود وضع کارگران، هزاره علیه ارجاع خان و امپریالیسم، دوستی بین المللی کارگری، در این وضع موسیوالیسم در شهریوری پیاراد شد. سروهای انتلا بی از قبیل "دبیکام کارگران میشود" (اثر لاهوتی) خوانده شد. در این جشن بیرون سرخ دراهتزاز بود. جشن از صبح زد تا عصر طول کشید. بعد از قسمتهای رسمی کارگران تا نهار را بهم خوردند. این کارگرها علی شد. با استثنای چند نفر کارمند حزب، اشتراک کنند کان در جشن تمام از کارگران بودند. این کارگرها بطریخی عده بیارت بودند از کارگران نساجی، طبایع، خبازی، کفاشی، تجارتی، شوهرها وغیره. بعد از خاتمه جشن عده ای از این کارگران در حدود ۱۵۰ نفر دسته دسته باد شتے بیانیه از ۲-۳ نفری بطریخ کلوب اجتماعی حرکت کردند. در کلوب اجتماعیون از تجویش اول ماه مه برقرار شد. چند نفری در ریاره جشن اول ماه مه سخنرانی کردند. سرود انقلابی خوانده شد. سپس پو اکنده شدند. چون روز جمعه و طرف عصر میبود عده ای از افراد حزب اجتماعیون (از آنچه مسلمان میرزا و میرزا شهاب کرامتی) در این کلوب حضور داشتند. خواه ناخواه آنها شاهد این جشن شدند. در آن روز پاییں ابد از این جشن باخبر نشدند. فقط پس از چند روزی پاییں خبرد ارشد و پس از چند روز بعد از اتفاق این جشن عده زادی از افراد اتحاد یه کارگران زندانی شدند. شاید در حدود یک صد نفر بیشتر از افراد اتحاد یه کارگران زندانی شدند. پاییں کوشش‌های زیادی کرد تا شاید تمام تشکیلات حزبی و اتحاد یه ای کشف شود ولی موقن نشد. عده ای زندانیان که از اسرار حزب باخبر بودند این مرآفash نکردند و پاییں نتوانست به تشکیلات حزبی تهران دست پید اکند. عده ای زندانی طی ۴-۵ ماه تدریجاً مخصوص شدند. در همین موقع بود که رئیقمان حجاجی کارکر مطبوعه در زندان از جان سپرد. در اثر کشورهای جهان تبلیغات زیادی علیه رضا شاه ورژی شد. همان اوابل گنکه بین - اهل سوم جلسات خود را رسکود این نمود و نمایند کان نگمرازمگ حجاجی باخبر شد هنگام مراجعت به کشورهای خود تبلیغات وسیعی بینفع حزب کمونیست ایران و علیه رضا شاه و امپریالیسم انگلیس درباره مرگ حجاجی در جراید زیاد چیز نوشته شد.

بین د سرکوب تشکیلات در تهران یکی د یک روز از فعالیتهای حزب کمونیست ایران همکاری کمونیستها با سویالیستها (اجتماعیون) بود. طی چند سال بین کمونیستها و سویالیستها به برهی سلیمان میرزا اسکنک ری تشکیلاتی بنام "اجتماعیون عامیون" داشتند همکاری سیاسی برقرار بود. عده ای از کمونیستها، اکثر ازوشنگرها، در حزب سلیمان میرزا اشتراک داشتند. حزب اجتماعیون در آن هنگام بیشتر مهاره بودند.

بوروزاری بود. در آن عده ای روشنفکر، کاسب، مستخدم اداری، صنعتگران اشتراک داشتند. سیاست این حزب عبارت بود از مخالفت با رژیم دیکاتوری رضا شاه، علیه امپرالیسم انگلیس، دوستی با اتحاد شوروی. در واقع این حزب نماینده جناح چپ بروزگار بود که کونیستها با آن همکاری داشتند. این حزب پایه توده ای نداشت. در چندین شهر ایران همکاری عملی میشد از آنجمله در تهران، تبریز، قزوین، رشت. در شهر رشت در راه این جمعیت رضا طلوع قرار گرفته بود که مدیریت روزنامه طلوع رانیز بعهد داشت. در تهران کونیستها علاوه بر اشتراک وضویت در حزب اجتماعیون عالمون، بکلوب علمی آنها نیز رفت و آمد میکردند. اجتماعیون شرکتی تعاوونی تا سیس کرد و بودند بنام "اقتصاد" و این شرکت مغازه در انتبهای خیابان قوام السلطنه داشت. این مغازه صابون، قند، کیریت و غیره را بمقیمهای نسبتاً ارزان و مافعث خیلی کم با فراد خود میفروخت. این خود مخدود است عمل سیاسی اجتماعیون را شناس میدارد. بعد از سرکوب تشکیلات کونیستی در ۱۹۲۸ پلیس کلوب اجتماعیون رانیز است. بعد از ۱۹۴۱ در همین محل اتحاد به کارگرها لکوموتی دایر کردند بنام کلوب اول ماه (سمنا) است همان جشن اول ماه مه که در این محل برگزار شد بود. این باشگاه پشت خیابان فرد و سوسی خانه سابق استاد قیده هدخد اوایل اواخر پود. در همین دوره فعالیت جوانان کونیست در تهران نسبتاً زیاد بود. مجله ای بنام "بلشویک جوان" که بادست نوشته میشد تکثیر میگردید. حوزه‌های جوانان در تهران زیاد بود. این حوزه‌ها از انشجوبان و از کارگران جوان تشکیل میشدند. رسوی دارالفنون کلاس اکابری دایر شده بود. غصنا برای داشجوبان بسی از شاغر نیز کلاس‌های متاتابی دایر شده بود. جوانان کونیست تهران فعالیت زیادی در رعاصاب و نمایش داشجوبان تهران داشتند. در همین دوره بود که حزب کونیست همکاری و کوشش را برای حزب انتبهای جمهوری در تهران تأسیس کردند. در همین اوان بود که حزب توانست مختصر نفوذی در افسرهای جوان وطن خواه پیدا نموده ارتقا می‌آمد.

در اوخر سال ۱۹۲۸ کمیته مکری حزب کونیست ایران توجهی بخراسان نمود. رفقاء برای کار بآن سامان فرستاده شدند. کم کم تشکیلات خراسان مخصوصاً مشهد رونقی پیدا کرد. طی مدت دو سال نهضت اتحاد یه اید رشایط مخفی رشد نمود. مکری عملیات حزب میان کارگران قالی‌باف بود. شرایط کار در این کارگاه‌ها سیاره شوار بود. از طلوع آفتاب تا غروب کارگرها با حقوق خوبی کم مشغول تهیه قالی‌های خلیری برای درباره‌اعیان و شرافت بودند. کود کان خرد سال نیز راین کارگاهها کارمیکردند. زندگی نیم گرسنه، بیماری، کتک و فحاشی - این بود آنچه نصبی کارگرها میشدند. طی این مدت تشکیلات خراسان و سمعت یافت. تشکیلات جوانان کونیست نبیز وجود آمد. مرکزهم عمليات کونیستها همان‌باشین کارگران مشهد بود. اتحاد یه های قالی‌باف بوجود آمد که صد هانغره‌عضو مخفی داشت. صندوق تعاون کارگرها دارد ایرون شدند. کلام اکابر نیز رای کارگرها در بالاخیابان تا سیس کرد. تیم فوتیال کارگر نیز برای افتادن در روز اول ماه مه سال ۱۹۳۰ عده زیادی از کارگران بطور مخفی نزد پیکهای شهد بکوه سکنی رفته جشن اول ماه مه را برگزار نمودند. در اوائل سال ۱۹۳۰ یکی از استادان قالی‌باف یا خلیفان کارگاه قالی‌بافی با خبرست سختی که به اصغر نام شاگرد قالی‌باف وارد آورد بود اوراهلال کرد. بیست و پنج تومان خونهای این کارگر بود که بواسدین او پرداختند. اتحاد یه قالی‌باف‌ها بهمین مناسبت بیانیه‌ای خطاب بتمام کارگران منتشر شد راین بیانیه کارگران را دعوت بیانگری وحدت نمود تا اتحاد یه خود راه رجه به شتروسعت دهند و رای مبارزه حاضر و ماده شوند. در این بیانیه ضرورت یکانگی کارگران برای معاو استثمار کننده ذکر شده بود. از هشت ساعت کار جای شانزده ساعت و از هبده و پنجم کارگران، اضافه حقوق و تقاضای تحصیل برای کودکان تا ۱۵ ساله سخن بیان آمد. در مشهد جله ای بنام "کونیست" ارکان حزب کونیست ایران - کمیته ایالتی خراسان که با دست نوشته میشد منتشر میشد. این مجله مسائل سیاسی و شئویل یک حزب را مطرح میکرد و طی دو سال چند یعنی شماره منتشر شد.

در پاییز سال ۱۹۳۰ حزب کونیست - تشکیلات خراسان در انتخابات محلی شرکت داشت و نفر کاندید خود بعنی بعد الحسین دهزاد (حسابی) و علی اکبر فرهودی کارگر قالی‌باف را معرفی کرد. مبارزه انتخاباتی بیشتر رای ارجمند و همچیز توده ها علیه ارجاع هرای بمبود وضع کارگران بود. حزب کونیست بیانیه ای بمناسبت انتخابات منتشر نمود و کارگران را دعوت به اشتراک در انتخابات نمودند. کاندید های حزب کونیست

علی‌رغم شرایط مخفی و ارجاع سخت صدهارانی آوردند. بعد از این حادثه پلیس متوجه شد که در خراسان نیز کمونیستها مشغول فعالیت اند. در آن اوان شهریانی مشغول ساختن زندان جدید بود. پلیس شروع پنگفت کارگرها کرد. در حدود یک صد نفر کارگر زندان ایشان را شدند. عده زیادی از آنها اعشاری حزب و جوانان کمونیست بودند. پلیس نتوانست تشکیلات کمونیستی و جوانان کمونیست را کشف کند. پس از چندین ماه زندانیها مخصوصاً وعده ای از آنها به شهرهای دور است خراسان تبعید شدند. اکبر قالی‌بافاد رزندان مشهد فوت نمود.

تشکیلات ایالاتی خراسان دست‌قباوی عرض کارگران مخصوصاً قابلی بافان توجه نمود. عده ای راما مورکرد تا بتمام کارگاه‌های قالی‌پایافی و سایر کارگاه‌های رسانید گی کنند. این عده مازو پس از کارگران، سلامت کارگرها، محل کارگاه‌ها را لحاظ پیدا کرد. تعداد کارگر اطلاعاتی بدست آورد و از آنها آمارهای تهیه نمودند و شاید برخی از این امارهای نیز در مجله "کمونیست" بچاپ رسانیده باشد. از ازوفد پیکر کمیته ایالتی خراسان ارتباط خود را با هات اطراف مشهد و خط مشهد - قوچان برقرار کرد. عده ای معمراًین کارشند. ارتباط با خود دهاتیها، آماربرد اشتمن از وضعیت مقانان کارگردی بود که انجام گرفت.

در ۱۹۲۷ فعالیت کمونیست‌بازار قزوین زیاد شد. سروصوتی به تشکیلات حزبی آنچادرد. در همین ایام بید که جمعیت نسوان (بیشتر از ایوان دیپوی‌وزگار) باکمل کمونیست‌بازار وجود امد. جمعیتی بنام "پروش" که بیشتر جنبه فرهنگی داشت در آنچه فعالیت میکرد. در سال ۱۹۳۱ این تشکیلات سرکوب شدند. عده ای از افراد شیرزندان از قرار چار منطبق شدند.

در ۱۹۲۷ فعالیت کمونیست‌بازار گیلان نیز زیاد شد. در آن اوان اتحاد یه های جدیدی در رگیلان بوجود آمد از قبل اتحاد یه جلی سازها، کارگران ابزارنفت، کلاه‌دوزهاد رشت. سازمان جوانان کمونیست در رشت و پهلوی دایر شد و مشغول فعالیت شدند. در ۱۹۲۸ و ۱۹۲۷ کمونیست‌بازار رمیان دهقانان فعالیت میکردند. ارتباط بادهات اداراف شهر، بین رشت و پهلوی، رشت و فومن و سایردهات اداراف شهر شدت برقرار شد. این ارتباطات همگانی و مرتبت نبود و متأسفانه هیچ‌چوچت جنبه توده ای پیدا نکرد. فعالیت اتحاد یه و حزب در پهلوی نیز زیاد شد. تعداد اتحاد یه ها فزونی یافت. علاوه بر اتحاد یه های تهنیاد فعالیت اتحاد یه های موجود نیز توسعه یافت. اتحاد یه های شهر پهلوی عبارت بودند از اتحاد یه حمالان، کرجی‌بانان، کارگران شیلات، جلی سازان و بگر کارگران. در سال ۱۹۳۱ تشکیلات رشت و پهله‌وی سرکوب شد. عده زادی از افراد این تشکیلات زندانی شدند.

در تبریز دستی تشکیلات کمونیستی متوقف شد و بود. عده ای از امیان افراد حزب (راست روها) بر همراهی اصغر سرتیپ زاده پیدا شدند. عده ای علیه آنهاد رمیاره بودند. بین این کمیته ایالتی از کار افتاده و حوزه هاینیز بیکار شدند. گروههای معینی از کمونیست‌بازارکس مستقل فعالیت میکردند. مشاید سالهای ۲۰ گروههای کوناگوشی بنا رهبران گروه وجود داشت. از انجعله گروه استکانی، گروه مددی خان، گروه مشتی، گروه سرتیپ زاده، گروه حسین بی چیز وغیره. در اوایل سال ۱۹۳۱ کمیته مرکزی توجه به آذر. با یاجان نمود. در همان اوان با حضور نماینده کمیته مرکزی کنفرانس مهم حزبی در تبریز در شرایط خفی دعوت شد و از عنصر مثبت وفعال برآنده حوزه هارا بوجود آورد. بعد هم نمایندگان این حوزه ها کنفرانسی تشکیل دادند. این کنفرانس اهمیت خاصی برای جمیع اوری و بوجود اوردند تشکیلات حزبی داشت. این کنفرانس علیه گروه راست سرتیپ زاده قیام کرد. سرتیپ زاده در آن ایام تلگراف تبریزی به رضا شاه مخبره نموده و اساساً جزو "راستهای" در آن زمان محسوب میشد. بعد هاد ر مجلس ۱۴ از امارهای ارتجاعیون برای مجلس انتخاب شد و جزو نوکران می‌سپرد آمد. در همین ایام سازمان جوانان کمونیست از ریاحان بوجود آمد و کنفرانس آن هم تشکیل شد. مجله مخفی بنام "بلشویک" که بادست نوشته میشد و با گذشت کمیته تکمیر میگردید در تبریز منتشر شد.

در همین اوان برخی اتحاد یه های کارگری در تبریز تشکیل گردید از آنچمه اتحاد یه صابون پزه‌ما، نساجها وغیره. جشن اول ماهه در کوچه‌های اطراف تبریز برگزار شد. کم کم تشکیلات سایر شهرهای ای آذربایجان وجود می‌آمد و عنصر کمونیست راجمع اوری کرد و حوزه هاراد ایم میکردند. در همین اوان بیانیه ای از اطراف کمیته ایالتی ایجاد شد. خدا ابابا هالی آذربایجان بطور مخفی منتشر شد که تائیپر زیادی در

کسیه وازارنموده د رآن بیانیه سخن ازد فاع وشد صنایع کشور، کم کرد ن مالیات، علیه استعمارو نبرد برای آزادی مردم وغیره رفته بود. در اواسط ۱۹۲۱ یکی د ومه قبل از وضع قانون خد کمونیستی حد هانفرد رتربریز وشهرهای د یگینام کمونیست گرفتار شدند که عده ای از آنها بهتران پاصلح به "انبار شاه" روانه شدند، در رسال ۱۹۲۲ کارگران بند رنو شهره که عده آنها به ۸۰۰ نفر مرسید بعلت تاخیر حقوق چند ماهه خود اعتضاد کردند این اعتضاب ۸ روز طول کشید. اعتضاب با پیروزی کارگرها خاتمه یافت. در اوایل سال ۱۹۳۰ د ر کارخانه کبریت سازی نیز کارگرها اعتضاب کردند. کارگرها تقاضای پود اخت فهری حقوق خود را که دستی بود پود اخت نمیشدند اشتند. پلیس ۱۵ نفر از کارگران را زندانی کرد.

تشکیلات خی حزب کمونیست راصفایان نیز فعالیت میکرد. بیشتر فعالیت در میان کارگران بود. در ماه مه سال ۱۹۳۱ چهارصد نفر کارخانه نساجی "وطن" متعلق به کارگران مشکل شد ه درخواستهای ۱۳ گانه خود را برپیش کارخانه پیشنهاد کردند. شرایط کار کارخانه سخت بود. ساعت کار د ر آن جا ۱۲ ساعت بود. فخش، کلک و توهدین نصیب کارگران شدند بود. حقوق آنها بسیار زیاد شدند. در بعض صاحب کارخانه پولهای هنگفتی از استثمار کارگران عاید شدند. پارچه ای که متوجه ۱۲ قران برای اوتام میشد به ۴۰ قران میفروخت. برخی از تقاضاهای کارگران عبارت بود از: حق داشتن اتحاد یه و صندوق تعاوون، تقاضای هشت ساعت کار، دست کم ۵ ریال حقوق د روزی، هفته ای یک ریز مرخصی، موقوف شدن کلک و فحاشی نسبت بکارگری و اخراج بجهت، معالجه بیماران بحسب کارخانه، در مقابل صد مه دین اعضاً بدند کارگرها باید پول مربوطه پود اخته شود، اضافه کاری باید با پود اخت مزد باشد، اضافه کار نباید بیش از دیگرها وغیره. نمایندگان کارگران با صاحب کارخانه وارد اذکره شدند و به نتیجه ترسیدند. روزه ماه مه ۴۰۰ نفر کارگر بطریق چهار رای از صفحه ای انتقامیتگ دادند. تمام این تقاضاهای را آنچه کارگران درخواسته شدند بود، از قبلی "زند ه باد اتحاد تمام کارگرها ایران" کارگران جهان متعدد شدند وغیره. نتیجه این مبارزه برقاری ۹ ساعت کار شد. حقوق کارگرها ۲۰٪ اضافه شد و برخی چیزهای د یگار از این بگرفتند.

در همان روز ۵ نفر از فعالین کارگرها از آنچه مه رفیق کامران توافق شدند. زند آنها پیش از مدتی مخصوص شدند اما کامران راحت الحظت بهتران فرستادند و اور راهه ازدست زاند ارها فکارند. اعتضاب و میتینگ و مبارزه کارگران کارخانه "وطن" اهمیت زیاد بیرای رشد و توسعه نهضت انقلابی را صفحه ای داشت. در واخر سالهای ۲۰ و در اوایل سالهای ۲۱-۲۰ رهبری حزب توجه خارج از شکنونمود و فعالیتی هم در خارج از شکنونمود. اعضای رهبری گاه اکثر اراد رایان گاه عده ای از آنها را بایان بودند. برخی اوقا بعضی از آنها یا موقتاً یا سایرای مدت نسبتاً طولانی در خارج از شکنونمودند. ادبیات مارکسیستی در خارج از ایران بچاپ رسانده و با انسواع وسائل با ایران می‌سانندند. رهبری حزب در راپورتا شکیلات کمونیستی د اسپرند. از آن جمله د رالمان دسته ای از کم و نیست ها تحت رهبری کمیته مرکزی را مان کار میکردند. گروهی کمونیست ایرانی در فرانسه با شکیلات بولن ارتباط داشتند. سرپرست گروه کمونیستهای ایران مرتضی علوی بود. کسی که از کمیته مرکزی اکثره اروپا سرکشی نمود و رهبری میکرد سلطان زاده بود. قسمت عدد این عملیات با کوشش رهبری اوانجام میگرفت. ازان جمله چندین بار نمایندگان حزب ماد رمالس ضد فاشیستی جهانی اشتراک نمودند. اشتراک درکنگه های بین المللی کمیته رئیس جای خوددارد که حزب ماهیشه در این امر فعل بوده است. در رسال ۱۹۳۰ سه نفر از کارگران، حجازی، شرقی، شعبان، درکنگه اتحاد یه های کارگری اشتراک داشتند.

بعد از کنگره دوم بلا فاصله اولین پنوم کمیته مرکزی تشکیل و این جلسه بیشتر جنبه تشریفاتی داشت. برخی مسائل شکیلاتی نیز راین پنومها مطرح شدند. در پنوم دوم وضع شکیلات اعفهان، گیلان و آذربایجان مطرح شد. کمونیست د رایان و در پنوم سوم وضع شکیلات اعفهان، گیلان و آذربایجان مطرح شد. بعد از پنوم سوم در خارج از ایران چندین جلسه از برخی از اعضای کمیته مرکزی تشکیل و به کارهای حزب، کار در راه رخان از ایران و کار در ایران رسیدگی شد و تصمیمات لازم اتخاذ گردید. در اواسط سال ۱۹۳۱ اکثر اعضای کمیته مرکزی چه انتخاب شدند کنگره و چه برگماری شدند بعد از کنگره گرفتار و زندانی شدند بنابراین

آن کمیته مركزی متلاشی شد. ماد را ینجا مختصه بود پلنوم سوم ویانیه ای که کمیته مركزی بعد از پلنوم منتشر کرد اشاره نمکیم. اوضاع کارگران نفت جنوب و جنایات کمپانی نفت مورد دقت قرار گرفته بود. چیزی که مهم و قابل توجه است اینست که برای اولین بار مسئله ملی کرد ن صنعت نفت جنوب مطرح و تصمیم گرفته واعلام شد. بیانیه کمیته مركزی حزب کمونیست ایران خطاب بکارگران و هقاقان و تمام زحمتکشان ایران در روزنامه پیکار منعکس و چاپ شده است.

در این بیانیه اوضاع ایران تشریح شده، از زیرین دیکتاتوری رضاشاه که باد سثورا مهربالیسم انگلیس کار میکند سخن رفته است. بیانیه توضیح میدهد که انگلیس با لطف رضاشاه سواحل خلیج فارس را محکم نموده بحرین راکه متعلق با ایران است تصاحب نموده و مشغول ساختن فرودگاههای هستند. در اینیه گفته شده است که همه اینها ایجاد پا یکاه علیه شوروی است. شدت درصد بود جه صرف وزارت جنگ و سایر تشکیلات پلیسی میگردد، در صورتیکه فقط صدی پنج بود جه بمصارف فرهنگی میموده. وطن خواهی و ملت پرسنی که طبقه حاکمه از آن دم میزند و سیلیه ای برای گل زدن مردم و میرایم پرخوردست ترکن با پهربالیسم انگلیس است. در اینیه نوشته شده است که همه هزار ملاک، تاجر و لال ملت را غارت میکنند و لار و پوند استرلیت را بخارجه بحساب خود انتقال میدهند. خود آنها توکران امریبالیسم اند ولی انقلابیون حقیقی را که خادم خلق اند "نمایندگان" روس معرفی میکنند. در خاتمه بیانیه از حمتكشان برای مبارزه و جمجم آفریقا، برای فشردن صفوک خود، برای مبارزه وازینین برد ن ریزم خونخوارد عوت میشود.

با آنکه هر سال و پا به ریکار میکار و نیم یکبار در یکی از شهرها یا ایالات، ارتاجاع، تشکیلات کمونیستی را سروک میگرد، ولی سرکوبی پیزگ در سال ۱۹۳۱ شروع شد. این بارد رخد و بیش از دو سال طول کشید. رضاشاه وضع خود را تا اند ازه ای محکم کرد و بود. انگلیسیاد را ایران خود را محکم حس میگردند. در چهاران امیریالیستهای امریکا و انگلیس و فرانسه هیتلر اتفاقیت نموده بتمام نیروهای ارتعاجاع کمل میگردند. بنابراین رضاشاه فرصتی مناسب پید اکرد تا نهضت کمونیستی ریشه کن "نماید. اوقافونی علیه کمونیستها وضع کرد" این قانون ۱۷ ماهه ۱۹۳۱ (۱۳۱۰) بمجلس برده شد و در ۲۳ آریون ۱۹۳۱ ابتصویب رسید.

رضاشاه علیه روزنامه پیکار و کارکنان حزبی د رالمان اقامه دعاوار محکمه المانی نموده. در لایپزیک محکمه شتکیل شد. محکمه مطابق میل رضاشاه نبود. دلیلی درین نبود تاکونیستهای ایرانی مقیم المان را محکم کنند. هنوز دران ایام د رالمان محکام استقلال حقوقی خود را ازدست نداده بودند. این محکمه سیلی محکمی به چهره رضاشاه بود. رضاشاه و پیش شروع سرکوب تشکیلات کمونیستی، اتحاد به های کارگری، جوانان کمونیست کردند. این سرکوب از تهمضت جنوب شروع شد. تشکیلات کمونیستی ابادان سرکوب شد. عده ای زند ائی پهلوی ازانهای تهران فستاده شدند. سرکوب تشکیلات تهران ازین ای اغازگردید. عده ای از کمونیستهای رخراسان انجام گرفت. گرفتاری کمونیستهای رشت و پهلوی و سایر شهرهای ادامه داشت. سالهای ۱۹۳۲-۱۹۳۱ این گرفتاریهاشدت یافت. سال بعد ش باز هم توقیفهای ادامه داشت. طی این دو سال طبق نوشته روزنامه پیکار در رخد و بیش ازده هزار نفر زند ائی سیاسی تحت فشار و شکنجه قرار گرفتند. سالهای بعد باز هم ده زند ائی و تعیید شدند. عده زیادی مهاجرین که از شوروی برگشته بودند زند ائی و تعیید شدند. این عده در شوروی کارگردند و در ایران نیز یا کارگری بازار بودند. طبق نوشته روزنامه "سیاست" در سلطنت رضاشاه بیش از زیست هزار نفر زند ائی و تعیید شدند.

آخرین گروه کمونیستی که دایرون چندین سال فعالیت کرد گروهی بود بر هبری نیروی مركزی که اعضا آن عبارت بودند از کترایی، سیاطک و کاچخش. همین گروه بعد ها به گروه ۵۳ نفر مروف شد. بعد از سر کوب این گروه دیگر گروه یا تشکیلاتی بنام کمونیستی دیر نشد.

این بارا اوضاع جهان عوض شد. جنگ جهانی د رگرفت. حوالث شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد و حزب توده ایران بوجود آمد. موسیین حزب توده ایران جنائه د رمجه د نیانزیقید شد. بازماند گان تما م ادارگوناگون فعالیت حزب طبقه کارگرد را بیان ازد و روان سویا د مکاری اتفاقی کرفته تا آن روز بودند. با اید گفت که دراد و ارگوناگون گروههای گوناگون تشکیلات کمونیستی سرکوب شدند. هنچ گروهی ازانهای خود را از گروه دیگر سوانح کرد و حق هم سواکرد ن، جد اکرد ن، برجسته کرد ن یک گروه از گروه دیگر هیچ معنی ندارد.

وَقَوْمَ الْدِينِ عَبْدُ الْهَـ (اسْتَادُ عَلْمِ كَلَامِ حَافظٍ) ۰۰۰ دَرَاثَةً
مَحَاوِرَهُ كَفْتَىٰ كَهْ اَيْنِ فَرَا يَدِ فَوَا يَدِ رَادِ رِيكِ عَقْدِ مَبِيَا يَدِ كَشِيد٠۰۰
وَانْ جَنَابٌ (عَنْيِ حَافِظٍ) حَوَالَتْ رُفَعَ تَرْفِيعَ اَيْنِ بَنَبَرْنَاتِيٰ
بَرْزَارِكَدِيٰ وَخَدْرَاهَلْ عَصْرَعَذْ رَأْوَرِدِيٰ ۰۰۰ ”(۱)
اَزْمَقْدَهْ جَامِعَهْ دَيَانْ حَافِظَهْ مَسْتَهَرَهْ بَهْ مَحَدْ كَلَندَام

اندیشه هایی چند درباره حافظ

تئو وژر فای اند پیشه های عرفانی و فلسفی، پند ارهای دل انگیز شاعرانه، هماهنگی پر طنین و دل او بیزیر است و ترکیبات لفظی، در آمیختگی موزون این اجزاء باهم، بنحوی که تجزیه نا پذیر و ناگستینی باشد، چنین است و پرگزگاری خواجه شمس الدین حافظ شیرازی.

همین ویرگی است که اشعار حافظ راجب زیرای کسانی که «لطف طبع و سخن گفتند ری» (۲) را میدانند یا «لطایف حکمی و نکات قرآنی» (۳) آشنایی دارند شوارفهم میبازد. ترجمه غزلات حافظ قریب به حال است. برخی تراجم حافظ که به السنته مختلف اروپائی شده و نگارنده آنها را بد ه است مطابق، مسکینانه و تنگ مایه است: از عارفی که در لاهوت اند پیشه های مقطر و معطر پروازی نکد، شاعرگی عاشق پیشه و ناسوتو ساخته اند!

برای کسانی که با فرهنگ کهن و سرشار، تاریخ دیرین و پدرازنشیب وزیان شیرین و پرنازوج پارسی آشنا دارند و زمینه روحی آنها برای درک تاثرات غنائی آماده است، خواندن غزلیات حافظ و مژخورد ارایازاند شه و هنروی یک لذت استثنای است. تا آنجا وتا آنچه که نویسنده این سطورها بایات جهانی آشناست، در عالم شعر غنایی فلسفی برای حافظ شیرازی همثای نمی شناسد. طی سالیان عمر آگاهانه خویش، بارها گاه بخارط پرسی و پیوهش، یاد رطلب تفتن والتذاخراط، یاد رجستجوی تسکین و آرامش روح بد یوان حافظ رجوع کرد. ام. با اینهمه، هنوزی سیاری از گوش و کثارهای فلسفی وادی این عرصه سحرانگیز برای من نو، غریب، رازنک و غیر مشفوس است. در اکثر ابیات حافظ باند ازه ای اند یشه نغز و پومغز، باند ازه ای آرایشید لغزب و عاری از تکلف بیان و لفظ، باند ازه ای معرفت و اطلاع از فرهنگ هنرمند رج است که بی اغراق میتوان دقایقی چند در پیرامون آن اند یشد، نکته های مختلف را بایافت و ازدوده، آن لذت سد.

ما به شگفتی است که در عصری رحم و عبیشی که حافظ شیرازی طی آن میزیست، چگونه چنین اعجوبه ای پدید شد! نه، مایه شگفتی نیست، زیرا شعر حافظ عماره و خلاصه تکامل طولانی و افتخار آمیز شعریاری و ازان جمله غزل فلسفی و عارفانه و ببلو روا اترین ولامع ترین منن چنین تکاملی است. در این زمینه - در زمینه ایجاد غزل فلسفی - حافظ باع مکن رسید و تکرارنا پذیریا قی ماند. حافظ زده ای دنیشه های فلسفی و عرفانی متکرین ایرانی را، بی دستاویز عبارات غلیظ و بی واسطه مصطhalb مبهم اهل مدرسه، با چنان قدرت تعمیم هنری و چنان سلاست بیان شاعرانه طراحی کرد. است که حتی انسانهای مترقی و روشن بین عصر ما، در این دیوان کهن قرون وسطائی گاه پاسخهای نفر و منجید به پوششها را رو خوش می یابند. اینکه

(۱) این عبارت با تلخیص از مقدمهٔ جامعه دیوان حافظه که ازد و سلطان او بود و مقولی محمد گلندا نام داشت اقتبای شده است. حافظ در قبال پیشنهاد داعریه کرد آوردن اشعار، باشاره به "ناراستی روزگار" و "در راهل عصر" از جمع آوری دیوان خود احتراز میکرد. این جمله شرایط دشواری های اجتنبی حافظ را از طرفی و ناسازگاری اقوال این سخنور را باذاق زورمندان و صاحبد ولاتن عصراً از طرف دیگر خوبی نشان میدهد. این کلام حافظ سخن غزالی را در رنامهٔ به سلطان سنجر بیان می‌آورد که نوشت: " این روزگار سخن من احتطا نکند ".

(۲) زنگنه حافظ کسی شود آگاه
 (۳) زنگنه حافظ کسی شود آگاه

سخن او را برخی از تذکره نویسان (۱) سحر حلال و "واردات غیب" "خوانده اند" ، از همین جاست . سخن حافظ اکون قرنهاست که نسلهاراهه تحسین و حیرت و اید زیرا این سخن شمرة یک بیوگ کمال یافته و پخته است . زمانی لین بیشوای بزرگ و خرد مند انقلاب ، بهنگام شنیدن قطعه "آپا سیونتا" اثر لود و یگ وان بتهوون آهنگساز داهی المان روی مصاحب خوش نمود و گفت : "اینجاست که میتوان گفت انسانها معجزه می کنند " (۲) . آری اگر اعجاش ز آنچنان علی شماریم که تنها افراد نادری در موارد استثنائی تاریخ از عهد ظاهرا آن برمی آیند و میلیونها و میلیارد ها را تنه همانند ش را بیاوردن عاجزند ، در آنصورت برخی از مخلوقات هنر ، تجذیل و اراده ناموران سترگ تاریخ را میتوان در زمرة اعجاز است .
وازان جمله است غزل حافظ .

● ● ●

جادا به سخن حافظ تنها نتیجه عمق تفکر عرفانی و زیبائی سحرانگیز بیانش نیست . طرز برخورد حافظ بمسائل زندگی روزمره ، شرب و سعی و نیازش ، فروتنی حقیقی و صمیمه اش ، امید و خوش بینی با یان ناپذشی شیوه مهربانی و کرامتی د ریغ و از جان برخاسته اش ، مسیاری و مسیاری د یگر صفات واقع نامونه وارا ، اورانه تنها متفق ، هر مرند بلکه یک انسان بزرگوارید وست داشتنی معرفی می کند . در نظر آنها یعنی که "انسان بودن " را بر عالم بودن ، بیرون مدن بودن ، صاحبالت و دستگاه بودن برتری می نهند ، این واقعیت یک نکته فوق العاده جاذب در رخصیت حافظ است .

با اینحال پهنه فروناک دیوان حافظ از برخی حاشیه ها و گوشه های سایه ناک آزاد نیست . مثلا در دیوان حافظ مدح شاهان وزیران و شناخت این تهی مفرزان ستم پیشه راه یافته است ولی زهمه چیزوهمه جاهوید است که این تنها در اعصر و قرون ناگزیر مقتضیات و رسوم زمان بود . شاهان آسیائی و از اجمله شاهان میهن ماقدرتی غیرمدد و در عین حال ظلمانی و سنتگ لانه داشته اند . حمایت مادی و معنوی آنها شرط بقا و روش نقدان عصر بود . بعلاوه شکل دیگر از تنتیق حیات سیاسی جامعه ، چشک سلطنت و امارات ، در آنها نکما متصور نبود . شاعری نیست که بدینجا این نابکاران مجبر شدند باشد . حافظ از زمرة آنها یعنی است که چنان مدح را مغروف راه بیان می کند و چنان آنرا بکل عبارات تجربید عرفانی رقیق می سازد ، که تقریبا همیشه از سفلگی و خواری بد رواست . تازه این نیز با جوهر حافظ سازگار نیست . نمیتوان اورا که در رویشی و گدائی را بر صد تاج خسروی ترجیح نمینهاد (۳) و اگر شاهان جزعه زندانه اش را بحرمت نمی نوشیدند به می صاف و مورق انسان التفاوت نداشت (۴) در قام شناخوانان درباری فرارداد .

یا شالزمانه پراز تعصبد یعنی وجهل خرافی ، حافظ را در موادری بسالوسی و امید اراده . در اشعار حافظ گاه - ولوشک نرم و محجوب - دعوی کرامات شده و از "همت" (۵) سخن رفته است . اینهات جملات جو کی - گری و طامات و خرافاتی است که در غزل مصافی حافظ رخنه یافته . در آن عصر ، صوفیان دغل و شیاد ، در زند امیران سفیه ، بدین وسائل برای خود مقام و ممتازی دست و پای میبرند . داستان عمام فقیه و گریه شمع بدست واردات شاه شجاع بوی معروف است . مود جاهل حافظ رانیز ، گاه ، بی آنکه خود او بخواهد ، بسبی فضل وکمالش از آن زمزمه می گرفتند ولی حافظ بارهاد را شعار خود وجود آن تابانک خوش را ازتگ این دعا وی دروغین می زد اید و آشکارا می گوید که هر قدر للاف کرامات و مقامات زده است ، کسی خبری از هیچ مقامی برای رسانی نفرستاد (۶) ، احدای از سر غیب آگاه نیست و آن به که این قسمه عیث را بکثاراند ازیم زیارا محرومی نیست که در این حرم راه یابد (۷) و میهوده می پندازند که حافظ از نکات غیب باخبر است زیرا او محکم غافلی

(۱) رجوع کنید به تذکره دولتشاه سمرقندی .

(۲) رجوع کنید به خاطرات ماکسیم لئوکی نویسنده رومان دیرباره لینین .

(۳) در رویشم و گدا و برای بزمی کنم

(۴) شاه اگر جرجه رندان نه بحرمت نوشد

(۵) شاه محمود واقف است که ما

د شمنان رازخون کفن سازم

(۶) چندان که زدم لاف کرامات و مقامات

(۷) ز سر غیب کنیا گاه نیست ، قسمه مخوان

بیش نیست (۱) . او را پنکه در خرقه سالوس لاف صلاح میزند شرمسارخ ساقی است (۲) و خود میداند که در مجلسی حافظ است و اصوات خوش - که بارها خود می‌ستاید (۳) - آیات قران راتلوات می‌کند ولی در محفظ دیگر دی کش است و دینسان با خلق صفت می‌کند (۴) . این خود کوئی ، خود افسارگی حافظ بینهایت زیاد لکش است .

یافی المثل از باده پرسنی افراطی حافظ باد کنیم . آری حافظ باده پرست است و خواستار شراب تلخ مرد افتنی است که بانو شید نش از دنیا پوشش و هرگز می‌داند (۵) . نیایش باده گلرنگ در زند او و پیشاهمانگ معنوی خیام نیشاپوری بدیدی است که خواننده متعقل راحیران می‌سازد . اینهاد راشاهد اروئی می‌شمود که درمان آزوعد همه دردهای زندگی است . راز این باده پرسنی را تهاد ران باید جست که رند خراباتی و لاابالی ماعلیه منع خشک‌غمغزانه مذهبی عصیان می‌کند . ایرانیان از پارینه شراینش می‌شوده اند . نهی اسلامی آنها را خشمگین ساخت ولی کمتره تبعیت واد است . روشنقراون حسام که چنگ درد امن جهان بینی مه آلد و تسلی پخش صوفیانه میزند ، پرم محتسبان وزاده ان عیوس و خم شکن ، باستانه پیغمبران پناه میردند . آری راز باده پرسنی وی گساری حافظ تنهاد راین طغیان جسوانه نیست . راز عده اند در جرجستجوی "بیخودی" است . برای رهایی از آن جهان ماد و معنوی فوق العاده کریه ، تنگ نظر ، متعصب ، خونخوار ، سالوس ، سطحی و احمقانه ای که حافظ را رچنره گرفته و در قید مهیب وی رحم خود می‌شود ، "بیخودی" ، فراموش کرد ن پیرامون ، تخدیر خوشیشتن ، در رندر خیام و حافظ موئربین و همترین چاره هابود . البته آنها از نظر سیک اند یشة مثبت و انقالی اشتباه می‌کنند . آنها بر ضد جهان زشت پیرامون به پیکار نزین خیزند . آنها را یعنی از محیط دنی عصر خوشی نفرت سوزان دارند یزقند . جستجوی آنها برای زدن غمها از لذت باده گلگون جستجویی است که از بک بد اونمشان روش روحی پر می‌خورد : نفتر از سیه . بخلافه حافظ باده نوشی بروی هر بار از زهد پرسنی ریا کارانه بهتر می‌شمود (۶) . آری رنج جانگ از عصری که حافظ در آن می‌زیسته ، عصری که حافظ خود را در آن مدد بینانه ای در دیر اغرسیب عصری زاده ، فرشته ای بد یار دیوان راند و میدید ، از اباه خراباتیگری و ستایش جنون آمیز شراب و شای بید ریخ بی خود پهای سرمستانه و کیش لذت کشاند . این برای حافظ جستجوی مخدوی افسنطینی پو برا برای فو شاندن آن آتش و سوزد رون که اینهمه از آن مینالد و خوشید آسمانی را تهبا شاره ای از آن می‌شمود . حافظ بحد کشتن رنج میرد !



ولی ماهیت حافظ نه آن مدیحه شاهان ، نه آن سالوسی و جوکیگری ونه این شیوه خراباتی و زند ادا . اگر کسانی جوهر صافی روح حافظ را در راین اعراض که درست محلی کنند ، براین انسان نازنین سنتی جانگ از زانه اند . بهمین جهت شاد روان احمد کسریو با همه نیت پاک و میهن پرستانه اش ، در ترشیخیں ذات انسانی حافظ بخطاب میورفت ولذ آنها مه جملات تأسف انگیز لعن و شنام را در حق این و الاترین شاعران غزل‌سرای ایرانی پر قلم آورد و است (۷) . انسوس از مردم برازنده ای مانند کسریو که در رباره یکی از فخاری‌لارتد ید کشور ما ویکی از تهبا پرسنی بارگاه تاریخ چنین نوشته است . این خطاب آنچه براخاسته که آن شهید داشمند با یک قشریت تعقلى ، و هر اساس نیازمند پهای تکامل اجتماعی عصرما ، رجال و حجاج شد شته تاریخ را بررسی می‌کند . مثلاً عرفان بمعایله جهان بینی مخالف مذ هب عصر ، از وسائل مقاومت عنوی ایرانیان در مقابل بخداد و اید ژولوی رسمی او مدد اهی حنفی و حنبی ، شافعی و مالکی بود . ولی شاد روان کسریو ، بیویه با توجه به جهات متعدد متفی این آموزش و تفسیر سطحی از جهات دیگران ، اثرا باخشمی مقد من می‌کوید وجود ش راد رسرا رسار از تاریخ مایه ننگ می‌شمود .

- (۱) مگوبد گرکه حافظ نکه دان است
- (۲) بسکه در خرقه سالوس زدم لاف صلاح
- (۳) غزل‌سراعی ناهید صرفه ای نبرد
- (۴) حافظ در محفلي ، در دی کشم در مجلسی
- (۵) شراب تلخ میخواهم که مرد افکن بود زهري
- (۶) پاشه نو شد که در آن روی ورایش نبود
- (۷) از جمله رجوع کنید به "حافظ چه میگوید" اثر کسریو و "فرهنگ است یانیرنگ" از همان مؤلف

اکنون جای این بحث نیست . بگفته شاد وران کسروی " این خود جستاری جد آگاهه است " . سخن برسرخصیت حافظ بود . حافظ متکر و همندی ارزشمند و لاترازان انسانی پاکجان وی ریاست . باید او را بد رستی شناخت و بنج روانسوز این مرد تنها مانده و غریب ، که فراتر از هم عمران جا هل خود میدید ، عقیقت از آنها احسان میکرد بی برد . آری میشن حافظ از نیشن مردم زمانه اش و لاتر و شتر است . ولی بد ون شک این بینش امری میتمام معنی تسبی است . حافظ هرگز قادر نبود رازهای پیرامون خود را علمات حلیل کند . اوگاه در برابر سقف ساده پسیار نقش آسمان (۱) و گاه در بر ارمعما و وجود افسانه گون انسانی (۲) متحیر میماند و از وضع بوالعجب عالم بشکفت می آید (۳) . ولی چیزی احسان میکند . هیچانی وظغیانی دز رون پرسور خود دارد . گاه میخواهد سقف فلک را بشکافد و طرح نوراند ازد (۴) و گاه می آیند یشند که در عالم خاکی آدم واقعی سافت نمیشود و با بد عالمی از نو و آد می از نوساخت (۵) . شورها واند یشه هایش بهمهم ، دود الود و در قیام باقضاو های علمی و مثبت و دقیق عصرما ، نارس و بد وی است . حافظ نه تنها از نیشن علی محروم است ، بلکه ، با همه طغیانگری روح ، یک اقلابی ، یک مرد عمل ، یک باپیک یا مازیار نیست تا برآسان در رک و احسان خود به نبرد برخیزد ، بکوید و کوکید ه شود . روح نزار و نجور شاعرانه اش را ن د وران پهرا من و مخافت اورا و میدارد که رضابد اد ه بد هد و از جین گره خشم را بشکاید زیوار را ختیار بر آد می گشوده نیست .

تراتناه حافظ بشاهه متقد ، هنرمند و انسان باهمه مقاط ضعف و سایه ناک فوق العاده مثبت است و بحق میتوان ایرا از چهره های روشن ایرانی و انسانی دانست که در ظلمات قرون وسطائی مید رخشید .

● ● ●

هنوز حافظ میزیست که صیت او با همه گوشش نشینی در جهان زمانش پیچید و قاف تاقاف را گرفت (۶) و بشعرد لکش وی سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی میرقصیدند و می نازیدند (۷) . حافظ از همان زمان در میان پارسی گیلان و پارسی دانان مرید ان بیشمیر یافت و دیوانش همد م و همزا نسله اقرگرفت و این مصائب خاموش گنجینه پر حکمت و قلب رعوف خود را برپری هر کس که بطلان آنکه قرعه د و لتنی بنا منش افتاد از این دیوان فالی میزد ، می گشوده خود این پدیده که دیوان شاعری در میان خلق چنین مزلتی میباشد پدیده استثنایی است . افکار منطق و کلی و در عین حال پرمفر و عیمیک که در سراسر می دیوان پراکنده است گوشی پا سخنانه ایست به سئوالات متعدد مراجعین از عشاوند و منتظران و از زمدان این پیروزی و گرفتاران پند و نومیدان و شرمساران و وفا پرسان و جویند گان تسللا و پژوهندگان اسرارنهان .

ط

ولی نه هر کس که بحافظ عشق و ارادت نزد اورا بد رستی شناخت . روحهای بزرگ و کامل در عین بسا ظاهری از آنچنان بخربنی د رونی هستند که برای شناخت انها مقتدر مات و استعد ادی میخواهد . ولی بهر صورت کار حافظ شناسی کاری است که در ایران کنونی که علی رغم تلاش ارتقا یاری هیئت حاکمه ، با شعور و منطق و عاطفه نو از خواب دیوند ۸ قرون وسطائی پر خاسته و هنوز در کار برخاستن است ، رونقی رفته است . بررسی های گوناگونی طبی بیست - سی سال اخیر تو سط آقایان د کترهومون ، د کتر محمد معین ، د کتر قاسم غنی ، د کتر قاسم غنی ، د کتر سروی ، علی د شتی ، علی اصغر حکمت و سیاری د یگرنشیر یافته است . د رهمه این برسیها ، هریک در راجی خود منوبه خود ، برخی نکات بدیع تاریخی با تحلیلی ، برخی یافته های ارزند تحقیقی یا فلسفی وجود دارد . ولی همه این برسیها قادر نبوده اند بحر جوید حافظ را در کرده های تند اد را خود بگنجاند . هنوزیا ید حافظ را راز قرده هم جانبه ترشناخت .

طی تاریخ از حافظ همه چیز ساخته اند : شیعی متعصب که جزع عشق علی سود ائمہ در سرند ارد ، صوفی

- زین معما هیچ عاقل در جهان آگاه نیست .
- (۱) چیست این سقف بلند ساده پسیار نقش
- (۲) وجود ما معما ای است حافظ
- (۳) زیر کی را گفتم این احوال بین ! خندید و گفت :
- (۴) بیاناتگل بر اشنانیم و می در ساغر اند از بم
- (۵) آدم در عالم خاکی نمی آید بدست
- (۶) اشاره باین بیت : ببر زخل چو عنقا یا من کاریگیر
- (۷) بشعر حافظ شیرازی رقصند و می نازند

فانی فی الله که کارش تکرار شطحیات عارفانه است و همه کلمات عشق و شراب و وصل و فراق و ساقی و میکد در اشعار شد ارایی معنای عرفانی است، رند خرباباتی که تمام عمر رذالت ناسوتی منهمل بود و بنابرایت تصاویر آقای اکبر تجویدی پیوسته گلند امی نیمه عورسریز انبیش نهاده و او با گیسوانی پوش و خرقه ای چاک جام باده درست بست حیران تماشای اوست، فیلسوفی وارسته که دنیا را بسیج مشمرد و از زندگی این جهان دامند رچیده در مقولات مجرد فلسفی و عرفانی مستغرق است و جوانب بودن شخصیت حافظ، رزم‌آمین بودن و کلیت فکارش، اور اقابل انواع تعییرات متاتاضس ساخته است . ولی حافظ در درون این همه جوانب بهره‌جهت جوهري و ماهيتي دارد که حزان نبست . ساده، سالم، اناك، مح حافظ نقطه عده و موكب احست .

بنظر نگارند، آنچه در رشختی انسانی حافظ بیش از همه کیوا، تیم و مدن و اساسی است عصیان اعلیه سمت و دروغ و خوش بینی ثرف و خرد مندانه است. چند راین د وصفت انقلابی حافظ را بمانزد یک و سرای ما فهمیده من کند.

三

اگر شرایط دشوارد و ران حافظ رابد رستی بررسی کنید و بینید که شاهانی مانند امیر جبارزاده می‌سرسلسله‌ال مظفر معروف به "شاه محتسب" و حتی پسرش ابوالغوارس جلال الدین شاه شجاع (درد و رانی) که بزهد و نوع گرائید (چه سخت گیریهای خونین برای مراعات ادب شریعت می‌کرد اند، از جهات حافظ در انتقاد از این، تردید و درجهانی آن، اشنا مالکوسی و مالوسان حیرت می‌کنید . گفتن این طالب در آن ایام میتوانست به قیمت جان گویند ه تمام شود ، چنانه برای حافظ نیز درد و ران شاه شجاع، هنگامیکه این سلطان هرستانک بد ام توپر ریا کاران افتاد و از زدن روی تافت، چنین خطری پدید شد . حافظ مدته از بیم جان تغواریمود . گفتن انکه پیرمامد عی است که بر قلم صنع خدا وندی خطائی رزفه والحق که پیرمانظری پاک و خطای بوشد ارد (۱) یا بیان انکه با این مسلمانی نا استوار حافظ ، وای اگر فرد ائمیزپی امروز را بد (۲)، بزیان اهل کلام و قفقه یعنی تردید رحکمت بالغه الهی ازوی و حقانیت معاد ارسوی دیگر . در آن ایام مهاند ای از قبیل عمار فقیه بودند که برابریات حافظ نکته می‌گرفتند و سمع امیران و شاهان میرساندند . با این حال حافظ دریان اند پیشه خود علیه شیخ و زاهد و صوفی می‌پروا بد . او می‌گفت که شیخ و زاهد رابرسمیت نمی‌شناسد و حاضر نیست از زمین آنان جام باده را بیکشوند (۳) و هنگامی که صوفی دام مکرمنهاد اطمینان داشت که با این عرض شعبد عاقبت بازی چیز بیضه د رکلاهش خواهد شکست (۴) . آشکاری نوشته که من زیک اکنون بد رصومه هایمی پر زیارمید اند که در مجالس وعظ د امها فریب گسترد ه شده است (۵) و پیوای نداشت که بیکوید شیخ و زاهد و حقیقی و محتسب همگی سرگرم تزویرند (۶) ، بخطار پیران جاهم و شیخان گمراه (۷) نمی- خواهد اینی تقوی در پیش گیرد . وی خاک کوی د وست را بر فرد وسی برتری مینهاد و زاهد را از نصیحت عبث شویرید - کان شیق بازمدید اشت (۸) .

قرارداد ن زیائمها و عشق و عیش زمینی د ربرا بر مواجه مذهبه، آزاد شدن از زنگ تعلق و عذر نهاد جنگ هفتاد و دو ملت هر ترد استن متفاوت روح بر برای کاربریاهای دینی و زهد فروشیهای سالوسانه، یعنی آن نکاتی که دیوان حافظ ازان سرشارا میست، آنچنان طغیان تکرار میزی بود که نمیتوانست برای صاحبیش فوق العاده

افرین برزن رپارا ک خطای پوشش باد
وای اگر زیس امروز بود فرد ائی
یا جام باده یا قصمه کوتاه
نیز راه عرض شیده ه با اهل رازکرد
که نهاده است به مجلس وعظی دامی
چون نیک بنگری همه تزویر میکند
پیرون جا هل شیخان گمراه
با خاک کوید وست بفرد و من مگرم
زهر چه رنگ تعلق چدید آزاد است
چون ند ند حقیقت ره افسانه زد ند

- (۱) پیرماگفت خطاط بر قلم صحن نزفت
 - (۲) گرسیل ملطانی ازا یانست که حافظ دارد
 - (۳) ما شیخ و زاهد مکر شناس سیم
 - (۴) باری چرخ بشکند شیوه د رکله
 - (۵) مرغ بیرون بر صومعه اکنون نپرد
 - (۶) می خورکه شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
 - (۷) مارا برندی افسانه کردند
 - (۸) زاده مکن نصیحت شهریدگان که ما
 - (۹) غلام همت آسم که نیز چرخ بکود
 - (۱۰) جنگ هفتاد و دو و ملت همه راعذرینه

خطرنک نباشد. برای آنکه کسی چنین باشد حتماً می‌بایست روحی نیرومند اشته وره بلا بسید و از فراز نشیب نهراست (۱)، زیرا اگر خواهد از سرزنش مدعاً بیاند یشد شوه رندی را از پیش نخواهد برد (۲). آری سراسر بیان رشیق از امها پوشیده است، باید شید ل بود و از بلایه هیزند اشت (۳) .

در دیوان حافظ دعوت به استقامات و خوارگرفتن خطر و پیگیری در راه خویش و خوش بینی به آینده فراوان است. حافظ طمئن است که تنهادن است که ازان خورشید میزاید والا پایان کارد روغ و تزییر مانند صبح نخست یا صبح کاذب سیاهی است (۴) . حافظ برآنست که در جهان بر منهج عدل میرود و ظالم بمنزل راه نخواهد برد (۵) . حافظ برآنست که سحرما معجزه پهلوخونخواهد زد و سامری بید بیضاً پیغوری نخواهد یافت (۶) . تمام این اند یشه های حافظ: طغیانش، مقاومنش، باوش بحقیقت، امیدش بیانده برای نسل مبارز اموزی حکمت های دلنشین در رسهای عبرت انگیزاست.

آری مانسل انقلابی نیمه دوم قرن بیستم از اشعار مردم آمیز این رند فuron وسطایی آهنگهای می شنیم که بانغمۀ درون ماهمنواست: اورای خود نزد یک می‌باییم . اونیز ارزند گی، راستی، مهربویساید رمقابل مرک، دروغ، ستم و رشتی دفع میکرد . کاراها کارما، راه او راه ما، اند یشه او واند یشه ما، علی رغم فاصلۀ شگرف زمانی از جهت ماهیت خود نزد یک و همانند است . جاذبۀ اونه فقط برای نسل پر شور و پیغور آرزوی ما، بلکه برای همه نسلهای انسانی، تازمانیکه عشق به راستی و زیائی باقی است (وان خود عاطفه جاود ائم روح بشری است) باقی خواهد ماند . او شاعری برای همه امصار و اعصار، همه زمانها و مکانها است .

* * *

آنچه در فوق گفته شده اند یشه های براکنده ای در بارۀ یک شخصیت برجسته هنری و فکری تاریخ کشور مبیش نیست . مسلمان لازمه برسی ارشیه حافظ غورسی همه جانبه تاریخی و فلسفی د رآثار او است و از آنجا که در بارۀ حافظ بمعثابه شاعر تحقیقات اند کی انجام نگرفته نگارنده امید واراست که در بارۀ حافظ بمعثابه متکر، برسی جامعتری را به خوانندگان مجلۀ ارجمند نیاتقدیم دارد .

رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز
شیوه رندی و میستی نزود از پیشم
کجاست شید لی کز بلای نیو هیزد
که از دروغ سیه روی گشت صحبت نخست
خوشباش که ظالم نبرد راه بمنزل
سامری کیست که دست ازید بیضاً ببرد .

- (۱) روند گان طریقت ره بلا سپند
- (۲) گرمن از سرزنش مدعاً بیان اند یشم
- (۳) فرازه شیب بیان عشق دام بласست
- (۴) بصدق کوش که خورشید زاید از نفست
- (۵) چون در جهان یکسره بر منهج عدل است
- (۶) سحرما معجزه پهلوخونزندل خوشدار

مبانی تئوریک برنامه‌گزاری

و

برنامه‌گزاری» در ایران

پس از جنگ جهانی دوم تعداد زیادی از شهرهای مستعمره ووابسته، در نتیجه مبارزات طولانی مقدمه واسطه از پشتیانی های معنوی شهرهای سوسیالیستی، استقلال سیاسی بدست آوردند اکراین کشورهای اکاری ازین اجل که استقلال سیاسی بدون تحکیم پایه های اقتصادی کشور و تبعیغ نهادند سرمایه های خارجی اکا نناپذیر است در راه رشد و ترقی خود گام نهادند.

ایران نیز از سال ۱۳۲۷ میلادی "بنام" برنامه عمراضی هفت‌ساله" تنظیم و پذیراًه مدر راه اجرای آشنا کرد. برنامه اول، باد عار مسئولین امر، بحثت "بحران نفت" و "چگاه" عواید" ان اجرای نتیجید. پس از کودتا شاهی که امپریالیسم - شاه بد مت نوکرد یگر امپریالیسم - زاهدی انجام داد و "بحران نفت" بد لایل امینی "خاتمه" پذیرفت و از این راه "درآمد ثابت و هنگفت" تأمین گردید، برنامه دوم بد مت مخدوهای مین خارجی برای انبیاشن کیسه‌هاي اتحادیارگان، پرکردن جیمه‌ای دلان خودی هیجانه از این گنج بار اورد هیئاًم یکم معمور اجرای کرد. شد.

تبیلیشات د امته داری در برایه اهمیت این برنامه برای رشد اقتصاد کشورهای پسورد رفاه عمومی بکار افتاده و اولی چون زنگنه بود که مسئولین امر "متوجه" باشند واقعیت کاربرنامه های خود شدند. در قرقا اقتصادی سازمان برنامه پس از یکسال و نیم پرسنی و کار وظیفه در برنامه های تزریق شدند که بجزیان ایرانی آنها بایان نتیجه های رسیده که برنامه های ایجاد شده ای از این راه عملی و نه از نظر عملی ب برنامه های پیغام معین نبوده اند. خسرو و نداد است وزیر امور اقتصاد و تأمین مدام نشست وزیری رسانام ب برنامه هایی که مه ماحبه می یواعاتی ب برنامه های بیان راجحین ارزشی بخود:

برنامه های اینکه ممکن است میشوند میتوانند مسیر اخراجی ۰۰۰ تا چه گردید
باشند و باشند که فرمولهای معمولی غیر و لازم را داشت و باشند زیادی
باشند. برنامه عمرانی چنان که در ازای ۶ دهه ای مشتمل اقتصادی و اجتماعی بوده
و احتمالات توسعه اقتصادی طبیعت احمدت شرکت را به آن داشت.^{۱۲۸}

(^{۱۲۸} گزارش هفتگی، شماره ۴۵، ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۳)

از مال ۱۳۲۸ فعالیت برای تهیه و تصنیف برنامه نویی که مدت آن پنج سال خواهد بود همراه با تبلیغات دائمی - ارتزی درباره آن آغاز شد. کمیته های اختصاصی در سازمان برنامه، کمیته های دائمی برپا نمودند روزارتخانه ها و اداره های دیگر روزارتخانه های اخیره کمیته های فرعی در روزارتخانه های استادیا شکل گردید. در کنفرانس شاپورسلس، در مجال سرمهعی و مخالف ائم، در موجات و روزنامه ها و حتی در رانجمن روابط فرهنگی ایران و امریکا و رسانشگاه حبوب متمم جاوهده جا ایلیک برنامه نویی - "برنامه جامع ملی" صحبت رفته و مصیرو اکثرین پن از صرف میلاریاد ها پول از یکیه تهیی زحمتکشان و کلاهه کرد ن دست و پای ملت در داد و امامه های خارجی، دستگاه های دولتی بمنظور گمراه کردن اتفاقات عمومی درباره برنامه پنجساله "برنامه جامع ملی" دست به تبلیغات نویی زد و اند.

"گزارش هفتگی" از قول شاه می نویسد : برنامه سوم باید طوری تنظیم شود " ۰۰۰ که عالوه بر اینکه درآمد ملی هرچه سریعتر لارود در عین حال باستی سعی شود که طرقه توزیع درآمد طوری باشد که عدالت اجتماعی تأمین گردد " (شماره ۳۶، د بهاه ۱۳۲۸) . فرمان غرفه ایان در زمان تصدی دفتر اقتصادی سازمان برنامه برای جلب اطمینان مردم م میگوید :

"برنامه گزاری صحیح بهترین وسیله است برای آگاه ساختن مردم از اینکه حکومت وقت خود را ماده ساخته است تا شواریهای آثار ازیان بپارد و وضع زندگی مردم ممهنت

و وضع زندگی افراد را بهبود بخشد " (ابراهیم آباد "مهرماه ۱۳۲۹) .

هدایت در اولین جلسه مجمع عمومی روئاسای کمیته های داعمی اش ایام رمیدارد :

"۰۰۰ افزایش سرعت رشد و نمو اقتصادی کشور بهبود وضع زندگی مردم ممهنت

هدف یک برنامه عموانی میباشد " (گزارش هفتگی، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۹) .

ولی مردم ایران در شرک هشت سال حکومت کودتا تابا تجربه خوش بخوبی ماهیت اینکونه سذلان بوج و نوید های تoxicالی را در کرد و هچشم خود ناشناریت گری بیگانگان و شمنان داخلی بوده اند . این حقیقت را "اطلاعات" نیز نمی واند انکار نماید :

"کلمه "برنامه" یک اثر خاص روی ذهن ایرانی میگذارد . ۰۰۰ این احساس از اینکه

بارت" که ساده ترویج متعارف تراست " میگست برنامه اول واختلاف سلیقه در مرور

نتایج برنامه دوم بوجود آیده است " ، "خلاصه اینکه امروز وقتی از" برنامه

سوم " صحبت میشود مردم آنرا اعلی السویه تلقی می کنند و آنطور که شایسته است

بیک اقدام مثبت بنگزند باین برنامه نگاه نمی کنند " (اطلاعات ۴ اردیبهشت ۱۳۲۹) .

از اینجا است که هدف مادراین مقاله شماش غارتگرها ، دز پهلو و سویستقاده ها از کمیته ملت بنام

اجرای برنامه های هفتساله و پنجساله نیست (آنچه که در شرایط خفغان امروزی نیز تاحد رسواکنده ای

در مطبوعات ایران منعکن شده است) ، بلکه مفهوم رمانش داد آن جواب نسبت برای اینکاری سیاست داشته است که تا

کون نتوانسته است انعکام درست و علمی در مطبوعات واذ هان پیدا نماید .

رشد نیووهای مولد عامل اساسی در تکامل اجتماع بشری است . همراه باشد

برنامه گزاری یعنی چه ؟ نیووهای مولد ، بتدریج ، تقسیم کار اجتماعی بوجود آده و قسمت های مختلف

بهموت رشته های گوناگونی از هم جدا نمیشوند . هرقد راحتمال در طریق تکامل

پیشرفت بیشتری داشته باشد ، تقسیم کارها النتیجه تجزیه قسمت های مختلف تولید برآورده های جد اگانه

و سیستم عدیم میرگرد . چنانکه در شرایط امروزی هزاران رشته مختلف تولیدی بوجود آده است . تقسیم

کار و تجزیه رشته ها فقط بمعنای جد اشدن رشته های مختلف تولیدی از یک یگریست . همراه باشد اشن

این رشته ها از یک یگر ، روابط عینی نیزین اثناها بوجود می اید . هرقد رفقیم کار و سیستم عدیم قرار باشد ، این

روابط نیزند یکت روپیچیده ترمیگرد . شلاق صنعت نساجی که یکی از اساده ترین رشته های تولید میباشد ،

با رشته های ماشین سازی ، سوخت و انرژی ، شیمیائی ، کشاورزی ، تغذیه و ارتباط و اعماقی در ماده ای

سطح درآمد ها ، گرد شرپول ، واردات و صادرات ، تعداد جمعیت و دهه هارشته و عوامل دیگر مستقیم یا غیر

مستقیم ارتقا داده اند . برای تولید یک مترجیت مقدار معین نخ ، رنگ ، اهار ، نیروی برق ، سوخت ، نیروی

کارگری ، استبهالک ماشین آلات و ابزار و دوات و غیره لازمت . بدین ترتیب تناسابات که معین بین

رشته های گوناگون تولیدی وجود دارد . این تناسابات باید از نظر نیروی انسانی ، مواد اشایه و امور مالی

(ماد ام که روابط کالایی و پوئی وجود دارد) رتیم جواب مختلف فعالیت اقتصادی برقرار گردد ، چنانی

تمام جواب تجدید تولید ، توزیع ، بارگذاری و مصرف را در برگیرد .

از آنچاکه تولید در سطح معین و ثابتی باقی نمیماند پارشد تکلیک و تکلولوژی رشته های اختصاصی

زیاد ترولذ اتنیم کاریستی بوجود می آید و عالوه تولید در شرایط مختلف اجتماعی انجام میگیرد ، تناسابات

لازم بین رشته ها و جواب مخفتف تولید نیز ثابت ولا تغیر باقی نمیماند . یعنی ایجاد تناسابات بین رشته ها

و جواب مخفتف تولید نیز ثابت ولا تغیر باقی نمیماند . یعنی ایجاد تناسابات بین رشته ها

در موارد یکه احتیاج به تغییر تناسابات درین رشته ها باشد ، این تغییر از جهت تغییر راهنمگ

افزایش (در صد افزایش در حد ت زمان معین) مخصوصاتی که در این رشته ها تولید می شود، انجام می گیرد.
بدین ترتیب بین آهنگ های افزایش مخصوصات نیز تابعیت معتبر بوجود می آید. تغییرات آهنگ افزایش
مخصوصات رشته ها بمعنای تغییرات رتبه های این رشته های نیز می شود.

برنامه گزاری همارست از تجربه ای که این تابعیت و علمی این تابعیت آهنگ های برای بد ت معین از رشد آنی
اقتصاد ملی دارمیان تمام کشور.

تعیین درست و علمی این تابعیت آهنگ های باعث می شود که از تعام منابع انسانی، مادی و مالی
اجتمعانه حسن استفاده گردد، بهترین شرایط برای پیشرفت سریع اقتصاد ملی بوجود آمد و بالمال
زمینه مساعدی برای بهبود وضع زندگی و آسایش عمومی فراهم گردد.

لیست
برنامه واحد دولتی پاچیزه که تخصصین ما " برنامه جامع ملی " می نامند باید شامل تمام جوابات فعلی
اقتصادی کشور گردد. اگر دلت بدلیت یا علیلی تواند تسمیت یا قسمت های از فعالیت اقتصادی را در مقیاس کشور
تحت کنترل برنامه خود راورد، چنان برناهای یکانی وحدت خود را در مقیاس کشور از ستد دارد و عملی
اجرای آن دچار اشکال شده و یا غیرممکن میگردد.

تباخیت که بین جوابات مختلف تولید ورشته های گوناگون آن بوجود دارد
شرط اساسی برنامه گزاری می آیند برد و شوند: بعضی از تابعیت مانند تابعیت روزنیج در آن ملی
(بین مصرف و آن و خته)، تباخیت بین بازه کار (راند مان کسار) و

دستمزدها، تباخیت بین بخش های اساسی تولید (وسایل تولید و مواد صرفی)،
بین تابعیت سیک و سینگن، بین صناعت و کشاورزی وغیره مشروط بطرز تولید و رژیم اجتماعی
بوده پی تغییرات کثیف در طرز تولید، تباخیت کهنه در هم شکته و تباخیت کهنه بوجود می آیند. تباخیت
دیگر نیز چواد ارنده مشروط بحواله تکنیکی و تکنولوژی بوده و خاص طریق تولید معین نمی باشد. ملاصدراً
معین از شد: تکنیک و تکنولوژی برای بدست آوردن یک تن چند مقدار معین سنگ آهن (پایه های مخصوص)،
زغال کوک، آهک، اب، سوخت وغیره لازمست. این مقدار پر فقط با تغییر تکنیک و تکنولوژی تولید میتوانند
تغییر برآیند و رابطه ای بین امرنده ارنده که چند ن در رژیم قند الیه تولید می شود یا سرمایه داری و یا اینکه
رسویا پیستی.

در عین حالیکه د نوع تباخیت وجود دارد، ولی بهر حال، ضرورت تباخیت کهنه معین در تعام جوامع
بشری انکار ناپذیر بوده و این تباخیت خاص حاره تولید معین نمی باشد. ولی چگونگی برقراری این تباخیت
ونحوه تتفیق و هماهنگی انسابا و بسته بشایطی است که تولید ران شرایط انجام میگردد. طرز بوجود آمدن
این تباخیت و شلیل بریز و تراهنده از ایره موادین و نرم های خالص تکنیکی خارج بوده و تمام امداد رتحت
شراپی معین اجتماعی قرار میگیرد.

در جوامع سرمایه داری تولید بصفحه هرگز می خواهد اهالی انجام نمیگردند. تباخیت ف تولید کنند
منابع شخیصی اویعتی بچنگ ایرون سود میباشد. اذ اهار تولید کنند برای بدست اوردن سود بیشتر باید تولید
کنند که دیگر رقابت و مبارزه است. مالکیت فردی بر موسائل تولید و حقوق ناشی از این باعث می شود که دیوار
غیره تابل نفوذی بین تولید کنند کان مختلف بوجود آید. قوانین رسمی نیز حافظ " اسرار تجارتی " بوده و امکان
اگاهی از نوع کار و شرایط تولید را در رعایت خود میگیرد. نقشه هر ز هر کار فرمابدا رفته ای دیگر
نامعلوم است. بدین ترتیب تولید کنند که بد و اطلاع از قدر از محصولی که دیگران تولید می نمایند در
موئسسه خود بتواند میگردند از این ترتیب میگردند که ای از مقدار تولید د رقیان کشوری اطلاع است. این
بی ادبی زمانی عقیقت میگردند که هیچ تولید کنند که ای از مقدار صرف محصولی که تولید کرد ه است خبری
ندازد. در رژیم امیختن نقشه های تولید کنند کان مختلف که غالباً در جهات مختلف و متفاوت یک دیگر هستند
شون و انتشاری میگیند را متولید بوجود می آرد. این آثارشی قانون تولید سرمایه داریست.

تنها وسیله ایکه تولید کنند که بوسیله آن از وضع تولید و مقدار صرف مطلع می شود، بازار است. ولی
عوا منج بازار زمانی کار میکند که تولید انجام گرفته و کالا اورده بازار شده باشد. زمانیکه در بازار کالای معین
کمیاب باشد بر اثر قانون عرضه و تقاضا قیمتها با لارفته و شرایط مناسب برای تحصیل سود بدست می آید (۱).

(۱) بمناسبت ساده کرد ن بحث نقش اساسی قانون ارزش در ایجاد تباخیت د رتولید سرمایه داری مسکوت
گذارد و می شود.

برای نفع بیشتر مقدار تولید افزوده میگردد ، کارخانجات قدیمی توسعه داده شده و کارخانجات تو ساخته میشود . ولی چقدر را بدستولید افزود ، دراین مورد بازارسات است و هواسنج چیزی نشان نمیدهد و سود جوی تولید کنند گان نیز حدی برای افزایش تولید قائل نیست . ولی بهر حال مصرف حد معینی دارد . هواسنج بازار زمانی کارمیکتد که بازار ابناشته از کالا شده و دیگر خرد اری وجود نداشته باشد . در اینجاست که بازار زنگ خطرمنی نوازد . عده کافی خود را تقلیل میدهد ، عده دیگر کارخانجات خود را تعطیل میکنند و سته های تازه بسیل بیکاران می افزایند . بازار راح را کود ، تولید در استان سقوط و بیکاری در شرف فروضی است . بحران ! بحران میین لحثاتی است که عدم تنسید رتولید و صرف در زیرین رشته های مختلف بینهایت اوج خود رسیده باشد . بقیمت نابودی ملینها و میلاردا ها ارزش های مصرفی ، بیکاری و درد ری هزاران هزار کارگر و حملکش ، روشنستگی و تعطیل صد ها کارخانه و مؤسسه میایست این عدم تنسایت مرتفع گردیده و تنسایت لازم در تولید اجتماعی وجود آید . بدین ترتیب درجهان سرمایه داری بحران هانتهای طنز ممکن برقراری تنسایت لازم بین جوان و رشته های مختلف تولید میباشد . تاریخ رشد سرمایه داری شواهد بیشمار از بحرانها میزگ و بهمه گیوه حرمانهای کوچک و موضوعی بدست میدهد .

در اجتماع سوسیالیستی که مالکیت فردی بروساخی تولید ازینین برد و شده و لذا اهداف از تولیدی مصرف ورقه زحمتکشان میباشد ، مؤسسه های مختلف تولیدی از یک پیغام استند ، رقبای بین این مؤسسه های وجود ندارد و نتشه تولیدی هر موسمه جزوی از برنامه واحد تمام کشور میباشد ، تنسایت لازم بین جوان و رشته های مختلف تولید از این رقیع را نهایا برقرار نمیگرد . مقدار مصرف قابل پیش بینی شد همراهی با مین ان تولید محصولات بین مؤسسه های مختلف تقسیم میگردد و تمام مؤسسه های در راه اجرای برنامه خود کوشش مینمایند و بدین لازم بین تولید و صرف و مؤسسه های تولید بوجود میاید . ازینجاست که در کشور ای سوسیالیستی که مالکیت اجتماعی بروساخی تولید بوجود آمده است ، برنامه گزاری تهاب ارز مکن و ضروری برقراری تنسایت انسان میباشد .

لازم بین این های مختلف تولید میباشد .

شرط شروری برنامه گزاری ازین بدن مالکیت فردی بروساخی تولید میباشد . لذا ، برنامه گزاری فقط در شرایط میین اجتماعی بد مرحله مشخصی ازش دان امکان پذیر است . بدین ترتیب برنامه گزاری فقط ایجاد تنسایت کمی میین بین رشته های نیست ، بلکه میین روابط تولیدی میین نیز میباشد .

ازینجاست که گفته فرمان نفرمایان - شورسین اقتصادی سازمان برنامه بی پایگی علمی خود را به ثبوت میرساند : « ... مفهوم برنامه گزاری در سراساری زیرین بروساخی تولیدی میین زندگی چه از طرف افاد و په از طرف جامعه گزارفته است . برنامه گزاری اختراع امریکاییا یا شوروی میانیست ، یک جنبه عادی رفتار انسان میباشد . » (ایران اباد ، شماره ۷ ، مهرماه ۱۳۴۹)

مکن است گفته شود که اگر کارفرمایان جد اکانه در نتیجه تلاش انها در راه بد است ازد ن سود ها وجود نقشه های بعلیحده و مقناد خویش در چهارچهه کارخانه و مؤسسه خود قادر نمیستند که تنسایت لازم را در تولید اجتماعی و در مقام اکثریت کشور بوجود آورند ، آیاد ولت نیز قادر نخواهد بود که از طریق برنامه های واحد در مقام اکثریت کشور امور تولید و صرف را تحت فرمان خود گرفته و تولید اجتماعی را در راه سالمی سوق دهد ؟ جواب این سوال منفی است .

درجهان سرمایه داری نیزه مالکیت خصوصی سرمایه داری بروساخی تولید تعیین کنند تمام روابط دیگر تولیدی و مشخص سیمای اجتماعی آن میباشد ، قوانین اقتصادی خاص آن وجود دارد . بکی ازین قوانین بطوریکه قابل نیزه بدم ، قانون رقابت و اثارشی در تولید است . و این قانون مانع رشد آگاهانه و طبق نقشه اقتصاد کشورهای سرمایه داری میگردد . نه افاد جد اکانه و نه مقامات دولتی هیچگدام قاد رنیستند که عالیم تأثیرات این قانون عمل نموده و اقتصاد کشور را تحت برنامه درآورند .

بدین ترتیب اگر ماخال بوجود قوانین اجتماعی باشیم و برای این قوانین جبهه عینی پیشنا سیم و قانون رقابت و اثارشی تولید را یکی از قوانین عینی اجتماعات سرمایه دارید اینیم ، در اینصورت مسلم خواهد بود که امکان برنامه گزاری که انکا من قانون رشد بانقه بوده و خاص اجتماعی از نوع دیگر است ، در عالم سرمایه داری وجود نخواهد داشت .

بحرانهای اقتصادی متناوبی که در جهان سرمایه داری رخداده ویده، بخصوص فلاتکت بارترين آنها برانهای سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۲ در جهان دولتی و متخصصین اقتصادی غرب را بفرچاره جوئی و جلوگیری از بحرانها نداشت. سالهاست که برای دخالت دولتی برای امور اقتصادی و ترتیب اقتصاد ارشادی، "سرمایه داری طبق نقشه" و "سرمایه تنظیم شوند" پایه های علمی ونسخه های "عملی" تراشیده میشود. آنانکه در راه برنامه گزاری اجتماعات برنامه ناپذیده داده و "تعویهای" برای امکان اجرای انتها میتوانند، همگی وجود قوانین عینی را در اجتماع انکار کرد و عملان و لنتاریس را جانشین قوانین عینی مینمایند. ولی زندگی و حقایق آن سرinxتیزی از مرغتیزی تراشی و نسخه بدی ساختن است.

تلashهای رئیس جمهور امریکا هوور در سالهای پس از ۱۹۲۹ و پیش از او کومنجد یسد. روزولت که "برنامه گزاری اپراتیو" خود را با ایجاد سازمان برنامه اداره احیاع صنعتی" (NIRA) که در راعی آن سرمایه داران اتحادیات "تزال موتور"، استاندارد اولی و دیگران قرار گرفته بودند، اغا زنمود و تمام اقدامات بعدی در مورد "برنامه گزاری" باشکست کامل مواجه گردید. اقدامات مرویت بسالمی مسایع این بحران وحد مات و خسارات وارد ازان برآمدی پوشیده نیست. اقدامات بعدی روزولت نیزه برای پیش گیوی از بحران احتمالی انجام میگرفت بحاجی نرسید و زمانیکه او مشغول "برنامه گزاری" بود و چاره جوییهای احتیاطی خود را بعمل میبرد بحران سال ۱۹۳۷ آغاز گردید و فقط جنگ جهانی دوم بود که سرمایه داری را از شر این بحران "نجات" داد.

همچنین نتیجه اقدامات لیبرال های راست در انگلستان که پس از جنگ جهانی دوم با ملی کردن با انگلستان، صنایع سوخت و انرژی و معنی موسمات ذوب فولاد میخواستند «موسیالیسم» مودرایتیک «خود را بوجود آورد و اقتصاد کشور را باد رسید داشتن این رشته هاکه بقول اینها "کلید کارگشای" برنامه گزاری بود تحت نظم و قوه دار نهاد، باوشون کامل، غیرقابل اجرا بودن اینگونه برنامه هاراد رشای سرمایه داری به شیوه رساند.

"برنامه چهارساله" دولت لیبرال انگلستان که برای سالهای ۱۹۴۹-۱۹۵۲ تنظیم و بازگذازه شد نتایج زیرا برابر اورد: در سال ۱۹۵۱ استفاده از قدرت های مولد صنایع غولابیه، کشتی مسازی ۶۵٪، شیمیائی ۶۷٪ و نساجی ۶۰٪ تقلیل یافت. این کشیده رسال ۱۹۴۹ دچار بحران ارزی و در سال های ۱۹۵۰-۱۹۵۱ بحران شدید سوخت گردید. تتما چیزیکه در این مدت در انگلستان افزایش یافت مخارج نظامی، در اراد سرمایه داران، مالیاتها و هزینه زندگی بود! مخارج نظامی ۷۵۳ میلیون لیره در سال های ۱۹۴۹/۴۸ به ۱۳۲۴ میلیون لیره در سالهای ۱۹۵۰/۵۱ و در آمد سرمایه داران از ۲۰۶۲ میلیون لیره در سال ۱۹۴۹ به ۲۹۵۳ میلیون در سال ۱۹۵۱ افزایش یافت. مالیات سرانه از ۷۷ میلیون لیره در سال ۱۹۵۱ به حد لیره در سال ۱۹۵۱ ریزید و هزینه زندگی بلیق شاخص انشکاه کمربیج دوبرابر ترقی نمود. این است نتیجه عملی "برنامه گزاری" در جهان غرب.

پس از جنگ جهانی دوم ایالات متحده امریکانیزه "برنامه های" ایران بدست متخصصین آن تمیه و تنظیم میگردید، سه باره چار بحران اقتصادی شد: ۱۹۴۹-۱۹۵۳، ۱۹۵۴-۱۹۵۷، ۱۹۵۸-۱۹۶۰. فقط در بحران اخیر (۱۹۵۸-۱۹۵۷) تولید چدن ۱۹/۶ میلیون تن و تولید فولاد ۲۵ میلیون تن نسبت بسال ۱۹۵۷ انداده شده تولید محصولات صنعتی در عرض یکسال باند از ۷٪ کاهش یافت. کیلینگ رعنی سابق شورای اقتصادی ریاست جمهوری امریکا میگوید که در ظرف پنج سال ایالات متحده بیش از ۲۸۰ میلیارد دلار و در حدود ۸/۵ میلیون نفر سال در ایران بیکاری ازدست داده است. والترویت معاون صد راتحاد یه کارگران امریکا که یکی از امامیان امپریالیسم امریکا میشد ریاستاپنای ۱۹۶۰ بمناسبت "روزکار" در این کشور اظهارداد است: «هیچگونه آگهی های پرنیش و تگار نمیتواند این واقعیات سریع اقتصادی را پنهان کنند. دارد: بیش از ۵ درصد تمام نیروی کارگری مابیکار است، میلیونها کارگر نیمه بیکار هستند، از ۰-۲ درصد مقدورات بالقوه صنایع ما استفاده نمیشود و چنان رشته مهم صناعت مانند فلزکاری در حدود ۵٪ قدرت خود کار میکند.»

چنین است حقایقی که حتی مخالف رسمی و حامیان امپریالیسم امریکانیزه را نکار آنها نیستند. اگر

برنامه گزاری پرای استفاده کامل وهمه جانبه از منابع انسانی عمادی و مالی اجتماع می‌باشد، باد رنظر گرفتند
حقایق مذکور، ازکد ام برنامه گزاری درکشورهای سرمایه داری مسخنی در میان میتواند باشد؟
این حقایق بازدید بر جه خیانت پیشگویی مخالف حاکمه ایران راستی متفاوت خلق نشان میدهد که
چگونه باوارد کرد ن "متخصصین" و "مشاورین" که کشورهای خود انتہاد رتب بحران می‌سوزد و می‌لاره دارد لار
از زیش‌های صرفی و ملیونها نیروهای انسانی آنها بیاند فنا می‌پرسند، می‌خواهند سروسامانی پوضع فلاتک با راقتصادی
کشور خود را یافته گری ایرانیان این کارشناسان و نتیجه خود فروشی این رجال خیانت پیشه می‌باشد،
بد هند ۰ در اینجا بای اختیار، مثل ایرانی "کل اگر طبیب بودی، سخنود و منودی" در خاطرها نزد می‌شود.
بدین ترتیب علم و عمل نشان میدهد که در شرایط سرمایه داری نه افراد جد اگانه و نه دولت هیچ‌کدام
قاد رئیستند که اقتصاد کشور را تحت نظم هر نمایه دارا هستند.

دولتها بر سرمایه داری تولید محصول راد روموئسات خصوصی بطور مستقیم
تحت کنترل خونینگیند بلکه با استفاده از سوائل غیرمستقیم میخواهند سرمایه
شای خصوصی را تحت "نظم" و برنامه "دارند" و از این راه تنشیات لازم را
در تولید اجتماعی برقرار سازند. فرامانفرما میان در راولین جلسه کمیته برنامه
وزارت صنایع و معادن چنین اظهار میدارد: "۰ ۰ ۰ برنامه سوم نه تنها
شامل کلیه عملیات موئسات و سازمانهای دولتی می‌باشد بلکه فعالیت‌های اشخاص و موئسات خصوصی رانیز
در ریخواهد داشت. در نتیجه با اینکه دولت در امور مربوط به موئسات خصوصی مستقیماً داخله نخواهد کرد
محذلک با استفاده از سیاستهای مالیاتی، گمرکی و اعتباری دولت تا حد و دی در تعیین فعالیت‌های موئسات
خصوصی اعمال نظرخواهد کرد." (۰) "گزارش‌هفتگی" ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۹)

البته دولتها بسیاستهای مالیاتی، گمرکی، اعتباری هروشی که در مرور تعیتها اتخاذ مینمایند، میتوانند
تاثیرات ممیزی بر تولید و روشتهای مختلف آن بنمایند. نقص اساسی استفاده از اینگونه اهرمها اقتصادی
در ریاست که این اقدامات فقط ممیط گردش را در برگرفته و مستقیماً بر محیط تولید نمیتواند تاثیر نماید. لذا با
اینگونه سیاستهای نمیتوان حد او فرازی و با تقليل میزان تولید را در چهارچوبه مصرف انانگاهد استه و از این
طریق همانگی بین تولید و مصرف را بوجود آورد. استفاده از اینگونه اهرمها اقتصادی بمعنای ایجاد امکانات
بیشتر از نظر تأثیرات ممیز سود فراوان تر روشته محین تولیدی است. زمانیکه در روشته محین سود بیشتری برای
صاحبان صنایع و با هر روشته تولیدی دیگر وجود نداشد، بطوریکه قبل از بدیم، سرمایه گذاری در این روشته
افزایش می‌آید و این افزایش تا حدی بیش می‌برد که تولید بر مصرف فروخته و در این روشته بحران بوجود آید.
در اینجا نیز، بهر حال، بحران است که تنشیات لازم را در راقتصاد طی بوجود خواهد آورد. تجربه ده ساله
هند وستان که در طی برنامه‌های پنجمالله خود، از همان آغاز، سیاست جلب سرمایه های خصوصی و تا عییر
انهار پیش‌بینی نموده بود، نشان داد که سرمایه های خصوصی تبعیت کامل از برنامه های دلیل نکرده و
سرمایه های خود را در رجهات روشته هایی بکار می‌اند ازند که متفاوت بیشتری عاید اینها نماید. بدین جهت همه
ساله عدم همانگی در بین روشته های مختلف تولیدی و تولید و مصرف بوجود آمد و می‌اید. (۱)
اقای حسن رستمیز طی مقاله ای بنام "ثبتت اقتصادی" طریق گزیر برای تأمین و لک در اقتصاد
کشورها پیش می‌گاری نشان میدهد: "در کشورهای اینه نز برهه ان متعارف بوده باز ایشان
سازمان صحیح دارد نز تنزیل در پرونده جریان پول تا عجز سازاند از طریق که کوچکترین تغییر نز تنزیل در
(۱) طبق برنامه پنجمالله اول هند (۱۹۵۱-۱۹۵۰ / ۰۵-۰۴) قرار گردید که تولید پارچه در رکارخانجات
تساجی در سال ۱۹۵۱ به ۴۷۰۰ میلیون پارچه بانگ گردید و لی عمال تولیدی به ۵۳۰ میلیون رسید. این
افزایش بیش از حد باعث شد که در سال ۱۹۵۷ صنعت نساجی هند پارچه را شدیدی گردید و تعداد زیادی
کارخانجات نساجی تعطیل و عده کثیری می‌کارگردند. بحلت عدد متاسب را توسعه و مصرف محصولات نساجی
در پنجمالله اول باند ازه ۲۰-۲۵ درصد از قدرت های تولیدی منابع و در پنجمالله دوم ۱-۵ درصد آن
می‌ورد استفاده قرار نگرفته. در اثر قابتهاشی شدید بین موئسات خصوصی تعدد اد کمیاتی های هر شرکت شد.
هند ۱۸۷۷ که میان ۱۷۸۰-۱۹۵۰ ایشان تا در سال ۱۹۵۷ کمپانی در سال ۱۹۵۷ به ۱۷۸۰ ایشان
زیاد دیگر گوچی برای اینسته که نقشه های دلیل در شرایط سرمایه داری قاد رئیستند رقابت و سحران را در
اقتصاد ملی از میان برد ارتد.

جربان سرمایه و سرمایه گذاری وواردات و صادرات و تولید ملی افزایش می‌گارد . اماد رسیاری از کشورهای توسعه نیافرته که نز ببره هنوز در حدود صرافیهای قرن گذشته است ۰۰۰ نز سنگین ببره صرافی معاشر کوتاه مدت را برهمه فعالیتیهای اقتصادی مرچ می‌ساز و مانع سرمایه گذاریهای سالم و لند مدت میگرد . چاره این وضع داشتن سیاست مستمر و روش پول و تضمیم واقعی به تنزل داد نز ببره تاحد و محتدل و مرسوم در بازارهای میان الملکی می‌باشد . ”تیران اکنونومیست“ شماره ۱۳، ۴۱۰ خرد آد (۱۲۴۰)

بدین ترتیب بعیده افای رستارونق اقتصادی و اغذیه سرمایه گذاری وابسته بمنز تنزیل می‌باشد . اگر نز تنزیل زاد نباشد ، امکان دریافت وام بیشترشده ولذ اوضاع فعالیتیهای اقتصادی و سرمایه گذاری بهتر میشود و دلت باتنشیم نز ببره قادر خواهد بود برآمد اقتصادی و ارشاد تولید کث کند . این فکر تازگی نداشت و مدتهاست درغرب تحت عنوان ”مکتب کینز“ طرف اران زیادی پیدا کرد است . کینز مدعا است که بحران ناشی از نوسانات ”غمیخشی نهائی سرمایه“ می‌شود . بعیده اور حران زاید است که در دینامیک تغییرات ”غمیخشی نهائی سرمایه“ و نز ببره همانگی وجود ندارد . اکراز اصطلاح ”غمیخشی نهائی سرمایه“ تخدیلات واهی کینز درمود تأثیرات روحی و عوامل پسیکولوژیک را کارگذاریم ، ”غمیخشی نهائی سرمایه“ عبارت خواهد بود از نسبت سود بر سرمایه (نز سود) (۱) . بنابرگ کینز نوسانات نز سود نسبت به نز ببره بمعناه فرونق و حران تولید می‌باشد ، زمانیکه نز سود بیش از نز ببره باشد سرمایه گذاری تشییق شده و در تولید رونق بروید می‌اید . واگر نز ببره در حدود وابیش از نز سود باشد سرمایه گذاری صرف نداشت و لذ اتولید توسعه نیافرته والنتیجه بحران و میکاری پیش می‌اید . بعیده کینز اگر دلت نز ببره را طوری تنظیم نماید که سود بیشتری عاید سرمایه دارد گردد سرمایه دارد رشد یافته و اقتصاد کشور جاری بحران و پیکاری خواهد گردید . بطورگه دیده می‌شود سوال نز ببره و روابط آن با نز سود والنتیجه سرمایه گذاری فقط مبتلاهی کشورهای توسعه نیافرته نبوده ، بلکه علی‌غمیغ گفته آقای رستار ، مطرک کشورهای رشد یافته نیز می‌شوند . از اطراف دیگر ، برخلاف دعوی کینز از اقای رستار ، نز سود وابسته بمنز ببره بوده و برحسب افرایش ویا تبلیغ نز سود زیاد وکم می‌شود (بدون درنظرگرفتن شرایط دیگر) .

این اشتباوه ناشی از عدم درک ماهیت ببره وام و پنج پیدا یاش آن می‌باشد .

قرضه ایکه سرمایه دار برای سرمایه گذاری از نانکه او اشخان مختلف دریافت میدارد ، ماد امکه در کار تولید شرکت ننماید ، هیچگونه سود وابسته ای ایجاد نخواهد کرد . وام پس ازانه وارد پروشه تولید گردید از سرمایه استقراری سرمایه تولیدی تغییر شکل میدهد و در جریان تولید را راستشار کارکنان مقداری ارزش اضافی پیشکل سود بدست کارگرها می‌ساند . کارفرماستی از سود حاصل را متناسب با مقدار وام به ماحصل سرمایه استقراری بنام ببره میپود ازد . هرقد رسود یکه از ارقیک بکارگذاران این سرمایه بپیشتریا شد سهم صاحب سرمایه استقراری نیز پیشتر خواهد بود (در اینجا برای اختصار مسائل مربوط به شایر قانون ارزش) ، پیدا یاش نز متوسط سود و نز متوسط ببره وغیره مسکوت گذارد (بدین ترتیب دیده می‌شود) . بدین ترتیب دیده می‌شود که نز ببره وابسته بمنز سود می‌باشد ونه بر عکس . ولی اینکه سود حاصل در عمل بچه نسبتی بین سرمایه استقراری و صاحب کارخانه تقسیم میگردد ، این امرستگی بمعیزان سرمایه گذاری ورضه سرمایه استقراری خواهد داشت . اگر احتیاج بسرمایه گذاری افزونی یابد ، چون تقاضا بر سرمایه استقراری نیز افزایش میابد ممکن است (حتی نیست) نز ببره نیز افزایش یابد . و اما سرمایه گذاری زمانی افزایش می‌یابد که تقاضا بمواد مصرفی ویا

(۱) منظور کینز از ”غمیخشی سرمایه“ عبارتست از نسبت سود یکه سرمایه دار تصور میکند را یابد و از داد و خواهد شد ، باخرین سرمایه ایکه در این راه گذارد می‌شود . مقدار سود در ”تصور“ سرمایه دارستگی بحالات روحی اویعنی درجه خوشبینی و یابد بینی و باحتی ان تأثیرات روحی که در دهد میتواند در اوایجاد نماید ، دارد . چون کینز درمود از نز طرف ارتكاب اطربیش است و ”فایده نهائی“ را معیار ارزش میدارد ، اینست که در اینجا نیز اخرین واحد سرمایه یانفعی که عاید آخرین سرمایه گذاری خواهد شد ، درنظر میگیرد . درمود این مکتب بطور خلاصه ولی مفهوم در ”جزء اقتصاد“ آقای دکتر پهلوه داده این گرد اورد که من بهزاد سخن رفته است .

وسایل تولیدی افزایش یافته باشد. افزایش تقاضا بمواد مصرف و اوسایل تولید معنای کسری در تولید آنها میباشد و این امر نباید خود را حساب قانون عرضه و تقاضا موجب افزایش قیمتها و تأثیرگذاری بر از fertن مقدار است. میگردد. سرما به دارنیزی استفاده از اوضاع مناسب بازارهای ایران است اوردن سود بیشتر فکر توسعه تولید ولذا سرما به گذاری جدید میافتد. اگر فرض این بعلت نبود نهضت معرف کنند و کسادی بازار احتمالی برای توسعه تولید و سرما به گذاری نباشد، اگر نزد بزرگ بحداقل خود نیز ممکن است این بزرگتر فکر توسعه تولید که قرضه اید را فاتح دارد. بدین ترتیب میزان بزرگ و ترتیبات آن با مسود تائیمیو بسرما به گذاری ندارد. در عمل نزد سود است که میزان بزرگ را تعیین نموده و سرما به گذاری تائیمینماید.

نزد سود، خود وابسته بزرگ ارزش اضافی (نرم ارزش اضافی) یعنی نسبت ارزش اضافی بسرما به متغیر ترکیب ارگانیک سرما به یعنی نسبت سرما به ثابت پسرما به تغییرها لآخره سرعت گردش سرما به میباشد (۱). هر قدر نزد (نرم) ارزش اضافی بیشتر شد نزد سود نیز بیشتر خواهد بود و هر قدر ترکیب ارگانیک سرما به بزرگتر باشد نزد سود نیز بزرگ خواهد بود. یعنی نزد سود نسبت مستقیم با تراخ ارزش اضافی و نسبت معکوس با ترکیب ارگانیک سرما به دارد. آنچه که در رفتارهای اقای رستار موافق حقیقت است اینست که در کشورهای پیشرفته سرما به دارنیزی را در نزد بزرگ رکشورهای توسعه نیاز است. هنوز رخد و صرافیهای قرن گذشته است. سرما به دارنیز بزرگ رکشورهای دارند در حدود صرافیهای قرن گذشته میباشد، اینست که در راشتن خود و دخالتها علت آنکه نزد بزرگ رکشورهای ایران در حدود صرافیهای قرن گذشته میباشد. دلایل این است که در کشورهای اسلامی وارد و لول سرعمل و نوکران آنها کشورهای ایران در رشد و تکامل اقتصادی خود باشد از قرن از کشورهای پیش از سرما به دارنیز عقب مانده است. در کشورهای پیشرفته سرما به دارنیز تکمیل مراحل عالی تکامل خود را طی مینماید ولذ ابازد کار در راین کشورهای اسلامی بیشتر از ایران بوده و بالنتیه وزن دستمزد (سرما به) متغیر در رواحد سود و مالانزد بزرگ رکشورهای اسلامی دارند که در راین کشورهای ترکیب ارگانیک سرما به بزرگتر از نزد سود و مالانزد بزرگ رکشورهای اسلامی است. این خود یکی از علی یوش سرما به های خارجی بکشورهای اعقب مانده و در حال توسعه میباشد.

پاد رئنارگرفتن مراتب فوق دیده میشود که طرقی که متخصصین ایرانی به تجربی از تئوریهای غرب به منظور تائیمی بر اقتصاد ملی و اجرای برنامه های پیشنهاد مینمایند هم از نظر تئوری و هم از جهت عملی بسی پایه و اساس میباشد.

آنچه که کفیزد پیگر اقتصاد یونجهان سرما به دارنیز میکنند، برای نجات یک اختلاف فاحش ... سرما به دارنیز غرب از ایران پیگیری داعی ها لآخره ازشکست و تابودی است. زمانیکه دامنه نفوذ امپریالیسم چهانی با پیروزی انقلابات سوسیالیستی از یک طرف و توسعه نهضت های آزاد پیش و انقلابات در کشورهای مستعمره ووابسته از طرف دیگر روز بروز تنگر و تضاد درونی و بحران عمومی ان عقیقرت میگرد دها افزایش قدرت اقتصادی ارد وی سوسیالیستی ورشد و توسعه سرما به دارنیز جوان در کشورهایی که تاد بیرون رساند اسارت اقتصادی و سیاست امپریالیسم قرارداده استند، بجز اقتصادی در راین کشورهای ساخته مژون وحد اگر قدرت و تولید اضافی میکارید رد بید رمان این کشورهای میگردد، امپریالیسم احتیاج ببیشتری برای دخالت د و است را مورا اقتصادی پید اینمینا بد و تهراه نجات خود رادر سوی انتقام بسی صنایع جنگی و حفظ سطح تولید از طریق انباشتن اسلحه و مهمات میبینند.

بدین ترتیب دخالت د و تهراه را مورا اقتصادی کشورهای امپریالیستی و کوشش های بی نتیجه اندیاد برنامه گزاری اقتصادی در خلاف جهت سیاست مترقبی بشریت و منفای انسانهاست.

ولی وفع در کشورهایی از بین امپریالیسم نجات یافته و قد در راه رشد سیاسی و اقتصادی مستقل

(۱) در مطبوعات اقتصادی و عرف بازار ایران برای اجزای مختلف سرما به اصطلاحات دیگری بکاربرد ه میشود که مطابق با اصطلاحات مارکسیستی نبوده و همانند اصطلاحات اقتصاد سیاسی بوزوایی میباشد در ایران سرما به ثابت آن سرما به ای اصطلاح میشود که برای خرید ساختمان و ماشین آلات و غیره بکار میبرد (در اقتصاد سیاسی مارکسیستی این سرما به، سرما به اساسی خوانده میشود) و سرما به جاری و با متحرک بان سرما به ای گفته میشود که برای تهیه مواد خام و پرداخت دستمزد مصرف میشود. در اقتصاد سیاسی مارکسیستی برای این دو اصطلاحات مختلفی بکار میبرد: برای خرید مواد خام و غیره سرما به گردش بیرونی دستمزد - سرما به متغیر.

گذارد و اند، کاملاً بمنجود پگراست.

- اگر رکشورهای امپریالیستی در زمان بحران عمومی سرمایه داری دچار بحران مزمن اشغاله تولید هستند، کشورهای در حال توسعه در این بسط و توسعه اقتصادی خود را می‌گذرانند.

- اگر رکشورهای امپریالیستی بیکاری زائیده رشد عالی تکمیل و ترقی تولید می‌سازند، در کشورهای در حال توسعه بیکاری زائیده سطح پائین تولید وضعف اقتصادی این کشورها می‌باشد.

- اگر رکشورهای امپریالیستی سرمایه داری انحصاری دلتی د بالله تمرکز و جمع سرمایه و تولید در دست انحصارها نتیجه در نهاد دولت و اتحاد مارات می‌باشد، در کشورهای د رحال توسعه سرمایه داری د ولتی زائیده ضعف قوای اقتصادی کشورهای اتحادی ملی بوده و ممکن از این نجات از نفوذ اقتصادی امپریالیسم می‌باشد (۱).

- اگر رکشورهای امپریالیستی "برنامه گزاری" تلاشی است در راه تحکیم قدرت جهانی امپریالیسم، در کشورهای در حال توسعه کوشش در راه دخالت از روی نقشه دولت‌های تقویت بنیه اقتصاد ملی بوده و بالنتیجه به تضعیف امپریالیسم جهانی متوجه می‌گردد.

- اگر رکشورهای امپریالیستی در حال توسعه کوششی دلتی در راه تخفیف و خامت ازدحامین اقلی و تقویت صلح جهانی می‌باشد.

بطوریکه دیده می‌شود وضع در کشورهای در حال توسعه از شیوه واسان باکشورهای امپریالیستی فرق داشته و بروشی جتبه مترقب و انسانی تلاش‌های دولت‌های این ممالک دیده می‌شود.

ازینجاست که از زبان ما اینگونه کشورهای تلاش‌محافل د ولتی آنها را تظییم برنامه برای رشد کشورهای خود، اگرچه این برنامه هارا از نظر علمی بک برناه واقعی نمی‌شناشیم، کاملاً متفاوت است. کمکهای بی شایعه ارد وی سوسیالیسم و مخصوص اتحاد شوروی‌ما ینگونه که هر یاد نمونه بازی از این طرزی خود می‌شوند. نکته ای راکه باد در نظردار است اینست که در زیرنکشورهای...

... و یک اختلاف اساسی دیگر در حال توسعه نیز حسب آنکه که ام يك از نیقائید را عن حکومت قرار گرفته و دیگر حاکمه بسود کدام طبقات ترکیب یافته است، اختلافات اساسی دیده می‌شود. هند و ایران نمونه بازی این اختلاف می‌باشد.

ترکیب طبقاتی هیئت حاکمه در ایران بتفع زیند ازان بزرگ و سرمایه داران د لال امپریالیسم می‌باشد و اینها هستند که مقامات دولتی اشغال نموده و اداره سیاست و اقتصادی که دور از دست دارند. مالکین و بحوزه ازی که هر دو که ساخت ترین د شمنان د اخلي دیگر جابقات و اشخاص اجتماع ایران می‌باشند. از نظر سیاسی و نهم از احاطه اقتصادی کشور ایسوسیاتیکات و هر کسی کسی می‌باشد. از نظر اولی د رهنده که امروز قدرت دولتی بیشترد رست بحوزه ازی ملی می‌باشد از نظر سیاسی و اقتصادی و غیره د یگری نسبت بایران مشاهده می‌شود.

از نظر سیاست خارجی هند روش مستقل و اصل بیکاری را پیشه ساخته، در سیاست داخلی از اد اد و د موکر اسی معینیتی ما ام طبقات و اشخاص اجتماعی داده است. ولی دلت ایران سیاست خارجی خود را درست در اختیار دل امپریالیستی و بیش از همه امپریالیسم امریکا که اداره و از نظر اداره از این نظر بحوزه ازی ملی گرفته تا کارگران) از حقوق ازادی و مهانی د موکر اسی محروم ساخته است.

از نظر اقتصادی نیز دلت هند اقد امات نسبتاً وسیعی در راه توسعه و رشد اقتصاد خود اند: اد اد و داده و واپسی کشور ایسوسیاتیکه های خارجی شدید ترویجی قهرمانی موقعاً "برنامه جدای" دلت ایران ریتا یسج حاصله ازان هاگواه عاد لی براین مدعاست.

در برنامه اول ایران تقریباً ۲۸٪ سرمایه گذاری های کشاورزی و امور مربوط بان پیش‌بینی شده بود و

(۱) سرمایه داری د ولتی د رکشورهای ازاد شده سرمایه داری و سرمایه داری انحصاری د ولتی د رکشورهای امپریالیستی هر د ولتی دیگانه دارند، زیواره د و متکی بر مالکیت سرمایه داری می‌باشد.

حال انکه وزن سرمایه گذاری در صناعت که رشد و توسعه همه جانبی آن تنها ضمن استقلال ایران در قبال نفوذ امپریالیسم میباشد، فقط ۱۶٪ کل سرمایه گذاری را در ریتمیگرفت. در پنجمین دور (پس از تجدید یاد شنتر) وزن صنایع در تمام سرمایه گذاری بیش از دویست تا ۷٪ رسید و در مقابل سرمایه گذاری در حمل و نقل و ارتباطات که هدفهای استراتژیکی آنها برآمد یوشیده نیست از ۲۹٪ در برناهه اول به ۳۵٪ در برنامه دوم افزایش داده شد. مبالغ جزئی نیزکه برای صنایع پیش بینی شده فقط بمعنی توسعه وايجاد چند کارخانه تولید کننده مواد صرفی بوده و در راه صنایع سنگین، جزء رعورد سیمان، تغیریات انتشاری در نظر گرفته شده است. آن مبالغی نیزکه با صطلح برای ذوب آهن پیش بینی شده بود همچنان در راه "طالبات" بصورت رسیده و میرسد. در برنامه سوم نیزوزن صنایع فقط ۱۸٪ کل سرمایه گذاری را تشکیل میدهد و حال آنکه شناوری و نقیقی و ارتباطات ۲۶٪ از نابوجود می اورد.

ولی در هند با وضعی کاملاً دیگر پروری میشوند. در پنجماله اول هند تقریباً ۵/۲۵ درصد کل سرمایه گذاری دلتی در راه کشاورزی و ابیاری میباشد هصرف شود و این رقم در برنامه دوم و پاره برنامه سوم بتصریح ۲/۳ و ۱/۱۳ درصد تقلیل داده میشود. حال آنکه مقدار سرمایه گذاری در رشته های صنعتی در برنامه اول که ۸/۴ درصد کل سرمایه گذاری را بوجود دارد در برنامه بعدی به ۴/۲۲ درصد افزایش می یابد. اگرچه در برنامه های هند نیز اختیارات کشاورزی سهم بزرگ را اشغال مینمایند ولی این امر در کشوری مانند هند که دهها میلیون نفر را آن دچار خطا بوده و مطیونه انفارگرستگی جان داده اند کاملاً مفهوم وقابل درک است. با وجود این ملاحظه میشود که طی برنامه های بعدی همراه با حل مسئله گرسنگی وزن سرمایه گذاری در رشته کشاورزی تقلیل یافته و سهم صنایع افزوده میشود. در هند و سلطنت ممالک زیادی در راه صنایع فلزکاری و ماشین سازی و دیگر رشته های اساسی تولیدی مصرف مینگرد و سال سال مقدار تولید اینگونه محصولات در اخیل شهروغایی میباشد.

این چند رقم جهات رشد اقتصادی و توسعه تولید را در دکشواره د وسیاست مختلف را تقویب مینمایند بخوبی نشان میدهند. هند در رشد و ترقی خود جهت صنعتی کرد ن کشاورزی را پیش گرفته است ولی ایران سمت کشاورزی را. هند در رشد صنایع خود ترقی سریعتر صنایع سنگین را هدف قرارداد دارد و این صنایع سبک را، دلت هند سال سال سرمایه گذاری خود را در رشته هایی که سرمایه داری ملی قادرنیست را اعماق اینرا در دست بگیرد و در عین حال برای رشد صنایع خصوصی اهمیت حیاتی دارد، افزایش داده و ازین راه خدمات بزرگی بعثت ساخت خصوصی و رونق کارآفرینان مینماید ولی در مقابل دلت ایران با سیاستهای ضد ملی خود بازار ایران را با کالاهای خارجی که همانند آنها بوسیله کارخانجات داخلی تولید میشود، اباشه و ازین راه خسارات فراوانی سرمایه داران ملی و پیشه وران داخلی وارد میسازد.

زمانیه شاه در جلسه وسیع هیئت وزیران طرح برنامه پنجماله را "تصویب" مینمودند با سراحت کامل جنبه نظامی این برنامه را اعتراف کرد و افزایش بعدی هزینه های نظامی را طی پنجماله آنده تائید نمود. روزنامه های استناد بگفته همای شاه نوشتند که هدف برنامه پنجماله ایران جلوگیری از توسعه کمونیسم در ایران بوده و این نظر از طریق "جنگ سرد" انجام خواهد گرفت. شاه درین جلسه اظهار اشت که فقط با ایجاد نطبخ زندگی و انجام طرحهای اقتصادی میتوان در مقابل "عوامل مخرب" مقاومت نمود.

("اطلاعات" ، ۱۴ دیماه ۱۳۴۰)

بطوریکه دیده میشود حتی با ایجاد نطبخ زندگی رحمتشان بمنثور میبود وضع اینها انجام نمیگیرد و پیش کشیدن اینگونه شعارهای دروغین پرای جلوگیری از "تحریکات عناصر خرابکار" و مبارزه با "توسعه کمونیسم" میباشد. لاید اگر "خط رفته کمونیسم" در ایران وجود داشت این میهن غروشان ملت دست ازداد این وعده های خشک و خالصی نیز خود داری میگردند.

آنچه که امروز هدف برنامه پنجماله ایران قلمد اد میشود در پیزیوسیله اریابان امریکائی شاه تعیین و پیش بینی شده بود. "الکسی جانسون" معافون و زارت امور خارجه امریکا، چند ماه قبل، طنطاوی در کالیفرنیا اظهار اشت:

* در اثر فعالیت های زیانبخش کمونیستهاد و آسیائی ناچارند برای ریموشد ن باحواد*

اجتماعی قسمت بزرگی از جه خود را صرف کارهای دفاعی کنند" و سپس اضافه مینماید:

"تنهای راه مبارزه با کمونیسم در این کشورهای شرکت ناقوگرستگی ها لابرد ن سطح زندگی بود است" ("اطلاعات" ۱۱ اذرماه ۱۳۴۰)

آنچه جانسون دیروز یکته کرد ه بود اموری شاه طوطی و ارتکار مینماید. با این تفاوت که ارباب امریکا در کالیفرنیا بود ه سخن میگیرد ولی نوکرد ریارنسن اورد تهران جرئت این عیان گوشی راند اراده. اگر جانسون افزایش هزینه های بظایع را "برای ریروشد ن با حوار اجتماعی" توصیه مینماید، شاه علت این افزایش را بعوامل بین المللی از قبیل خلخ سلاح وغیره نسبت میدهد.

بدین ترتیب مفهوم برنامه گزاری، شرایط اجتماعی آن و عدم امکان برنامه گزاری در شرایط نتیجه سرمایه داری، ماهیت ارتجاعی" برنامه گزاری" در کشورهای امپریالیستی و حبشه متوجه آن در کشورهای در حال توسعه و تفاوت اساسی در اقدامات دولتها کشورهای اخیر، برحسب آنکه کدام یک از طبقات در راهنم دلت قرار دارد از نتیجه تا حدی نشان داده شدند.

مسلم است که ذکر کشورهای کمرشده اختلال در تناوب شعب مختلف اقتصاد ملی در درجه اول زائید تضاد ها و قانونیت های درونی این کشورهای نبود بلکه نتیجه نفوذ اقتصادی امپریالیسم است. برای آنکه این اختلال ازین بروز و کشور تکامل اقتصاد همراه نگ و سریعی را آغاز نماید باید دلتی واقعه ملی و متکی به توده های مود م بوجود آید. در ایران چنین دلتی آن دلتی نیست که سیاست خارجی و داخلی خود را درست در اختیار امپریالیسم میگذارد، این دلت آن دلتی نخواهد بود که "حمله مسلح ان به گوا اسما ب تائیف" آن میگردد. این دلت آن چنان دلتی است که سیاست مستقل پیشگرفته و برای آزادی ملست خود از قبید امپریالیسم از تمام امکانات سیاسی و اقتصادی استفاده کند.

در باره اولین مکاتب فلسفی مادی در ایران زروانیات و دهربیوت

در پایان خواهشی که در مقدمه مقاله "طبعیان، دهربیان، اصحاب هیولی" (مجله دنیا، سال دوم، شماره ۳) شده بود برخی از خوانندگان دنیا را هنمایی‌های پر از زیست‌بنویسندگی قاله برای آنکه درباره طالب مطروحه در آن مقاله اطلاع بیشتری نداشت آید کرد و اند. برخی از خوانندگان صورتی از منابع تحقیقی که بتویزه درباره زروانیان اطلاعاتی بدست میدهد ارسال داشته اند. یکی از خوانندگان مجله (م.ش.) مقاله تحقیقی پر از زیست‌بنویس زیرین را که تا حدودی با مقاله منتشره در مجله دنیا زمینه شترک دارد ارسال داشته است. بنویسندگان محترم این مقاله تصریح کرده اند که وی آنرا قبل از انتشار مقاله مجله دنیا تهیه کرده بود و انتشار مقاله مجله دنیا اینگاهه ای برای ارسال آن بایان جمله گردید. ماضن شکراز توجه این خوانندگان عین مقاله (م.ش.) را که یکی از مباحث مهم تاریخ تفکر فلسفی کشور ما را مورد پژوهش قرارداده و نکات جالبی درباره آن بیان میدارد منتشر می‌سازم.

پیشگفتار

ازین اندیشه‌های بزرگ ملت ما نتویت دیالکتیکی مژد ایسینی، افکاربرابری جوانه مژد کی و فلسفه مادی زروانیان و دهربیون چون تاج افتخاری بر تاریخ پر از نویشیب مامید درخشید. اما طوفانهای تاریخی و دشمنی‌های معاندین مذهبی و فرشی بمسیاری از افراد و قصوب گرایانهای تاریخ مارا بزیاد داده و حتی سنگ قبر متقریین و مبارزان پیشوار مارانیزم‌محور کرد. از این میان این مقاله م.ش. را که یکی از مباحث افکارلند اولد شواری میتوانیم بیش از چند جمله ای مجله ازلایلی سطهر تاریخ بیابیم. سرگذشت عقاید دهربیون و زروانیان نیز ازین پیهترین بوده است. اگر متون جلد لاهی‌مخالفین نبود، امروزحتی نام این مکاتب فلسفی رانیده است. کرد اوری مقاید دهربیون که بقادم شمناشان نوشته شده جانشست که امروز مارکسیسم را از تدبیر رسی پیروزی‌طلب کنیم. بازی بر ماست که در خشاترین منن علمی و فرهنگی و انقلابی ملت‌مان را از زیخ‌اکسترهای قرون بیرون کشیم و از امویش غنی گذشته راه آینده را روشن سازیم.

مکاتب پیشروهای و شبهه مادی در ایران مانند طبیعیون، اصحاب هیولی، مشائیون وغیره اند که نبوده است. در این باره منابع فراوانی وجود دارد و تحقیقات نسبتاً موسوطی بعمل آمده است. کوشش مادرایین مقاله تشریح ریشه‌ها؛ نحوه پیدایش، ارا وسیع‌عقاید اولین مکاتب مادی فلسفه در ایران، زروانیان و دهربیون است. آگاهی و اطلاعات ماز زروانیان بیشتر مرهون پژوهش خاورشناسانی مانند N.S. Nyberg, A. Christensen, R.C. Zaehner, O.G. von Wessendorf و مسیاری دیگر است. تحقیق درباره دهربیون و تحول و تکامل عقاید آنان سهم ناچیز نویسندگان است که باید از گامهای نخستین بشمار آورد، زیرا هنوز نکات بسیاری تاریک مانده و مسماهای منکر و خواندن "خط قرمط" دایره اطلاعات ماز زروانیان متون و عبارات مغلوط و آشفته پهلوی مانند پنکرت و خواندن "خط قرمط" دایره اطلاعات ماز زروانیان

نیزگسترش خواهد یافت.

نیوانیان

ظاهر اساس دین آرایهای بیان است پرستش نیووهای طبیعی و اجرام آسمانی بوده است در میان خدایان دوگروه بنام *daevia* ها (اوستائی) و *asura* ها (ایرانی) *(ahura)* دیرابر هم قرار داشتند. قرنها پیش از ظهر روزت شاه هم زردا (سوزرد ایانا) از میان گروه دوم درین ایرانی به مقام خدای خدایان ارتقا یافته رفته رفته در ایران *daeva* ها (دیوان) از درجه خدائی خلخ شدن و همچنین اهربین کشتند، و در هند بر عکس *asura* ها بر *daeva* ها بزرگ شدند. زرتشت در اصلاحات دینی خود برای جیران صحه گذاشت. ولی مدتها پیاز او علاوه بر فرقه زرتشتی، پیروان زرتشت فرق دیگرتوی دشید و شمشاد ایستان وجود داشتند.

برحسب دینکتر در ایران باستان سه فرقه نیوی وجود داشته است. یکی مژد ایستان زرتشتی که اورمزد راخیرو تور محض و مهری و مژده از هر دیدی می دانستند و اهربین راه پیش رنگی و شر و تاریکی می شمردند. دوم مذہبی که آنرا *dukaməθ dənīh* (دین بد آموز) می خوانند. اینان آفرید گاراهم منشایخیرو وهم شر می دانستند. سوم دین *yātūkīh* (جاد وئی) به دادار را شر محس می پندادند و برای اهربین قربانی می کردند تا ایرارام گردانند و از خود رانشی سازند. اهربین (دیو) پرستان اورمزد رانیزتیا شیش می کردند. زرتشتیان مژد اپوست ازین گروه بنام دین (مانند ادیان مژد ایرانی) یاد می نمودند، دیگر حالیکه واژه کش (اوستائی) *- khaeša* (را برای پیوه و *- t̥ek*) را برای مانویان زند بیکار میزند. خشایارشا که ساختگیری مذهبیش حقیقت است در کنیه ای بر خود می بالد که معابد پیوپستان را با خان یکسان کرد وی می گوید "... و سرزمینهای بودند که پیشترد یوان رامی پیوستیدند. بخواست اهربین مژد امعابد پیوپستان (deive-dāna) را با خاک یکسان کرد و فرمان داد: تود یوان را نخواهی پیوستید ..." این مغان دیوپست همان اهربین پیوستان یا جاد وان (*vātūkīn*) دینتر هستند (۱).

از آن پن، با ساختگیری های زرتشتیان مژد اپوست مهاجرت مغان دیوپست بسوی مغرب شروع گردید و در عالم بیانک اینان های بیان سیاری از عقاید آنان را در ساره شناس و پرستش زمان و سپهسر گردان بعنوان اصل و منشاء از لی وجود فرازگفتند (۲) و زروان بیکرانه اوستاراکه مشاهیر زمان بیکرانه است بمعایه خدای پیزگ و آفرید گار پور اهربین بزرگ شد. آن جنبه مهرپستی *nitharism* (Kronos-zurvān) را در راه همه خدایان قرار می دهد فکری زروانی است و تا آنکه برای اهربین قربانی می کنند پیوپستی است.

تضاد های اجتماعی و طبقاتی زندگانی زمینیان خاکی در اسلام نیز منعکس میگرد د و مایه و سرشت اخلاقی خدایان را که زاید و هم ماهستند بوجود می اورد و انگار از تو به زمین فرود می اید و بازندگی و فکار و جریان های اجتماعی در هم می امیزد. در ایران ادما نیایشند یوان متفاق زمینه پیدا یش زروانیان شد همچنانه در هند اسوراهای مخلوع وسیله رشد قدر مادی پیروان لکایاتا (*lo:kāyata*) (۳) گردید بودند.

۱- تلمه مخد ریوانی بصورت *magos* آمده است. بیجهت نیست که ازان *magie* جاد و و *magikos* جاد و و *magia* کلمات انگلیسی و *magie* فرانسه از همین ریشه است.

۲- دوست دانشمند من احسان طبری پوستش فلك رابطه از تا عیعر عیاد چینیاند انته است (ر. ۰ دنیا جلد سوم، سال دوم، صفحه ۱۱۶)

۳- در علم لاساطیریونانی پدر *Zeus* خدای خدایان است. ازین رو شباختی به زروان پدر اهربین دارد.

۴- مشتق از *lokētā* (بمفهوم آنچه در میان مردم شایع است یا فلسفه) مردم می شود. لکایاتا ماتریا لیس ابداعی (مکتب دهی) شایع در میان توده های مردم بوده است. وجه اشتراق آن از لکا *lokā* بمعنی گیتی، عالم کتر محتمل است. لکاد رفایی میانه و فارسی نو هم آمد. آمد ماست. قطران میگوید: آند ورویه گل چوروی عاشقان از خوندل پاچه بزرزین و قهاری خته اب لکا

در دوازده قرن پیش از مسیح اولین بار بنام زروان برخورد می‌کنیم. در اوستا Zrvana بمعنی زمان و نام خدای مرگ و نگهبان راهی است که روان مردگان از آن به پل چینوت (پل صراط زرتشتی) می‌گذرد. لذا روان در اوستاد رزمهٔ یکی از ایزدان قابل نیایش است نه بیش اولین نویسندهٔ خارجی که به زروان پرسنی اشاره کرد ه است Budemos Rhodes شاگرد ارمطوط است که در نیمه دوم قرن چهارم قبل از مسیح میزسته است. ولی روایت این فیلسوف غیرمستقیم توسط دسقیوین (Damascius) یکی از هفت تن فیلسوف نوافلاطونی که بد ریارانوشیروان پناهندۀ شدند، بدست مارسیده است و در صحت آن جای تردید است. اگرروایت دسقیوین رست باشد، با پستی زروان پرسنی در روان اسکندر اول، یعنی اوخر روان هخامنشی شکل فرقهٔ مذهبی مشخص بخود گرفته باشد. از یکی از آیات یستا (۳۰ بند ۳) چنین مستفاد می‌شود که اورمزد واهرین د وکهرهمزاد ند. لذا ابا یستی پری داشته باشند. اگراین پدر همان زروان باشد، زروان پرسنی دارای ریشهٔ تاریخی بسیار کهنهٔ خواهد بود. اینها مسائلی است که هنوز بد انها نمیتوان جواب قطعی داد. آنچه مسلم است اینست که زروان پرسنی در روان ساسانیان رواج فراخواهد میگیرد و هارا کشیررسمند ولت در ریارسانی میگردد.

از اینکه مانع خدای بزرگ خود را بین زروان نامیده است و نام اورمزد را به اهزای زیود است اود اده است معلوم میگردد که در اوسط قرن سوم میلادی زروان در جایگاه الوهیت خود مستقر بوده است. زیرا مانی که برای ایجاد دینی همه کن پسند اد یان گوناگون رالتقااط میگرد، با پستی این انتخاب را به پیشوای از کشیرایی زمان خود یعنی زروان پرسنی کرده باشد. با بررسی منابع زرتشتی وغیره در رواج و شیوع زروان پرسنی در روان ساسانیان جای شبهه ای بیانی نمی‌ماند.

در روان ساسانیان سه دین ایرانی وجود داشت. یکی مزد ای اهل سنت، معتقد به دو اصل ازلی نور و ظلمت، دیگر زروانیان که زروان بیکرانه را خدای بزرگ و پدر اورمزد واهرین می‌دانستند. سوم vātūkān (جاد وان) که هم اورمزد وهم اهرین رای پرسنیدند و هرای هرد و قربانی میگردند. باید توجه داشت که این دین ایرانی نیز هریک بفرقی مشعوب میشدند.

یکی از این فرق است که از طریق زروان پرسنی به اندیشه فلسفی مادری میرسد که مآثرابه تعیت از نییرگ Nyberg (زروانی مادری می‌نامیم)، مذهب حاکم در زمان ساسانیان بعقیدهٔ آرتور کریستن سن زروانی بوده است. این نظر بی‌گمان اغراق آمیز است، زیرا مفهوم مباراین حکم کلی و مطلق دلالت ندارد. تحقیقات زهتر (Zehner) (۱) و وسیع دانک (Wesendonk) (۲) نشان می‌دهند که در زمان ساسانیان گاهی مزد اپرسنی و کاهی زروانی فرقهٔ قایق بوده است.

اینک داستان: اردشیر پاکان بدستیاری هیرید هیریدان خود، تسر، از طرفی بگرد آوری اوستا و حکام پرآکنده دین مزد پستی همت کماشت و از طرف دیگر جمیع اوری کتب فلسفی یونان و هند ایران علاقه کرد. ابن الندیم (۳) میگوید که اردشیر برای گرد آوردن کتب از هند و یونان کسانی را بد این سرزمینها گسیل داشت و مسعودی (۴) تنس رامدی آشنا بافلسفهٔ سقراط و افلاطون میداند. شاپرکل نیز مردمی از اداد اندیش بود و مانی راگرامی میداشت و شاید با شاره اوردار انش مهرشاه و پیروز بدین مانی دارآمد و بودند. دینکرت اولین ترجمه‌های کتب یونانی مانند الماجسطی بطلمیوس، و هندی را بد ستورشا پورمیدند. گذشته از توجه به فلسفهٔ یونان شاپرکه اصول زروانی هم علاقه نشان میداد و این اصول را در اوستاوارد کرد. توجه او به کیهان‌شناسی تکوین عالم، و مسائل فلسفی زمان و مکان نشانی از توجه او مزروانی است. در فصل چهارم دینکرت شمه‌ای از این کوشش‌ها چنین آمده است:

"**شاهپر شاهان شاه، از تخته‌ران، نوشه‌های دینی درباره پژوهشی و ستاره شناسی و حرکت (cāndiśn) وزمان و مکان (gyāk) و جوهر (Göhr)** و آفرینش

1- Zurvan, A zoroastrian Dilemma, Oxford, 1955
2- Das Weltbild der Iranier, Band 1a, 1933

کیفی و کمی (*ganākīn*) و بیدایش (*bavišn*) و تباهی (*vināšn*) (dahišn) و تغییرات در گنج شایگان نگهداری گرد ده و درباره امکان همنوازدن همه مکاتب (*argastān*) باد ین مزد یعنی مطالعه کرد " (۱۰) (۲)

از اینها کذ شته موئدان زرتشتی کتاب نجومی تکوپوس (*Teukros*) رایه پهلوی ترجمه کرد و بود ه اند واختر ماران (منجمین) زرتشتی در ربارها مقامی سیار جنبد اشته اند جای تردید نیست که زروانیان در زمان شاپور شد قابل ملاحظه ای یافته اند و غنون و رواج فلسفه یونان و هند تا عیوبزگی در ری و رشد اند یشة مادی آنان داشته است . در زمان هرمزد اول نیازارا " مذهبی محترم بود . اما چون بهرام اول بسر جخت می شنید ، کرتیر ، موئدان او ، در انجمنی مانی را حکوم بمرگ میکند . سختگیرهای کرتیر میهای بمهانیان نبود ، بلکه شکنجه و ازار پیروان سایر ماده اهی نیزد ست او اغازگردید . کرتیر رکتیه شهروشندر کعبه زرتشت مینویسد که دین مغان را تاسزمینهای غیر ایرانی پیش برد ه است به اهربین و یوان شکست وارد آورد ه و آموخت آنها را از شاهنشاهی ایران براند اخته و پیش بیان هود ایهیا و همایه ایهیا و نصارا و مانیان وزند یکان (۲) را سرکوب کرد ه است . سپس ادامه میدهد :

" امام محل دین و آشوه غانی (*ahramogh*) که در زمرة جامعه مغان بود ند بخاطر دین مزد یعنی ۰۰۰ ازین سیاست معد مرد اشتم ۰۰۰ آنها را سر زنش کرد م و راه راست هدایت نمود م " (۴)

لذا یک ازین گروه مهود خشم کرتیر زند یکان هستند . شناسایی این ملحد دین برای مانکل اهمیت را دارد . مسعودی (۵) میگویند که در زمان بهرام اول (یعنی در وران کرتیر) زند یک بکسانی اطلاق میشده که اوستارا باهی و پل میکند نه ومه قد م ماده و عالم قائل بودند . این تعریف از زند یکان بسیار تزند یک بعقالید ماده ده هر یکی است که شش قرن بعد مردان فخر در کتاب کلامی زرتشتی خود " شکنده گمانیک ویچار یا گدارش گمان شکن " آورده است . مردان فخر در فصل ششم مینویسد :

" و یگرگمراهی نیست یزدان گویان است که ایشان راد هری (*dahari*) (خوانند ، که از زیج دینداری و کریه ورزیدن (با وجود اعتقاد به) بخت (آزاد) هستند (۶) و بس یاوه سرایی میکنند . باین پنگردی ، که این کهیان باهمه گردش (تغییر) و آرایش (ترکیب) که اند امها و فرازهای آنرا یکی باد یگریست و تضا (پتیارگی) و آمیزش که یک را باد یگریست (همه را) از اصل نخستین زمان بیکرانه می پندارند . و این رانیز (گوینده) که کریه ای (شوابی) رامزدی ومه گناهی را پاد افرادی هست . ونه بهشت و دوزخی (هست) و نمه ناشایر کریه و گناه راست . و نیز (گویند) که همه چیزترها مادی است و روحانی (مینوشی)

1- Zaehner, 8

2-Wesendonk

۳- زند یک (مغرب آن زند یق) ازا وستانی- *zanda*- بمعنی ملحد و بیدین آمده است . در پهلوی با پساوند نسبت ۱-۱- زند یک شده است . وجه اختلاف آن از صدق مانوی و یا زند پهلوی بمعنی تفسیر نادرست است . (Bartholomae, Air. Wb.) (۷)

4-M. Sprengling, "Kartir, Founder of Sasanian Zoroastrianism"

AJSLL, Lvii, 1940, PP. 197-228

۵- مروج الذهب / B.de Meynard / ص ۸-۱۶۷

۶- درین جمله عبارت پازند *vaxt estend* (بخت ایستند) معنی نمیدهد . ترجمه West نیز تقریبی است . مبنظر من کلمه پازند *vaxt* (بخت) چنان بازروانیان مناسب ناگستنید ارد که نمی توان استعمال عمدی آنرا از طرف مردان فخر نفی کرد . ترجمه من نیز تقریبی است ولی بار نظرگرفتن نظر یات مسلم زروانیان میباشد .

نیست^(۱)

اگر آن زند یقان مسعودی ویازند یکان کرتیرا اسلام فرد هریان مردان فخر باشند که اصل هستی راز مان بیکرانه می داشند ، باید چنین نتیجه گرفت که اولین ماد یون ایرانی فرقه ای از زروانیان مادی و یافاسفی بوده باشند که مکتبی آمیخته از عقاید زروانی و یونانی و هندی مادی بوجود آورده بوده اند . اما آن آشمعنا نوگراها^{۴۵} که هنوز کرتیور رزمه رجاعه مغاششان می شود و سرسزنش و ملامتشان بسته بوده است بنظر رزه هنریستی فرقه^{۴۶} از زروانیان مذہبی بوده باشند که در رسیاری از نظریات خود با مذہب پستان همد استان بوده اند . بدین نحو درید ویرسی خود بد و فرقه زروانی برخورد می کنیم : یکی مادی دو پیگری مذہبی ، یکی زمان بیکرانه اصل هستی مادی مید اند و دو پیگری زروان بیکرانه را پا پر نهروظلمت می شناسد (۲) . یکی بیدین ، زند یق و ناراضی و تحت شکته و پیگری خداشناس و مدعی صیانت دین نزترشی .

کشاکش فرقوی زرتشتیان زروانیان که مبارزه ایست عقیدتی (ویگمان دارای ریشه های عمیق طبقاتی) در دران شاپرد و مقام می آید . از ریاد مهراسپند ان ، موئید موئید اش شاپرد رانجن مناظرات مذہبی با ریختن روی گد اخته ببروی سینه خود حقانیت دین زند یعنی راثیا می کنند . امزش از ریاد ازان پس نمونه اعلایی دین خالص مذد اپرستی اهل سنت میگردد . چنین یمنظمر میرسد که زروانیان درین زمان زمینه پیشوایی خود را از دست داده باشند . این وضع تازمان بزد گرد بزه گر (اثم) ادامه می یابد . جالب است که موئید از زرتشتی بزد گرد اول را گاهدار و مردم می خواند ، اما پیروان ادیان دیگر را بران اورا پاد شاهی داد گرسیلیم - النفس و مدار امینا مند . شخصیت وزیرزک او مهرنرمه دارد خرسلطنت بزد گرد جلب توجه می کند . بفرمان مهرنرمه رساله ای درباره اصول مذد ایسنه یمنظمه هدایت و دعوت مسیحیان ارضی نوشتد که وضحا و صراحتا زروانی است . در زروانی بودن مهرنرمه که پس خود را نیزتا م زروان داد (زروان افریده) نامنده است جای تردید نیست . در اوستاخی که بدست مارسیده است ازین زروان داد به هفت بدد دین (۴۷ - ۴۸) و گمراه (sātār) یاد شده است . خود مهرنرمه نیز در دین یمنزت بزه گرخواند ه شده است . نیست بزد گرد دوم نیز اراء مغان و کلد انبیه و مسیحی هارا مطالعه میکرد و رستاخیز جسمانی را فسانه میدا . این از اد اند یعنی که زاید ه نفوذ زروانی بود و در زمان قباد رواج بیشتری یافت باید یکی از عل کامیابی مزد ک بوده باشد .

ولی خسروانوشیروان آموژش آذریاد را می دید یا بنت رسمی قرارداد و گذشته از سرکوبی شد بید مزد کیان به کنانیکه میگفتند خدارانهیان و شناخت (یعنی زروانیان) خود ه میگرفت . باری خسرو نیز مجد و فلسفه گردید و دروازه های دین را بربروی فلسفه بازگرد و راهی برای تلفیق فرق مذ ائی می جست . د مسقیون نامزد ه از تووصیف که از فلسفه رایج زمان انشیروان میکند ، میتویسد که مغان زمان و مکان رامنشا آفرینش مید اند . این نظریه ایست زروانی محض . لذا رواج زروان پوستی بمنزله یکی از هم مترین فرق کیش مذ ائی د رسارسرد و ران ساسانی مسلم میگردد .

بعد از ایستیان عرب ، زرتشتیان کوشیدند تا اختلافات فرقوی خود را پایان بخشنده و وحدتی و سازشی در دین پدید آرند تابتواتند در ابردین تاره نفس اسلام تاب مقاومت بیاورند . نتیجه این کوشش هاد رسیاری از متون زرتشتی دران اسلامی منعکس است . بند هشن (bundahišn) (روایت بزرگ ایرانی آن) ، زاتسیم (Zātēp̄ram) و مینون خرد (mēnōk i xrat) را میتوان متون نیمه زروانی دانست که بمنظور تلفیق نظریات زروانی و مذ ائی تدوین شده است . تنهایش زروانی اصلی که بدست مارسیده هست جزوی ایست متأخر ازاویل قرن هفتم هجری بنام " علمای اسلام " که پاسخ زروانیان است به عده ای از علمای اسلامی .

1-Shikand-gūmānīk Vizār /ed. E.W.West/The Pazand-Sanskrit Text,
1887, P.41-2

۲- از زروان بیکرانه (پهلوی) zurvān i akanārak () رب النوع زمان بیکرانه مفهوم میگردد ، در حالیکه از زمان بیکرانه ویاحد و (کرانه مند) عامل فیزیکی زمان اراده می نماییم . بنابراین تعریف عبارت " زروانی مادی " خود خالی از تاقض نیست ، اما بعمل ساخته استعمال آن و نیافتن اصطلاحی بهتر آنرا پذیرفتهیم .

مارزهٔ فرق گوناگون زروانی و مکاتب فلسفی بازترشی یامزد اپرستی اهل سنت انعکاس مبارزات طبقات و اشارگوناگون جامعهٔ ساسانی است. چنانکه زهر (Zaehner) نیز اشاره کرد ه است، جای شیوهٔ نیست که زروانیان مادی نمایندهٔ قشرتاراضی جامعه بوده اند. درینوک خرد خرد آسنانی در جواب مورد داناخصوصیت طبقه پیشه هرالحاد می‌شمرد. شاید زروان پرسنی و جناح مادی آن بیشتر در میان این طبقه و طبقات محروم و زنجور رایج گردیده باشد. همچنانکه پیروان لایاتا (lokāyata) رامد م محروم و توده‌ها ای طبقات پائین جامعه هند بوجود می‌آورده اند.

عقاید زروان پرستان (یازروانیان مذهبی)

گفتم که در برآراء زروانیان متابع زیادی بدست مانرسیده است. گذشته از بعضی متون نیمه زروانی پهلوی، هورخین ارمنی و نویسنده‌گان سریانی و غیره نیز مطالیه نوشته اند که بروشن شدن موضوع مکث می‌کند(۱) از هورخین اسلامی شهرستانی تفصیل بیشتری از عقاید یکی از فرق زروانیه بحث کرده است (۲) مسعودی دریان عقاید پرخیز مجهوس نظرش به زروانیه بوده است (۳) علمای اسلام نیز نمونه ای از عقاید یکی از فرق زروانیان را بدست میدهند. بنابراین در این آشتگی واختلاف نظرها ماباید ترین وکلی ترین آنها را خلاصه می‌نماییم.

در رایامد از لذت‌نها زیوان (زمان) بیکرانه بود. زیوان آزرزمند پسری شد که جهان را بیاریند. زیوان پائین مخان ۱۰۰۰ سال تبریزی کرد. سپس در مکان بیان ایش او شک کرد. از شک او، از کی و کاستی او، نطفه اهربین سته شد و از خرد شر اورمزد بوجود آمد. بنابراین دواصل نور و تاریکی، نیکی و بدی، خیرو شر د وهمزد ند که دارای اصل واحدی می‌باشدند. در فلسفة نئوی مذا ایسني این دواصل از لذت منفعت و هیچ پیوندی انتهای ابیه مروط نمی‌کند. تضادهای هستی در مجموع خود وحدتی بوجود نمی‌افزند، بلکه مجرّاً از هم عمل مینمایند. اماد زروانی کلیت متشاد از اصل واحدی پدید می‌گردند. زهر (Zaehner) معتقد است که زروانیان با این نظریه توحیدی به شنوت مذا ایسني پشت پازده اند. بگمان من اند یشه زروانی بفهم غسل و اغفال دیالکتیک وجود نزد یکتر شده است. برگرد یم پرسد استان: زیوان پس از تولد اورمزد رد ای سفید روحانیت را به او می‌بخشد و اور پیشوای روحانی اسلامی می‌سازد و پس از پیدا شدن ایش اهربین رشکتری رنگ آز را به او میدهد و اور ابرای ۹ هزار سال پادشاه کیتی مادی می‌گرد اند. زیوان خدای بزرگ داد گراست، امانته قادر متعال است و نه علمیم. هر چند خود سرشت بدی نیست دارای جهود شرایست گواینده تاریک نیست دارای سرشت تاریکی است. تمام تضادهای دنیای مادی و معنوی در اوجمع است. او نطفه هستی است.

برحسب اعتقاد فرقهٔ مادی تری از زیوان پرستان که در "علمای اسلام" منحصر است زیوان اول آتش و آبراخل کرد که بمتایهٔ مرد و زن، روشنائی و تاریکی در تولید موالید و جهان متنوع هستند و سپس از آنها اورمزد و اخربین پدید شدند. اهمیت این روایت در اینست که ماده بروج مقد مداشته شده است وسیعی شده است که پیدا شد جهان را بمناطقی مادی و طبیعی مانند دنار و تناسی توجیه نماید (۴) .

برحسب بند دشمن سپس زیوان بیکرانه طرح دنیای مادی را میریزد و خود در صورت زمان کرانه مسد (محدود) (۵) در می‌آید و سپه پرنتیجه می‌گردد که بمتایهٔ تر زیوان است. این افریدهٔ مادی بوسیلهٔ

۱- رجوع کنید به H.S.Nyberg, Question de cosmogonie et de cosmologie

mazdēenes, Paris 1929- Zaehner, 147-154

۲- المل والنحل / Cureton / (لندن) جزء اول صفحه ۱۸۳

۳- التنبیه والاشراف ، (لیدن) صفحه ۹۳

۴- پیدا شده که عنصر مرد و زن خاص زروانی نیست و از عقاید فرقهٔ نئوی (sankhya) هند و آن گرفته شده که عنصر مرد را پوشنه (puruṣa) و زن را پرکریتی (prakriti) (ماية اصل وجود انسانی می‌دانسته اند .

۵- زیوان بیکرانه در اوستا Zuran akarana- و زیوان کرانه مند را اوستا به صفت daraghō- vaṣṭā- (معنی دیرپای خود آفریده و یاقاً می‌قانون خود) آمده است. (بقیه در صفحه بعد)

نظام جهانی (در پهلوی *dātastān*) که بمعاینه قانون طبیعی است اداره میگردد (۱) .
 سه هزار سال از زمان کرانه مند گشت . میدان مبارزه نیروهای نیک و بد آماده گردید و اورمزد و
 اهرین منظر فرمان نبرد در عرصه ای در نیک خدای (۲) گردیدند . درین مرحله زیوان مداخله میکند و
 با اهرین پیمان می بندد که اگر تا پایان ۹ هزار سال که بقیه دو روان کیهانی بقای گئی مادی است، نفست
 آفرید گان را نسبت به اورمزد بر نیگنیزد دبو آز که حریه اهرین است تمام مخلوقات او را بیلد و خود او نیاز
 گرسنگی می بیند . در پایان اهرین و دستیارانش مدد و میگردند و تن پسین (رستاخیز) هوید امشود و اخیرین
 صورت هستی منزه از هرگونه بدی و پلیدی و تاریکی توأم با زمان در نیک خدای از توبه زیان بیکرانه می پیوندند
 و در آن مستحیل میگردند . در زیوان پرستی سیارات نحم و شوابت سعد هستند . زیوان که سپهر (گرد ون)
 گردان (۳) تن اوست هم ظهرداد است و هم سرنوشت (بخت و اقبال) . از چنگ سرنوشت تغییرنا پذیر
 اورمزد و اهرین رانیز گزین نیست . زیوان ایان بر عکن مزد اپرستان (که هم به جبر طبیعی و هم به آزادی اراده
 انسان معتقدند) همه امور و حواوی را تابع و ناشی از تقد پرمیدند . بند هشن در تهیت زمان میگوید: « زمان
 از هر دو و افرینش (اورمزد و اهرین) نیرومند تراست ». مینوک خرد میگوید: « هر نیک و بدی که بعد مان ود پیگر
 آفرید گان رساد از هفت و دوازده رسد ». در جای دیگر میگوید: « بدان و آگاه باش که کارگیتی بر طبق حکم
 از لی زمانه و سرنوشت میروند که خود همان از زیوان ، پادشاه و در نیک خدای (دیرپا یند و خود آفریده) است ».
 در سراسر اراد بیان مخصوصا شاهنامه و ویس و رامیم که از متون اصلی پهلوی ترجمه شده است انگشت آموانه
 بخت پچشم می خورد . نویسنده های زیوانی بیزان فرد وسی میگویند :

نگه کن براین گنبد تیزگرد
 که درمان ازاویست وزویست درد

نه گشت زمانه بفرساید ش
 نه رنج و نه تیمار بگزایید ش

یکی بگند نیک پیش آید ش
 جهان بنده و بخت خویش آید ش

جهان راز کرد ارد شرم
 کسی رایه نزد یکش از زم نیست

این طرز تقریز زیوانی و ذمی است که تا این موز باهرد و چنگ گر کیان مارا گرفته و در سراسر اراد بیان و تاریخ
 مامه رونشان خود را بجای گذاشته است – لذا در گیش زیوانی جزا تسلیم و رشابه داده چاره نیست زیرا که
 بر من و تو در اختیار نگشود است » .

از طرف دیگر زیوانی ایری از خدای منجی ادری (کنوی) و مانوی و اسلامی دیده نمیشود . زیوان مظہر

باقی از صفحه قبل – در پهلوی زیوان کرانه مند بصورت *Zurvān i kanārakōmand*
 در رامه است و در « علمای اسلام » زیوانی به در نیک خدای تعبیر گردیده است . زیوان
 در نیک خدای عوش ۱۲۰۰ سال است وا زیوان بیکرانه صادر شده است . لذا بدهی است که این دو
 زیوان یکی نیستند .

۱- در کیهان شناسی *Parmenide* که جهان متنوع را صادر را زد و اصل میداند یکی آتشین و اشیین (نور محض)
 و دیگری ظلمت متراکم، شیاهت زیاد بیانویت مژ امی دیده میشود . جالب است که بعیده اونیز قانون

وجیر (د استان پهلوی) الهه ایست که در مرکز افلاک نشسته و بر عالم فرمان میاند .

۲- پرشنش *Vayu* (در پهلوی *Vāy*) از زیوان هند و اروپائی است . وای روزی خدای باد بود ، رفته رفته
 تبدیل به فضای حایل بین انسان و زمین ، نیرو ظلمت (خلاف و مکان) گشت . در وای نبرد بین روشناهی و
 تاریکی صورت میگیرد . ازین روح خدای نبرد شد و از دست زیوان جامه سرخ چنگچویان را گرفت . بالاخره
 صفات اولیه وای به زیوان نسبت داده میشود و اورهم می آمیزد زیرا مفهوم وای با سپهر که بمعاینه تن

زیوان است یکی گردیده است .

۳- سپهر را ستأ *thwāṣa* فارسی باستان *

ای *spithra* یونانی *spithra* است . *Thwāṣa* در راستایکی از ایزدان است . بنابر قول *Eudemos* مغان در دوران

هخامنشان در تقدم و اصلاحیت زمان و سپهر *thwāṣa*- *spithra* اختلاف نظرداشته اند . از

ریشه ایرانی باستان *thwarta*- بمعنی "تیزرو" می باشد (نگه کن براین گنبد تیزگرد – فرد وسی)

سپهر اساساً با معنی فلك گردان است و مجازاً ممکن تعبیر شده است .

نظام و قانون و بخت و قدرت پادشاهی است . بعد از مرگ اسرای سپنج بسراي درنگ میریم که گوهرش زمان بیکران است . در آنچه مزدی است و نه پاد افراهم . درین کیفر نه جای خلسله عرفانی است و نه ذوق و شوق بهشت و نه وحشت و دهشت درون . آنگاه که هستی بعد از کذشت ۱۲ هزارسال ازگرد شر و چنیشور باز است ، زروان بیکرانه که نه خود را میشناسد و نه برثواب وکاه زمینیان چشم دوخته است برسکون و آرامش جاود این هفای سرمهدی خود بال میکشد .

زروان در صورت مطلق خود مظہر زمان و مکان و شیوه خرد است . زمان و مکان نیز مهد رماده و نیبرو و سرچشمہ کارفعالیت شناخته شده است . درین نثاریه تباخ خرد عالمی غیر عادی است . ولی خرد نعماالت دارد نه قد مت ، زیرا در مراحل بعدی تکوین چهان بظهور سیده و زروان به نفس الهی خود اگاهی پیدا از کرد است . لذا در رزروانی کوششی ابتدائی برای تحمل مادی و طبیعی پیدا یافته جهان ، در برای ربارا سایر ماده از درنجواه فریشندیده میشود . زروان خود باطیعت یکی داشته شده پیرای این وجود لا یتناهی نیز شعور مطلقی پنداشته شده است . این خود اعتقاد به pantheism و یا وجود است وجود است ولی وجودی در اصل مادی و طبیعی ولا یشعر . لذا اگرگشایه الوهیت را ازان بزد ایم (پناهکه زروانیان مادی زد و دند) بیک وجود وجود monism مادی میرسمیم . اینکه در "علمای اسلام" پیدا یافش آشناز و بمنزله اصل وجود بزر اورمزد و اهریمن مقد م داشته شده دلیل قاطعی است بر اعتقاد این فرقه از رزروانیان به احالت ماده . این حزم در کتاب الفصل (۱) و مسعودی در الرتبیه والاشراف (۲) میکویند که مجبور به قدمای خمسه محتمقند ، یعنی اورمزد و اهریمن وکاه (زمان و جای) (مکان) و قوم (هیولای اولی) (۳) . توصیف بعدی مسعودی از این مجوس نشان میدهد که منظورش فرقه از رزروانیان است . همین مجوس مدتند که شیرستانی (۴) خدای انها را زروان بزگ میداند . درین روایات بدیهی است که از زمان و مکان مقصود همان وجوده زروان بیکرانه است . قدم هیولای اولی و باقبل فلاسفه پهلوی زبان توم (tohm) بسیار جالب است . طبق نظریه رزروانی سپهرصد و دازاصل مادی و محمد و دشدن مکان لا یتناهی پیدا شده است ، زیرا سپهر از تخریب سپهر محمد و دازاصل مادی و محمد و دشدن مکان لا یتناهی پیدا شده است . بدین ترتیب که زمان بمحصورت محمد و دشود (زمان درنگ خدای) در ترجمة سپهر (ماده نخستین) حلول میکند و از طام مراحل جنتی میگرد و رپایان بمحصرت کامل بد ن زروان یا سپهر محمد و ده همان گیتی مادی است بدید میگرد . لذا کوینه سپهر محمد و دشند پیراست ، ولی جوهر مادی وجود قدیم وجود این است . این خود گام بزرگی در راه شناخت علمی دنبی است . چنین است نمود ارتقی اولین جوانه نای فلسفه مادی ولی ابتدائی proto-materialism در ایران .

رزروانی یا نافی مطلق اراده انسان بخت را مافق دمه قرار میدهد . بخت و جهی از رزروان است که کون و مکان را فرامیگیرد . انسان نیز مانند سارپیده های طبیعی در چنگ مادر سوزن شت (پایانه revišničat) است . ازین فکر تانلریه جبری رزروانیان مادی ود هر یون نیم و جب بیش نیست . ازین رو رزروانی مذهبی است بدین و لاد ری (agnostic) ولی با افتخار نیمه مادی والحاد امیز خود راه رابرای پیدا یافش فرقه فلسفی و مادی بازگرد ه است .

در رزروانی انسان چون عالم مخفی نموفه است از سپهره که عالم کبیر است .

یکی از قدیمترین عقاید پیش از دوایی / vedic / / هندوان است که بعد از در لکایا ای انسان deha-vada (تن رانفسد ایستن) قرار گرفته است . بسیاری از فلاسفه یوتان نیز این نظریه ساده لوحانه را بیان کرد اند . لذا راههای هرودان د رزروانی معلوم است . حتی درین نظریه با تمام نادرستی و نارسائی آن کوشش ابتدائی برای توجیه منطقی جهان دیده میشود .

رزروانی مادی

اولین بار نیرگ (Nyberg) بوجود رزروانیان مادی ، که دارای نظریات مادی رزروانی عاری اول - ذبحیح الله صفا ، تاریخ علوم عقلی د رتمدن اسلامی ، تهران ، ۱۳۳۱ ، ص ۱۷۰

۲ - از پهلوی tohm و یا tohmak به معنی تخم ماده ، سرشت وجود .

۴ - الملل والنحل ، ص ۱۸۲

از اورمزد واهرین بوده اند ، برد . بعد هامطالعات و پژوهش‌های دیگران بویزه تحقیقات جامع زهنر Zaechner نتایج نسیرگ را کاملاتایید نمود . در حقیقت بعضی از متون بند هشن و دنکرت جای هیچ‌گونه تردیدی د روجود پژوهنی فلسفه ای باقی نمیگارد . ازین قطاعات که اغلب پانثراست مزادی آمیخته است چنین بر می‌اید که سپهر (گیتی ماده) که بیشتر تن و جسم زمان کرانه منداست از زمان بیکارانه پدید شده است . سپهر خود ماده نخستین است که تمام موجودات ازان پا بصره وجود گذاشته اند . ازین هیو لای اوی (یا *tōhm* پهلوی) (۱) اول صورت نخستین ، یا خشیج های چهارگانه، انگاه صورت دوم، یا آمیزش خواص اولیه (طبایع چهارگانه) و در پایان صورت سوم ، زندگی الی وجاهه ای و انسان بوجود می‌اید . این جهان بعد از گذشت ۱۲ هزار سال ده روان کیهانی بصورت غائی خود (تن پسین) تبدیل می‌گردد که استحاله مجدد است بزمان بیکاران . زمان و مکان مایه اصلی هستی و جوهر و تخم ماده راشتکیل می‌هند . زمان که مادر آدمی است بشکل نظام و قانون طبیعی و مرونشود در تمام دررات وجود سریان دارد . در اینجا زمان دیگرزوان خدا وند نیست بلکه یک عامل فیزیکی و اعمال طبیعت و سپهر است . ازویات *Hippolytus* (۲) و نیز برخی از قطاعات دینکرت و "علمای اسلام" میتوان چنین نتیجه گرفت که از سپهر (ماده) طبایع گرم و ترو سرد و خشک پدید آمد ، که جفت اول نیرو چفت دوم تاریکی است . سپس صورت اول ، جنبش و حرکت وجود و آخشیج های چهارگانه که اصل همه طبیعت و هستی مادی است بوجود آمد ، انگاه صورت دوم، آماش وجود ، یا آمیزش خواص طبیعی نلاهه شد . بزنانی دیگر راین مرحله گیاه و جانور انسان پدید گردید . طبیعی رایم پوند می‌دهد توجه شد . بزنانی دیگر راین مرحله گیاه و جانور انسان پدید گردید .

هر کس که با: تاریخ فلسفه که تین آشنازی داشته باشد آنفلسفه فیفر بخش ارسطو را درین نظریات بـ تغیراتی می‌بیند . وجه اختلاف زوانی مادی بـ آنفلسفه مشاهیکی در اعلیٰ تکوین است . در زند زوانیان این اصل زمان بیکارانه و سپهر است (که خود ماده نخستین می‌باشد) . در زند ارسطو این اصل عمل (فعال ، مجرک) اولی است که عاری از ماده و صورت مخصوص است . در اینجا زوانی از آنجاکه از زمان خد ای نیمسازد از آید الیم ارسطو بحراقب مقترنی تراست . اختلاف دیگر روابط تکوین است . در زوانی ماده بر عصرت قدری دانشته شده است ، در حالیکه در فلسفه ارسطوی صورت (ماهیت) بروجود و بر عیولی مقدام است . در اینجا هم نظریه زوانی مادی و واقع بینانه و فلسفه شنا اید آلسیستی است . امیرای زمان جوهر مستقلی قائل شدن نه علمی است ونه مادی . این نظریه ایست که از زوانی مذہبی به زوانیان داد و حوتی دهربون بارت رسیده است . در اینجانه ارسطو علمی و صائب است . زمان در زند ارسطو اند ازه و مقیاس و حرکت و سکون است که واحد آن "آن" می‌باشد . در پرزندریات زوانیان مادی از ارسطو پیروی کرد . اند . مخصوصاً جنبه تکاملی پیدا یافشگیتی . عبور از ماده به بفتح و دانی به عالی و کانی به آلتی . رایا بد ازوجوه مترقبی آن دانست (۳) . همانطوری که در پیش گفته می‌گویند که زوانی مادی عالم را حادث و در هر کیهانی آنرا ۱۲ هزار سال می‌اند ، ولی ماده را که جوهرش زمان و مکان لا یتناهی است قدیم و فنا پذیر می‌شناشد ، زیارت خدمت دار زمان و مکان بیکارانه "بوده و هست و خواهد بود" .

ناگفته نماند که متون پهلوی سرشار از روايات و عبارات ضد و نقیض است . درین دشن پیدا یافش عناصر اربعه یعنی خود یگری آمد است ، بدین نحوه : "از روشنایی بیکاران اتفاق و اشیاء و ازاب آب و ازاب خاک" بوجود آمد . در اینجانه نظریه هر اکلیت که تمام عناصر از استحاله آتش میدانست بیاد می‌اید . در زوانی مادی جبر طبیعی جایگزین تقدیم الهی شده است . ولی بنظرم می‌رسید که اعتقاد به اصل علل غایی ارسطوی *teleology* و تأثیریه موزوسحر امیز سعد و نحس افلاک و سیارات هنوزیاقی مانده باشد .

۱- دنکرت ازرا *mēta?* (ماده) میناده . انتساگواران اصل وجود را ازاجرا "لا یتجزی مادی میداند که بد انها نام "تخم‌شیان" داده است . این همان اتم‌های ذیقراطیس وابیقوراست . ممکن است از تو (یا *tōhm* پهلوی) نیزه‌مین اجزا لایتجزی اراده شده باشد .

2- Bidez-Cumont, Mages, ii, P. 63

۳- کیهان شناسی و فلسفه تکوین عالم *Empedocles* که واضح نظریه اخشیج های چهارگانه است ، وجه شباهتی با زوانی دارد .

تا میزد رزروانی مشهود است . عقیده به وجود انسان دین برهمانی است در رزروانی بی تأثیر نموده است . ابیریحان بیرونی در تحقیق ما للهند میکوید که در نظر همایشها " در حقیقت ، همه اشیاء خداشی هستند " (۱) . جالب ترین وجه تشابه نظریات هندی و رزوانی انجاست که بیرونی میگوید :

" قومی براین عقیده اند که فاعل زمان است ، زیرا همچنانکه گوسفند بسته شد ه برسیمان ارتباط دارد هاست و احتمام کرد ن رسیمان آن گوسفند حرکت میکند ، حال موجود است هم بازمان بهمین طریق است " (۲)

تشابه بعضی ازیشه های سرود پوشش puruša هندوان (سرود مود) با بعضی قطعات دینکرت در ساره اصل کاسته با وطبقات اجتماع تغوفه قاید هندی راسلم میازد . تشابه بسیار از نظریات مادی بیرون اکایات رزوانیان (د هریان) چنان است که نمیتوان تأثیر ماقبل آنها را ندانید ه گرفت . از تحویله التفاظ عقاید میتوان نسبی پیدا کیز رزوانیان مادی بی برد . زهتر Zaehner حد من زده است که اول فرقه مادی و سپس فرقه مذهبی د را ایل د هران ساسانیان پیدا شده اند . با این فکر نمیتوان از چند جهت موافقت کرد . زیرا تفکر سفسی اول د رقالب مذهبی میان می اید و سپس در سیوتکاملی بارشد معرفت انسان از جهان خارج ازان منزع میگردد و بحث مستقلی تبدیل میشود . از طرف دیگر شواهد تاریخی براین گواهی میدهد که رزوان برسنی مده تها پیش از د هران ساسانیان ریشه گرفته و در اواسط قرن سوم میلادی بصورت مذهبی رایج مرد جنوب غربی ایران درآمده است . فرقه مادی رزوانی یازند یکان سعودی و کرتیه بیگمان تحت تأثیر عقاید فلاسفه مادی یونان مخصوصاً اساطیر بعد از رزوان برسنی مشعب شده است . این جریان باحتمال زیاد فیضان ارد و ران ارد شیرا بکان و شاپراول است .

رزوانیان مادی دیرشد فکری بسیاری از فلاسفه و طبیعیون د ره اسلامی مانند زکریای رازی و میرافتاده اند و در روان اسلامی مبلغ مادی ترین فلسفه ایرانی که بنام د هری خوانده میشود ، بوده اند . آثار اسیل رزوانیان را ممکن است زیستی اهل سنت ازین برد ه اند . چه بساکه فلسفه اند اشته اند که نام از آنها بسر جای نماند ه است . اینک از هر ای غارقون این خط " آمد پیوه " از تو کلام بکلام هیچی میگرد و فلاسفه ای که روزی بگرسیده شد ه بود از تو پرها میگشاید .

د هریون

بعد از سلط اعراب بعلت وجود اختلافات عقیدتی و مذاهی گوناگون و مبارزات فرقی و سیاسی و طبقاتی شد و دشیوع فلسفه یونان و آمیزش عقاید مختلف ، د هریون نیز مجال بحث وجد ال داشته اند و چنین بنظر میرسد که بپرداز فریوانی داشته اند . بعد اباروی کارآمدن اهل سنت و حدیث و فقهای قشری سختگیری نسبت به اهل علم و فلسفة اغازگردید . از د هریان خلافت التموكل (۲۴۷-۲۲۲) شکنجه و از امرتکرین و ازاد فکران شروع میگرد وها استیلانی ترکان سنی مذهب با وحدت خود میرسد . اگرخاند اند اهای ایرانی پوشی و سامانی خلافت بخدادراد است نشانده خود نکرد ه بودند ، عرصه عمل پیش از اینها بر فلاسفه و د هریون و طبیعیون تنگ میشد . در قلمرو حکومت امرا یا پویی تمام فرق از آزادی نسبی برخورد ارسیدند و د هریان چنان رشدی کسرد ه بودند که فرشی د رقصیده تهییت آمیز خود در رفتح ری بدست سلطان محمود اهالی راضی ری را د هری مذهب میخوانند . امباروی کارآمدن ترکان غزنیوی که " قرمطی می جستند : برد ارکنند " و تمرکز شفود الیته ایران بدست سلجوقیان در قرن پنجم مجال تقدیر و میاحده از دست فرقی که با قشریت و تقلید مخالفت میکردند بیرون رفت . در قلعه الیه غیر متمرکز اختلافات سیاسی امرا خود زمینه ایست برای حفظ مبارزات عقیدتی . اماد رفعیت الیه متمرکز این پناهگاه ها از دست میروند . یاباید مانند اسماعیلیان بزرگ شمشیر از عقايد خود دفاع کرد و بازیر ساطوره رُخیم روی به نیستی نهاد . د هریون به مصیت دوم گرفتار شدند . مقول ناصر خسرو " جویند گان چون و چرا خاوش گشتند ۰۰۰ وجهل برخلاف مستولی شد " .

تعزیز د هریون

د هریون ریزگار و عصر زمان و زمانه است . بعد ام جازا به دنیا و سپه را عالم سفلی نیز اطلاق شد ه است . ۱- تحقیق ماللهند (ترجمه اکبرد اندرسون) ، صفحه ۲۴ ۲- ایضاً صفحه ۱۶

سپه‌گردان که میزان سنجش با زمان است با موضوع سنجش در مفهوم واحدی درآمیخته است. بنابراین از دهره‌مان مقاهمی زمان و مکان بیکارانه زروانی استنباط می‌شده است.

بعضی تعاریف فلسفی از هر دو قرون اولیه اسلامی طلب را روشنتر می‌کند. برخی فلسفه محترمی زمان را مانند زروانی "جوهر واحد ابدی و سرمدی" دانسته‌اند (۱) و بعضی مانند ناصرخسرو گفته‌اند: "هر زمان ناپیموده است که مرآها آغاز و انجام نیست، بلطفه، زمان درنگ و مقالق است" (۲) و زمان را از هر یکین تعریف متعایز نمی‌کنند: "زمان از هر حرکت افلات پیموده است که نام آن روز و شب و ماه و سال و جز آنست" (۳). بدین ترتیب فرق بین ده‌هزار زمان در نزد ناصرخسرو همان فرق بین زمان بیکارانه و زمان محدود (یازمان اسطوئی) است. تعریف بعدی ناصرخسرو شناس میدهد که اورد رنثراپیا شن حقی به ادبیات پهلوی زروانی نیز نظرداشته است و از اثر گرفته است. ناصرخسرو اد اوه میدهد: "د هر بقای زند و دارندۀ ذات خویش است". این تعریف به مفهوم لغوی "درنگ خد ای" بسیار تزدیک است. پس از ده‌هزار دراین ده‌هزار پیروان مذهب "اصالت زمان" استنباط می‌شده است.

عقاید ده‌هزار

در اسناده ظهور اسلام قرآن از وجود ده‌هزار خبر میدهد. آیات ۲۴ و ۲۳ از سوره الحجیه میگوید:

"آیا ندیده ای کسی را که هوا نفس خویش را خد ای خویش ساخت و خداوند بر علم خویش آنها را بفضلات راند و همیری برگشود و پوششی برد یه آنان نهاد؟ وایشان میکنند درین دنیا بجز حیات ماجیزی وجود ندارد. مازنده‌گی میکنیم و میمیریم و چیزی جز ده (زمان)"

ماه‌هلاک نمی‌باشد. وایشان را از آن اگاهی نیست. ایشان (چنین) اگران بینهایند."

انچه ازین آیات برمی‌اید اعتقاد گروهی به کاسه‌بیانی و لذت پرستی و وجود محظوظ و غایب و نیز روی جبری ده (زمان) میباشد. بدینه است که قرآن ازین گروه نظره ده‌هزار و زروانیان دارد. نظرین به ده‌هزاری امان که با سرنوشت کوتاه‌ترینان بدانسان راخوشیختی و شوربختی‌یی بنشدند ریک حد یست نبوی منعکس است. محمد میگوید: "لاتتبوا الده، فان الله هو الده" یعنی "د هر را جامگویید که ده خدا است" (۴).

از اولین کسانی که به بعضی از عقاید ده‌هزارین اشاره کرده است باید جا‌حاظت‌بهری رانا هرید (متوفی بسال ۲۵ هجری). جا‌حاظت ده‌هزارین را مزد می‌کاچو، لذت پرست، ملحد و ضیعی توصیف می‌نماید. وی میگوید: "ده‌هزار فرقی بین انسان و حیوان قائل نیستند. هرچه در راه تمایشان سدگرد، در نظرشان شر است. همه چیز را بمسئله لذت پرستن می‌سنجند، هرچه به نفعشان است حق است، گرچه به بهای حیات هزار مرد تمام شود" (۵).

بنابر قول جا‌حاظت ده‌هزارین برای انسان نفسی ماهیت‌گردانی نمی‌باشد، بلکه انسان را حیوان تکامل یافته میداند. ده‌هزارین می‌گفته اند که "عمل انسان بدون وجود نفس فاعله صورت میگیرد" (۶). این همان قول پیروان لکایاتی هند و ان است که نفس را تن میدانستند. این بهتر نمی‌شود عذر وجود مستقل روح و حیات را در نمای مادی بیان کرد.

از رفته‌های الاچین برمی‌آید که مبنای فلسفه اخلاقی ده‌هزارین بر اصل دفع شر و جلد خوبی و بالذ و الم استوار است. باد رنثراپی‌گرفتن رواج تهمت و افترا از اراف پیشوایان مذهبی نسبت بفلسفه ده‌هزارین و حتی معتزله و متکلمین میتوان چنین نتیجه گرفت که اصول فلسفه اخلاقی ده‌هزارین نزد یک و یاعین نثاریات ابیقری یا زکریای رازی بوده باشد. ناصرخسرو در زاد المسافرین درباره عقاید رازی گفته است:

"قطعی محمد رازی آنست که گوید لذت چیزی نیست مگر احت از زنج، ولذت نیاشد مگر بر

۱- جابرین حبان، مختار رسائل (P. Kraus) (صفحه ۲)

۲- ناصرخسرو قباد یائی- دیوان اشعار (بتصحیح سید نصرالله تقوی)- رساله صفحه ۴-۵۶

۳- امام محمد غزالی، کیمیای سعادت، صفحه ۲۲۱

۴- جا‌حاظت، کتاب الحیوان، قاهره - جلد هفتم - صفحه ۵

۵- Max Horten, Die Philosophie des Islam, 1923, P. 111

اُخراج و گوید چون لذت پیوسته شود رنج گردد و گوید حالی که آن نه لذتست و نه رنج است آن طبیعت است و آن بحس یافته نیست^(۱)

بگمان من د هریون هم چیزی جزای نمی‌گفته اند. لذت پرستی رابه مزدک پارسا و سایر مخالفان قشریت هم نسبت داده اند. عین همین اتهامات را برهمان هندی به پیروان لکایات استه اند. مارکس میگوید: « لذت پرستی هرگز چیزی جزخواهش نیز کانه برخی از طبقات کامروها کام جوی اجتماع نبوده است ». طبقات مرغه و حاکم اجتماع در هر لباسی مهرگانی که تناهی کرد که اند برای سود و لذت خود از هیچ فجیعه ای فروخته اند. آنان بزید وار رند انه بد مستی کرد که اند برای سود و لذت خود از هیچ فجیعه ای بنام کلام خدا و اقد من حريم ملکوت بتازیانه بسته اند. باری از ضرب المثلی که به د هریون نسبت داده اند و انسان را بیاد این شعر حافظ می‌اندازد:

هنگام تنگستی در عیش کوش و مقتی
کین کیمی هستی قارون کند گدارا
میتوانیم از قول ومنطق د هریون چنین استند لال کتیم: اگر آخر تی در کارنیست لذا بامد عیش واهمی اختر چرا
باید بخیره تن خود را نجور کرد! از اینجا شادر لی خیام ها وزنها پسندی سیاری از مشایخ علم وادب ایرا ن
تجوییه میگردد. ولی شاد زیستن و زندگی غنی پر تقوی و ششیط دل بستن با لذت طلبی بی بند و باری که د شمنان
به د هریون نسبت مید هند و چیزی کام ماقوای است. یکی را زیده منطق مادی و فلسفه این جهانی است و
د یکی معلول فساد و عنان گسیختگی اخلاقی طبقات مرغه و متخصص اجتماع.

مرد ان فخر فیلسوف زرشتی که همزمان جا حظ بوده است و وفاشر د راواخر قرن سوم هجری اتفاق افتد. از د هریون تمپرید قیق تری می دهد^(۲). چنانکه دیدم بزم اود هریون خدا رانی شناشد و به خت ت عقیده دارند و تمام تحولات و تغییرات و ترقیات جهان را از اصل زمان بیکارانه می دانند. نه بهشتی می شناشد و نه دوزخی و نه پاد اش د هنده ای برای شواب و گاهه انسانها. از همه بالا زیر یکه تمام هستی را مادی مید اند و وجود روحانی و غیر محسوس عقیده ندارند. اینها چنانکه گفته شد مجموعه نثاریات متافیریکی و شناختی (epistemology) زروایان است. از قدم ماده در اینجا صراحت سخنی گفته شده است

ولی هستی شناخته شده است. اهل قدم از لی که همیشه بوده و همیشه خواهد بود زمان بیکارانه است که علت کون و شسد و ترکیب و تجزیه و تغییر همه امور هستی است^(۳). بانی پوره کار عالم د هریون برای زمان بیکارانه الوهیتی قائل نیستند و از خت ج ز قانون مداری طبیعت و جبر وجود چیزی اراده نمی نمایند د هریون نیز مانند زروانیان پیشین جز نیای محسوس مادی جهانی نمی شناسند.

ابعد الله محمد بن احمد بن يوسف الخوارزمی صاحب مفاتیح العلوم (که در تیمه دوم قرن چهار هجری علیف گردیده) نیز خصوصیت ممتاز نثاریات د هریون را اعتقاد به قدم عده م تناهی زمان یاد هر د است^(۴). در تیمه دوم قرن پنجم هجری ناصر خرسرو قیاد یانی شاعر بزرگ اسمعیلی در د و اثر خود زاد المسافرین^(۵) و جامع الحکمتین بتفصیل بیشتر از د هریون سخن راند ا است. وی در جامع الحکمتین که در رسال ۶۴ هجری در جواب قضیده سؤالیه خواجه ابوالپیغمحمد احمد بن حسن حرجانی نوشته است د هریون را چنین توصیف میکند: « یکی فرق تد هر بیانند که اهل تعطیل اند و گویند: عالم قد یست و اورا صانع نیست ، بل صانع موالید از نبات و حیوان خرد افلاک و انجام است که همیشه بودست و همیشه باشد ». و در جای دیگر در همان کتاب می نویسد^(۶):

« گروهی مرابد اع و خلق را مشکنند و گویند عالم مصنوع نیست، بل قدیم است و صانع موالید چیزی عالم است و موارد اصانعی نیست، بل از لی است، همیشه بود و همیشه باشد و این گروید هر چیز^(۷) ۱- ذیح الله صفا، « اریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی »، ص ۱۷۳
۲- رجوع کنید به: مین مقاله

-۳-

3- Die Philosophie des Islam, P.111

۴- مفاتیح العلوم / ed. van Vloten ۴۰-۳۵ / ص

۵- از زاد المسافرین د و ستد انشتمد من ر طبری در مجله د نیا سال دوم، شماره ۳، ص ۱۱۱ بحث کرد ا است:

۶- جامع الحکمتین (م مدین - ھ کریم)، ۱۹۵۳، ص ۳۱

۷- ایضاً، ص ۲۱۱

از مقایسه این دو تعریف چنین نتیجه میگردد که د هریان عالم (مادی) را قدیم میدانند. لذا ماده د قدم است و از اصل زمان بیکرانه اسمی نیست. ولی صانع موالید را یکبار خرد افلاک و انجمن دانسته و یکبار خود عالم "دانسته" لذ اینچنان خرد افلاک و انجمن عقل کل اشاره ایان نیست بلکه نظام جیری عالم که از "خود عالم" جد اینست میباشد. این خود تکاملی است در طرز تفکر مادی د هریون. زیرا برای اولین بار پیدا ایش و تکامل خود بخودی عالم که قائم بر قوانین ذ ای خود است بوضوح بیان شده است.

اگر قبول کنیم که نقل قول ناصر خسرو از نظریات د هریون زمان اویعنی در نیمه دوم قرن پنجم دقيق بوده است، باید تحول و پیشرفت بزرگی برادر فلسفه د هری (مارترالیستی) بپذیریم. نکته د یکی که از تعاریف جسته گریخته ناصر خسرو استنباط میگردد اعتقاد به بقای ماده است - اینکه نه ماده ای د عالم ابداع و نه معدوم میگردد. بیان و مقایه کمیت ماده جهان از عقاید فلاسفه مادی یونان مانندی مفراطیس ولیقوراست. ولی د لیلی نیست که د هریان خود باین تبیه علمی ترسیده باشند. قدم جهان رفته بمعایله مهترین اصل نظریات د هریون جلوه میکند. ناصر خسرو رجای د یکی نیز گفته است:

"ای روید اد صحبت د نیارا شاد ان هر فراشته آوارا

عالم قدیم نیست سوی دانا شنون حاله هری شید ارا" (۱)

در اینجا ضعف ناصر خسروه اصل اخلاقی د هریان نیز اشاره میکند و از "روی داد نیصحت د نیا" و شاد د زیستن مقصود ش همان لذت طلبی د هریان است. امام محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰) که بزرگترین معاند فلاسفه د هریان و اصحاب هیولی و ابیعون و اهل تنجیم (ستاره شناسان) است در چند جا: از اخراج خود رد نظریات د هریون بحث کرده است.

در کیمی اسلام سعادت از طبیعیون و د هریون بد ون ذکر کنام چنین مینویسد:

"وجه اول چهل گروهی است که بخد ای عزوجل ایان ند ارند، چه ویراگنجه بخیال و ددم طلب کرد ند و پوچنی و جگونی وی جستند. چون تیافتند انکار کردند و حوالت کارهابان جوم وظیبعت کردند و پند اشتند این شخص آدمی و دیگر حیوانات و این عالم عجیب با این همه حکمت و ترتیب از خود پدید آمد و با خود همیشه بدو یافتعل طبیعی است که وی از خود بیخبر بود" ۰۰۰۰ و چه دوم - چهل گروهی است به آخرت که پند اشتند که آدمی چون نباتست و یا چون حیوانی دیگر، چو میر نیست شود و بادی، نه عتاب بود نه عتاب نه ثواب. و سبب این جهله است به نفس خویش، که از خوشیت همان شناهد که از خرو گاو و گیاه، و آن روح که حقیقت آدمی است، آترانی شناسد" (۲).

این "جهله" غزالی شباخت تامی به "گمراهن" مردان فخر و "اهل تعطیل" ناصر خسرو ارند با این اختلاف که اصل زمان بیکرانه در نظریات آنها به خود عالم مادی و یا به "انج و طبیعت" تبدیل شده است. این تحول نظری از تو پیشی که بتفصیل در باره مفاهیم زمان بیکرانه وجود مادی آن (که در رکلمه د هری خلاصه میگردد)، بسیار منطقی بینظر میمود. درین تعاریف باز آنها بیش از همه اهمیت دارد تقدیم د هریون در پیدا یش خود بخودی عالم مادی و حیات است که قدیم است که برداز از فعل "ابیعی" یاقوینی ذ ای خود د میگردد و از خود بیخبر است. وجه تمازی این د وگوه ناگهار اراده ایان ناشتین یکی بخدا اود یکی با خر است. چنانکه از تعریف غزالی در المثلث من الشلال (۳) بر می اید گروه اولی د هریون و می ابیعون میباشد. ولی ماد یکد رقون پنجم و ششم اسلامی وجه اختلاف بین نظریات متافیزیکی آنها نبیینم.

غزالی در تهاافت الفلاسفه نیز از تقدیم د هریون بحث کرده است. در آنچه چنین مینویسد:

"واما ۰۰۰ ارمد هب د هریه وان برآنست که عالم قدیم است چنین که بست ۰۰۰ و آنرا علتی نیست و آفریده گاری ندارد و حادث شده هارا علتی نیست و جسم د عالم حداد است نمیشود و معدوم نمیگردد و صور و اعراض حادث میشوند و اجسام سهوات و عنصر از ربعه قدیم است و در آنها صور مترزا جها و استحالت تبدیل می یابد و عمل نقوص انسانی و بنایی و حادث

۱- ناصر خسرو - دیوان اشعار، ص ۱۶

۲- امام محمد غزالی - کیمی اسلام سعادت، ج ۱۰، ص ۵۶

۳- المثلث من الشلال (د مشق - طبع ثانی) ص ۸۴-۸۵

منتهی میشود به حرکت دوریه و حرکت در پریه قدیم است و مصدر آن نفس قدیم فلک است
۰۰۰ (می‌گویند) عالم را علی و افرید گاری نیست . بلکه آنچنانکه هست قدیم است
بدون علی " (۱)

در اینجا باز غزالی براعتقاد دهربیون به قدم عالم و رفیق صانع تکیه میکند که در نظر او ازد لایل مسلم
کفر است . اصالت ماده و تقدیم آن بر صورت از نظریاتی است که دهربیون در آنها با ماد یون یونان قدیم و
زیوانیان مادی همد استانند و مذاالف رامی مشائیون میباشند . عقیده به مقاومت و ثبات و فنی حدوث وابداع و
فساد ماده بازتاب ایده شد . آنچه ناخواخمر و خرد افالاک " نامیده در سیان غزالی به " نفس قدیم فلک " تعبیر
شد . هاست که مصدر حرکت و گردش سپهر است . جای تردید نیست که اگر قلم درست دهربیون بود این
اصطلاح ایدآلیستی و نفسانی را بکار نمیریدند و در اواخر قرن پنجم که غزالی میدان داری میکند گزنه از
حرکت دوریه (که بیان دیگری از تأثیر سپهر و زمان بیکران است) بلکه از " خود عالم " از " طبیعت " یعنیان
علت نقوص انسانی و بناشی و غیره سخن میارند . مباری از اینکه غزالی هنوز از تأثیر سپهر و گردش آن
در نقوص انسانی صحبت میکند امکان ادامه این عقاید را در میان دهربیان تا این زمان نشان میدند . اما باید
توجه داشت که دیگر " خرد افالاک " و " باحرکت دوریه " سپهر مصلک کل کائنات (مانند زمان بیکرانه) نیست بلکه
تنها علت نقوص انسانی و بناشی ، بزبانی دیگر علت حیات است . پیشتر آسمان دار مرسنوشت را درست داشت
و اینک فقط مولد حیات است . ناصرخسرو روحشی که در ردد نظریات دهربیون میکند میگذیرد :

" نخست برد هری رد کردند بد انج گفت عالم قدیم است و موضع والید است ، و خسود
চন্তু নিষ্ঠ। بدین حجت ها رد دهربی چنان کردند که گفتند : ۰۰۰ موالید از نیا
و حیوان همی از افالاک و انج و طبایع پدیدنیاید ، بل از تهمه ما ویخهای " ابد اعی و از شما شخص ای
نرم و ماده ابد اعی همی پدید آید از حیوانات . ۰۰۰ ٹلاهراست که این انتقال مرا فلک را وانجم
رابا تخم ها عتبات و اشخاص حیوان ابد اعی با اشتراك است ، و نه از تهمی بی طبایع و تابش
و گردش انج و افالک درختی آبد . " (۲)
روشن است که حق باتا مخصوص رواست ، زیرا یکی از اعتقادات ایدآلیستی دهربیون که از زیوانیان بد آنها
بارش رسیده بود همین تأثیر سپهر امیرانج و افالاک است . ولی بنظر میرسد که دهربیون برای این تأثیر نیز
علت مادی و طبیعی در تابش نیروگرمانی جسته اند .

از نظریات غزالی در المقدم من الفضال دروجه تایزد . بربزن را : یهون بخشی نمی کنیم ، زیرا در اینجا
از دهربیون متفق م (یونانیان مادی) دربرابر دهربیون متاعصر (ستراحت و افلاطون و ارسطو) صحبت میکند و
مستقیماً رابطه ای با از
مادی بکار میرید .

تحول نظریات دهربیون در قرن ششم یکمی دیده میشود . سنای شاعر و طرف زرگ قرن ششم
(متوفی بسال ۵۳۵) در قصیده اینیمان " جد البوحنیه بامرد دهربی " عقاید دهربیون را چنین توصیف میکند :

د هرئی " شون و پلید و نایکار " بتزد یک خلیفه می اید و میگوید :
" این چه بند است از شریعت بر ترتیب ، گفت ای امیر
یاقوتی پادشاهی ، خوش خبر و بی خیم گذ ار
حچ و غزو و عمره و این امره های بیشمار
تاید انی کین قدیم است و ندارد کسرد گار .
سرسر گیتی قدیم است و ندارد کسرد گار
نامد از رفته یکی ، از مبارقه صد هزار
چون برفت این منزلی ، گید د گر کن مغزا ر
هر کرا این منکر ام ، عقل او گیرد غبار
ابتدای پد اکن و مر انتهایا حجت ار
.....

روزه و عنده و نکاح و دهربیون از مراد
خویشتن رنجه چه داری چون بحال بنگری
گفت رسم شرع و سنت جمله تزویر و ریاست
آمدی تهیخ برخوشی رفتی سیخیز
هست عالم چون چراکاهی و ما چون منزلي
طبع و آشیش و نیولار اشنا سیم اصل کون
کو منجم کو محاسب ، گویا معلوم کن

آنکه گفت ازگاه آدم پنج و پانصد بیش نیست
اینچه زرق و غسون است و دروغ و شعبد^۱
البه این ده رئی است که سناعی خود می شناخه ولی د رمنا شرفة فلسفی امداد رقرن د و هجری قرارد اد هست^۲
د هری سناعی اصل کون و پید ایش وجود راهیولا (ماده نخستین) واخشنی های چهارگانه ناشی ازان بعلت
آمیزتر بایانی چهارگانه گرمی و خشکی و سردی و تری پید اند و یا باصطلاح ما اصل واقعیت عینی راماده و عناصر
و خواص ناشی ازان می شناسد. در اینجاد یگر ابد ا اسمی ازمان بیکرانه و سپه و حرکت در ویره نیست^۳. عینیت
وجود وحدت آن درادی بودن آنست. تنهاماده است که قدیم است وند خلق شده ونه ازین میروند.
عالمر راهبرد گاری نیست و دران مهد و کیهانی نیز افسانه است، زیار لیلی بر ابابات این مدعا ند ارم.
مذهب افسانه و نیزینگی برای غریب مردم ساده دل بیش نیست. خداوندیست تامد هبی و شریعتی که
چون بندی و قیدی برپای عقل و شخصیت انسیان است لزوم پید اکند. تاریخ اخلاقی باز بر اصل جلب خیرو
دفع شر و یالذ والم استوار است.^۴
شهرستانی، عالم بزرگ کلامی ترن ششم (متوفی بسال ۵۴۸) (نیز اختمار از تاریخات دهربیون بحث کرد)
است. وی می نویسد:

"پس کسیکه خدا ایرا انکار کند ۰۰۰ با محسوس خومیگرد و آن تکیه میکند و گمان میکند که
عالیمی جز اچه اور است از خود نی لذید و ید نی نظر وجود ند ارد وجهانی در روابط جهان
محسوس نیست. و اینان طبیعیون و دهربیون اند که به متعول عقیده ندارند." (۲)
پس شهرستانی برخلاف غزالی طبیعیون و دهربیون هرد و راخد انشنان مید اند که وجود معقول یعنی
جهان مولد ندند و وهم و ذیال و فکر راه نمیشود با خوانی آدمی د رک کرد نفی مینمایند. در این زمان دهربیون
ذا اشرابه باشی فلسفه مادی حسی ^msensual materialی ^۳ بی برده اند. دیگار دهربیون مادی
آن اراده میشود ونه معنی زمانی ان واصطلاح دهربیون معادل است با مادی که عالم راقد یم مید اند. چنانکه
مولوی در حکایت "جواب دهربی که منکر الوهی است و عالم راقد یم میگردید" چنین مینویسد:
"کفت این عالم قد یم وی کی است نیشتر باشی و یا بانی وی است." (۳)
ازین بعده جا اعتقد به قد م عالم و ماده و نفی عیان جهان و روح بعنوان اسرار عتید دهربیون
ذ کرمیگرد د.

از تعریف شهرستانی چنین مصلوب میگرد که دهربیون د ریشه ای شناخت معتقد به ایالت حسی بوده اند
و معرفت جهان مینی را تهی از ازاوه جوان میسرمی شوده اند. باره "صور مقوله" که مهناز حسی تدارند دهربیون
اصل تجربه عمل را پیاس است لال هرچ و حجت (روشن) استقراری را بر قیاس مرجع د انسه اند واید الیس شایع
افلاطون بنو افلاطونی را یکباره رد کرد اند.
از همان تاریخ دهربی با بونه نیز چنین میگویند که دهربیون د لیل هرها مبنای بر قیمتیت حسی هی
دواسه اند مقول غزالی در بی "چون و چگونگی" پدیده هایند اند. لذ اعتقد دهربیون به روشن استقراری
و تجربی و حسی در شناخت نموده اند و پیده های اساساً ماتریالیسم و اصالت تجربه empiricism است
روشن میگرد د. (۴)

۱- دیوان سنتی - بکوشتر متن از هرمه بقا ۱۳۳۶- ص ۱۳۴

۲- شهرستانی، الملل والنحل - پشتود و م - مقدمه

۳- مثنوی معنوی (نیکلسن)، دغیرچهارم، عز ۷۶۶

۴- معنیه sumaniya رانیزکه فرهی ای از امداد بون بندیده اند، دهربی خیانه اند و گفته اند که آنان
قائل به "تکافو" اد له اند" (تاریخ علوم عقلی در تعدد اسلامی، ص ۱۴۱) در حقیقت سعیه ارتباط
مسقیمی با جریان فکری دهربیون ایران ندارد، گوینده احتمال: "اعیر مقابل این فرق کم نیست در هرند
برهمنان نیز برای تخطیه پیروان لکایاتا میگفته اند که آنان قیاسات منطقی رامعتبر نمید اند. جالب
است که پیروان لکایاتا نیز مانند دهربیون ایرانی تهی اسد لال رامعتبر نمید اند. برعمنای د انش
تجربی و در بی حسی استوار گردیده باشد. لذا قول سعینی به "تکافو" اد له و پایه بر بودن تمام قضایای
قیاسی منطقی که شامل کلیات میگردند نه جزویات همان است که پیروان لکایاتا میگفته اند. بتقید رصفحه

- از آنچه گذشت می‌توانیم اولین مکاتب مادی و سیر عقاید آنان را بطریق زیر خلاصه نمائیم :
- ۱- زروانیان مذهبی که در نظریات مذهبی شان هسته‌های ماتریالیسم ابتدائی دیده می‌شود، و از پیش از دهه روان ساسانی وجود داشته‌اند.
 - ۲- زروانیان مادی که در اوان دهه روان ساسانی ازالت قاطع عقاید زروانیان مذهبی و فلسفه مشاء و عقاید مادی هندوان بوجود آده‌اند.
 - ۳- دهه یون قرون اولیه اسلامی که از زروانیان مادی و شاید برخی عقاید فلسفه مادی یونان نشاید. گرنّه اند و به اصل زمان بیکرانه معتقدند.
 - ۴- دهه یون قرون پنجم و ششم هجری که رفته رنّه اصل زمان بیکران و قدرت ابد اعی سپهرا رها کرد اند و در پایان به مانی استوار فاسخه مادی حسی رسیده‌اند.
 - چنین است سیر عقاید یکی از مهمترین مکاتب فلسفی مادی در ایران.

بیانیه از صفحه تبل:

ازین زبانه عقیده و نکات دیگر فلسفی مانند اعتقاد هر دوقدم هیوپولی و عالم نزد یکی و هم‌فکری سمنیه ولکایاتا مشهود میگردد. عده ای از سمنیه‌های در ترتیب سوم واوایل قرن چهارم درینند اد و مهره می‌زیسته اند و هنارات فلسفی یا فلاسفه ایرانی داشته‌اند. در نیست که سمنیه در رشد فکر مادی دهه یون و طبیعت‌گویان ایران تا عصر مسرا غی نموده باشند. ۱۸۱/P. Horten, Die Philosophie des Islam, / M. Horten, Die Philosophie des Islam, samana (نام گروهی از هیجانان بودائی هند) آمده باشد.

برنامه «ثبتت اقتصادی» دولت و نتایج آن

علل تنظیم برنامه ثبتت اقتصادی - مفهوم ثبتت اقتصادی از نظر دولت،
اغازیانی برنامه ثبتت اقتصادی در کابینه شریف اماموچهارچوبان - ادامه
برنامه ثبتت اقتصادی در کابینه دکتر امینی

علل تنظیم برنامه ثبتت اقتصادی

پس از کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد که منجر به برقراری رژیم دیکاتوری و انعقاد قرارداد انتفت با کنسرسیوم بین المللی گردید رآمد ارزی کشور طی محسوسی بالا رفت. ظاهرا عواید نفت و وام‌های دری می‌بایست تا عیرمیتی در فعلیت اقتصادی مهبود وضع مالی نگهود آشته باشد. لیکن علاوه بر تنها چنین وضعی پیش نیاید بلکه به تناسب افزایش رآمد ارزی کشور وضع مالی و اقتصادی بید ترشد تا اینکه در واسط سال ۱۳۴۹ علائم بحران مالی و اقتصادی رفته در ایران ظاهر گردد. علت بروز بحران در شرایطی که رآمد ارزی کشور سال بسال زیاد ترمیشد و سرمايه گذاریهای خصوصی، دولتی و خارجی بعقد ارقاب ملاحظه ای افزایش می‌یافتد چه بود؟

علت اساسی بحران اخیر را باید در سیاست اقتصادی ناد رست دولت که توسط سازمانهای بزرگ مالی امیریالیستی بایران تحمل شده است و همچنین در سیاست امیریالیستی امریکا، انگلستان، آلمان غربی و وضع عمومی اقتصاد جهان سرمایه داری جستجو کرد. با افزایش رآمد ارزی وجود داشت و مسئله استفاده از آن بینان آمد. با اینکه برای استفاده صحیح از رآمد ارزی امکان وسیعی وجود داشت و هرچند دولتی و بانکی میتوانستند طرحهای مهندسی نظیر واحد اث کارخانه ذوب آهن و صنایع ماشین سازی را پیشنهاد دهند ولی نفوذ امیریالیستها، واستگاههای خصوصی رجال دولتی بد و امیریالیستی وجود کارشناسان امریکایی در استگاههای اقتصادی، مالی و بنیوهای انتظامی کشور سبب شد که دولت ایران از صندوق بین المللی پول تقاضانماید که "راه خرج کردن از راز" را نشان دهد. "بیشترین راهی" که صندوق بین المللی پول بکابینه دکتر اقبال نشان داد این بود که در راه کشور ابرپروری کالاهای خارجی بازنماید، اعتبارات بازارگانی را بعیقاً منوسیع توسعه دهد، اجازه تأسیس بانکهای امکان هرگونه فعالیتی را داشته باشدند صادر ننماید، و بالآخره برای تأمین اعتبارات منعی و کشاورزی و توسعه صنایع سیل مصرفی در پیشوانه استکنا من تجدید ارزی بعمل آور. این سیاست اقتصادی که در شش سال پیش اتخاذ گردید هد فشار این بود که از راه بازارگانی خارجی و گذاشتن اعتبارات بیش از حد برای بانکهای جدید اقتصادی سالانه ایران را حلیل ببرد (۱) دولت و مؤسسات تولیدی را ماجور نماید برای اجرای طرحهای اقتصادی متولی بسیار گردند. همزمان با اجرای سیاست اقتصادی نام برد و دولت ایران به پیمان بقداد (ستتو) میپوند و هزینه های کوشکن تاره ای میبرد و چه علاوه میشود و ماتع دیگری در

(۱) اقای ابتهاج بد یوغامل بانک ایرانیان در یکی از مصاحبه های خود راجع به بانکهای جدید لئن سیس چین گفت: «... این بانکها که ظاهرا ۹۰٪ رصد سرمایه آنها متعلق بخارجیست چون تحت عنوان شرکت سهامی ایرانی به ثبت رسیده اند از کلیه مزایای شرکت سهامی ایرانی بهره می‌شوند و برخلاف معمول دنیا بایران عامل یارو سای کل آنها از اتباع خارجی هستند. ۰۰۰ اکراین رفتار رشته های بازارگان مرضیحال ملکتی باشد ضرر اینکار رمود بانکدار که رشته ایست بسیار حساس بیشتر است و همچوچه جایز نیست بخارجیان اجازه واکان داده شود که در مقدرات یک مملکتی تا انجاکه مربوط بمعاملات بانکی انوناموس اقتصاد یست دخالت داشته باشند.» (مجله امید ایران شماره ۳۶۵ تیر ۱۳۴۴) ص ۷۱

راه گسترش سرمایه که از پهابد ولتی و خصوصی میگردد . اتخاذ سیاست اقتصادی ضد ملی که از جانب بناگاههای بزرگ مالی امپریالیستی بکشور ما تحمیل شده بود خیلی زود نتایج زیانبخش خود را باراورد . صادرات واردات کشورکه در او اخیر ورة کامینه صدق تقریباً متعادل شده بود جای خود را سریعاً به پی تعداد لی داد واين مسئله از جدول زیرکه براساس آمارهای رسمی تنظیم شده است بخوبی دیده میشود (۱) .

سال	واردات به هزارریال	صادرات (بدون نفت)	نسبت واردات در مجموع	نسبت صادرات در مجموع
گرد شریازگانی خارجی	به هزارریال	گرد شریازگانی خارجی	گرد شریازگانی خارجی	گرد شریازگانی خارجی
۱۳۲۲	۷۴۲۵۰۰۰	۱۰۲۸۸۰۰۰	۴۱/۹	۵۸/۱
۱۳۲۴	۹۱۲۵۰۰۰	۸۰۳۳۰۰۰	۵۲/۲	۴۶/۸
۱۳۲۵	۲۰۰۸۱۰۰۰	۷۹۳۰۰۰۰	۷۱/۳	۲۸/۷
۱۳۲۶	۲۰۲۲۹۰۰۰	۸۳۵۲۰۰۰	۷۵/۱	۲۴/۹
۱۳۲۷	۲۳۵۷۸۰۰۰	۷۹۴۱۰۰۰	۸۰/۸	۱۹/۲
۱۳۲۸	۳۸۶۷۰۰۰	۷۰۷۶۰۰۰	۸۴/۳	۱۵/۷
۱۳۲۹	۵۲۶۵۷۰۰۰	۸۳۶۰۰۰۰	۸۶/۳	۱۳/۷

نتیجه سیاست درهای بازاین شد که در عرض هفت سال نسبت واردات در حجم عمومی بازگانی خارجی از ۴۱/۶ به ۸۶/۳ در رصد رسید و صادرات از ۵۸ به ۱۳/۷ در رصد تنزل کرد . ازانجاییه بخش ظعیم واردات کشور اکلاهای مصرفی تشکیل میداد زیانش در رجه ای متوجه تولید ها زارد اخلس گردید . در ارجمند سیاستی نه تنها میلیاردد هاریال ارزآشورخارج شد بلکه ازاوایل سال ۱۳۲۹ راکد بزار، ورشکستگی، ترقی قیمتها آغازگردید و رواسط سال بحد اعلای خود رسید . افزایش اعتبارات بازگانی واژد دادعتهای تولیدی و غیرتولیدی حجم بول را بی تنا سب زیاد کرد ، موجب کمود ارز خارجی گردید ، واژه پرداختهای اربهم زد و شرایط رباری استقرارض تازه از نکنکهای خارجی داد و امپریالیستی فراهم ساخت . وامهای پرداختهای اربهم امپریالیستی دیگر شد رعیش سال په بیش از ۵۱۷ میلیون دلار رسید که بیشتران از آمریکا بود (۲) . وام های دریافتی اکثر این نظرها افزایش اعتباراتی بود که کشورهای بزرگ امپریالیستی بخاطر ازاد دادعتهای خود به ایران میدادند نه ایجاد رشته های تولیدی ضروری . بهمین سبب وامهای چند سال اخیر تنها یکی از شکل های صد و سرما می باشد به ایران نبود بلکه علاوه بر تحمیل تنزیل سنگین ، نقش تحریمی نیز علیه صنایع ضعیف داشتی بازی میکرد .

از سالی که درهای کشوربروی کالاهای خارجی بازنشد قیمهای نیز طور سلام آهی ترقی میکرد بازگانان بخاطر ترقی قیمهای رسالهای بحدی بد ون حساب بد ون در نظر گرفتن عاقبت کاراعتباراتی از صرافان و ربا خواران با تنزیل ۲۰ تا ۴۰ درصد ریافت میکردند و مهیچوچه به آینده تاریک نمی اند پیشیدند . افزایش نرخ بهره بولی در بازار سبب شد که مبالغ قابل توجهی از اعتبارات صنعتی و کشاورزی که از نکنکه اگرفته میشند بمصرف واقعی خود نرسد بلکه بخاطر ازدراحت ریافت بهره فراوان بد ون در دسر در اختیار بازگانان وارد کننده قرار گیرد . این وضع نیز به افزایش سرمایه گذاری لطفه وارد ساخت و میلارد هاریالی که توسط مالکان بزرگ و صاحبان ۱- جدول براساس سالنامه گمرک ۱۳۳۷، اطلاعات شماره های ۸۷ و ۱۳۲۸ و ۱۳۴۰ تیرماه ۱۳۴۰ و یکهان ۱۱ بهمن ۱۳۴۰ تنظیم شده است .

۲- کیهان، ۱۴ دیماه ۱۳۲۸ د لوت ایران ۱۳۲۸ د میلادی زیبین بن شرح وام خارجی دریافت کرد: سال ۱۳۳۴ مبلغ ۱/۸ میلیاردریال، سال ۱۳۲۵-۱۳۲۵ میلیاردریال، ۱۳۲۶-۱۳۲۶ میلیاردریال، ۱۳۲۷-۱۳۲۷ میلیاردریال، ۱۳۲۸-۱۳۲۸ میلیاردریال و سال ۱۳۲۹-۱۳۲۹ میلیاردریال که جمعاً در عرض شش سال به ۳۳/۵۰ میلیاردریال میرسد . تا پایان سال ۱۳۲۹ وامهای دخلی دلت، بنگاههای د ولتی و شهرداری ها از نانک ملی نیز به ۳۳/۵۰ میلیاردریال رسید که مقداری از آنها بتدربیج پرداخت گردید .

مجله تهران مصوب، ۲۷ بهمن ماه ۱۳۴۰

صنایع از نکهاد ریافت شد و بمنظور شد کشاورزی و صنعتی مورد استفاده قرار گرفت و خشمهای از آنها از طریق بروات و حسابهای ساختگی بانکهای خارج منتقل گردید.

پاپنکه دستمزدها و حقوقها چندان بالانرفت و حتی در موادی نیز پائین آمد هزینه زندگی در عرض هفت سال اول رژیم کودتا یعنی ازاواسط سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۹ تقریباً هرگز برابر گردید، اما سکنان منتشره از دوباره تجاوز کرد و حجم بول درگذشت رخداد ۳ برابر شد. جدول زیر پسکرهای خود این موضوع را به روشنی نشان میدهد (۱) .

سال	به هزار ریال	حجم اسکناس منتشره	اسکناس و پیشزد	حجم پیشزد، پیشزد و سیزده های دیداری رنسزد	در مقایسه با سال	افزایش هزینه زندگی
۱۳۲۱	۹۳۶۰۰۰۰	۷۲۲۷۰۰۰	۹۷۷۹۰۰۰	۲۱۶۳۲۰۰۰	۱۱۰۱	۹۰۹
۱۳۲۲	۱۱۹۷۸۸۹۹۶	۹۷۷۹۰۰۰	۱۰۰۱۴۰۰۰	۲۳۰۷۸۰۰۰	۱۱۷۱	۱۱۰
۱۳۲۳	۱۱۹۷۸۸۹۹۶	۱۰۰۱۴۰۰۰	۱۰۰۵۷۷۰۰۰	۲۶۴۴۷۰۰۰	۱۲۷۳	۱۱۷
۱۳۲۴	۱۳۲۰۴۶۲۱	۱۰۰۵۷۷۰۰۰	۱۱۶۷۲۰۰۰	۳۱۳۸۷۰۰۰	۱۳۲۹	۱۲۷
۱۳۲۵	۱۰۳۲۰۰۰۰	۱۱۶۷۲۰۰۰	۱۵۳۶۵۰۰۰	۴۲۴۸۴۰۰۰	۱۳۴۳	۱۳۲
۱۳۲۶	۱۷۳۲۰۰۰۰	۱۵۳۶۵۰۰۰	۱۷۳۶۱۰۰۰	(۳) ۴۰۳۴۳۰۰۰	۱۴۸۴	۱۳۲
۱۳۲۷	۱۸۸۲۰۰۰۰	۱۷۳۶۱۰۰۰	۱۷۰۱۰۰۰۰	۴۱۶۳۷۰۰۰	۱۶۰۱	۱۳۲
۱۳۲۸	۱۹۳۲۰۰۰۰	۱۷۰۱۰۰۰۰				۱۳۲
۱۳۲۹						۱۳۲

اجدول بالابخوبی دیده میشود که افزایش اسکناس و پیل در جریان قدرت خرید ریال را بقدر زیادی پائین آورد و توجه پولی دکشور قبل از همه باری بر اقتصاد کشور و فشار عیوب و شرطمندان بود و در نتیجه منجر به شکستگی و حرجان همه گیرگردید.

بی تأسیبین واردات و صادرات افزایش حجم پول گسترشی اند ازه اعبارات و وامهای داخلی و خارجی و ترقی سراسم آور هزینه زندگی اقتصاد کشور را بوطه سقوط سوق داد و مبارزات سیاسی که در جریان انتخابات بهار سال ۱۳۲۹ آغازگردید نیز برآمد. مانورهای که رژیم کودتا با حزب سازی و انتخابات حزبی مینمود تا عیوب را نحراف افکار عمومی از اوضاع خراب اقتصادی نداشت و کاریه اتفاق که به سایر اقتصادی را از طرف دیرار و مخالف امیریا لیستی حمایت میشد ساقط گردید و جای خود را بایینه مهندن شریف امامی داد. سیاست اقتصادی ضد ملی وزیرانی خشکابینه اقبال با وجود در ریافت وامهای پس دری دارای دارایی کشور را انجا بارداد که آقای سجادی نایب نخست وزیر و سپریست امور اقتصادی در کاربینه شریف امامی مجبور شد در ۲۷ مهرماه ۱۳۲۹ در مجلس سنای اعتراف کند که موجودی ارزی کشور فقط مصرف یک هفته را تامین نمینماید.

مفهوم ثبت اقتصادی از ظرور ولت، برناهه ثبیت اقتصادی در کاربینه شریف امامی و چهار چوب ان

نخستین گام برای "ثبت اقتصادی" که در جلسه هیئت وزیران مورخ ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ ابتصوب

۱- جدول برآسان مجله بانک ملی، آذر ۱۳۲۸، بانک مرکزی دیمه ۱۳۴۰ و ضمیمه بهمن ماه ۱۳۴۰ ترتیب شده است.

۲- حجم پول را بانک ملی و بانک مرکزی مجموعه اسکناس و پیشزد رست مردم و سیزده های دیداری مردم نسبت به بانکهای اند در حالیکه حجم پول حقیقتاً عبارتست از مجموعه حجم اسکناس و پیشزد منتشره باضافه سیزده های دیداری نسبت تمام بانکها.

۳- حجم پول در مبلغ بانک ملی شماره ۲۲۶ ژانویه ۱۹۶۱ (فرانسه و انگلیسی) بشرح زیراست: سال ۱۳۲۷ مبلغ ۵۸/۹۲۴ میلیارد ریال، سال ۱۳۲۸ مبلغ ۳۸/۹۱۸ میلیارد ریال، سال ۱۹۶۰ مبلغ ۳۷/۹۱۸ میلیارد ریال و خرد اد ۱۳۲۹ (ژوئن ۱۹۶۰) مبلغ ۴۸/۹۰۶ میلیارد ریال.

رسید وظایف هریک از سازمانهای دولتی را معین میکرد. در آموقع برای جلوگیری از زود بینندار کار لاهما بی آنکه انسیاست آزادی بازگانی خارجی و میاد لات ارزی عد و شود سود بازگانی بریک سلسه از کالاهای ورودی برقرار گردید، نحوه پرداخت بد همیه ای سازمانهای مختلف ببانک ملی ایران معین شد، تقلیل هزنه وزارت خانه ها و افزایش درآمد انحصارهای دولتی و مالیات معین گردید و موجب قراراعتبار موقت بانک ملی ایران میتوانست برابر ۳۵ میلیون دلار اعتبار از صندوق بین المللی پول استفاده نماید^(۱). چهار-چوب "برنامه ثبتیت اقتصادی" را که توسط صندوق بین المللی پول، بانک ملی ایران و وزارت دارائی مشخص شده بود مبنده من شریف امامی در حین تعریف کابینه خود به مجلس پیش زوییان کرد:

- موازنۀ جمع و خرج مملکت از طریق وصول صحیح مالیاتها و حذف هزنهای را در.

- اقدام به تکمیل تولیدات اعم از صنعتی یا کشاورزی از طریق ترغیب افراد پس از مایه گذاری، تاسیس شرکت‌های تعاونی و افزایش سطح کشت، مکانیزه کدن رعایت و استفاده از کود شیمیایی.

- تأمین موازنۀ پرداختهای ارزی که در حقیقت راهنمای واقعی جریان امور اقتصادی و تجارتی کشور است.

- مراقبت در تقسیم صحیح اعتبارات بانکها و تخصیص قسمت عدد آنها بکارهای تولیدی اعم از صنعتی یا کشاورزی.

- توجه خاص به افزایش حجم صادرات کشور و استخراج معدن و تکمیل تولیدات دام برای تحصیل مقدار بیشتری ارز.

- ازدیده دلت بانک ملی در سال ۱۳۴۰ تامیزان ۲۵۰۰ میلیون ریال به اعتباراتی که در رکارها تولیدی هصرف میشود تخصیص داده خواهد شد.

- برای جتناب از تقلیل هزنهای عوامی دلت مصمم است مبلغ ۷۵۰ میلیون ریال در سال ۱۳۴۰ و ۵۰۰ میلیون ریال در سال ۱۳۴۱ بسازمان برنامه کتف کند. چنانچه در سال جاری هم ۷۵۰ میلیون ریال کتف شده است. سازمان برنامه نیز ۸۰۰ میلیون ریال از قروض خود را بانک در سال ۱۳۴۰ و ۵۰۰ میلیون ریال در سال ۱۳۴۱ پرداخت خواهد کرد.

- با تبعیت از اصل آزادی واردات و میاد لات ارزی برای بعضی از اقلاطم کالاها که جنبه تجملی دارد مقررات مناسب و موحد دسته‌های ایجاد هرای یک طبقه از کالاهای منظور حمایت از صنعت‌های مشابه در داخل کشور سود بازگانی تعیین میشود و برای پرداختهای ارزی غیربازگانی صرفه جویی‌ای لازم داده خواهد داشت^(۲).

این بود خلاصه ای از برنامه "ثبتیت اقتصادی" که در کابینه شریف امامی مطرح شد. قبل از تشریح برنا "ثبتیت اقتصادی" در مجلس پیش‌نمایش کابینه شریف امامی با "تبیعت از اصل آزادی واردات و میاد لات ارزی" سود بازگانی را که در اوخر کابینه اقبال مطرح شده بود افزایش داد. این افزایش که از شهریور ۱۳۴۹ آغاز می‌نماید تسبیح است. این افزایش بانک ملی ایران را مکنن کند. چنانچه در سال جاری هم ۷۵۰ میلیون ریال سود بازگانی داراین دوره بازی کرد افزایش قیمت‌هاد را زیارت کرد. بازگانان وارد کنند که مبلغ سود بازگانی جدید را برای کالاهایی که ماهیت‌های قبیل وارد کرد بودند اضافه نمودند تا وکچک‌ترین تحریمی اینها نباشد بلکه تمام فشار سود بازگانی اضافه بدش هصرف نکند وارد شود. لیکن افزایش سود بازگانی و تحریمه لیست جدید واردات نمیتوانست تا عویضی و آتی داشته باشد زیرا ولت ایران نه تنها تمام عایدات ۲۶۵ میلیون دلاری از انتفت را خرج کرد و بود، نه تنها وام‌های خارجی را بصرف رساند و بود بلکه برای دو سال آینده با کسر موافظه پرداختی بیان ۱۳۰ میلیون دلار روبرو گردید. صندوق بین المللی پول که وضع اقتصادی ایران را بسیار اشفته میدید یا شرایط نیوکریک ۳۵ میلیون دلارا مراقب را بدل ولت ایران داد:

۱- واردات غیرضروری باید تقلیل یابد، ۲- مخارج دولتی که برای طرح‌های عمرانی ضرورت ندارد کسر شود، ۳- از توزیع اعتبارات بانکی که مبالغ پیش موجب شد سطح قیمت‌هاد را برای ایران ۲۰ درصد بالا رود جلوگیری بعمل آید.

۱- مجله تهران اکنومیست، ۳۰ آردی سپتامبر ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) مجله بانک مرکزی شماره دیمه ۱۳۴۰

۲- اطلاعات، ۲۱ سفند ۱۳۴۹، از گزارش شریف امامی در مجلس درباره برنامه ملک‌کابینه دوم خود.

هنوز چند ماه از تحدید اعتبارات و اجرای سیاست افزایش سود بازرگانی نگذشته بود که خوشبینی بی موقعی دارم باز مخالف بوجود آمد. دبیرخانه شورای عالی اقتصاد همانک مرکزی در بهمن ماه ۱۳۲۹ هـ به این نتیجه رسیدند که اجرای اصول مندرج در سیاست "ثبت اقتصادی" که در شهریورماه گذشته تصویب و لغت رسید در نهی بپنک سیاست اعتباری معقول و متناسب با احتیاجات کشور تا شیوه‌گردی داشته و از افزایش بیش بینه بند وار اعتبارات بسته و معمول غیری جلوگیری بیعمل آمد (۱). لیکن در همین اظهار نظرخواهی بینانه اعتراف شده است که چون اصول سیاست "ثبت اقتصادی" در نیمه سال پمرحله عمل را بد و رامفع میزان افزایش سالانه مجاز اعتبارات حتی از حد خود نیز تجاوز کرده بود تا سفنه اجرای کامل بپنک سیاست اعتباری را تباخابی میسر نگردید ولی بانک مرکزی بهانک ملی ایازگارسال بند اولانجومعه غیری افزایش حجم کل اعتبارات جلوگیری خواهند کرد و توانایی موجباتی فراهم خواهند آورد تا افزایش اعتبارات بیشتر متوجه امور تولیدی اعم از صنعتی و کشاورزی و باتانه میعنی حربه اقتصادی مفید شوت گردد.

در رگزارش بانک صنعتی و معدنی نیز اشاره به بهبود وضع اقتصادی شد و چنین نتیجه گیری معمل آمد که در سه ماه گذشته (منظور آبان و آذر و دی ماه ۱۳۲۹ است) وضع اقتصادی ایران بطور محسوسی سالم ترگشته است. قسمتی از این موقعیت در نتیجه سیاست بانک مرکزی در مورد تحدید اعتبارات است. هنوز فشار زیادی موجود است که این سیاست را اصراروت جدی فعلی خارج سازد تا وضع گذشته یعنی در وران صرف بول بی ریا توسعه نامتعادل تجدید گردد.

خشوبینی مخالف مالی همانکی کشورها واقعیت مطابق نبود. زیرا سیاست اقتصادی کابینه‌های قبلی و در رجه اول کابینه دکترا بقابل بحد ایرانی وضع مالی و اقتصادی کشورها غیری ایشان خوش و خود کنند و داشت که ممکن نبود با تحدید اعتبارات و افزایش سود بازرگانی در عرض سه - چهارماه وضع را تغییرد. اد تحدید اعتبارات و افزایش سود بازرگانی برای وارد کنندگان همانند اینها چهارماه وضع را تغییرد. اد افزایش سود بازرگانی میسر ند و امیدواری فروانی به افزایشی در رسیده اشتند زیاد موثر واقع نمیشد. زیاد رهیمن موقع که اعتبارات بانکها محدود شده بود بازرگانان متوجه صرافه‌آشند و میزان قطعی اعتباری که صرافه‌آهه بازرگانان داده اند بیش از ۱۰ میلیارد ریال تخمین زده شد و مطهیریه جرائد کشور نوشتند "نکته جالب اینست که صرافه‌آهه این اعتبارات را در حال مید هند که اعتبار ایشان از طرف بانک ملی قطع شده است" (۲). بخش مهمی از پولی که صرافان بیانکان مید اند بیشک همان اعتباراتی بود که بنام ایجاد موسمیت صنعتی و بهبود وضع کشاورزی اینانک ملی ایران گرفته شد و بعضی فعالیت‌های تولیدی به گامند و قبهای صرافان سرازیر گردید تا بپرداز ۳۰۰ درصد در اختیار وارد کنندگان کالاهای تجملی و غیر ضروری قرار گیرد و بانام وارد کرد ن کالا وسائل تولیدی بیانکه‌ای خارج انتقال یابد.

اد امه برنامه "ثبت اقتصادی" در کابینه دکترا مینی

علت اساسی بیقوط کابینه مهندن شریف امامی پهلوی کارآمد ن دکترا مینیعت سیاسی بود. بیشک وضع مالی و اقتصادی کشور راین امنیت مهند داشت ولی انگیزه اساسی نبود. زمانیکه کابینه اینی تشکیل شد وضع اقتصادی و مالی کشور بدتر از تابستان ۱۳۲۹ نبود بلکه با جلوگیری از مخارج ساختن، تقیلی بود جهه های تولیکی و تحدید اعتبارات تا حد ودی در کارهای مالی گشایش حاصل شده بود و کابینه اینی که جنجال سقوط شکستگی اقتصادی و مالی کشور راه اند اخت کوچکترین تغییری در "برنامه ثبت اقتصادی" کابینه قبلی نداد و همان برنامه را دنبال کرد.

"برنامه ثبت اقتصادی" در طبق یکسال کابینه دکترا مینی کوچکترین تغییری نکرد. کمیته مخصوصی که تحت نظر آفای دکترا علی اصغر پهلوی وزیر مشاور و سرپرست وزارت بازرگانی در رهفته های اول روی کار آمد دکترا مینی ماً مونبررسی "برنامه ثبت اقتصادی" شد بود اصول کلی "برنامه جدید" را بدین شرح

اعلام داشت:

تحدید شدید اعتبارات، تحدید بودجه و پرداخت قسمتی ازد هی د ولت بانک ملی و استفاده ماز آن برای امور تولیدی، حذف هزینه های زائد و لوثی، تحدید واردات از طریق افزایش سود بازرگانی، افزایش

نرخ رسمی تنزیل، قطع اعتبارات پود اختی بانک ملی بانکهای دیگر
زمانیکه د کترامینی برناهه کابینه خود را با اطلاع عمومی رساند بنکات اساسی برناهه "تنبیت اقتصادی"

نیز اشاره کرد. نکات اصلی "برناهه تنبیت اقتصادی" حکومت د کترامینی عبارتند از: اصلاحات ملی و مودجه
با تنظیم مالیات ساده، عاد لانه و سهل الوصول، اتخاذ یک سیاست اعتباری صحیح و اعمال نظارت در نرخ
بهره پول، اجاد نظم و تثبیت سازمان وزارت دارایی و نظارت در خرج بمنظور تقلیل همکاری و جووه عمومی
در مصارف مقره باطمینان از تجیه آن، حفظ موازنه ارزی و تعدد پل واردات و توسعه و تشویق صادرات،
تمرکز وهم آهنگی دستگاههای اقتصادی، رعایت صرفهجویی کامل در مخارج مؤسسه، ادارات و شرکت‌های
دولتی، اقدام با اصلاحات ارضی و تحدید مالکیت های بزرگ، ایجاد و توسعه صنایعی که مستقیماً کشاورزی
بسنگی دارد و لآخره انجام اقد ماتی بمنظور پائین آوردن قیمتها و سعدی رتیلی هزینه زندگی (۱) .

بطوریکه دیده مشهود در "برناهه تنبیت اقتصادی" کابینه فعلی هیچ چیزی را ای که بتواند وضع
اقتصادی د مالی کشور را زیرشنه عوض کند وجود ندارد. مضمون اساسی "برناهه تنبیت اقتصادی" هر دو
کابینه اخیریعنی کابینه مهندس شریف امامی و د کترامینی "جبان گشاد بازیهای ارزی اعتباری ووارداتی"
است که در عرض سالهای ۱۳۲۹-۱۳۴۰ صورت گرفت. وهمانطوریکه یک مقام مشغول بانکی اظهارداد است
"اجرای اساسی این برناهه مستنگی دارد بانکه د ولت بد هی خود را بانک مرکزی بپرس ازد و مانکهای خصوصی
رعایت مصالح کشور را در توزیع اعتبارات بگمند" (۲) . این برناهه که در حقیقت توسط صندوق بین المللی پول
تنظیم گردیده د فاسایش تامین شرایط مالی برای پسند ادن وامهای خارجی و تنزیل آنها بطور منظم بود تا
از روز بی اعتمادی در بانکهای بزرگ امیریالیستی بمنظور صد و سرمهایه با بران جلوگیری بعمل آورد. بسی شک
کابینه امینی نمیتوانست تغییرات اساسی در روابط آن بعمل آورده و میایست حتی المقود را در اجرای آن بکوشد.
حال باید دید که آیا کابینه فعلی توانسته است آن تنبیت اقتصادی را که خود مدعی است علی سازد یا نه؟
طبق اطلاعی که آقای دکتر پهلوی رئیس بانک مرکزی بخبرنگاران جراحت داد معلوم مشهود که از
بدهیهای بناگاههای دولتی، شهرداریها و سازمان برناهه مبلغ ۲ میلیارد ریال بیانک مرکزی پود اخت شده
است (۳) . تقلیل بدھیهای دولت و بناگاههای دولتی اساساً بصورتی که در سرناهه "تنبیت اقتصادی"
پیشینی شده بعمل نیاده است. در واقع پود اخت بدھیهای بحساب افزایش درآمد اتحادهای دولتی،
کسره زینه های اضافی و افزایش مالیاتها صورت نگرفت بلکه بحساب وامهای خارجی و مکملهای اعلاه اوضاع امریکا
میسرشد.

در عرض یکسالی که کابینه امینی روی کار پرداز آمریکا ۸۳ میلیون دلار وام ۳۳ میلیون دلار کمک بلا-
عوض بیان کرد (۴) . وامهایی که آمریکاییها و آلمانیها برای دادند بهیچوجه بمنظور فعالیتهای تولیدی
صورت نگرفت بلکه از همین وامها بود که بانک مرکزی توانست ۱۱۶ میلیون دلار اموال خارجی و بهره آنرا
بپرس ازد و از سایر آمده های ارزی مانند درآمد نفت، صادرات وغیره مبلغ ۴۶۰ میلیون دلار بابت واردات
به اشخاص دولت پود اخت نماید (۵) .

بنابراین در قسمت موازنه پود اختهای بازهم د ولت متول بهام خارجی گردید و حتی وامها و بهره
پود اختی چندین میلیون دلار کفراز وامهای جدید بود که در عرض یکسال دریافت شد. وزارت دارایی که
که طبق "برناهه تنبیت اقتصادی" موظف بود بوزارت خانه هاد مستورد هد تا از هزینه های خود بمبلغ ۲/۷ میلیارد
بکاهند تا هم ۹۰۰ میلیون ریال کس بود جه پیشینی شده جبران شود وهم ۱۸۰۰ میلیون ریال اضافه
درآمدی برای بود جه تا مینگرد نتوانست وظایف خود را تنجام دهد. علاوه براین انتظاریک میلیارد
ریال درآمد اضافی از اتحادهای دولتی بیویژه گرفت برآورد نشد (۶) .

۱- اطلاعات شماره های ۲۱۰۴ و ۲۱۰۴ اردیبهشت ۱۳۴۰

۲- اطلاعات ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰

۳- کیهان ۱۴ فروردین ۱۳۴۱

۴- اطلاعات ۱۶ فروردین ۱۳۴۱

۵- کیهان ۱۴ فروردین ۱۳۴۱

۶- مجله تهران اکنومیست ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۰

سازمان برنامه نتوانست ۱۳۰ میلیون دلارکسری که برای انتظام طرح‌های هفت‌ساله دوم لازم داشت تهیه نماید و همین دلیل نتوانست بسیاری از طرح‌های قدیم را انتظام کند. سازمان نامبرده طرح ذوب آهن را صولانه از پاد برد هرای اطام سد سفید رو، سد دز و استفاده از گاز وفت سراج‌متولی بقام از مریکا و آلمان غربی گردید. بد همیه‌ای سازمان برنامه که در آخر سال ۱۳۳۸ به ۶۵۰ میلیون ریال رسیده بود می‌ایست در سال‌های ۳۹ و ۴۰ هر سه ماه ۲۰۰ میلیون ریال واوایل سال ۱۹۴۱ مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال پرداخت شد لیکن سازمان برنامه جهت پرداخت همین بد همیه مجبور شد طرح‌های ضروری را کارگزارد و به وام توصل جوید (۱).

از سال گذشته یکی از تدبیرهایی که برای جلوگیری از خروج ارز بعمل آمد جلوگیری نسبی از مسافرت‌های تفریحی بخارجه است. در سال‌های اینکه میاد لات ارزی از ازدش هر سما فرکه بخارج سفر میکرد حق داشت با نزد رسمی مبلغ ۴۰۰ لیره یعنی در حدود ۸۸۰۰ ریال ارز از اینکه ملی دریافت نماید. در سال‌های پر قراری رژیم کودتا مسافرت تفریحی بخارجه و معالجه در بیمارستان‌های اروپا و امریکاد رین قشر نوشتن بصورت عادت در آمد است. عده بسیاری از قشر متوسط نیز از این روش پیروی می‌کنند. در بعضی از سال‌های بعد مسافرین به اروپا و امریکا ۱۵ هزار نفر نیز تجاوز میکرد. بنابرآذوهای آقای رجا^۱ معاون نخست وزیر اگر حداقل هزینه هر مسافر ۲۰ هزار تومان داشتند (۲) عده نامبرده سالانه بیش از سه میلیارد ریال ارز کشور را کباره ها و تفریح‌گاه‌های خارج بصرف می‌سانند و شاید باند ازه همین مبلغ نیز ارز ازد با خود خارج میکردند. جلوگیری از مسافرت‌های تفریحی سبب شد که در عرض نه ماه سال ۱۳۴۰ مبلغ ۱۳۳۵۲۲۵۰۰۰ ریال ارز کمتر از سال‌های سابق پمسافرین پرداخت گردید (۳). لیکن این پس از بخاطر سفر حجاج که بمعیت ندشت و زیزد را وایل امسال صورت گرفت تمام بدهد رفت و مبلغ ۱۳۲۴۰۰۰۰۰ ریال نیز بیش از پس اند از نه ماهه سال گذشته خرج حجاج شد. در سفر اخیر ۱۴۷۹۷ نفر تپرسری بمکه رفتند و هر کیک بطری متوسط ۲۰۰ هزار ریال خرج کردند که جمعاً ۲/۹۰۹ میلیارد ریال میشود (۴). بیشک مخارج حج یک‌عده تقریباً ۱۵ هزار نفری خلیل بیش از این مبلغ شده است. اینهم یکی از صرفه جویی‌های بود که بخاطر حاجی شدن نخست وزیر کشور شاهنشاهی تمام بدهد رفت و مبالغی هم ازد را مد نفت و وام خارجی را در راه غیر عاقلانه و زیانبخش بصرف رساند. این رفتار نخست وزیر را رسال جاری و شاهد کتر اقبال در چند سال پیش که بخاطر زیارت کعبه صورت گرفت نشان سید هد که چگونه طبقه حاکمه برای عوام‌گیری و تظاهر معتقد است دینی به بیت‌المال عمومی دستبرد میزند.

روشی که کابینه اینی درمود باید جه پیش گرفت و پرداخت هزینه‌های وزارت‌خانه‌ها و موسمیت‌های را بصورت یک واژه هم داد و واژه هم در آزاد خود دلیل روشنی بری تعادلی بود جه مملکتی است. بطوری‌که جراید کشور می‌نویسنند در سال ۱۳۴۰ هزینه دلت ۱/۰ میلیارد ریال پیشتر از سال ۱۳۲۹ بود در حالی‌که در آمد سال نامبره ۵/۰ میلیارد ریال کتر از سال ۱۳۳۹ برآورد شده است. با این ترتیب بود جه سال ۱۳۴۰ در حدود ۹ میلیارد ریال کسری داشته است و گویا کمک و وام امریکا تا حدود ۵ میلیارد ریال کسری بود جه را تقلیل داد (۵) و بخشی از کسر بود جه با اهمیات تازه و در آمد نفت و وقفة در کارهای تولیدی و ساخته‌مانی ترمیم گردید و هشش دیگری بود جه سال ۱۳۴۱ انتقال داده شده است.

بود جه امسال دلت بنابرآذوهای دکتر امینی و دکتر آموزگار وزیر جدید ارایی در حدود ۱۵۰ میلیون دلار از تقریباً ۱۱ میلیارد ریال کسری دارد (۶). از نامه نخست وزیر وزارت‌خانه‌ها معلوم می‌شود که در

۱- اهمیات تولیدی در فروردین ۱۳۴۰ نسبت بفروردین ۱۳۴۰ مبلغ ۶۱۳۴۰ ریال کاهش یافته و در عرض و اهمیات غیر تولیدی در مردت مشابه از ۷/۰ میلیارد ریال به ۹/۰ میلیارد ریال افزایش یافته است.

تهران اکنومیست، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۱

۱- اطلاعات، ۲ آبان‌ماه، کیهان ۳ آبان‌ماه ۱۳۴۰

۲- کیهان ۵ اردیبهشت ۱۳۴۱

۴- مجله خواندنیها، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۱

۵- خواندنیها، ۱۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۱، تهران اکنومیست ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۱، صفحه ۳

۶- کیهان ۱۶ خرداد ۱۳۴۱

سال جاری نیز وضع مالی د ولت بهیچوجه خوب نیست و تقلیل ارقام هزینه بود جه "مستلزم فداکاری خاص از طرف کلیه وزارت خانه هاست" . د کترای مینی برای داداری عمومی اظهار مینماید که: بنظر من بنا یاد از کسر بود جه اضطراب و نگرانی داشت زیرا در رهیج سالی بود جه هامتوزن نبوده است و داداری بود جه متعدد نبوده آمد . امید کابینه فعلی فقط و فقط به افزایش استخراج نفت خام بستگی دارد . بعقیده وی برای افزایش نفت خام "کفتوگی وجود دارد و قرائعن چنین حکایت مینکند که باید امیدواریم . مسلمان چنانچه این امر تحقق یابد درآمد ایران از محل استخراج نفت افزایش خواهد یافت" (۱) .

راهی که کابینه فعلی بمنظور میرسد اینست که بود جه جاری د ولت را بد و قسمت اصلی و فرعی تقسیم نماید . قسمت اصلی بود جه شامل پرد اختها و هزینه های اجتناب تا پذیره وزارت خانه هاود ستگاه های د ولتی است و وزارت دارایی فقط اعتبرهای مین قسمت اصلی را تضمین خواهد نمود . بود جه های جاری وزارت خانه هاو موسسات د ولتی قسمت فرعی بود جه بحساب درماید و پرداخت این منوط بوصول د را بد و محتاج بموافقت قبلی و زارت دارایی است (۲) . اختیاراتی که بوزارت دارایی در تعدد بیل هزینه هاد اد ه مشود ممکن است تا حد ودی از هزینه های وزارت خانه های مختلف بکاهد . ولی وزارت دارایی بهیچوجه قادر نیست در بود جه نیروهای انتظامی تغییر داد و از هزینه های آشنا بکاهد . بخش عظیمی از کسری بود جه سالانه د ولت هزینه های کوشک است که برای نیروهای انتظامی میشود . هزینه ۱۶ میلیارد نیروهای انتظامی واقعه ای اقتصاد ضعیف ماخورد کند و غیرقابل تحمل است . بیشک در شرایط رژیم د میکاتوری شاه که نیروهای انتظامی مهمترین تکیه گاه د اخلي آنست کسر هزینه های وزارت جنگ ، شهرسازی و زبان امری و سازمان امنیت د تنهای ممکن نیست بلکه این هزینه ها سال بسال افزایش خواهد یافت و تا عبور منتهی خود را بلاقتصاد کشور اعانتشان خواهد داد . با این ترتیب دیده میشود که مواد "برنامه ثبیت اقتصادی" انتظوره بیشینی میکردند عملی نشد و گشايش ارزی و پرداخت مختصراً ازد هیهای د ولت هنگاه های د ولتی بیانک مرکزی تهبا باد ریافت و امهای تازه ای از خارجه میسر گردید . هنوز این گشايش ارزی و ترمیم کسر بود جه بجائی نرسیده ولی بیانک مرکزی ترمه اکراتی که ماههای اخیر با صندوق بین المللی پول بعمل آور حجم اعتمادات را که تا آخر سال ۱۴۰۰ قرار بود از ۴۰ میلیون تومان تجاوز نکدیه ۴۰ میلیون تومان افزایش داد و در مقررات سود بازگانی و بعضی کالاهات تغییرات بعمل آورد (۳) . در واقع افزایش اعتمادات و تعهدات مالی د ولت بحساب رشد اخلي و رونق بازار صرحت نگرفت بلکه بخطارکم کرد ن رکود فعلی و تعدد بیل بحران و کمبود بول د ریازار از طریق وام و اعتمادات خارجی تاحد دی عملی شده است . بیشک رکود فعلی ، بیکاری و معدودیت فعالیت های صنعتی و کارهای ساخته ای مد تهبا باقی خواهد ماند نیز افعالیت تولیدی د ولت براش و خراب مالی که دست کم یکی د وسال د پیگرد امده خواهد یافت حد و خواهد بود . تضمید د ولت اینست که برای تکان بعدی و جلوگیری از بیکاری و تجدید فعالیت اقتصادی و امهای تازه ای از امریکه الامان ، فرانسه ، ژاپن ، کانادا وغیره دریافت نماید تا شاید با آغاز برنامه پنج ساله سوم سرمایه های د داخلی رانیز که متوقف مانده اند فعالیت تولیدی جلب نماید .

مفهوم واقعی ثبیت اقتصادی چیست و چه تدبیری جهت اجرای آن ضروریست ؟
ثبتیت اقتصادی بمعنای ثبات و استحکام اقتصادی هیچگاه نمیتواند محدود بموانenze بود اختها ، تحد اعتبارات وواردات باشد . حفظ موازنه پرد اختهاد رکشورهای کم رشد قبل از همه بخطاره موارساختن ورو د سرمایه های اتحادی است . موازنه پرد اختهاد را کین کشورها آئینه مناسبات بین کشورهای امپریالیستی و کم رشد است نه نمود ارتبیت اقتصادی آنها . درکشورهای کم رشد موازنه پرد اختهابطه متابوب بر اشر سیاست اقتصادی امپریالیستها که بین کشورهای تحمیل میشود بهم میخورد . در چنین شرایطی د ول کم رشد بد هکار متول با فرایش مالیا تها وعوارض ، صرفه جویی و معدود ساختن فعالیت های تولیدی و ساخته ای ، فرهنگی و سهند اشتی میشوند . این امرگاه هیگاه در رشد سریع این کشورهای که ضروری برای کم کرد ن فاصله عقب ماندگی است مکث ایجاد مینماید ونه تنها ماتع رسیدن چنین کشورهایی بفاصله تدن میگرد بلکه فاصله

۱- کهپان ۳۰ ارد پیشست ماه ۱۳۴۱

۲- کهپان ۱۶ خرد اد ماه ۱۳۴۱

۳- مجله بانک مرکزی د یمه ۱۳۴۰

تولید و رآمد سرانه را با کشورهای پیشرفت‌هه مال‌بسال بیشتر می‌کند. کشورهای که اقتصاد جهانی سرمایه داری می‌ستگی دارد و سیاست مستقل ملی اتحاد نماید و باستگی کشورهای زارجهانی سرمایه داری است نمیتواند بازیم موجود یک سیاست مستقل ملی اتحاد نماید و باستگی عینی خود را بر سبب می‌شود که بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی و حربان عمومی سرمایه داری دامنه عینی خود را بر اقتصاد ضعیف مانشان دهد. سیستم جهانی اقتصاد سرمایه داری که براساس تقسیم کارازده همان‌سال قبل پایه گذاری شده است طوریست که یک سلسه ارزش‌های کم رشد باشد برای کشورهای رشد کرد سرمایه داری مواد خام خام تهیه نموده و خود صرف کنده کالاهای صنعتی آنها باید شدند. این طرز تقسیم کاربرین کشورهای رشد کرده و کم رشد سرمایه داری توازن با استمرار ظلم بعیان جهانی است. کشورهای رشد کرده صنعتی مواد خام کشورهای کم رشد را بقیمت احصاری تنازل می‌خورد و کالاهای صنعتی و آنچه ماشین آلات را بقیمت گراف باشند تحمیل می‌کنند و اعتبارات تولیدی رانیز با تنزیل زیاد و شرایط نامناسب در اختیارشان می‌گذارد. مظاهر این استمرار ظلم عبارت است از محرومیت اکثریت ملل کشورهای کم رشد، عقب ماندگی تولیدگر فرهنگی و بهد اشتی آنان.

وضع کشورهای بطریکی این موضوع را نشان میدهد. کشورهای تولید کننده مواد خام، در درجه اول نفت و مواد خام کشاورزی برای صنایع وسائل حمل و نقل کشورهای صنعتی اروپای غربی و امریکاست. وظیفه اساسی سیاست تولیدی و لتهای دست نشانده ایران قبل از همه تبعیت از این سیاست اقتصادی یعنی اجری وظایفی است که تقسیم کارجهان سرمایه داری بی‌جهد و تولید ایران گذاشته است. این سیاست سبب می‌شود که نیمی از رآمد نفت مانصبه احصارهای خارجی گردید و سرمایه که گذارید روشته‌های تولید مواد خام به تراکم سرمایه و سرمایه گذارید روشته‌های اساساً تولید که برای استقلال ماضیورت دارد میدان مناسب و کافی ند هد رهای از این روش جزو با اتخاذ یک سیاست ملی پیجاد حکومت ملی که زیرنفوذ سرمایه های احصاری خارجی نباشد ممکن نیست. بعضی از اقتصاد دانان کشور "برناه تثبیت اقتصادی" فعلی را گذاشت واقعی برای بیان اقتصادی کشور میداند و حتی بعضی از تصویرمیکنند که در شرایط رژیم کنونی ممکن است در کلیه روشته‌های اقتصادی بتواری یک یگر و بطورهم اهنگ اقدامات توسعه صورت گیرد و اصطلاح اقتصادی پله پله و متد ریج قد مبرد اشته شود و ممکن است در بعضی از روشته‌های امکانات بیشتری موجود است و عوامل داخلی و خارجی توسعه آنرا تسهیل می‌کنند اقدامات توسعه ای شمرکرگرد د. بنظر این اقتصاد دانان در کشورهای کم رشدی که در حال توسعه هستند باید و طریقه مذکور اتواگاربرد (۱). این نظریه پیچوچه درست نیست. زیرا در کشورهای کم رشد توسعه همه روشته‌های اقتصادی همراهی سرمایه داری رفته و تکنیکی بازار اخلي و خارجی ممکن نیست. بنابراین توسعه پله و متد ریج یعنی رشد صنایع سبک صرفی و وابستگی صنایع نوزاد از لحظات مانشین آلات وسائل یدکی بکشورهای سرمایه داری رشد کرد و در رجه اول بکشورهای امپریالیستی. رشد روشته‌های دیگر که امکانات بیشتری را موجوست و عوامل داخلی و خارجی توسعه آنرا تسهیل می‌کند یعنی رشد روشته‌های امپریالیستی که سرمایه های خارجی برای بازارجهانی سرمایه داری مواد خام تهیه می‌کنند. رشد چنین روشته‌های هم جزئی شدید و باستگی بیشتر اقتصاد جهانی سرمایه داری نمیتواند نتیجه ای بیار آورد. آنها یعنی امید ارند بعوض تولید ۰.۶ میلیون تن نفت خام اگر کشورهای متواتند ۲۰۰ میلیون تن نفت خام بیان زارجهانی خارجی صادر نماید ایران بهشت برین خواهد شد اشتباه می‌کنند. خطروباستگی برای کشورم رشدی نظیر کشورهای بولید ۰.۲ میلیون تن نفت خام خلیلی پیشتر ۵۰ میلیون تن است و اقتصاد و مالیه مابهمان نسبت بیشتر وابسته با اقتصاد جهان سرمایه داری خواهد شد.

بنابراین با تشریح و تفسیری که گذشت چه مفهوم و معنایی برای تثبیت اقتصادی متواتان پیدا کرد؟ تثبیت اقتصادی معنایی بیان اقتصادی عبارتست از پیشرفت سریع و منظم اقتصاد عیوبیه روشته‌های اصلی تولید، بد و بحران و پیکاری و کسری و بجه و تنا سبی بین واردات و صادرات و موازنده درید اخست و امها خارجی که بمنظور شدن نیروهای مولود ریافت می‌شود. تثبیت اقتصادی بستگی بعوامل زیبدارد: اقتصاد با برنامه وهم آهنگ که بتواتند بخش مهی از رآمد ملی را صرف توسعه اقتصادی در درجه اول ایجاد

زینتی مادی - فنی نماید ، ازیکاری و هرمان جلگه‌بری بعمل آورد ، ازیموی انسانی و منابع طبیعی در راه ارتقا * سطح زندگی و افزایش د رآمد ملی بطور صحیح و مقیاً منسجم با استفاده کند ، تغذیه سرماهی های انحصاری خارجی را رکشوریشه کن نماید ، برای ترقی سرچ نیروهای مولدا از امکانهای شکوفا در وگاه سوسیالیستی استفاده بعمل آورد .

تعريف فوق ازثبتیت اقتصادی و عواملی که برای موجود بیت آن لازمت هرچند ناقص است ولی شامل نکات اساسی یک اقتصاد باشیات در شرایط جهان امروزی و پویه برای کشور ماست .

برنامه و تدبیری که برای ثبتیت اقتصادی یعنی ایجاد اقتصاد محکم و جام ضروریست باشد شامل نکات زیرا شد :

۱- اصلاحات ارضی را دیگال که مضمون آنرا در زمین برایگان بد هقنان تشکیل دهد زمینه اساسی برای ثبتیت اقتصادی کشور است . دادن زمین برایگان بد هقنان و تشکیل شرکتهای تعاونی تولیدی ، ایجاد راههای شوسمه بین دهات و شهرها ، دادن ماشین و کود به روستاییان و ازین برد واسطه های میتوانند زندگی میلیونها نفر را حتمکش را زیریشه عوض کند ، بازار ارالی را چندین برابر توسعه دهد و اهالی شهرهارا از لحاظ آذ و قه و منابع شهری را لاحظ مواد خام تامین نماید .

۲- ایجاد موافزه بین درآمد هر زینه بود جه کل یکی از شرایط اساسی پیشرفت اقتصادی کشور است . کم کردن هزینه های غیرضروری واستفاده از درآمد هابرای کارهای تولیدی و ایجاد مؤسسات بزرگ صنعتی باید رقم اصلی هزینه های د ولتی را تشکیل دهد . بعنهضور سوق درآمد های د ولتی سیوی کارهای مفید قبل از همه کم کردن هزینه های نیروهای انتظامی تا ۵۰ درصد و اخراج کارمند ان اضافی د ولت ، تغییر اساسی در رشیوه کار اراد ارات و سکاشهای د ولتی و تحول کامل در سیستم مالیاتی ضروریست . د ولت ملی از این راه نه تنها میتواند کسر بود جه مزمن کشور ابرطرف سازد بلکه قادر است همه ساله میلیارد هاریال صرف ایجاد مؤسسات تولیدی درجه اول نماید .

۳- انحصاری ازگانی خارجی درست دلت ملی نه تنها منبع درآمدی برای کشور است بلکه انحصار بازگانی خارجی صنایع و کشاورزی و بازار ارالی را در مقابل سرمایه و کالاهای خارجی حفظ نموده و آنها امکان تراکم بیشتر و شد سریعتری دیده د .

۴- تمام صرفه جوئیهایکه درج کشته عمل می‌اید و تمام درآمد های انحصاری د پلت باشد برای ایجاد زینتی مادی - فنی بصرف رسید . اساساً بیانات اقتصادی کشور زینتی مادی - فنی آن نهفته است . اگر مابتوانیم صنایع منینگ ماشین سازی که قادر باشد صنایع نفت ، کشاورزی و ارتباطات و حمل و نقل ما را لاحظ وسائل حفاری ، ماشین و وسایل حمل و نقل تا ۵۰٪ نموده و برای صنایع سبک ماد سکاشهای ماشین - های کافی تهیه کند ، آنوقت میتوان انتظار رشد همه جانبی و بیانات مالی ها لارفتن سطح زندگی را در رایران داشت . ایجاد زینتی مادی - فنی آن پایه اصلی و مستحکم است که میتواند ثبتیت اقتصادی و رونق واقعی را در کشور ماستقرسازد . ایجاد زینتی مادی - فنی توسط دلت میتواند زمینه اساسی برای رشد غیرسرمایه داری در کشور فراهم سازد . در شرایط ایجاد زینتی مادی - فنی دلت ملی میتواند وظیفه تا عسیں صنایع سبک صرفی را تبدیل به مردمه داران داخلی و شرکتهای مختلط بگذرد تا ازین راه هم اشتغال بکار راوسعده دهد و هم مود را لاحظ وسایل مصرفی تا ۵۰٪ نماید .

۵- تجربه ۳۰-۲ سال اخیر نشان داده است که امپریالیستها همواره در راه ایجاد ایجاد زینتی مادی - فنی د رکشور ماکه اساس اقتصاد هرکشور است کارشنکی مینمایند . نونه کامل این کارشنکی د رتاًسیس کارخانه ذوب اهن است . بنابراین برای ایجاد زینتی مادی - فنی باید از امکانهای شکوفا در وگاه سوسیالیستی استفاده کرد و روابط اقتصادی ، تکنیکی و علمی را با کشورهای سوسیالیستی بمقایه منسیعی توسعه داد تا شالوده واقعی استقلال و بیانات اقتصادی بی ریزی گردد .

۶- ملی کردن مؤسسات بزرگ و در درجه اول مؤسسات تولیدی که در دست انحصارهای مالی خارجی است ، ملی کردن بانکهای خارجی و تجدید نظر در رقراردهای اقتصادی که در درون رژیم کود تا با کشورهای امپریالیستی بسته شده است .

۷- ایجاد اقتصاد با برنامه و هم آهنگ که شامل تمام اقتصاد نموده شد و تواند حد اکثر تراکم سرمایه

را فراهم نماید و آنرا بسیور شته هایی که جهت اقتصاد و سیاست کشور اهمیت حیاتی دارند سوق دهد. بد ون برنامه های اقتصادی همه جانبیه که شامل تمام بخش های دولتی و خصوصی گردید پیشرفت سریع و موزون بد ون

بحران ویکاری میسر نیست.

اینهاست نکات اساسی و وظایف بسیار که در شرایط فعلی رشد کشورها ضروری و معقول بنت مردم است و میتواند آرزوهای عمومی را که داشتن زندگی مرتفع و رسیدن به کشورهای پیشرفته است تأمین نماید. بیشک برای جرای وظایف بالا و ایجاد ثبات اقتصادی قبل از همه تغییرات فعلی و شکل آنچنان دولتی ضرور است که بتواند متکی بteam نیروهای متوفی جامعه بوده، مستشاران خارجی را از ستگاه های اقتصادی و سیاسی کشور خارج کرده، از پیمانها و تعهدات نظامی بیرون آمده و یک سیاست مستقل اقتصادی و ملی را تعقیب نماید. بیست خرد آزاد ماه ۱۳۴۱

آئین مردمی

”اندرزهای آذر پاد مارس قندان“ از ایاد گارهای نادر روگران بهای زبان پهلوی
است که ملت الشعرا ایهار آن را به نثر فارسی گرداند و به شعرد رأورد -
است. این ابیات ازان جاست :

نگر تا خداوند این خوی کیست
بن و پیخ کارجهان یاد داشت
تبیندد رآن خانه بیگانه ای
زن و مرد پوستگان وی اند
که از مهر پیوند نبود گزیر

سرخوی ها، مرد مان دوستی است
کسی کش منشره به بنیاد داشت
جهان است پیش یکی خانانی
همه مرد مان بستگان وی اند
بجود دلش مهر برنا و پیر

که اینراه دارد سراند رنشیب
کزین دیو مرد م نیاید فروع
که نزد همان رسیدت آبروی
بساگته کان رانیا ید نهفت
پیجای سخن لب میند از سخن
یکی مرد باش آشکار اسخن
مکن پیش همچون خود بندگی

من گام باکس برای فریب
مشوهیچ همد وشن مارد دروغ
سخن هیچگه برد و آئین مگوی
بساگته کان رانیا یست گفت
به جای خموشی سخن سرمنک
سخن جزیاند یشه باکس مکن
مشوخیشن بنده (۱) ادرزندگی

(۱) ”خویشتن بنده“ یعنی کسی که از خویشتن بنده میسازد.

جنبش زنگیان در قرن سوم هجری

قريب هزار سال پس از جنبش بزرگ غلامان برهبری سپارتاكوس که در سالهای ۷۱-۷۴ ق. م. در روم واقع گردید و در آن قريباً صد و پيست هزار برد ه شرکت داشتند و مدت بی سال بطول انجامید، قيام دیگری در رواحی بصره و بادان واهواز، آن نيز با شرکت غلامان و برهبری صاحب الزنج واقع گردید که در آن بقولی بيش از پانصد هزار غلام شرکت جستند و مدت پانزده سال بطول آنجامید. موخرین غربی قيام سپارتاك را بزرگترین جنبش غلامان می‌شوند. ظاهرآ آنها از جنبش زنگیان در قرون سوم هجری واژخخصیت صاحب الزنج بی خبرند و با آن خبرچند اني ندانند. بالاتر دیراره اين واقعه بزرگ در منابع تاریخی عرب و ایراني مطالubi ثبت است، ايرانيان نيز از اين جنبش عظيم برد گان که درخشش از خاک میهند آنهاگذ شته است بی خبرند و نمیدانند که گرچه اجداد صاحب الزنج، سالار قیام زنگیان از اعراب بوده اند ولی خود و پسر و پسرگش زاده پوره ڈخاک ايران و از عدد هنافات شهری بوده اند و باين جهت از افتخاری که از سالاري يك قيام بزرگ رنجبران نصیب صاحب الزنج شده، سهمی نیز به هموطنان ايراني اش ميرسد.

بردگی در کشورهای خلافت عرب

يک از پرگاهای مهم فئود الیسم در کشورهای خلافت عرب و آنچمه ايران در قرنهايد و سوم بسط نيز و مدد برد ه داري است. نميتوان گفت که نظام اجتماعی آن در وران نظام بردگی بود، نيز اشكال عده اقتصادی فئود الیسم وطبقات عده اجتماعی عبارت بودند از اشراف و امراء ملک و هفقاتان و شبستان آنها که سمت برد ه نداشتند. ولی در از جنگها و فتوحات خلافت، بردگی بعثابه بقایا يك نظام کهن و منسخ باره یگر و نقصی شکرف یافت. سمرقند در خاور و مغان یا قاهره در باخترد و پایگاه عده تدارک و صد و برد ه بود. از سمرقند برد گان چينی و ترك و از قاهره برد گان رومی و زنگی و صقلبی مستمام شهرهای آن روز خاور میانه بویزه بخداد گسل میشدند.

جرجي زيد ان در تاریخ تهدن اسلامی مینویسد که در جهان قاهره مقام بود بنام "پیر المانه" که در آنجا سرای پیغمبر و فراد مشکوك را گرد ن مي زند و سپس اسراي ارakeh در خود بردگی بودند، به مناخ میفرستادند. و آنچه معلمین آنها را تيراند ازی و سوارکاري و شمشيرباري وغیره می آموختند و اماده فروخته شدن ميگردند. در بغداد شارع دارالرقيق محل فروش برد گان و گتیزان بود و "قیمان" یا "نخاسان" (یعنی برد ه فروشان) آنها را بفروش مهربانند. گاه برقی از نیزگان زیبا و هنرمند بعدها و میلوپهاد رهم و پیاره خرد و فروش میشدند(۱). در از جنگها برد گان، داشتن غلامان بسياره از عالم شخص بود رواجی داشت و بویزه زنگی که غلام ارزانی بود بعد از فراوانی در اختیار خواه جگان عرب بود. هند و شاه مولف تجارب السلف اين نکته را پویا در باره شهری بصره که مرکز شروع قیام بود تصریح کرد ه مینویسد:

"زنگیان ببصره بسیار بودند، چنانه هیچ سرائی انسانهای اکابر و اوساط انسان

از یکی یاد و یاسه زیاد است، خالی نبود و در بعضی تواریخ بصره چنان آورده اند

(والحمد لله على المولى) که در شب نیمه شعبان که موسم جمعیت و شعلان

بوده است اکابر و اعيان شهر تمایت جمع شدندی و از جمله شبي از شبها از

۱) برای اطلاع وسیعتری درباره این جریان رجوع کنید به "تاریخ تهدن اسلامی" تا علیف جرجی زیدان جلد پنجم صفحات ۲۴-۳۰ و نيزگتاب "پرتوا سلام" تا علیف احمد امين مصری و نيزگتاب "تاریخ بردگی" نگارش آقای نيازمند شمبواري.

احوال حاضران تبعیج کرد و بودند هزار خواجه حاضر بود و هر یک از ایشان هزار
غلام زنگی داشت.^(۱)

جرجی زیدان در تاریخ تدن اسلامی مذکور می شود که علاوه بر غلامان عدد ای از هفقاتان غلام زاده
وابسته به زمین نیز بودند که "قسن" نام داشتند و از میان فروخته می شدند.^(۲) برد گان و قن هاد را راضی
و معادن اطراف بصره بکارهای فرساینده و کشتند ای برای خواجگان خوش اشتغال داشتند.
قیام زنگیان در سواحل شط العرب نتیجه تقاطع انواع تضاد های اجتماعی در این ناحیه بود، ازان
جمله تضاد های شدید دینی و قومی در میان اعراب و در این مورد خاص تضاد علوبان و عباسیان از طرفی
و تضاد های اجتماعی (در این مورد خاص تضاد برد ها واقع نهاده با خواجگان و مولایان) از طرف دیگر.

صاحب الزنج و شخصیت وی

پیشوای قیام زنگیان علی بن محمد بن عبد الرحیم است. بد بزرگ وی که محمد بن حکیم نام داشت،
از آن علویان است که پازید بن علی بن حسین در روکوتفی قیام زید از کوفه فراری شد و به ناحیه
ری که قلمرو شیعیان و طوفان اران آل علی پیدا گردید و در قریه ورزین (بقول ابن اثیر) یا وزیری (بقول مسعودی)
ساکن شد.^(۳) پدر بزرگ صاحب الزنج بنام بد الرحیم در طلاقان تولد یافت و پاکنیزیکی مندی ازدواج
کرد و ازان د محمد پدر صاحب الزنج زاده و بد پنسان صاحب الزنج (علی) و پدرش محمد پدر بزرگش عبد-

الرحیم همه رائیده و پهلوه خان وطن ماهستند.
علی که بعد از صاحب الزنج لقب گرفت در خاندان علوی و زیدی خود باروح شیعیگری و دشمنی با
خلافت عیا را آمد و احسان سنتان انتقام شنیده ای خاندان علوی در او قوی بود و ظاهر اخود جوانی
بد متفکر، درین خوانده و در ارای طبع شعر هند و شاه نامه د رباره وی مینویسد:

"و امودی عاقل و فاضل و بیلی و شاعر فایق بود"^(۴)

از توشه های ابن اثیر چنین برمی آید که صاحب الزنج در راگزارد بیغداد و بصره و بحرین و هجر
دست به تبلیغ مسیود راه خود زد.^(۵) و خوش راعلی و صاحب معجزات خواند و بدین میب سخت تحت
تعقیب عمل خلیفه بود و اراحت خاند اش و خود شیرند ای افتادند ولی در اثر حواره شی نجات یافتند. تازمانی که
صاحب الزنج تنهاد عوی امامت داشت بزرگان قبائل باللیه و سعدیه "این مهمترین قبائل شهر بصره
با او چندان خصوصی نداشتند ولی وای براو که به نقطه حسان را بن بزرگان دست یازید یعنی آغاز تبلیغ
غلامان به سرکشی کرد ن از اموالیان گذاشت.

یکی از نمونه های کارتبلیغی صاحب الزنج را ابن اثیر رکاب خود نقل کرد و مینویسد:

"ریحان که یکی از غلامان سورجیان و نخستین کس از آنهاست که بد و پیوست
گوید: من برای غلامان مولای خوش آرد میبردم و دست کسان صاحب الزنج
افتادم. مرا نزد او پریدند. گفتند وی را بامارت سلام دادم. چون سلام دادم
پرسید: "از کجا میایی؟" و احوال غلامان سورجیان پرسید و مرا بکیش خود
خواند، بدین رفتم و سپس گفت برو و از غلامان هر چند کس تو ای شاه ندهم و بادم اد
تاتر امیر ایشان سازم و مرا سوگدد اد که جای وی بکن شان ندهم و بادم اد
بسیوی وی رفتم. عده ای از غلامان د بآشین نزدی آمده بودند."

و سپس مینویسد: "غلامان بصره را دعوت کرد و بسیار کس از ایشان بخطاطرهای از سختی برد گی

۱) تجارب السلف، صفحه ۱۸۹

۲) جرجی زیدان، تاریخ تدن اسلامی، جلد چهارم صفحه ۶

۳) رجوع شود به "الکامل" ابن اثیر جلد ۷ و قایع سال ۲۰۵ و "مروج الذہب" مسعودی جلد اول صفحه ۲۱۲

۴) تجارب السلف، صفحه ۱۸۹

۵) برخی نوشه اند که صاحب الزنج کیش خواج ارزقی (یا ازارقه) داشت. چون منبع آن روشن نیست از
تکیه بدین قول خودداری شد.

بد و پیوستند و صاحب الزنج برای آنان خطبه خواند و عده داد که ایشان را خداوند مال وزمین خواهد کرد و سوگند یاد کرد که به آنان خیانت نکند و در کوشش کوتاهی نوزده دراین وقت صاجبان برد کان بیامند و گفتند برای هر غلام پنچ یتاریکیر اهرابازیسند ه غلامان رایفمود تاهریک از مولایان خویش یا وکلای آنان را پانصد تازیانه بزدند و سپس ایشان را رها ساخت تا به بصره بازگشتند (۱) .

ابن اثیر از قول ریحان غلام می‌افزاید که وقتی صاحب الزنج بر معرفت و خطبه می‌خواند بیاد غلامان می‌آورد که آنها رد هران برد گی چگونه در محنت و سختی بودند و چگونه اکنون نجات یافته اند با آنکه سورخین بسیار سعی دارند که صاحب الزنج را مودی جبار و قسی معرفی کنند باز از عقان فراوان پید است که وی روحی عطوف است و بیشتر رصد اقطاع منکران بر می‌آمد و اگر کسی راقعه می‌ساخت اور احوال خود می‌گذشت و در این مورد بازیان واقعه که ابن اثیر نقل می‌کند جالب است :

”بعوضی رفتند که ۱۹۰ کشی با مستحفظان در آنچابودند ، نگاهبانان چون سیاهان بد ید ند بگریختند وزنگیان کشته‌ها را گرفتند و رآن کشته ها حاجیانی بودند که ازراه بصره پسچ می‌رفتند . صاحب الزنج بر مکانی مرتفع از زمین بنشست و با حاجیان ناظره در پیوست و ایشان وی را تصدیق کردند و گفتند اگر زیاد ه بزرگ و راحله داشتیم در راه تو بکار می‌رسید یم و در نزد تومیمانند .“

لکی از مختصات دیگر اخلاقی صاحب الزنج که مورخین از آن یاد می‌کنند مرسخن او ردمزاره بود که از شرایط اصلی نبرد و پیروزی است . در این باره ابن اثیر را کامل نبرد و موفق برادر رخیفه و فرمانده سپاه عباسی راعلیه صاحب الزنج شرح داده و چنین مینویسد :

”موفق فرزند خود ابوالعباس را به نهرابی الحضیب فرستاد تا کار صاحب الزنج را بسازد و ابوالعباس از نباد اد تاگرمگاه بجنگید وزنگیان را شکست افتاد و پس موفق صاحب الزنج را نامه ای کرد تا از خونریزی ها خرابیها که بدست او رفته است توبه کند ، لیکن وی بدین نامه پاسخ نداد (۲) .“

در تجارب السلف این شعر صاحب الزنج خطاب بخلیفه نقل شده است :

اَقْسُمُ بِالْقُتْلِ وَالذَّبْحِ
وَالْعِغْوَبِ بَعْدَ الذَّبْحِ وَالصَّفَحِ
لَا نَظَرَتْ عَيْنِي أَعْلَى مَكْمِ
إِلَّا سَيِّرًا أَعْلَى رَمَحَ

(یعنی سوگند میخورم بجنگ و کشتو رو به امریزش گناهان و در گذشت از خطاهای دیدگان من در فرشها شمارا جز در حال اسارت یا اویخته برسنیزه هاند یده است)

با آنکه صاحب الزنج تکیه کا فکری واید غلوتیک خود زدی گری راقرار داده بود با اینحال شیعیان وزید یان اور از خود نمید استند و با صلطاح در حق او ”تقبیه“ مکرر ند و این خود نشان مید دد که راد یکالیم و روش قاطع و انقلابی صاحب الزنج که با تکیه به محرومترین قشر غلامان ورد گان یعنی زنگیان سیاه پوست قصد داشت تخت خونین خلافت عیا سی را سنگون سازد بعد از ومزاج پیشوایان محافظه کار علوی سازگار نبود . در این باره ”تاریخ قم“ مینویسد :

”از بعضی روایت است که ایشان گفتند ما از حسن بن علی (مقصداً امام حسن عسکری است) از صاحب الزنج سوال کرد یم . امام فرمود صاحب الزنج از مانیست و ابوالحسین عیسی بن علی عربی دعوی می‌کند که محمد بن الحسن بن احمد ولید فقیه روایت کرده است که صاحب زنج از علویه است و در میان

(۱) ابن اثیر بیل وقایع سال ۲۲۵ (ترجمه متن عربی به فارسی از شاد روان دهد است)

(۲) ابن اثیر ، جلد ۷ صفحه ۱۳۸

ایشان صحیح النسب است، لیکن علویه واهل شیعیت خود را از وی د ورمید آر
بروجه تقدیم (۱)

پیش از آنکه به بیان مارزات صاحب الزنج بپردازد از زمان پیغمبر اسلام میگذرد که الحاد و بدعت در دین و از آن جمله شیعیگیری (که از طرف مذهب رسنی الحاد شناخته میشود) در دوران قرون وسطی شکلی از اشکال اپوزیسیون انقلابی بوده و در زیراین در فرض بظاهرد پنهان انواع جنبش‌های اجتماعی و ملی ایرانیان صورت گرفت و مشغله نیست اگرچنان‌بود که نیز مقاومت یکی از فرق مذهبی عصر را پلاformer فکری خود قرارداده و پیشوای این جنبش بساد علوی علویت بمیدان آمد و پاشد.

حریان مارزه زنگان باخلافت

قیام زنگان بربرهی، صاحب الزنج ازمه شوال ۲۵۰ قمری (میلادی ۸۶۹) آغاز شد و تاجمادی الاولی ۲۷۰ هجری (میلادی ۸۸۳) یعنی قریب پانزده سال بطول انجامید. خلافاً عیاسی المهدی والمعتمد تلاش شدید و قساوتکارانه ای برای سرکوب این قیام بکار رساند و پس از دهه همبارشکست و دهه هماهنگی از تلفات سرانجام برادر رخیله معتمد موسوم به ابوحد و ملقب به "الناصر الدین بالله الموفق" یا بطريق خلاصه موفق به شکست صاحب الزنج شد. خلافاً عیاسی زیده سرد اردن عرب خود از قبل ابوهالل، مفلح (عبد الرحمن پسرش) ابوالعباس (فرزند موفق)، لوگو، ابراهیم بن سیاه‌پسالاران ترک خوش‌منند جعلان ترکی، موسی بن پنغا، اسحق بن کند ادق، طاش شیر، ابن ترکی، اغترش، تکین و غیره رایج‌گنگ صاحب الزنج فرستادند. ابن اشیازرسد اردن دلاور صاحب الزنج مانند علی بن ابان مهلهی و خلیل و محمد برادرانش، محمد بن سالم، فتح حجاج، حسین بن محمد بحرانی، ابوالیاث اصفهانی، سلیمان بن موسی نام میرد که هریک فتحی نمایان کردند. بیویه باید از سپهسالاری باش و جوان باز صاحب الزنج یعنی علی بن ابان مهلهی نام برد که تقریباً طی تمام پانزده سال در عده نبرد هاشرکت داشت و فاتح شد و علی‌غم ائمه برخی اوقات مجرح گردید ولی از جنگیدن و نایابد کرد ن سیاه خلیفه بازناستاد.

صاحب الزنج طی این پانزده سال نواحی و سیعی که بصره و عیادان و اهوازو شوش و دشت میشان و جی و گند پشاپوراد ربرمیگرفت تحت تصرف یافتنوارت خود را فروخته بود. و آنکه خلیفه سپاهیان انبو و چند ده هزاری پیاره و سواره سواره بحریه شط پیام رکب از دهها صد هاکشتهای خاص که "شند اووه" و "سیمیز" نام داشته اند بجهتگ صاحب الزنج میفرستاد، سیاه زنگان همیشه با مهارت جنگی شگرفی پرچیش خلیفه غالب میگردید و اگر موفق برادر معتمد تقویت‌های سیاهی دریافت نمیکرد و بالجاج و قساوت بی‌پایان بخراج نمیداد نمیتوانست درباروی پایتخت زنگان یعنی شهر "مختاره" رخنه کند. این اثیرد رباره آخرین دفاع مختاره میتوسد وقتی سیاه خلیفه وارد این شهر شد "قتل و اسارت بود اخت" مردم شهرد فاعی مرد انسه کردند و برسپاهیان موفق سئوچ و چوب ریختند و برآنها حمله بردند (۲).

شکست صاحب الزنج تنهایتیجه قدرت سیاه بغداد و خد عه موافق و سرد ارانش نبود بلکه دارای یک علل اجتماعی بود.

صاحب الزنج و بارانش که دست بقیام زده بودند در طول مارزه و پس از تقویت اولیه و بدست آوردن غنائم و سراپاید ریچ خود کلابیش دچار هم ان معایی شدند که علیه آن برخاسته بودند. شیوه خلیفه گزی و غلامداری و گرد اوردن مال بین آنان گسترش یافت (۳) و بقول صاحب الزنج اندک اندک خود بمه "خد اوند ان مال وزمین" مدل شدند. زنگان و دهستانان قن دلسرد شدند و ان شهر و هیجان‌خستین فروکش کرد.

قیام صاحب الزنج مقارن قیام صفاریان بود ولی یعقوب لیث پیشوای این قیام اخیر توجه نکرد که وظیفه وی اتحاد علیه خلافت است. باید انصاف داد که در این زمینه صاحب الزنج گام نخستین را برداشت

(۱) تاریخ قم، صفحه ۲۲۹

(۲) ابن اثیر، جلد ۷ صفحه ۱۴۳

(۳) مثلاً علی بن ابان سرد ارزگ صاحب الزنج خود غلامانی داشت که از جمله از جعفر و ریه نام میرند که چون سپاهیان خلیفه وی را کشتد علی بن ابان نیز مخونخواهی او مطریں جامع از سرهنگان خلیفه را بکشت.

وحتی ابواحمد موفق برادر خلیفه یعقوب را رخوزستان شکست داد واهواز اگرفت و یعقوب فراری شد .
صاحب الزنج به او پیغام داد که نگریزد و دوباره بازگرد و هام همدستی کرد و برخلافت عرب خاتمه دهنده
ولی یعقوب پاسخ داد :

" قل يا ايهما الكافرون ، لا عبد ما تعبدون " (۱)

ولی بعدها ، چنانه از فتار محمد بن عبید الله هزار مرد کرد ، عامل یعقوب را هوازید است ، یعقوب میل
مدارا و مهاشات با صاحب الزنج داشته ولی آنهم سرنگرفته و بجائی نرسیده است (۲) .

جنبش زنگیان در قرن سوم یکی از بزرگترین جنبش‌غلامان در تاریخ انسانی است و جاده ارد که در اطراف
این جنبش و شخصیت پیشوای آن پژوهش‌هایی دیقiranjam گیرد . عجاله آنچه که گفته شد ظاهرًا از نخستین
کوشش‌های برای تحلیل اجتماعی این جنبش است میتواند زمینه ای برای پژوهش‌های بعدی بدست دهد .
احسان طبری

۱) "بگو ای کافران من آنرا که شما می‌پرستید نمی‌پرستم" ، آیه‌ای از قرآن .

۲) برای تمام این جریانات رجوع کنید به کامل ابن اثیر جلد ۷

در باره د و راه رشد

تاریخ انقلاب‌های اجتماعی قرن حاضرنشان مید‌هد که هر کجاکه طبیعت کارگر حزب آن توانسته است در راه انقلاب قرار گیرد و آثارهایی کند نه تنها انقلاب بسودِ حمکشان عمیقاً پیروزگردید و وظایف انقلاب بنحو اکمل اجرا شد و بلکه تمام موائع از مراره رشد تولید برداشت شد و کشور با سرعت بی‌مانند ویاگامهای بلند پسیوی ترقی اجتماعی و سهپود زندگی مادی و فرهنگی توده‌های مردم پیش رفته است.

نمونه در خشان این امر کشور اتحاد شوروی است که پس از انقلاب کبیر اکبرظرف چهل سال با وجود خرابیها و خسارات عظیم ناشی از جنگ جهانی و جنگ‌های داخلی توانسته است از ایک کشور عقب مانده بیکاری د و کشور قد راول تبدیل شود و حتی د رزمینه پاره‌ای از شعب تولیدی، فرهنگی و علمی مقام نخستین را در جهان بدست آورد.

پس از جنگ دوم جهانی پرازرتلاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم را آسیا و افریقا کشورهای بسیاری پیغامبریالیسم را در رهیم شکستند و به آزادی واستقلال نائل امدند. در پاره‌ای از این کشورهای بیویزه در رقاره آسیاطبقة کارگر حزب آن توانست در پیش‌توده‌های مردم در انقلاب ملی و مکراتیک پیروزگردید. در کشورهای دیگر مانند هند، اندونزی، توکس و عراق بوزرازی ملی زمام حکومت کشورها مستقل را درست گرفت. مقایسه وضع این کشورهای باوضوح تمام نشان مید‌هد که قاره‌گرفتن حزب کمونیست در راه انقلاب موجب گردید. است که نفوذ وحد اخله امپریالیست در امریکا سیاسی و اقتصادی کشورهایش کن گردد، ارتجاع د اخلی از سریز قدرت بزیوراندند و شود، کشورها سرعت در راه راهه ترقی و تحکیم و توسعه استقلال و آزادی پیش روید.

بعنوان نمونه کنکت میتوان د و کشورچین و هند را مورد مقایسه قرارداد. چین و هند و کشور پنهان‌وار آسیائی هستند با جمعیت زیاد که هر دو سالیان دراز در زیست‌لطه امپریالیسم قرارداد استند و هر دویک زمان آزادی خود را بدست آوردند.

سلطه انحصارهای امپریالیستی در راه طولانی، تکامل د اخلی اقتصاد و اجتماع را در جهات معینی می‌داد و بد ان اشکال معینی بخشیده بود. بنابراین هنکام نیل به آزادی ساختمان اجتماعی و اقتصادی این د و کشور ارای خصوصیات زیربود:

۱- سلطه اقتصادی سرمایه امپریالیستی - سرمایه امپریالیستی در اقتصاد این د و کشور مستعمره و نمی‌مستعمره اهرمهای فرماده‌ی را درست خود نگاهد اشته بود، از این‌پر اقتصاد هر د و کشور جهت تکامل آن کاملاً تحت تابعیت سرمایه خارجی قرارداد است. در اقتصاد این د و کشوران شعبی ایمناً بر رشد میافتد که سرمایه د اران متربویل به آن علاقه داشتند. مثلاً در ۱۹۴۸ یعنی یک سال پیش از ازادی هند سرمایه امپریستی در هند ۷/۴۴٪ تمام سرمایه گذاری هند را تشکیل میداد که ۷/۲٪ ازان سرمایه اندکارهای انگلیسی تعلق داشت. همچنین طبق آمار د رسال ۱۹۴۵ مجموع سرمایه های انحصارهای انگلیسی، امریکائی، ژاپنی و فرانسوی در چین بیش از ۹۸۰ میلیون دلارالخ میگردید.

۲- سلطه منابعهای تولیدی کهنه بولیه منابعهای تولیدی فتوح الی در اقتصاد کشاورزی با تکنیک بسیار عقب افتاده. معد لک بخش اعظم د رآمد ملی را بین د و کشور ز اقتصاد کشاورزی بدست می‌داد.

۳- ناجیزبودن سهم سالیانه هر فرد از د رآمد ملی در رسال ۱۹۵۱/۵۰ سهم هر فرد از د رآمد ملی در هند ۲۵٪ روبه بود که تقریباً ۴۰ مرتیه کمتر از د رآمد ملی سرانه د رامیکا و تقریباً ۱۵ مرتیه کمتر از د رآمد ملی سرانه د رانگستان بود.

۴- فقر و عقب ماندگی فرهنگی توده‌های مردم در حقیقت اکثریت قریب با تفاوت مردم این د و کشور از سواد و نعمت خواندن و نوشتن بهره‌ای نداشتند. طبیعی است که در چین شرایطی نیروی کارگری متخصص

وکارهای علمی و فنی تقریباً وجود نداشت.

برای ازین برد ن تضاد عمیقی که میان ضرورت رشد سریع و همه جانبه نیروهای تولیدی واشکال اقتصادی و اجتماعی که ازد و ران سلطه امپریالیسم بر جای مانده بود و ظایع زیرد برآورد و لتهاي ایند و کشور قرار داشت:

۱- تسخیر واضح سرمایه امپریالیستی در اقتصاد ملی و لغومنا سبایت نامساوی باد و لتهاي امپریالیستی.

۲- برچیدن آثار موافقیای فعدی الى واشکال کهنه دیگر مناسبات تولیدی.

۳- رشد سریع نیروهای مولده بر اساس صنعتی کرد که نکنور، بالا بردن سطح تولید کشاورزی.

۴- بهبود شرایط مادی زندگی توده های مردم و ارتقا سطح فرهنگی اهالی.

۵- تحکیم و توسعه آزاد یهای سیاسی که بد ون آن امکان عملی ساختن وظایف فوق نیست.

حال بینیم پس ازگذشت پانزده سال از ازادی هند و سیزده سال از ازادی چین اکنون وضع این دو کشور چونه است و وظایف فوق تاکجاعلی گردیده و این دو کشور نسبت بیند یگرچه رچه محله ای از تکامل نیروهای تولیدی قرار آرند.

۱- تسخیر واضح سرمایه امپریالیستی در اقتصاد ملی

اگر ولت سوسیالیستی چین پس از ازادی کشور ملی کرد ن تمام مؤسسات صنعتی متعلق با امپریالیست و کشورهای اسلامی کرد ن با نکهای متعلق بد شعبان خلق و ایجاد یک بانک ملی و همچنین بادردست گرفتن کلیه مؤسسات بزرگ تجاری متعلق بسرمایه داران بزرگ چینی و خارجی و تجارت خارجی چین برای همیشه به نفوذ امپریالیستها و عوامل داخلی آنان خاتمه بخشد و راه ابراری هرگونه احیا متفوز آنها مسدود ماخت، دولت هند تنها مؤسسه ای ساتر را که سبقاً درست مستعمره چین بود ملی کرد و یک سکتور اقتصادی دلت و بوجود آورد این مؤسسات عبارت بودند از راه آهن، بنادر، وسائل ارتباط، بعضی از مؤسسات صنعتی و انرژیک و مؤسسات آبیاری.

دولت هند نه تنها بمقابلیت سرمایه های امپریالیستی از همان آغاز کار خاتمه نداد بلکه این سرمایه ها را نیز تدریج بکشور جلب نمود طبق آمار موجود حجم سرمایه های امپریالیستی در جمهوری هند از ۶/۰ میلیارد روپیه در ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ میلیارد روپیه در ۱۹۵۸ افزایش یافته یعنی بیش از دو برابر شده است از این مجموع سرمایه به ۷۰٪ آن بانگلستان، ۵٪ آن بمالک متعدد امریکا و ۶٪ بانک بین المللی تعلق دارد. معدله این نکته را باید متذکر گردید که درنتیجه وضع پاره ای قوانین که تولید داخلی و توسعه انتراشیویک مینکند نسبت سرمایه های انحصارهای خارجی سرمایه های ملی تنزل کرد.

همین سرمایه های امپریالیستی که بیکم آنها بخشی از نکته های اقتصادی تحقیق می پزد درنتیجه قوانین حمایت از صنایع داخلی و تجارت داخلی اکنون در رشته های صنایع سنگین بکاره می افتد. بد ون شک این امنیتی و اندیشه بروئینشی منعی شدن کشور تا یورنوند اشته باشد و رای تکامل تولید مسقل از تاثیر امپریالیستها ایجاد خطرنماید.

بطور خلاصه سیاست دولت بوزوایی هند در قالب سرمایه خارجی دچار تناقض است که حل آن از عهدۀ دولت بوزوایی هند خارج است: از یکطرف این سیاست درجهت تشویق صنایع داخلی و افزایش سرمایه ملی است و از طرف دیگر درجهت جلب سرمایه های امپریالیستی است که خود بالمال باجهت اول در تناقض قرار میگیرد. سیاست دولت هند با استثمار سرمایه خارجی پایان نیخواشیده و سنگینی این استثمار بزیرد و شرکت کشان هند همچنان ادامه دارد. بنابرایه ای از زیابیها سود فقط سرمایه های انگلیسی دهند به ۶ میلیارد روپیه در سال ۱۲۰۰۰ میلیون لیره انگلیسی بالغ میگردد. این سیاست دولت هند که تأثیر سرمایه امپریالیستی را ریشه کن ننمود، استقلال اقتصادی هند را در معرض خطر قرار داده است.

از مطالب فوق مشهود است که دولت سوسیالیستی چین پس از نیل به آزادی واستقلال مبارزه خود را برای ریشه کن کرد ن نفوذ امپریالیستی از کشور با قاطعیت وسعت بیان رسانید و اکنون این مبارزه را در صحنۀ بین المللی با قاطعیت ادامه میدهد، در حالیکه دولت بوزوایی هند در بارزه با امپریالیسم تا پایان نرفته و راه را برای توسعه نفوذ آن بازگذارد است. همین عدم قاطعیت در بارزه با امپریالیسم در صحنۀ بین المللی نیزگاهی بچشم میخورد. دیگر اهل حزب کمونیست هند در مقامه ای که کمی پیش زمگ خود نوشته در مجله صلح و

سویالیسم انتشار یافته سیاست خارجی هند را یانظر توصیف میکند :

"سیاست خارجی هند که سازنده ایامی آن نخست وزیره رواست در اساس و ماهیت خود سیاست صلح، ضد استعمار و عدم شرکت در لوگهای نظامی است. این سیاست از پشتیبانی تمام میهن پرستان هند برخورد اراست ولی در عین حال باید نقاط ضعف آنرا نیز خاطر- نشان ساخت."

همه میدانند که روش هند در قبال تهاجم امپرالیستهای امویکائی یکواروش دوپهلو و پیغم بود و همچوچه با سنت های کشورهای مطابقت نداشت. همه نیز میدانند که در جلسه قاهره که مأمورتدارک کفار اسکشورهای پیطریف بود و همچنین در خود کفار اسکلاراد، هند در موضوع بارزه با استعمار و خطرناک استعمار نوین روش تزلزل آمیز مردم داشت - روشی که از جانب بعضی از شورهای افریقائی بود انتقاد قرار گرفت . سیاست خارجی دلت بیش از پیش در سخوش نوسان است . قبل توجه است که دلت هند رهوقی که "کلوب کلک په هند" (که در آن مالک متعدد امریکا و لندن دیرگزی شرکت دارند) در اینه مبلغ کلک مشغول ماحثه بود امتیازات مهمی بسرمایه خارجی دارد .

اینها عالم نگرانی آورند ای است . مواضع محکمی که سرمایه خارجی در کشور محفوظ کرد و همچنین نفوذ روزافزون این سرمایه موجود خطر اقتصادی و سیاسی است ."

۲- مبارزه با منابع سیاست کهنه تولیدی بیویژه قعود الیم

در کشورهایی که از بیغ امپرالیسم آزاد میشوند و رانها اکثریت اهالی را در همانان تشکیل میدهند و در آن می بطور عمد از اقتصاد کشاورزی بدست میاید ، جریان تکامل اقتصاد ملی و نتایج آن بستگی تامی با چگونگی حل مسئله ارضی دارد . حل مسئله ارضی موجب میشود که بازارهای داخلی توسعه یابد ، احتیاج اهالی کشور نسبت به مواد خوارکا و احتیاج صنایع نسبت بمواد خام کشاورزی تامین گرد و بالاخره با توسعه تولید توده بیکاران بکار گمارد و شوند .

دلت چین پس از آنکه مواضع تولیدی موالي امپرالیستها و هر روزی را بسته به آنها را بدست آورد بر سراغ مواضع اقتصادی ملاکین در رهای رفت تا آن نیروهای اجتماعی را که هم از جهت اقتصادی و هم از جهت سیاسی متوجه ترین نیروها میباشد یعنی فئود الیا زمین برد ارد . بموجب "قانون رفرم ارضی" که چند ماه پیش از تشکیل دلت چین بتصویب رسید مالکیت فعد الی بزمین ملخی شیخ املاک ملاکین مصادره وین در همانان تقسیم گردید . در "قانون رفرم ارضی" گفته میشود که : " مالکیت مالکانه بزمین که بر اساس استثمار فعد الی قرار دارد مخفی میشود . مالکیت دهقانی برقرار میگردد تا نیروهای مولد در تولید کشاورزی آزاد گردند ، تولید کشاورزی رشد ساید و راه صنعتی شدن چین جدید به هموار شود ". بموجب این قانون نه تنها زمین های مالکین بلکه دارائی آنها ، آن دارائی که مستقیماً با تولید کشاورزی ارتباط دارد مانند دامهای که در امپروری کشاورزی بود استفاده قرار میگیرد ، آلات و ابزار کشاورزی ، بذر زیادی ، منازل مسکونی زیاده بر احتیاج دردهای نیز مشمول مصادره میگردید . توضیح بیشتر درباره جزئیات این قانون از خوهد فدا این مقاله بیرون است .

اجرای قانون رفرم ارضی در کشور چین (بجزتی) کشوری که سطح آن بیش از شش برابر سطح ایران است در حدود سه سال و نیم بیشتر طول نیانجامید (۱) . قریب سیصد میلیون دهقان از مزایای این قانون برخوردار شدند .

در نتیجه اجرای این قانون دهقانان فقیر توانستند بزندگی اقتصادی خود سروصوتی بد هند و حتی عده ای از آنها تاریخ دهقانان میانه حال با آمدهند . موفقیت سریع دلت توده ای چین در جرای رفرم ارضی مدیون تجهیز خود دهقانان و ترتیب آنان در جریان این رفرم بود .

مذلت اکبر ایران رفرم سطح تولید بالا رفت و وضع مادی دهقانان تاحد و دی بهبودی یافت ، وسائل تولید کشاورزی که در اخیر ایار دهقانان منفرد بود برای افزایش سریع تولید و مقابله با آفات هلیات کافی نبود . بدین

(۱) البته در پاره ای از خشنهای کشور رفرم ارضی قبل از تشکیل دلت توده ای چین انجام گرفته بود .

اتحاد ه دقانان در کوپراتیوهای کشاورزی د هقانان نمیتوانستند از قوتوتگ سی بیرون آیند و تولید کشاورزی را با حکم وسائل مدرن با سرعت افزایش دهند. تشکیل کوپراتیوهای کشاورزی که براسان داد و طلبی د هقانان آغاز گردید در ۱۹۰۶ بطور عدد بیان رسیده بود و دین ترتیب ظرف هفت سال د هقان چنین فقیر مود و زین میباشد هقان کلخوزی خود گرفت. با اشتراکی شدن کشاورزی راه برای با رکشت مالکیت برزمنین یکلی بسته شد. بدین پیش است برای یجاد تولید کشاورزی مدرن هنوز اقدامات زیادی ضروری است ولی در هر صورت مسئله رفم ارضی عیقا حل شد و مناسبات تولیدی در د نه تنها منعی برای رشد تولید کشاورزی نیست بلکه درجهت رشد تولید کشاورزی است.

اگر ولت چین مسئله ارضی را بشکل دهقانی یعنی از پیشه و سارعتر بسود هقانان حل کرد، دولت هند آنرا بصورت رسم "مالکانه" علی ساخته است یعنی غلبه بر مناسیبات تولیدی فعود الی بطور تدیری تحری تولید سرمایه دارد و در اینجا بتدیری میباشد بوزو رازیمزرگ ده و هقانان مرفه به فرموده قانون اصلاح ارضی در هند چیزی نظیر قانون اصلاح ارضی در رایاست است. مطابق این قانون مالکین می- توانند بخشی از املاک خود را اختیار داشته باشند و ما زاد آنرا بد هقانان بفروشند. بدین ترتیب قانون اصلاح ارضی طبقه مالکین و نابرابرین مناسیبات اریاب - رعیتی را حذف نمیکند. بویزه که مالکین هند پیش از آنکه قانون پیرامونه اجراد راید، زمین ها و املاک خود را میان اعضای خانوار و وابستگان خود تقسیم کردند. نخست وزیریکی از ایالات هند در نظریه که در رساله کشته ایجاد شده تعمید رسانده ایان، مسئله حبس، مقدمه.

قانون با توجهین حد اکثر مالکیت زمین هرود کشت هد ف غایی خود رانفی کرد ۰۰۰ پیش از آنکه قانون بعرحله اجراد را بد مالکین املاک خود را میان اعضا اخاتواره خود تقسیم کردند و اکنون قدر ارنا چیرز زمین پرای تقسیم میان ده هقاتان باقی میماند.

در حقیقت هم مقدار چیزی از املاک مالکین مشمول تقسیم نگردد. تنهاد هقانان موفه تواستند از آن بهره مند گردند. توده های لیوپونی دهقانی که از عهده پدر اخت مالیات داشت و لتوی که هرسال آبانها تعامل میگرفت نهیتی تو استند برآیند طبیعتاً کما کان بد و زین ماندند و مثابات ارباب - رعیتی مانند سابق در راقصهاد کشاورز هشت برقرارست . بدین ترتیب اصلاح ارضی در هرند رکارهای مناسب تویید اعیان ارباب - رعیتی ، مناسبات بجزئیاتی در راه ایجاد کرد . در تولید کشاورزی به تضاد طبقاتی مالک و دهقان، تضاد طبقاتی کارفروما و کارگر کشاورز نیز اضافه گردید.

حرب کنگره نمایند به بورژوازی هند بد و شک بماره ره علیه بقا یای فتود الیس ذ یعلاوه بود ولی بعللی
چند نمیتوانست مسئله ارضی را از پیشه و مطوفر قاطع حل کند. منظور ولت هند از فرم ارضی از طرفی تبدیل اشکال
استشار فتود الى به استثمار سرمایه داری و تبدیل مالکین فتود اول بمالکین بورژوا بود و از طرف دیگر ایجاد یک قشر
د هقان شروع نمود بمثابه تقطه ائتا بورژوازی در ده و دربعین حال افزایش نسبی تولید مواد کشاورزی.

بر این رغم ارضی ملکانه که هنوز بقایای جدی قعود الیم را در دارد باقی میگارد اماکن شدید مخصوصات کشاورزی محدود میمانند که خود بد و نی ترد بد در شد تولید اقتصاد ملک د. مجموعه خدمت باشند: ادبیات

آنطوره از آمار مرید افزایش غلات در هند از سال ۱۹۰۲ تا سال ۱۹۶۱ بیش از ۴۶ درصد نبوده است در حالی که در جنین طرف ده سال یعنی از ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۹۰ افزایش غلات ۱۵۰ درصد بوده است یا بعبارت دیگر مخصوصاً غلات در این مدت ۲/۵ برابر شده است.

محصول پنجه در هرند از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۶۰ بترتیب باری بوده است از ۴۲ هزار تن، ۸۳ هزار تن، ۲۸ هزار تن یعنی نه تنهای محصول پنجه افزایش نیافرته است بلکه رویقهرارفته است مدر چین از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۵۹ محصول پنجه بترتیب باری بوده است از ۱۶۰ هزار تن، ۲۱۰ هزار تن و ۲۴۰ هزار تن یعنی افزایش آن در سال ۱۹۵۸ نسبت بسال قبل ۲۸ درصد و در سال ۱۹۵۹ نسبت بسال

میان تولید کشاورزی و نیازمندیهای صنایع و مردم (مردم که هرسال بر بعد از آنها می‌فرازد) عقیقرمیشود و همین عدم توازن با ضعف شدید قدر خرید اهالی ده که اکبرت مکنه را تشکیل مید هند مانع جدی در راه صنعتی شدن کشور است . در چین چنین پدهای ناسالمی که رشد کشاورزی و صنایع را منع شود وجود ندارد .

۳- رشد سریع نیروهای مولده براساس صنعتی کردن کشور

کشورهای کم رشد پس از برآفکنن بیوگ امیریالیسم و نسل به آزادی سیاسی پایان نیروهای مولده را رد آنکه کشور آنچنان با سرعت رشد دهد که هم سریعاً استقلال اقتصادی خود را تا میان نمایند و هم بحال عقب مانگی خود خواهند داشت . در صورتیکه آهنگ رشد نیروهای مولده در این کشورها سریعاً از کشورهای متفرقی صنعتی نباشد آنها خواهند توانست بحال عقب افتادگی خود پایان بخشد ، هم طراز کشورهای متفرقی گردند .

در اینجاست که نقش دارد را اقتصاد کشورها بجادی سکته اقتصاد دلتی که اهرمها یا سایر اقتصاد کشور را درست گرفته هر ایام آن اقتصاد ملی اطباق برناههای اقتصادی بطور توازن و هم آهنگ رشد دهد اهمیت فراوانی کسب میکند . سکته اقتصادی دلتی در صورتیکه مواضع خود را پیوسته مستحکم سازد و آنها را بسط و توسعه دهد همراه با ایناره بی تزلیل و قاطع عليه امیریالیسم وقا یای فتوه ایالیسم و همچنین همراه با سایر است تجهیز تردد های خلق برای تحقق نقشه های اقتصادی بیرون مشکلاتی که در عمل میتوانند پیش آیند قادر راست با آهنگ سریعی اقتصاد کشور را بپیش برازند . خاتمه ندادن به نفوذ امیریالیسم ، باقی گذاشتن بقایای فتوه ایالیسم ، عدم تجهیز تردد های برای تحقق نقشه های اقتصادی میدان رشد نیروهای مولده را محدود و میکند و این نیروهای سیار کد تکامل میبایند .

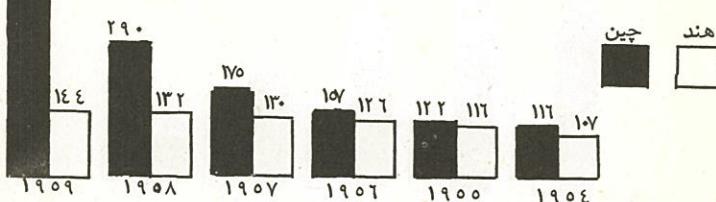
تکامل چین و هند د ونمونه از این د ونشیوه رشد است که بطور واضح تری راه رشد سوسیالیستی را نشان میدهد . ارقام زیر که برای معدودی از شبعباقصان ملی و پیویزه صنایع سنتی ارائه شده نمود ارتقاوت فاحش میان رشد اقتصاد چین و هند است .

ماقیسه آهنگ رشد سالیانه نشان میدهد که این آهنگ برای چین چند برابر شده است . در رسال های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۹ یعنی سالهای جهش بزرگ این تناسب بطور سیابقه ای بسود چین است . جدول زیر آهنگ رشد این دو کشور را رسال ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۹ نمایان میسازد (۱) .

	۱۹۰۹	۱۹۰۸	۱۹۰۷	۱۹۰۶	۱۹۰۵	۱۹۰۴	۱۹۰۳	چین	هند
۳۹/۳	۶۶/۲	۱۱/۴	۲۸/۲	۵/۶	۱۶/۳	۳۰/۲			
۸/۰	۱/۰	۳	۸/۶	۸/۴	۷	۲			

هر یک از ارقام درصد افزایش تولید را نسبت بسال قبل مینمایند

آهنگ رشد سالیانه در تکامل تولید تأثیر مستقیم دارد . بعلت بالابودن آهنگ رشد سالیانه در چین حجم محصولات با سرعت زیاد افزایش میبایند . اگر حجم محصول صنعتی سالیانه دو کشور از رسال ۱۹۰۳ برابر ۱۰۰ افزایش کیم افزایش محصول صنعتی طبق نمود ارزیواست :

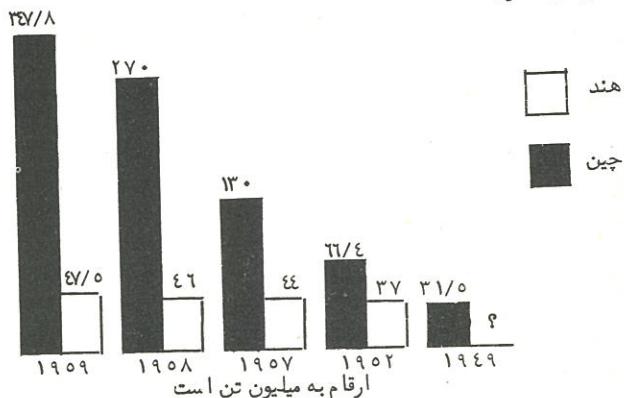


(۱) ارقام این جد اول تقریباً همه ازوی خمام سالیانه انسیکلوپدی شوروی متعلق بسالهای ۱۹۰۹-۱۹۰۵ و ۱۹۱۱ گرفته شده است .

از نمودار فوق مشهود است که ظرف شش سال حجم محصولات صنعتی چین بیش از چهار برابر عدد در حالیکه حجم محصولات صنعتی هند فقط ۴۴٪ افزایش یافته است .
همین تفاوت فاحش سرعت رشد در هر دوی از شعب تولید صنعتی مشهود است . اینکه چند نوونه :

زغال سنگ

استخراج زغال سنگ در چین از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۹ یعنی ظرف ده سال بیش از زاده برابر شده است و از ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۹ بیش از پنج برابر رحالیکه هند در همین فاصله زمانی ۵۰٪ حد اکثر ۱۱ میلیون تن افزایش محصول داشته است .

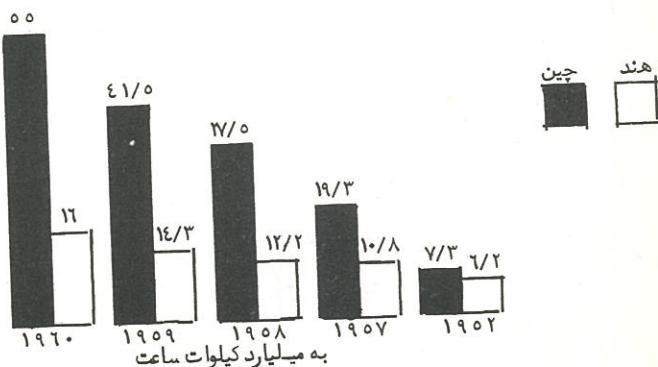


ارقام به میلیون تن است

از ۱۹۵۸ چین از جهت استخراج زغال سنگ ، کشور انگلستان را که حائز مقام سوم درجهان بود پشت سر گذاشت و از ۱۹۶۰ مقام دوم را در رجهان احراز کرد . نسبت تولید زغال چین و هند در ۱۹۵۲ برابر با ۱/۸ است در صورتیکه این نسبت در ۱۹۵۹ به ۷/۳ رسیده است . با لاخره اگر طبق جدول فوق از ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۰ نیز افزایش زغال سنگ در چین ۴۲٪ افزایش یافته ، این افزایش در هند فقط ۴٪ بوده است .

نیروی برق

نیروی برق در پیشرفت اقتصاد کشور و شعب مختلف آن تأثیر بسیاریارد ارد . مقایسه این دو کشور از جهت افزایش نیروی برق نشانه دیگری از پرتری اقتصاد سوسیالیستی برای کشورهای نومنسل است .

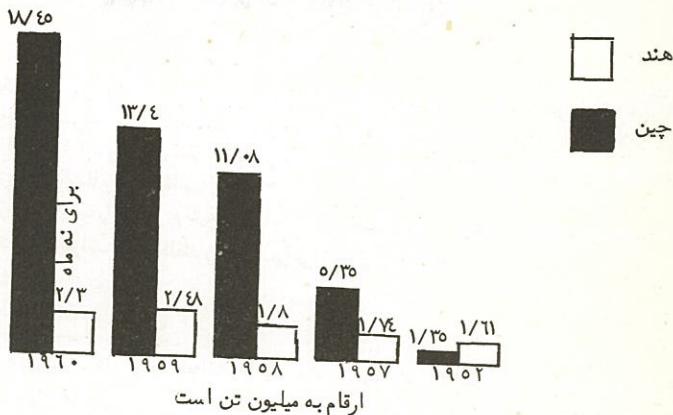


به میلیارد کیلووات ساعت

د رفائله زمانی مساوی مقدار تولید نیروی برق در چین $\frac{5}{5}$ برابر شده، د رصوتیکه در هند فقط $\frac{2}{5}$ برابر شده است. با این ترتیب نیروی برق در چین در این فاصله سه برابر و نیم سرعتراز هند افزایش داشته است.

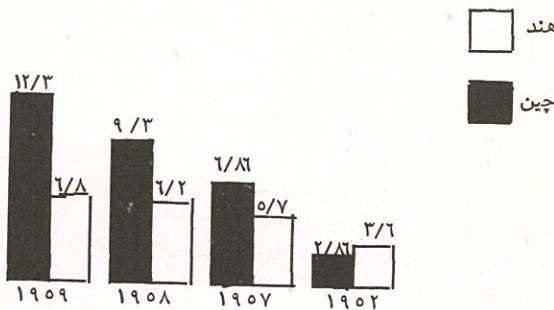
فولاد

سرعت رشد فولاد که برای اقتصاد ملی اهمیت حیاتی دارد، شاهد گویای دیگری است:

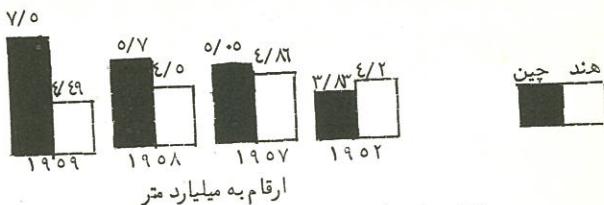


با اینکه در ۱۹۵۲ تولید فولاد هند بزرگ‌تر از هند نبوده است ولی افزایش تولید فولاد در هند پیش‌رفته است. در سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۹ افزایش تولید فولاد در هند بیش از ۵۴٪ نبوده است حال آنکه در چین در همین فاصله زمانی تولید فولاد ده برابر شده است. در ۱۹۶۰ چین از لحاظ تولید چدن مقام سوم واژل‌حاظ تولید فولاد مقام ششم را در جهان بدست آورده است.

سیمان



در مرور محصولات صنایع سبک نیز وضع بهمنی منوال است.



ارقام به میلیارد رупیہ

در حالیکه تولید پارچه نخی در چین ظرف هفت سال دیر باشد و در هند تولید تقریباً اکثر ماند است. این ارقام نمود ارزاقیت سرخستی است که در انتظار مردم جهان قرار گرفته است. چین در طول ده سال از لحاظ تولید نولاد از مقام ۲۶ درجهای بمقام هفتاد و ربع ارتقا یافته، در مرود تولید زغال از مقام نهم بمقام سوم و در مرود تولید انرژی برق از مقام ۲۵ بمقام یازدهم هم چنین از شعب تولید راکه بیگنیم نتیجه یکی است و آن اینکه رهبری طبقه کارگردان ولت موجب آن چنان رشد سریع اقتصاد کشور است که مطلقاد رهیج دروانی از تاریخ سابقه ندارد.

۴- بهبود شرایط مادی زندگی توده های مردم و ارتقاء سطح فرهنگی اهالی

یکی از هدفهای نقشه های پنجساله اقتصادی در هند "بهبود شرایط زندگی توده های مردم" است. امتدادهای مردم از اجرای نقشه پنجساله در زمینه بهبود زندگی خویس سودی نبوده اند. درست است که بر اثر صنعتی شدن کشور و همان اصلاحات ارگی نیمه کاره در آمد ملی افزایش یافته است ولی تقسیم رآمد ملی بطوریست که هم ناچیزی از آن در اختیار زحمتکشان قرار میگیرد. تاثیر این افزایش نیز نتیجه بالارفتن قیمت هابصفرمدل میگردد بطوریکه در حقیقت هیچگونه بهبودی تاکنون در زندگی زحمتکشان پیش نیاده است. رأو رئیس انتیتوی رشد اقتصادی در این زمینه اینگونه اظهار نظر میکند:

"بدون شک نقشه پنجساله دو سرانه درآمد ملی را افزایش داد اماد رنتیجه بالارفتن

قیمت هادرآمد واقعی برای مسیاری اکارگران که دستمزد ناچیزی ارند افزایش نیافته است. ناند او زیوراگر نامه گذاری هند رپارلمان چین میگوید:

"از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۷ سطح زندگی کارگران ۲۵٪ پائین آمد است. در ۱۹۵۱ کارگران

کردند ببالارفتن و این بهبودی تا حدودی بصفرمدل گردید.

سایر طبقات و قشرهای جامعه هند ده قاتان، کارمندان، آمورگاران و دبیوان و پیشنهاد وران وضع بهتری ندارند. بیکاری در هند بطوریسا به ای افزایش میباشد. در آغاز اجرای نقشه پنجساله دو تعداد بیکاری $\frac{5}{3}$ میلیون میرسید. در آغاز اجرای نقشه پنجساله سوم رقم بیکاران به ۱۵ میلیون بالغ میگردید. از این گذشت در حدود ۱۸ میلیون نیمه بیکار وجود دارد. وزیر کارگر نامه گذاری چین میگوید.

"در آغاز نقشه پنجساله دو مرد رهنده پنج میلیون بیکار وجود داشت. در پایان آن رقم

بیکاران طبق آمار سال ۱۹۶۱ تانه میلیون باalarفت. بنابر ازیابی کمیسیون نقشه های

اقتصادی در جریان نقشه پنجساله سوم در بیکاری شیوه کارهند ۱۷ میلیون نفر دیگر

اضافه خواهد شد. اگرین رقم نه میلیون را اضافه کنیم که از زمان نقشه پنجساله دو

باقی مانده در جریان ۱۹۶۰-۶۱ دولت هند باید برای ۲۶ میلیون نفر کارآمین کند.

کمیسیون نقشه های اقتصادی عنوان را مکان انجام این وظیفه اظهار تردید میکند.

"اینست تابلوئی که خود زمامداران کشور از وضع مرد ترسیم میکند.

در چین بر عکس بموازات رشد تولید چه در صنایع و چه در کشاورزی وضع مرد کشور پیوسته بهبودی

میباشد از سال ۱۹۵۸ بیکاری بطور کامل از میان رفته است. در طول نقشه پنجساله اول دستمزد کارگران

$\frac{4}{2} \times ۸\%$

ود رآمد هفقاتان ۳۰ ادرصد افزایش یافت . در سال ۱۹۵۹ برد ستمزد کارگران ۵٪ و در آمد هفقاتان ۰ ادرصد اضافه شده است .

از ۱۹۵۷ یعنی سال پایان نقشه پنجساله اول بازین رفت سرمایه های خصوصی در صنایع و سایر اشتراکی شدن کامل کشاورزی بساط استثمار رجین بلکی برچیده شد . درآمد ملی که سال بسال افزایش میباشد متعلق به همه زحمتکشان این کشور است و در راه پیشرفت و رفاه آنها بکار می آید . در رجین طابق آمار ۱۹۶۰ نود و پنج درصد اطفال بد رسمه میروند . در هنده فقط ۵۰٪ آنها در چین از ۹۱ تا ۱۹۴۹ تعداد کوکان در ردم ابرد ای از ۴٪ ۲۴ میلیون به ۸۸ میلیون بالغ گردیده و تعداد انشجویان بیش از پنج برابرشد هر قم ۱۱۰ هزار رسیده است .

این پیروزی عظیم کشور چین بطریق داد یون مبارزه قاطع و پیگیری سریع علیه امپریالیسم و فعدیسم و رجید ن بساط آنها از صنعت کشور است که میدان رابرای رشد نیروهای مولده نموده . اما موقعیت سریع کشور چین در مقایسه با هند تنهای ابرارتا غیراین دو عامل نیست . عوامل دیگر نیز در این موقعیت سهم بسزایی دارد و بنیاد آنها را انتظار فروگذارد .

۱- تحکیم و تقویت سکور و لیتی اقتصاد دلت چین از همان آغاز بانا سیویان لیزه کرد ن مؤسسات تولیدی امپریالیستها و عمل آنها و همچنین با انکها یک بخش دارد ولی اقتصاد ایجاد کرد که از همان آغاز ابرارها ای ساسی اقتصاد کشور را راختیاراد اشت . در جریان رشد و تکامل اقتصاد ، دلت چین پیوسته این بخش را تحکیم و تقویت کرد و توسعه بخشید ، سرمایه - گذاری خصوصی را باید رفع محدود ساخت و الاخره هم آنرا ازین برد . بدین ترتیب تمام اقتصاد کشور را راختیاراد لوت قرار گرفت و اجازه داد که سرمایه گذاری رشیب مختلف اقتصاد ملی طبق نیازمندی های کشور انجام گیرد . نقشه های اقتصادی دید رستی پادقت طرح شد و ماده قوت و درستی اجر را گردید .

در هنده بزرخلاف دلت را بخشید ولی اقتصاد ، سرمایه های خصوصی ملی و خارجی بتریج در اقتصاد کشور کارافتادند و نفوذ آنها را قتصاد کشور فزونی یافت . اگرچه هنوز خشند ولی اقتصاد برشکر سرمایه های خصوصی میگرد ولی رشد سرمایه های ایزگز خصوصی از سرمایه گذاری دلت سریعتر است و پیش بینی این امرکه این سرمایه های بزرگ بتوانند را اینده تمام بخشند ولی اقتصاد را راختیار خود بگیرند و راحیقت نیست . در چینین شرایطی طبیعی است طرح و اجرای نقشه های اقتصادی ، استفاده از اوسائل و انسانهاد رشیبی که نیازمندی کشور را یگاب میکند بطور کامل و طبق موازین صحیح امکان ندارد .

۲- تجهیزتوده ها و تربیت آنها برای اعتلا اقتصاد ملی در چین هیچ اقدام اساسی و عده ای چه در کشاورزی وجه در صنعت یا حتی علیاتی نظیر براند اختن مگن صورت نمیگیرد بد ون آنکه توده های مردم را برای انجام آن آماده ننموده باشدند . بد رستی میتوان گفت که اگرچن توانست سائل اقتصادی خود را طرح و حل کند برای آنست که موفق شد توده های مردم را تجهیز کند . تجهیزتوده های مردم و تربیت آنها اجرای نقشه های اقتصادی را تسهیل و نواعض این نقشه هارا در عمل رفع میکند . هیچ کشور کم رشدی ازتهد انجام وظایف رشد اقتصادی و فرهنگی خود بر نمی آید بد ون آنکه توده های ملیونی مردم را بسیج کند ، سازمان دهد و تربیت نماید .

۳- راه سوسیالیستی رشد اقتصاد ملی سوسیالیسم با برد اشتمن قیودی که در سرمایه داری از شد نیروهای تولید جلو میگیرد ، به محظوظ است های گناگونی که در رژیم سرمایه داری است ، باختنه دادن به هرج و مرچ تولید و استقرار اقتصاد طبق نقشه راه رابرای رشد اقتصاد کاملا میکنند . راه رشد سرمایه داری ، راهی که هند آنرا می پیماید امکان رشد سریع و همه جانبه اقتصاد ملی را فراهم نمیسازد ، راه رشد سرمایه داری راه انحصار شرتو و اسایش درست یک اقلیت کوچک و تشدید فقر و گرسنگی وی خانمانی برای اکثریت قریب باتفاق مردم کشور است . راه سرمایه داری راهی است که قرنها امتحان خود را داد و ناکنون در وان زوال خود را می پیماید بد ون شک توده های مردم به طی چینین طریقی نمیتواند رخایت دهد . آنها خواستار راه سریع پیشرفت و تکامل اجتماعی ، بهبود سریع وضع زندگی مادی و فرهنگی خویش اند که جز از راه رشد غیر سرمایه داری نمیتواند تأمین شود .

د راه رشد برای کشورهای نواستقلال

تکامل د وکشورجین وحدت نوونه د راه کاملاً متفاوت رشد جامعه در زمینه اقتصاد و فرهنگ و رفاه عمومی است که در زمانه حزب کمونیست اتحاد شوروی با صراحت تشریح شده است.

"یکی از مسائل اساسی که در برابر خلف های کشورهای آزاد شده از بین اموریا لیسم قرار گرفته اینست که این کشورها چه راهی را خواهند پیمود: راه رشد سرمایه داری یا راه رشد غیر سرمایه داری."

سرمایه داری به آنها چه میدهد؟

سرمایه داری راه پوشقت و پرورد برای خلقهاست. این راه پیشرفت سریع اقتصاد راتائین میکند، فقرگرسنگی را زیان برنمیدارد، نابرابری اجتماعی عمیق میشود. تنکاف سرمایه داری در دهه قنان را بازدهم بیشتر فقرگرسنگ و پوشکستگی میکشاند. سرنوشت کارگران یا کارکرشنک خواهد بود برای افزایش ثروت سرمایه داران وبا پیوستن به ارتضیه روزنیکاران. بورژوازی کوچک در رقبا با سرمایه بزرگ خرد خواهد شد. چشم فرهنگ و آموخت از دسترس توده هاد و رخواهید ماند. روشنگران جبور خواهند شد قریب های خود را بعرض بیع و شری بگذراند.

سوسیالیسم برای خلقها چه ارمنان میاورد؟

اقتصاد و فرهنگ راتائین میکند، کشور عقب مانده در طول قرنها بلکه در طول زندگی پیک نسل پیکش صنعتی مدل میسازد. اقتصاد سوسیالیستی طبق نتشه در سرشت خود اقتصاد اعتلای و شکنگی است. حواسته انسان از انسان بنابرای اجتماعی خاتمه میبخشد. بیکاری بطور کامل از جامعه رخت برمی یابند. سوسیالیسم بتمام ده قنان زمین میدهد، با تهاد رشد اقتصاد کلک میساند، آنها را بر اساس داوطلبی در تقویت آنها متحد میکند، تکلیک کشاورزی مترقی و علم کشاورزی را در اختیار آنان میگذارد. کارد هقنان ثمر بخش ترمیگرد و زمین ثمرات بیشتری بپارخواهد از این دسترسی سطح زندگی مادی و فرهنگی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان را بسیار سطحی عالی ارتقا خواهد داد. سوسیالیسم توده های مردم را از جهالت و ندان این بیرون میکشد و انسان را با فرهنگ معاصر آشنا میسازد. در برابر روشنگران افق وسیعی برای کار خلاق بسود خلق گشوده میشود.

انتخاب کی از این د راه امرد اخلي خود خلقهاست. در شرایط تناسی کوتی قواد رصحنه جهانی و امکان واقعی پشتیبانی عمیق از جانب سیستم جهانی سوسیالیسم خلق های مستعمرات سابق میتوانند این مسئله را رسود و صرفه خوش جل کنند. انتخاب آنها بستگی به نیروهای طبقاتی دارد. راه غیر سرمایه داری رشد بر اثر مبارزه طبقه کارگر توده های مردم موجنب شد و مکار تلک عومن میشود و منفعت اکثریت مطلق ملت است.

راه رشد سرمایه داری گذشته از زنجها و مشقایی که برای توده های مردم را در این مسئله اساسی کشورهای کم رشد را که جیران عقب نسبت بکشورهای امیریا لیسم است حل نمیکند. کشورهای کم رشد دو تا سه قرن واگر ترقی ترین آنها را هم در نظر نگیریم لااقل ده ها سال از کشورهای صنعتی عقب اند. بورژوازی این کشورهای نامیتواند همان راهی را که کشورهای صنعتی دارند را از جهان بپیماید. این امیریا لیسم و بورژوازی امریکا امکان چنین تحولی را خواهد داد، نه خود بورژوازی بعلت واپسگی تند یکی که با فعد الیسم دارد قادر است با یک رفرم ارضی قطعی راه را برای رشد نیروهای مولده بازگزند. توده های مردم نیز حاضر نخواهند بودند ها سال برای بهبود وضع زندگی مادی و فرهنگی خوبیش را منتظر میانتند. با اخره بر اثر وجود جهان سوسیالیستی که سال بسال نیرومند کشکوفان ترمیگرد و هشیرت را بسیار سعادت و آسایش جاده ای میرد چنین تحولی د از زمینه مساعد تاریخی نیست.

در این کشورهای کم رشد باید ظرف مدت کوتاهی از یک کشاورزی قرون وسطایی ود وی بیک کشاورزی

ترقی رفت، باید صنایع و در رجه اول صنایع سنگین را پسرعت رشد داد، باید میلیونها مردم بسیار رانه تنها خواندن و نوشتن آموخت بلکه برای اجرای نقشه های اقتصادی بسه کارگران و هقانانی متخصص تبدیل نمود. برای ترغیب توده های مردم بکار ساخته اتی باید مبابات نوینی برای سیرداد ری، برابری، همانگی و کلک مقابله میان آنان ایجاد نمود. چنین تحولاتی را بهروزی نمیتواند ایجاد نماید. نمونه هند، عراق، مصر، توپن وغیره همه در جلوی چشم ماست. تنها طبقه کارگر و حزب مارکسیستی آن قادر است از عهد و انجام وظائف فوق برآید، کشور اراد رجحان راهی راهنمائی کند که توده های مردم خواستار آند و قوانین کتوئی جامعه بشري چنان راهی را مینمایند.

پیشرفت های ظریف سوسیالیسم در اتحاد شوروی ورشد سریع اقتصاد ملی و فرهنگ در چین و پیگر کشورها سوسیالیستی، جاذبه روزافوون افکار سوسیالیستی در توده های وسیع مردم، رهبران و روئای دلت-های نوستalgی ایران داشته که آنها نیز ساختمن سوسیالیسم را هدف خویش اعلام اراده ارنده. جمال عبد الناصر رئیس جمهوری متعدد عرب در یکی از سخنرانی های خود از "سوسیالیسم کوپراتیو" سخن میراند و مردم را دعوت میکند که "یک جامعه کوپراتیو، سوسیالیست و مکراتیک بسازند که در آن برابری اجتماعی حکمران باشد." (۱)

کمال رفعت وزیرد ولت عبد الناصر عقیده دارد که "سوسیالیسم عرب" مانند سوسیالیسم های قرن ۱۹ محصول یک جامعه شخص نیست و از اتفاقیت و زندگی جامعه عرب سرچشمه میگیرد و از وجود اجتماعی جنبش ملی عرب بیرون میجهد. "سوسیالیسم عرب" بفرد اعتقاد دارد روحی و حساب میکند، بخلفه کرنی آزادی فردی اعتقاد ندارد و تمام افراد را برابر مشمارد، از حق مالکیت حمایت میکند بشرط آنکه وسیله استثمار جامعه نباشد و بالآخره اختلافش با سوسیالیسم اروپائی دراینست که شکل طبقاتی بخود نمیگیرد.

اخیراً خود جمال عبد الناصر در اختلاف سوسیالیسم با مارکسیسم گفت که سوسیالیسم عرب برخلاف مارکسیسم برایه ذهن اسلام استوار است و معلووه مارکسیسم معتقد به استقرار یکتا تحری بروتالیاست در حالیکه سوسیالیسم عرب طرفدار موکراسی است. د رباره مداخله دولت در امور اقتصاد ملی عبد الناصر براست که "دولت باید در راه امن اقتصاد کشور قرار گیرد. هنگامی که مامد ادخله میکنیم بآن معنی نیست که مامیخواهیم کاپیتالیسم را نابود و با تعییف نمایم ولی به آن معنی است که ماظفیه خود میشمایم برآن نظرارت کنیم".

از طالب فوق ماهیت "سوسیالیسم" مصروف معلوم است و نیازی بوضیح بیشترد رباره آن نیست. سنگ همراه شد ولت سنگال در گزارش خود بگذره حزب فدراسیون افرقائی در ۱۹۵۰ میلادی: "ما" مارکسیست" یا فقهیم که امروز بآن کلمه مید هند نیستیم . . . ما کمونیست نیستیم. آیا معنی آن اینست که با بسیار است "ضد کمونیسم" دست خواهیم زد، البته که خیر . . . ما سوسیالیست هستیم."

سپس پس از بررسی ساختمن سوسیالیسم در شوروی و تکامل سرمایه دارد را مریکا میگوید: "لیسی که از طراف اریک راه میانه هستیم، ما همود ارسوسیالیسم در دوراتیک هستیم، یک سوسیالیست های فرانسه پیوند دارد. ما هم از جهت تاریخی وهم از جهت فرهنگی در این مسیر قرار داریم. سوسیالیست های فرانسه از سن سیعون تا گون بیوم در مقیاس انسانی آنقدر رها هم که میگویند او توپیست نیستند. بهطن اند ازه که آنها ایده الیست هستند بتفاصله که روح سیاهان افرقائی، بخواسته ای انسان از هر زاد و کشمری که باشد پا سخن مید هند."

برای باره ای از کشورهای افرقائی که در کار رکشورهای مشترک امنیت امنیت فرانسه باقی ماند اند و منجمله سنگال این جمله و پیروی از کشورهای مشترک امنیت فرانسه گویاست. روزنامه لووند رشمارة ۲/۱/۱۹۶۲ خود اینطور مینویسد:

"پس از تشویق بخش خصوصی پا فراش سرمایه های خود را فریقای سیاه وزیر خاطرنشان ساخت که بعید است اوجا ندارد از آنچه راه افریقائی سوسیالیسم نامیده می شود" بحث افتاد.

در حقیقت هم حق با جناب آفای وزیر است.

در هند نیز کلمه سوسیالیسم و ساختمان جامعه سوسیالیستی بارها از طرف نخست وزیر این کشور حزب کنگره بکار رفته است. در جلسه حزب کنگره در آوادی قطعنامه ای در زمینه ساختمان جامعه ای از "نوع سوسیالیستی" در هند توصیب رسیده است. شعار ساختمان سوسیالیستی در همین انتخابات اخیر از طرف حزب کنگره در برنامه انتخاباتی خود ذکر گردیده است، درحالیکه اموروز ریگارای ترد نیست که دلت هند راه رشد سرمایه داری را انتخاب کرد و در آن پیش میروند. ساختمان اجتماعی جامعه هند هیچ وجه شبیه بیجا میگردد. جامعه سوسیالیستی ندارد و نمیتواند هم داشته باشد. خود زمامدار اران کشور هند نیز براین امر موقوف کامل دارند. وزیر ارایی هند دلایل این اعتراض رئیس حزب ارتباعی سواتانترا (۱) داعیرا یکند حزب اولیه سوسیالیسم، اشتراکی کردن کشاورزی و تجارت غلات توسط دلت وغیره تا سیم گردید، میگوید که "سواتانترا" به اسب مده شلاق میزند و دیگر در آوادی سرسیده است. اعضا کنگره د راه راه این مسائل صحبت میکنند فقط برای اینکه کسی در حزب مجوه اداد راه این مسائل سخن بپیمان آید "و خود اونیز" با سیاست سوسیالیستی موافق ندارد متشابه اعلیه آنهم بزمیخیزد، باین جهت که این امر بصلاح اونیست.

اما آنچه را که خود زمامدار اران هند بد ان باورند از دل و عمل هم نشان داده اند که راه آنها راه غیر سرمایه داری سوسیالیسم نیست معد لک از تردد از دل و عمل هم خلیل ملکی و حتی پاره ای از شخصیت های متفرق ما گویا هند در جاده سوسیالیسم پیش میروند و کشور ایران که شرایط اجتماعی همانند اراده باید در راه سوسیالیسم هندی برود. حتی "برناهه جامعه" (منظور جامعه سوسیالیست های ایرانی در را بواست - نویسنده) نیز طوطو کلی می شتر شبهی عناصر سوسیالیستی رژیم شوروی و سوسیالیسم هندی است. سوسیالیست های ایرانی برا آنند که "طبیعت انسان سوسیالیست منطقی و علمی اصول کلی خود را از طریق میکنند". بنابراین سوسیالیسم هند نیز گویا انتباخ (اصول کلی مارکسیسم) بر شرایط هند است و این معجزه واقع میشود که "اصول کلی مارکسیسم" در انتباخ با شرایط هند، سرمایه داری ایجاد میکند آنهم سرمایه داری که در آن انحراف های محلی هندی نظیر تاتا و بیولا و دیگران پدید آمد و تکامل میباشد.

همین موسیالیست هاد رجاید دیگر آماده شد که "هند وستان نهر و از لحظه اید ٹولویلک بچین تند یکتر است و از سرمایه داری امیکاد هر تر". همه کس می داند که در چین اید ٹولویلک مارکسیسم - نینیسم در جامعه تسلط دارد و بنابراین این نتیجه نامعقول بدست میاید که به روز از هند اید ٹولویلک طبقاتی خود را کسرد و مارکسیسم - نینیسم را پذیرفته است. یعنی حزب کنگره که فعل ایاقرت کامل زمام امور کشور هند را درست دارد نمایند طبقه کارگر کشور هند است. خود رهبران حزب کنگره چنین ادعایی نداشتند و واقعیت برنامه و سیاست حزب کنگره که هم اکنون در حال تحقیق است بوج بودن این ادعا اثبات میکند.

از همه شکفت اینکیت زیرا یکند بنا بر عقیده سوسیالیست های کشورها "انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در مراحل بعدی خود از سوسیالیسم منحرف شد و در در وران تسلط امتالینی های سرمایه داری دلت تبدیل گشت ۰۰۰ و کاپتا ۰۰۰ د ولتی شوروی زمینه را برای استقرار سوسیالیسم در یک آینده نسبت دارد و خیالی آماده و مهیا تر کرد و است". بنابراین اظهار نظر کاپتالیسم د ولتی نه در هند بلکه در اتحاد شوروی است که بتمدد یق همگان د تها است ساختمان سوسیالیسم را بایان رسانیده و اکنون بسیو ساختمان جامعه کمونیستی پیش میروند. همچنین گویا سوسیالیسم در هند در حال ساختمان ابیت و برنامه سوسیالیست های شعبی عناصر سوسیالیست این سوسیالیسم هندی است، درحالیکه در اتحاد شوروی وجود "عناصر سوسیالیستی" و "کاپتالیسم" و "ایران از مارکسیسم اختیزد". استقرار سوسیالیسم در آینده نسبت دارد و هموار میکند.

ایا اینهاست آن "اصول کلی" که "سوسیالیست های منطقی و علمی" ایران از مارکسیسم اختیزد کردند؟ دستیاران خلیل ملکی در "جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران" برای مشوب کردن اذهان

(۱) سواتانترا حزب بجهوز از بزرگ هند است که رهبر آن آن ماسانی است.

ومنحرف ساختن افکار مردم م از اصول سوسیالیسم علمی، تمام مفاهیم مارکسیسم را قلب و تحریف می‌کنند تا درباره با کوئی نیروی مدن سوسیالیسم که اتحاد شوروی در رام آنست در کتاب امهای ایسم و پاران آن و ازان جمله شاه و طبقات حاکم ایران سهم خود را اد اکرد ه باشد.

اینها کاپیتالیسم د ولتی هند راسوسیالیسم مینا مند سوسیالیسم اتحاد شوروی زا کاپیتالیسم د ولتی میخوانند! اینها از عنصر سوسیالیستی "سخن پیرانش" و نکه منظور خود را از این اصطلاح دقیقاً معلوم کرده باشند. این مفاهیم را از نزد یک بررسی کنیم.

کاپیتالیسم د ولتی عارست از سیستم مناسبات معینی میان د ولت بورژوازی و اقتصاد سرمایه داری، سیستمی که در آن بخش از اقتصاد جا مده در دست د ولت متمرکز می‌شود. از انجائی که د ولت یک د ولت بورژوازی است آن بخش اقتصاد د ولتی نیز را خاتیار بورژوازی و سود این طبقه عمل می‌کند.

قبل از هر چیزی را بینجا نداشت که کاپیتالیسم د ولتی در رکشورهای کم رشد چه از جهت سر- چشمی پیدا نمایند و چه از جهت نقش آن از پیشه با کاپیتالیسم د ولتی انسحاب از رکشورهای امپراطوری می‌باشد. در رکشورهای کم رشد و بورژوازی کشورهای انسحاب از اقتصاد د کاپیتالیسم د ولتی از دست دستگاه انتقال اقتصادی است.

می‌کند: نخست از جهت اینکه وسیله مبارزه با انسحاب امپراطوری می‌باشد و متعاقب اقتصادی است. شکل نخستین وعده کاپیتالیسم د ولتی در این کشورهای باختش د ولتی اقتصاد است که میتواند زمینه های مختلف اقتصاد را در برگیرد. اما اگرچه کاپیتالیسم د ولتی وسیط و توسعه آن در این کشورهای اراضی جنبه مترافق است از آن به وجود نمی‌شود که کاپیتالیسم د ولتی کشور را در رجاد غیر سرمایه داری یا سوسیالیستی بینند از د کاپیتالیسم د ولتی یک نوع مالکیت بورژوازی خاص بروسائل تولید است و مفهوم مالکیت عمومی بروسائل تولید راند از در هند که پس از انقلاب ملی بورژوازی در رام آن د ولت قرار گرفت وجود بخش د ولتی اقتصاد سوسیالیسم نیست و تضهای کاپیتالیسم د ولتی است.

"عنصر سوسیالیستی" که سوسیالیستهای مالازان سخن میرانند آنطور که از سخن آنها پیدا است عبارتند از کاپیتالیسم د ولتی، طرح و اجرای نقشه های اقتصادی، وجود کوپیرا تیوهاد رکشاورزی. طرح و اجرای نقشه های اقتصادی که بنویه خود جنبه ثبت و مترقب دارد بخود خود سوسیالیسم ایجاد نمی‌کند. امر روزه کشورهای بسیاری هستند (گذشته از کشورهای سوسیالیستی) و حتی کشور فرانسه که نقشه های اقتصادی طرح و اجرای می‌کند، با اینکه طرح و اجرای چنین نقشه هایی را شرایط تولید سرمایه داری امکان ندارد. اگر واقعاً وجود کاپیتالیسم د ولتی و طرح و اجرای نقشه های اقتصادی حاضر سوسیالیستی هستند باید برخلاف عقل سلم اعتراف کرد که شاه د ولت ایران نیز مشغول بنای جامعه سوسیالیستی هستند چیزی که البته سوچیست ها خود بدان اعتقدند از دارد.

کوپیرا تیوهای کشاورزی بد ون شک موؤسسه اشتراکی می‌شند و دن شک برای ساختمان سوسیالیسم در ده بنا چار باید همان مفرد را رکوپیرا تیوهای تولیدی گرد آورد. ولی در اینچنانی زیاد اعتراض کرد که تنها وجود کوپیرا تیوهای کشاورزی لیل بر ساختمان سوسیالیستی جامعه نیست. در شرایط جامعه بورژوازی نیز چنین کوپیرا تیوهای موجود است چنانچه در انمارک و سرائل که کشورهای نمونه اقتصاد سرمایه داری هستند از این موؤسسه اشتراکی وجود دارد.

نه تنها وجود هر یک از این "عنصر سوسیالیستی" در یک جامعه نشانه سوسیالیسم نیست بلکه جمع آنها نیز لالت براین امر ندارد. برای آنکه این عوامل عنصر واقع اسوسیالیستی گردند باید قبل از هر چیز ماهیت آنها تغییر کند با این معنی که موؤسسه اشتراکی می‌شوند و مطالعه این ماهیت خصوصی سرمایه داری که کاپیتالیسم د ولتی خود نوعی از آنست بمالکیت همه خلاق در آید و مnas سات تولیدی در کلیه شعب اعم از صنعتی یا کشاورزی برآسان برابری، برادری و کمک و همکاری متقابل باشد. این تغییر ماهیت تنها موقعی صورت می‌گیرد که قدرت از دست بورژوازی بطبقه کارگران تقال یابد.

موضوع اینکه قدرت د ولتی در دست کدام طبقه است: طبقه بورژوازی یا طبقه کارگر، برای نشان دادن ماهیت فرم سیون اجتماعی و اقتصادی جامعه دارای اهمیت درجه اول است. اکثر بورژوازی هنگامی که در رام قدرت است جز رژیم سرمایه داری نمی‌زاید "سوسیالیسم بد ون آنکه طبقه کارگر هبیری د ولت را

دردست بگیرد قابل درک نیست" (لنین)

در راه اهمیت قدرت را نقلاب بجا مهی ای که ازان بیرون می‌آید لینین اینظور می‌موزد: "بدون شک عده ترین مسئله انقلاب قدرت دلتی است. برای آنکه همه چیز روش و طلشود باید دید قدرت در دست کدام طبقه است... موضوع قدرت رانه میتوان دروز و نه میتوان کارگردانی کرد زیرا این امور بسیاره آن مسئله اساسی است که در تکامل انقلاب، در سیاست خارجی و داخلی آن تعیین کنندۀ همه چیز است".

(لنین، جلد ۲۵ صفحه ۳۴۰)

این آن چیزی است که سوسیالیستهای ما از اطراف نمیکنند و دان پاسخ نمیدهند درست باشند منظور که کاپیتا لیسم دلتی هند را سوسیالیسم بنامند و سوسیالیسم کشور اتحاد شوروی را کاپیتا لیسم دلتی. مبارزه طبقه اید را جماعت برای نیل بقدرت و درست گرفتن حکومت فقط برای آنست که بتواند مصالح و منافع طبقاتی خود را بوجه احسن تأمین نماید و هنرمندی را که در رابرای مقابله برخیزد سروکوب کند. تاکنون در تاریخ مبارزات طبقاتی سایه ندارد که طبقه اید استعمارگرای روسین بقدرت تلاش و مبارزه کند و پس از قرار گرفتن در رازمیلد ولت برناه طبقه دیگری را عملی سازد و تأمین منافع طبقه دیگری را در رسارلوحه کار خود قرار دهد. درگذشتۀ بورژوازی هنگامی که با طبقه فتوح ال درجنگ بود میخواست این طبقه را از حکومت ساقط کند خود جای را برگیرد تا جامعه را بشوی خوشبینانگارد. جامعه بورژوازی بهمین نسبت برای آنکه گردید. اکنون هم رکشورهایی که از یوغ استعمار نجات یافته اند بورژوازی ملی قدرت را در دست گرفته برای آنکه منافع طبقاتی خود را که مدتها از جانب امیریالیسم و قوای ایام شده تأمین و تحکیم کند و بسط دهد.

منظور رشایط کوتولی که در جامعه بشری تغییرات شکر و عیقی نسبت بگذشتۀ پدید آده بورژوازی همراهی از جریب منظورها و مقاصد خود دست پیشیوه های تازه ای میزند. توسل پیشیوه های تازه برای حل مسائل اقتصادی، احتکف سیاسی و دید غول‌الویزی بهیچچوچه بمعنی تغییر ماهیت طبقاتی بورژوازی نیست. بیهوده نیست که هر جا که طبقاتی اور روح اخاطره می‌افتد حتی با امیریالیسم و قوای ایام یعنی باد شفناک دیرینه خود نیازد رساز شد رماید. انتظار اینکه بورژوازی هند که اکنون قدرت را در دست دارد علیه منافع خوشبزخیزد، برناه طبقه کارگریعنی ساختمان سوسیالیسم را در دست سرور کار خود قرار دهد فقط انتظاری از روی نهایت ساده لوحی باطنظلو فریب توده های مود و کشاند ن اینهای نیال بورژوازی است.

لیسم بورژوازی هرق رهم متفرق و قاطع باشد نمیتواند ساختمان سوسیالیسم دست زند زیرا ساختمان سوسیالیسم مستلزم ایجاد مناسبات جدید بر مسئله مالکیت است. میسینون تاریخی ایجاد جامعه سوسیالیستی و سپس کمونیستی ازان طبقه کارگراست که در راه حکومت قرار گیرد و از این همراهی نماید. "شکل عبوریه سوسیالیسم هر چه باشد عامل تعیین کننده و ضروری آن رهبری سیاسی طبقه کارگر و پیشنهادگر است. بدون آن عبور به سوسیالیسم امکان ندارد". (ازگارش رفیق خوشچوچ پنگرگه بیست حزب کمونیست اتحاد شوروی)

لزوم انتقال قدرت بدست پرولتاریا برای ساختمان جامعه سوسیالیستی بهیچچوچه ارتباطی باستله روش مسالمت امیری عبور سوسیالیسم ندارد و نابرا این تئوری "عنصر سوسیالیستی" که در رون جامعه سرمایه داری پیدا میشوند و راه را برای سوسیالیسم میکشند بدلیلی بی اساس است. تأثیری که قدرت در دست بورژوازی است این "عنصر سوسیالیستی" جزء مناسبات عینی د رکار ممناسبات تولیدی بورژوازی چیزی بگزین نیست. با افتادن قدرت در دست پرولتاریا مناسبات تولیدی بورژوازی جای خود را بینا میباشد تولیدی سوسیالیستی می دهد هند و اینجاست که دیگر، رمود بخش اقتصاد دلتی نام کاپیتالیسم دلتی نمیتوان نهاد. همچنین کوپرا اتیو های کشاورزی در دهه ده آن طبقات استثمارگر و تضاد طبقاتی رخت برسته ماهیت سویتیاچید امیدند. برای تمام کشورهای کم رشد و از جمله هند امکان حد فریم سرمه به داری بعنوان یک مولده تاریخی تکامل جامعه بشری و گام نهادن در راه رشد غیرسرا به داری کاملا موجود است ولی ولت کوتولی هند که بورژوازی رهبری نیست نه چنین راهی رامی پیدا نه اساسا میتواند در چنین راهی کام کد ارد.

طبقه کارگر هند و حزب آن هم اکنون میتوشد با استفاده از شرایط مساعد داخلی و جهانی نیروهای د موکرایی و مترقبی راه راند ازه بیشتر تجهیز کند، سازمان دهد بطوطیکه قدرت از بورژوازی به نیروهای د موکرایی و مترقبی بربری طبقه کارگران انتقال یابد. تنها از این راه انجام سریع وظایف انقلاب د موکرایی و بعمر سوسیالیسم امکان پذیر است.

میهن مافعлад رزیز فشار بسایه طبقات حاکمه ارجاعی قرارد ارد که شاه در راه من آنست ۰ طبقات حاکمه ایران یعنی بورژوازی کمپاراد هر و مالکین بزرگ ارضی بحلت وابستگی عمیق خود به امیریالیسم و قوادیالیسم راه توسعه و سط نیروهای مولده و بتاریخ راه پایان بخشیدن به عقب ماندگی کشور را بکلی مسدود کرد و اند هم مرمتین موضوعی که برای نیروهای میهن پرست د رشراط کتوشی مطرح است سرنوشن ساختن حکومت ایسن طبقات سیاه است برای آنکه بتوان قیود امپریالیسم و قوادیالیسم را ازدست پای نیروهای تولیدی برد اشت ۰

شیخ
انقلاب آینده ایران یک انقلاب ضد امیریالیستی و ضد فوادی یا عبارت دیگر انقلاب ملی د موقعاً است ۰ این انقلاب علاوه بر ریشه کن کرد نفوذ سیاسی و اقتصادی امیریالیسم و اندام آثار و مفاای رژیم ارباب - رعیتی و تنایی فرشد و توسعه سریع صنایع ملی ، د موکراتیک کرد زندگی اجتماعی و بهبود وارتقاء سطح زندگی مادری و فرهنگی مردم واجرا یک سیاست خارجی مستقل و سلح جویانه رانیزد بر میگیرد ۰ اینها وظایفی هستند که برپا یه آنها برای انجام آنها اتحاد و تجمع نیروهای میهن پرست و ترقیخواه کشور مادری است جبهه واحد ملی د موکراتیک امکان پذیراست و تمهد رشراط وجود چنین جبهه ای که استخوان بندی آنرا طبقه کارگرد هقاتان تشکیل می هند انجام خذایف فوق میتواند با موفقیت قرین گردد ۰
یا این ترتیب موضوع راه رشد کشور مایش زانجام انقلاب ملی د موکراتیک مسئله روزنیست ۰ این موضوعی است که پس از انتقال قدرت ازدست ارجاعی به طبقات د موکراتیک و ترقیخواه درد متورکار قرار خواهد گرفت ۰ تصمیم در این باره که کشور راه رشد سرمایه داری را خواهد پیمود یا راه رشد غیر سرمایه دار را ، با توجه های مردم است ۰ ولی از هم اکنون باید تفاوت این دو راه را هرچه وسیعتر و مشروحتر و شن نمود تا مردم بتوانند با آگاهی و هوشیاری راه خود را بسیوی آیند و برگزینند ۰

مختصات آماری کشاورزی ایران

چند نکته درباره کشاورزی

کشاورزی یکی از بخش‌های اصلی تولید مادی است که هدف آن برداشت محصول از گیاهان معین و دامهاست. کشاورزی مواد لازم و ضروری را برای تغذیه اهالی و مواد خام برای صنایع، علوفه برای دامها فراهم می‌سازد، دامها و پرندگانی برای باربری، شخم، تهیه پشم، گوشت، پوست، لبیات، تخم وغیره ترتیب مینماید.

کشاورزی یکی از کمین ترین بخش‌های تولید نعم مادی برای ادامه ورشد جوامع پسریست که آدمیان بدان اشتغال دارند. تا قبل از پیدایش جامعه سرمایه داری، کشاورزی مهترین بین داروه تولید جوامع پسریست و رشته‌های دیگر تولید نقش کمکی را برای آن بازی میکردند. لیکن با پیدایش جامعه سرمایه داری و از هم پاشیدگی تولید جنسی ورشد مناسبات کالائی سرمایه داری، افزایش جمعیت شهرهای بسیار کم شدن اهالی دهات را بسطه تازه ای بین شهرهود بوجود آمد. این رابطه قبیل از همه بمقایسه سویی دفراده اهالی بار، مواد خام برای اهالی شهرها و صنایع مصرفی و تامین ابزار تولید و کشت و کار و فروارد های دیگر صنعتی برای اهالی دهات بمیان آمد است. فعالیت صنعتی و کشاورزی لازم و ملزم یکدیگرند و یکدیگر را تکمیل مینماید.

کشاورزی برخلاف صنعت و استگی مستقیمی بوضع زمین و شرایط آب و هوای (اقليم) دارد. در دروانی که نیروهای مولد چندان رشد نکردند بود تا عیار انسان بر طبیعت واستفاده از زمین سیار محدود بود. لیکن با ترقی علم و تکنیک تا ثیر انسان بشرایط اقلیمی بینشتر میشود، ضعف طبیعت ووابستگی به آن کمتر میگردد. رشد علم و تکنیک کشت و کار موجب افزایش بیان زده محصول از زمین واستفاده بهتر از آن، تغییر دشیوه ابزاری و سد سازی، تهیه بذرها و جنسهای عالی کیاها، دامها و پرندگان شده و میشود. بکاربردن کود شیمیایی و ماشین های کشاورزی در رشت قاراً و اخیر قرن نوزده موجیات تغییرات بزرگی را برای پیش تابرج نمود. ترقی علمی و تکنیکی در قرن بیست خلیل سی عتار از دروان ساقی تاریخ بشری صورت میگیرد. در قرن ما اختراع تراکتور و ماشینهای رنگارنگ کشاورزی، انواع و اقسام کود های معدنی و شیمیایی، استفاده صحیح از زمین، تهیه و کار برد ن بذرها مرفوب و تغییر دشیوه ابزاری تغییرات شگرفی در کشاورزی و دامهوری بوجود آورد است. افزایش جمعیت جهان، رشد تعدد و سهیت و مهد است و هبتو تغذیه عمومی از دیاد ائمی وهمه جانبه محصول کشاورزی و دامهوری را ایجاد مینماید. علاوه بر این جهت تکمیل اداری دامها و پرندگان فراهم آورد ن علوفه ودانه برای آنها، افزایش صنایع سلک و تامین آن با مواد خام کشاورزی از قبیل پنهان، دانه های روقی، چغندر، چای و همچنین پوست، پشم، گوشت وغیره رشد همه جانبه کشاورزی، بکاربردن ماشین و کود برای افزایش پربره دهی از هر هکتار ارطال ب میکند. بکاربردن تکنیک و کود شیمیایی و جقب قشرندی در دهات، افزایش پربره، مهاجرت دهستانان فاقد وسائل تولید و خرد ها پارا زدهات سبب میشود و موجب تغییر نسبت جمعیت شهرهود میگردد. چنین وضعی دشکشوارهای سرمایه داری سبب تعریز وسائل تولید و در رجه اول زمین درست سرمایه داران و شرکتهای کشاورزی میشود.

مهترین وسیله تولید کشاورزی زمین است. رشد همه جانبه کشاورزی بستگی بمنابعات تولیدی جامعه وحد استفاده صحیح از زمین دارد. با این ترتیب عوامل طبیعی و اقلیمی بمنابعات اجتماعی تأثیر مستقیمی بر کشاورزی و سطح رشد آن دارند.

مطابق آمار دست رعما کشورهای جهان از ۸/۳ میلیارد هکتاریا ۲۸ درصد خشکیهای زمین بمنظور

کشاورزی و دامپروری استفاده میشود. ازاین قدر در حدود ۱/۴ میلیارد هکتار زمینهای زیرکشت و ۲/۸ میلیارد هکتار مراتع و چمنزار است. بايد خاطرنشان ساخت که در حدود ۶۰ درصد جمعیت کره مانیز بکار کشاورزی و دامپروری استغال دارد و در حدود ۳۰ درصد صادرات کشورهای بیکد یگرفراوده های کشاورزی ودامی است.

زمینهای کشاورزی ایران و تقسیم بندی آن

کشور	براساس آمارهای موجود زمینهای کشاورزی صوت زیر تقسیم شده اند:	زمینهای غیرقابل استفاده	از انجمله:
۱۹/۷٪ مساحت	۱۱۲۳۴۰۰۰ هکتار یا		
٪ ۲۰/۳	۳۲۲۴۰۰۰	اراضی با یوکه میتوان آباد کرد	
٪ ۱۱/۸	۱۹۵۰۰۰۰	جنتلهای انبوه و پیشه ها	
٪ ۷/۳-۷	۱۲۰۰۰۰۰ تا ۱۰۳۰۰۰۰	زمینهای آیش بندی	
٪ ۴-۳	۴۸۰۰۰۰ تا ۶۳۰۰۰۰	زمین زیرکشت	
٪ ۶/۲-۶	۱۰۱۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰	مراع طبیعی ملغزها	
تقریبا ۱٪	۱۶۰۰۰۰	مراع و چمنزارهای صنعتی	
		بقیه زمینهای زی شهرها، دهات و راهها وغیره قرار دارد.	
		با این ترتیب ارز زمینهای قابل کشت که در حدود ۵۰ میلیون هکتار است فقط ۱-۵ میلیون هکتار یعنی ۱۲ درصد بینظور کشاورزی استفاده میشود، حال آنکه در کشورهای متفرق از ۵۰ تا ۹۰ درصد زمینهای قابل کشاورزی مورد بهره برداری قرار میگیرد. این امار نشانه عقب ماندگی کشاورزی کشوری دارد و در برآرای تمام کشورهایی که رشد نیز صادق است.	
		طبق امار کشاورزی ۳۹ درصد کاشت مریوط بزراعت ابی (قاراب) و ۶۱ درصد با قیمانده مربوط باشتهای دیع است.	

زمینهای زیرکشت کشاورزی گونه تقسیم میشوند؟
طبق امارگیری کشاورزی کل مساحت کاشت زراعتی سالانه در کلیه نقاط کمتر از هزار خانوار در رسال گذشته ۵۹۵۰۰۰ هکتار بوده که در حدود ۵۰۴۷۰۰ هکتار متعلق بکاشت گندم، جو و برنج وقیه که ۹۰۸۰۰۰ هکتار است اختصاص بکاشت حبوبات، سبزیجات، سبیزه زمینی، چغندر قند، پنبه، توتون و نباتات علوفه ای وغیر علوفه است.
مساحت کاشت گندم ۳۶۶۳۰۰ هکتار ولی ۳۲۱۳۰۰۰ هکتار آن بمرحله درو رسید وکل محصول گندم ۲۰۹۰۰۰ تن یعنی از هر هکتار ۲۰۰ کیلوگرم.
مساحت کاشت جو ۱۰۷۱۰۰ هکتار ولی ۹۲۰۰۰ هکتار آن بمرحله درو رسید وکل محصول جو ۶۸۴۰۰۰ تن یعنی از هر هکتار ۶۲۰ کیلوگرم.
مساحت کاشت برنج ۳۱۳۰۰۰ هکتار و محصول ۳۰۳۰۰۰ هکتار آن بمرحله درو رسید وکل محصول برنج ۶۵۱۰۰۰ تن یعنی از هر هکتار ۲۰۸۰ کیلوگرم.
مساحت کاشت پنبه ۳۱۰۰۰ هکتار و محصول کل ۸۶۰۰۰ تن یعنی از هر هکتار ۲۸۰ کیلوگرم.

جدول زیر سطح زیرکشت، مقدار کل محصول و از هر هکتار را رسالهای اخیر نشان میدهد (۱) (در صفحه بعد)

نوع محصول	سطح زیرکشت به هکتار	مقدار محصول سالانه به تن	محصول از هر هکتار
گندم	۳۶۶۳۰۰۰	۲۰۹۰۰۰۰	کیلوگرم ۷۰۰
جو	۱۰۷۱۰۰۰	۶۸۴۰۰۰	کیلوگرم ۶۲۰

کیلوگرم	۲۰۸۰	۶۰۱۰۰۰	۳۱۳۰۰۰	برنج
	۲۸۰	(پاک شده) ۸۶۰۰۰	۳۱۰۰۰	پنجه
تن	۱۱	۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰	نباتات علوفه
	۲/۵	۴۶۰۰۰	۱۸۰۰۰	ارزن وذرت
” تقریباً	۸	۱۱۰۰۰۰۰	۱۴۷۸۰۰	صیفی کاری
” ”	۱/۶	۱۰۸۰۰۰	۱۱۲۰۰۰	جبوهات
” تقریباً	۷/۷	۱۴۹۹۰۰	۱۹۴۰۰	سبب زمینی
” تقریباً	۰	۱۰۸۰۰۰	۲۲۰۰۰	پیاز
” ”	۱۷	۷۲۷۰۰	۴۲۹۰۰	چغندر رقند
کیلوگرم	۷۲۵	۱۶۰۰۰	۲۲۰۰۰	توتون وتبناکو
	۱۰۰۰	۶۹۰۰	۲۹۰۰	کفت وکتان
” ”	۱۰۰۰	۲۲۷۰۰	۳۲۰۰۰	دانه های روغنی
” ”	۶۵۰	۱۳۱۰۰	۱۹۷۱۱	زیتون
” ”	۴۸۰	(خشک شده) ۶۰۰۰	۱۳۰۰۰	جای
تن تقریباً	۶	۱۰۹۰۷۰۰	۱۷۳۴۰۰	انگور
	۲۳	۱۲۰۰۰۰۰	۵۳۴۰۰	میوه های تازه
کیلوگرم	۹۰۰	۱۹۰۰۰	۲۰۰۰۰	خرما
کیلوگرم تقریباً	—	۳۰۰۰۰	—	بادام
	۴۰۰	۷۰۰۰	۱۸۰۰۰	پسته
	—	۹۰۰۰۰	—	مربات

آمارها لاقریبی اhad دد کشت وکارداد سالهای اخیرشان میدهد و پیشک با توسعه بازارهای اخلي و خارجی سطح کشت محصول های مختلف فوقد ارتولید سالانه آن نیز فرق خواهد کرد و مکانیس قوانیند اخلي رشد سرما یه داری سطح کشت و مقد ارتقا ضای بازارهای بضریکی و منفع دیگر تعیین خواهد نمود.

جدول زیر تغییرات کاشت های اصلی کشاورزی ایران را در ۲۵ سال اخیرشان میدهد

نوع محصول	(۱۹۲۱) ۱۲۱۰	(۱۹۲۲) ۱۲۲۳	(۱۹۲۳) ۱۲۳۶	(۱۹۰۷) ۱۲۳۹	(۱۹۶۰) ۱۳۳۹
مساحت کاشت بهزار هکتار					
محصول بهزار تن					
گندم	جو	برنج	پنجه	توتون وتبناکو	چای
۷۲۳/۸	۲۸۳/۰۰	۲۱۹/۷	۸۶/۴	۸/۲۲	۳/۹
۸۹۷/۰	۳۶۲/۸	۳۶۴/۷	۶۹/۱	۸/۴۳	۱/۱۸۸
۲۲۰۰	۸۰۰	۲۰۰	۲۲۰	۱۸	۵-۴
۲۲۴۰	۸۲۰	۴۹۹	۲۰۰	۲۱	۶/۰
۲۶۶۲	۱۰۷۰	۲۸۷	۲۰۳۶	۱۳	۶
۲۶۵۸	۱۰۸۷	۲۸۷	۲۰۳۶	۱۰	۱۰
۷۶	۱۰۷۱	۳۷۰	۲۸۷	۲۱	۲۱
۷۵	۳۱۲	۷۰	۲۰۳۶	۱۳	۱۰
۷۰	۳۱۰	۷۰	۲۰۳۶	۶	۶
۷۱	۲۱	۲۱	۱۸	۲۱	۱۰
۷	۲۱	۱۳	۱۸	۱۳	۱۰

۱- جدول براساس آمارهای از مجله های بازرگانی و اقتصاد، شهریور ۱۳۳۷، نشریه شورایعالی اقتصاد، شماره ۶ خرداد ۱۳۳۹، مجله بازرگانی، اردیبهشت ۱۳۳۸، روزنامه فرمان ۲۲ تیرماه ۳۴۰ و تهران اکونومیست تنظیم شده است.

مقایسه آمارها آنچه در ایران راد اداری تشکیل میدهد که ایران از لحاظ تولید گندم در خاورمیانه و نزد پیک پس از ترکیه جای دوم را دارد و از لحاظ برج نیز بعد از صرچاید و مراحل حاظ پنهان پس از مصر و ترکیه جای سوم را دارد است.

دامپوری

یکی از شته های مهم اقتصاد ملی ایران را دارد اداری تشکیل میدهد. دامپوری برای اهالی شهرها لبنتیات، گوشت، تخم و هرای صنایع مصرفی و صادرات، پشم، پوست و ووده تهیه مینمایند. مطابق آمار موجود ۳۰ تا ۲۵ درصد را دارد که از این اندامپوری بدست می آید. دامپوری یکی از قدیمیترین رشته های تولید روستایی است که از قرنها پیش در سرزمین ایران رواج یافته است. اساساً وضعیت تغذیه اهالی کشور از امراض و چفڑازهای طبیعی تشکیل میدهد. لیکن با افزایش احتیاج شهرها و صادرات بیفراوردهای دامی، دیگروش قدیمی نمیتواند حوائج عمومی و اقتصادی را تأمین نماید و بهمین علت باید برای دامهای از ازه کشت علوفه و ذرت پاند ازه کافی تغذیه فراهم گرد و شیوه بیلاقی و فشارلی لازم می آید باشیوه علیه امروزی و تگهداری دامهای رطوبه های تمیز و ضروری که بهداشت دامها در آن مراعات شده باشد عوض گردد. تنهاد رچین شرایطی است که دامپوری کشور میتواند با اگاهی سریع پیشرفت نموده و با وسعت خالک، احتیاج اهالی را تقدیم ملی مانند میسی گردد.

آمار امehای کشور و تغییرات آن در بیست سال:

نوع دام	سال ۱۳۱۷	سال ۱۳۲۲	سال ۱۳۲۶
گوسفند	۱۳۷۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰۰
بز	۶۷۰۰۰۰	۶۹۰۰۰۰	۱۲۸۰۰۰۰
دامهای شاخ	۲۹۱۴۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۵۳۸۲۰۰۰
(گله، گاویش)		"	"
گوساله	۱۱۷۴۰۰۰	۱۱۰۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰
الاغ	۵۲۰۰۰	۰۰۰۰۰	۲۰۶۰۰۰
قطار	۳۰۵۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	۴۵۲۰۰۰
اسپ	۲۰۰۰۰۰	۷۰۰۰۰	۴۴۰۰۰۰
شتر			۳۱۰۰۰
خوک			۲۴۰۰۰۰۰
مرغ و خروس			

از لحاظ تعداد دام ایران در خاورمیانه و نزد پیک جای اول و از لحاظ تعداد گوسفند جای نهم را در دنیا دارد.

درآمد و تولید کشاورزی

طبق آمارهای موجوده ۴۰ تا ۴۵ درصد را دارد اداری ایران از کشاورزی (کشت و دامپوری) است. در آمد ملی ایران ۲۲۰ میلیارد ریال است که در حدود ۸۸-۹۹ میلیارد ریال آن از اهالی کشاورزی، دامداری و ماغ داری و غیره تأمین میشود که بیش از نصف آن بصاحب زمین و در درجه اول بمالکان بزرگ میرسد. طبق آمار اداره کل اقتصاد وزارت کشاورزی ارزش تولید کشاورزی ایران در سال ۱۳۳۸ در حدود ۴۷۹۶۱۰۰۰۰ ریال بیفراورده است. برآسان سرشماری سال ۱۳۲۵ جمعیت ایران در سال ۱۳۳۸ ۱۳۳۸۱۱۰۰۰۰ نفر بحساب آمد و سرانه تولید کشاورزی برای هر فرد ایرانی از تولید کشاورزی ۴۵۴۰ ریال منظمه شد. رقم فوق الذکر معیار سیار معتقد بر قرآن عموی طبقه زارع میباشد. چنین درآمد قابلی بایعث میگردد که کشاورزان ایرانی نتوانند حتی ابتدائی ترین حوائج زندگی خود را تأمین نمایند. (۱)

کارشناسان کشاورزی

در سال ۱۳۲۹ تعداد مهندسین کشاورزی در تمام کشور ۱۶۰۰ نفر بود و قرار است تا پایان سال ۱۳۴۴ به ۳۰۰۰ نفر برسد. در حال حاضر برای هر ۲۳ هزار هکتار زمین نیز کشت یک کارشناس کشاورزی وجود دارد. در حالیکه ایران دست کم به ۸ برابر تعدد افغانی کارشناسان کشاورزی احتیاج دارد (۱).

جنگل

جنگل نیز یکی از شته های اقتصاد روسائی ماست که در اقتصاد ملی و افزایش شرود و آرد ملی مأیتواند نقش بسیاری نماید. ازد رختان جنگلی برای ساختمان، مل سازی، کاغذ سازی، صنایع شیمیائی، بکریت سازی، مواد غذائی، راه آهن و پل سازی، دروسازی و روشته های دیگر صنعتی استفاده بعمل می آید. جنگل در تغییر اب و هوای شهرها، در ازد یاد بارتندگی، بهبود وضع زمین و محصول و جلوگیری از سیل نیز نقش مهمی دارد. کشور پنهانوار ماستعد اد فراوانی برای ایجاد جنگلهای موجود نیز که یکی از نوتهاي اصلی ملی ماست بطریق غیر علمی مورد استفاده قرار گرفته و در ریجا از مسااحت کاسته شده است.

مساحت کل جنگلهای جهان ۴۲۶۰ میلیون هکتاریا ۳۱ درصد خشکهای زمین است.

ایران از لحاظ وسعت جنگل جای هفدهم را در جهان و جای هفتمند را در آسیاد ارد. مساحت جنگلهای ایران ۲۰ میلیون هکتار است که ۱۲ درصد مساحت کشور اشکنیل میدهد.

آمارهای کشاورزی کشورنشان میدهد که هنوز از مانهای طبیعی و انسانی استفاده کافی بعمل نمی آید و بهمن علت کشاورزی ایران یکی از عقب مانده ترین بخشهای تولید نعم ماد میوه و کشور مازل لحاظ مجموع محصول کشاورزی، تولید از هر هکتار و محصول سرانه دام رشماعقب مانده ترین کشورهای جهان است.

عقب ماندگی کشاورزی ایران را پیکره های نیز که مقایسه بعضی از کاشت های مابا سایر کشورهاست بخوبی نشان میدهد:

گندم - میزان متوسط محصول از هر هکتار در هلند ۳۶۰ کیلو، در انمارک ۳۵۹۰، در ژاپن ۲۱۰ و در ایران ۷۰۰ کیلوگرم است.

جو - میزان متوسط محصول از هر هکتار در هلند ۳۸۵۰ کیلو، در انمارک ۳۴۵۰، در ژاپن ۲۲۸۰ و در ایران ۶۳۰ کیلوگرم است.

برنج - متوسط محصول از هر هکتار در اسپانیا ۵۷۸۰، در ایتالیا ۵۲۵۰ کیلو، در ژاپن ۴۶۰ و در ایران ۲۰۰۰ کیلوگرم است.

بنه - متوسط محصول از هر هکتار در تاجیکستان شوروی ۲۰۰۰ کیلو، ازبکستان ۲۵۰۰ کیلو، امریکا ۱۵۰۰، مصر ۱۲۰۰ و لیلی در ایران ۲۸۰ کیلوگرم است.

چندان متوسط محصول از هر هکتار در روسیه ۴۹/۵ تن، در لیتلیک ۴۲/۹ تن، در اطربیش ۴/۳ تن و در ایران ۱۷ تن است.

علت اساسی عقب ماندگی و کمبوده دهی زمین استعمال نکرد ن کود شیمیائی و معدنی، ماشینهای کشاورزی بد رون، کمی آبیاری، فقدان ادویه ضد آفات بنا تای وغیره است.

تعداد ماشینهای کشاورزی

مطابق آمار موجود ۸۰۰ هزار جفت و ۴۰۰ هزار تراکتور، کهاین در کارشخم ورد اشت کشت شرکت دارند و مصرف کود شیمیائی فقط ۲۰ هزار تن در سال است (۲). طبق آمار یکریمیگانه توسعه ماشین های کشاورزی سازمان برنامه تا سال گذشته تعداد ۶۰۰۰ دستگاه تراکتور، ۹۳۸ دستگاه کبا یعنی و ۱۰۳۱۹ دستگاه وسائل کشاورزی از قبیل کاواهنه، بذر افشار و دیسک وغیره بکشاورزان داده است. جهت نگهداری ماشینهای کشاورزی ۲۱ تعمیرگاه ثابت و ۱۰۶ تعمیرگاه سیار در استانهای مختلف کشور فعالیت

۱- اطلاعات ۱۰۵، بهمن ۱۳۲۹ (۱۳۲۹) (۴ فوریه ۱۹۶۱)

۲- جزوی کشاورزی امروز ماتعدد اد تراکتورهای کشور ۸۰۰۰ دستگاه و مصرف کود شیمیائی راسی هزار تن ذکر نمیگردید، صفحه ۱۳۱ و ۱۳۲

میکنند. بنگاه نامهبرده تا آخرسال ۱۳۴۰ ۱۰۵۳ رانند و مکانیسین تربیت نماید (۱). مثیں کشاورزی اکثراد رینه کاری، چغند رکاری مورد استفاده قرار میگیرد. نطااطی که بیشتر از ماشینهای کشاورزی استفاده میکنند عبارتند از: دشت گران، اطراف تهران، دشت مغان، خوزستان و مناطق چغند رکاری اطراف کارخانه های قد کشور.

مانع اساسی برای پکاربردن کود، ماشین واستفاده از پیروزیهای علمی در کشاورزی مناسبات موجود اجتناب اقتصادی در ده ایران یعنی مناسبات ارتباطی - رعیتی است که اما می آنرا شیوه مزارعه که خود حامل بقا یای روابط قرون وسطایی است تشکیل میدهد.

در شیوه مزارعه عوامل تولید یعنی انسان، زمین، دام، ابزار تولید و آب و مذررهای سهمی از مصروف دریافت میکنند. ازانجاییکه بیشتر عوامل تولید یعنی زمین، دام، آب و گاهی بذ روایتار تولید نیز متعلق به مالک است سهم کشاورزکه صفرین غصه نیروهای مولد کشاورزی است سیارنا چنین بوده و غالب بگفای تخذیل خانواره اش رانمیده. مالک که مستقیماند رکارتولید شرکت نهینماید نفعی در سه بود کشت و کارند ارد و از بزرگ مالکانه و مال الاجاره برای بجهود زندگی شخصی خود استفاده میکند و مبالغ اضافی را بر رشته های دیگر که نفع بیشتری میرساند بکار میاند از واباپانکه خارجی منتقل مینماید که تاً مین بیشتری در حوالات انقالی داخلی دارد. اخرين اماری که در دست است نشان میدهد که ۲۳٪ درصد از ساخت اراضی کشاورزی متعلق بزارعین علی کنند و موقیه یعنی ۷۶۰/۵ درصد بعنوان رعیتی و با از طریق اجاره د راخیز زارعین عمل کنند و سهره برد ارقاره ارد.

برای اینکه وضع مناسبات تولیدی در کشاورزی کشور تاحد و دی معلوم شود ذکریکه هائی از مالکیت بزرگ کشور پروریست. طایق آمار کارشناسان در حدود ۲۰ هزاره از ده هات کشور متعلق به ۳۷ خانواره ای بزرگ است. در این این عدد خانواره پهلوی قراردارد. املاک پهلوی در حدود ۲۲۰۰ قریه و ده و ۲۱۰۰ مرتع و چمن است که نفر کشاورز داران فعالیت میکنند. تا اواخرارد پیشست تقریباً ۴۰ درصد از املاک به ۴ هزار خانوار با قساطط بلند مدت فروخته شد و قرار است در آینده نیز از املاک سلطنتی به ۴۵ هزار نفر کشاورز بگرفوت خواهد شد. با وجود این املاک در باری زهم و سیعترین املاک کشور است.

مالکین بزرگ دیگر قشقاچیها ۴۰۰ ده و آبادی، قوان الملك شیرازیمیش از ۳۰۰ ده، قوام السلطنه در کیلان تاسمال ۱۲۱۰ بیش از ۲۰۰ ده و ۱۵۰ مزرعه جایکاری و بیش از ۲۰ خانه و ملک داشت، خانم فخر-الدوله (مادر آزادی دکرامینی) در موقع حیاتش صاحب ۳۳ قریه لشت نشاید و محصل مالانه برج خداش در حدود ۱۲۰۰۰ خوارتخمین زد میشد. خانم نامهبرد د روموقع وفاتش ۴۰۰ میلیون ریال ثروت از خود باقی گذاشت که بین فرزند انش قسمت شد و از آنچه سهم کلانی به اتفاق دکرامینی نخست و نیز فعلی رسید. خانم فخر الد وله در الہیه (نژد یک تهران) ۲ میلیون متزمین داشت که در رسالهای اخیر قسمتی از آنرا پر اش هرمتیه ۲۵۰۰ ریال فروختند. املاک که بزرگ نیز متعلق به اینهاست.

خانواره فرمانت فرماده از ۱۱۰ خانواره بزرگ و کوچک تشکیل شد و بین ازد و هرا بریلیت قریه و ده دارد. موقعیه فرمانت فرماده کرد ۲۵۳ پارچه آبادی در غرب کشور از خود باقی گذاشت که پس از سالها بعد از زیادی ملک و مستغل نیز آنها اضافه شد.

در ارakk چهار خانواره بیاتی، خاکیاز، شکرائی و عضد السلطان ۴۰۰ پارچه آبادی دارند. در همین شهرستان ثروت خانواره بیگ لیک که بیشتر آن املاک مزروعی است از ۲ میلیارد ریال زیادتر است.

مهدی باتمانقلیچ در حدود چهارصد پارچه ده و آبادی و مستغلات دردهات و شهرهای کشور ارد و خود صریحاد مجلس شوراگفت که باند ازه سوئیں طلکدارد.

حسینعلی کاشی در حدود ۵۳۰ پارچه ده و آبادی و ۰ میلیارد ریال ثروت دارد. علاوه بر اینها مالکان بزرگ دیگری نیز هستند که بین ۴۰ تا ۱۰۰ پارچه ده دارند و مشهورترین آنها عبارتند از:

در گرمانشاه و کردستان خانواره های قیاد یان، پالیزی، امیرقدتر، امیرکل، آصف، اردلان و معتمد.

در همدان خانواره قره گوزلو، صارم همایون، در خراسان حاج حسین آقامالک، قرشی، امیرمعمر، در

اصفهان صارم الد وله ، در کرج وساوجبلاغ یید المد هستاني ، در مراغه فتح اله افشار مقدم و جمشيدی که قبل از شهر یور ۱۳۲۰ گروهبان بود و موسوی که بابت ۵۷ پارچه آبادی فقط و فقط ۹ هزار رومان مالیات به دارایی محل پرداخت ، درایوانی اسماعیل دادگر ، در گیلان اسماعیل چارد هی ، حسن اکبر ، در کرمان سا لار زهزادی وارجمند ، در خلخال پناهی ، وهاب زاده ، در زنجان ذوالفقاری ها و افشارها وغیره — ذوالفقاری ها و افشارها بترتیب ۳۰ و ۱۶۰ پارچه آبادی در زنجان ، انگران و تکاب دارند .

یکی از سپهبدان بازنشسته که مدت زمانی نماینده سنای بود رگرسارو ورامین املاک متعدد دارد که تما مشمول لایحه قانونی جدید میشود . در انتخابات مجلس شورای ملی هیچ کاندید ای جزا موقوفت سپهبد نامبرده و جلب نظر او نمیتواند از حوزه انتخابیه گرسارو ورامین توفیق پیدا کند زیرا کثیر از این کاندید بمناسبت ها سرازیر میشود متعلق و کشاورزان دهات است .

مالکین آذربایجان اغلب آذربایجانی نیستند و هر خواهی از آنها اسامی دهات خود را نمیدانند . یکی از مالکین معروف آذربایجان مدت ۴۰ سال است در لرستان سوئیس مقیم میباشد و مالک دیگر آذربایجان چنان نفوذی داشت که از دوره ۱۵ تاد ورده منحله بیستم مرتبه آذربایجان بنها بندگی مجلس شورا انتخاب میشد . طبق آمار دقیق دیگر رصفحات جنوب مالکین بزرگ البته از نظر تعداد املاک وسعت زمین بیشتر کیلان پیمان ازد واج بسته اند (۱) .

۱- اسامی مالکین و تعداد املاکشان از مجله تهران مصور ، ۳۰ ابانماه ۱۳۳۷ و خواهد نیهایا ، ۲۱ بهمن ۱۳۴۰ (۱۰ فوریه ۱۹۶۲) نقل شده است .

تاریخ مختصر ایرات باستان

خاورشناسی شهروی که بویژه در رسالهای اخیرد امنه پهناوری یافته تا امروز اثارگان بهائی د رباره تاریخ و فرهنگ میهن ما ایران انتشاردارد است. اهمیت این آثار خصوصی از جند لحاظ است:

- ۱- نخست اینکه در اثر حفاری هایی که در آسیای میانه و قفقاز عمل آمده است آسناد و شواهد تاریخی بسیاری کشف شده که برای اولین بار بوسیله دانشمندان شهروی مورد استفاده قرار گیرد. بسیاری از آثار عتیق ایران نیز از قدمهای د رموزهای ما موجود بوده که تاکنون از طرف سایر خاورشناسان تحت مطالعه جدی در نیامده است.

- ۲- خاورشناسان شهروی مجعلت آنکه از تئوریهای ماتریالیسم تاریخی الها م میگیرند در تحلیل تاریخ ایران راه بررسی عمیق و یافتن انگیزه های عده اه اجتماعی پیغامبر و میکوشند که بد کرسیله پادشاهان اکتفان کردند، زندگی توده های مردم ایران را بعنوان سازندگان واقعی تاریخ در هر دو روش نگرد اند.
- ۳- برخلاف آنکه محاذی دیراری و ولتی ایران و همچین برخی از محااذل خاورشناسان اروپا و امریکا تاریخ ایران را وسیله تفسیرهای غلط واستفاده های ناروای سیاسی قرارداده اند خط مشی اساسی خاورشناسی شهروی، کشف واقعیات تاریخی و گلک بفرهنگ ایران وجهان است.

این خصوصیت ها و نتائج آنهاست که به خاورشناسی شهروی پایه و مایه خاصی میبخشد. ولی متأسفانه هم میهنان ماد را ثرا وضع سیاسی کشور ازان بی اطلاع اند.

یکی از انتشارات بسیار سود مند و جالب خاورشناسی شهروی کتابی است که بنام "تاریخ مختصر ایران باستان" در سال ۱۹۴۵ شده بقلم م. دیاکنف منتشر شد. دیاکنف خاورشناس مشهور شهروی که در ۱۹۰۵ درگذشت این کتاب را در ۱۹۴۴ نوشته است ولی ناشران کتاب با استفاده از آرشیو و کفرانسها و مصادری هایش آن را تکمیل کردند. هر اساس اسناد تازه ای که تا سال ۱۹۵۷ بدست آمده بود نظریات نوینی بخصوص در مسائل اجتماعی و اقتصادی برآن افزوده اند.

"تاریخ مختصر ایران باستان" نخستین کوششی است که از جانب دانشمندان خاورشناسی شهروی برای تحلیل علمی تاریخ ایران باستان بعمل آمد و ولی از لحاظ وسعت معلومات موغل و دقت نظریاتش یکی از سود مند ترین و گرایش‌ترین اثماری است که در این مورد نوشته شده است.

متن وحاشی کتاب ۴۱۵ صفحه رقعی بزبان روس است و شامل است برسه بخش: ۱- ایران از قدیم ترین زمان - ایران در حکومت هخامنشیان ۲- هلنیسم و سلسله پارتیان ۳- ساسانیان.

اینک نمونه ای از مسائل عده ای که موظف در حل آنها کوشیده است:

- چگونگی برخورد آریاها با مردم مان بومی سرزمین ایران و روابطه فرهنگی این اقوام با یکدیگر.
- چگونگی ایجاد وحدت در بین اقوام ایرانی و تقشید و تلهای مادی و هخاشمشی در این مورد.
- برده داری در چه دوره ای و تا چه حد و در تولید اجتماعی ایران باستان تا چید است?
- سیاست ایران در مورد ملل زیردست چه بود و چه پایه اقتصادی و اجتماعی داشت?
- فعد ایزاسیون ایران از چه زمان آغاز میگردد و در چه زمان پنقطه تکامل خود میرسد؟
- سیاست کاملی تعریز فتوحه الدی در عهد ساسانیان و تضاد بین قدرت مرکزی و قدرت اعیان فتوحه الدی، و نقش شهرهاد راین جریان.

بسط شهرنشینی در چه دهه ای صورت گرفت و چه تا عیوبی در روضع عمومی ایران داشت؟

هلنیسم در ایران چه شکلی متجلی شد؟

منشاء قومی و هنری پارتیان.

نهضت های تبدیل ای که در زیر عنوان مذکور مورد ظهرور سید.

جای فرهنگ و هنر ایران در آسیا و اروپای شرقی.

ترجمه "تاریخ مختصر ایران باستان" بزبان فارسی، خدمت بزرگی بفرهنگ کشور ایران خواهد بود.^{۱۰۰} ق.

سندی مهم درباره نهضت کمونیستی ایران

بیانیه‌ای که در صفحات آینده از ترخوانندگان گرامی می‌گرد بیانیه‌ای است که کمیته ایالتی خراسان حزب بعد از درجهٔ ویک سال پیش منتشر ساخته است .
این بیانیه در واقع برخانمۀ حزب بعد از (و عبارت دیگر: «فرقة اشتراکيون اکثريون ایران» یعنی حزب کمونیست بلشویک ایران) است که از طرف کمیته ایالتی آن حزب در خراسان منتشر گردیده است و مان را لاحظ اهمیت تاریخیش از روی نسخه‌ای که در زیست ۱۳۲۹ هجری قمری (۱۹۲۱ میلادی) در مطبوعه نیزه‌منی شب کرد در جام آباد نیشاپور با جای سنگی بطبع رسیده است تجدید طبع می‌کنیم .
بدون تردید این سند از اسنادی است که میتواند بر تاریخ نهضت کمونیستی در ایران روشنی تازه‌ای بیافکند .

آنچه در این سند مطرح است :

طلبات حاضرة ما :

- کی سبب فلاتنهای ایران شده
- منظره‌های ایران
- سکوت شروع نکن است
- تصدیق فرقۀ اشتراکيون ایران
- قدم اول ما
- خط مشی ما
- نابود باد ظالمین
- زنده پاد اختیارات ملت
- مسلح کدن زحمتکشان
- زین مال زارع است
- مالیات عادلانه
- فقار ای پیشی گرسنه بمانند
- آزادی عمومی
- محاکم عدليه
- آزادی مذهب
- معارف عمومی
- نیست باد اختلافات ملی

بیاننامه

و پیشنهادات حتمی الاجرای

کمیته ایالتی خراسان

فرقة اشتراکیون اکثریون ایران

«عدالت»

اول ذیقده سنہ ۱۳۳۹

نستین بالعداله طلبات حاضرة ما

ملت بد بخت ایران که قرنهای متعددی در منتهاد رجه گرسنگی و زیرتازیانه ظلم له شد و مرتजیرهای سنگین اسارت مغلوب شده بواسطه ظلم خواهین و ملاکین واخیراً سرمایه داران انگلیسی مضمحل شده عجالتاً فقرای کاسبهه این ملت قد پم آخرین قدرات خنثیه رنج و عذاب رازکاره سپرشاران میتوشدند مات و محیر شد و بیچاره هانمید اندند چه بکنند و از جنگل ظلم ظالهین عمر حاضره چیزئه خلاص شوند.

رعا یا وزارعین ظلموم بواسطه جهالت و تاذ انيکه از عصرهای قبل پیرای آنها بر ایشانه و حمایت عادی شاه و اطراف اینش از ملاکین و اربابان قوه خلاصی از جنگل ظلم ملاکین از آنها سلب شده و بالآخره از نزد بیچاره ماء پیمانه چشمهاي بی نور شده از ظلم خود را بطرف آسمان اند ادخته و از خدا ملاخصی و آسایش مسئله میندا پند اماملاکین خونخوار بحتمایت شاه و اطراف اینش تکیه کرد و نه اینکه فقط رازرعین بد بخت را غارت کرد و گرسنه نگاه مید ارند بلکه بد ون هیچ ملاحظه باراضی و ناوی حتی حیات آنها هم فرماغرمه و حکمرانی میکنند.

صنعتگران و عمله جات بکلی سائل شده اند جو نکه رحمت دست آنها را کسی قیمت نمیکارد برای اینکه مال التجاره قلب و ارزان انگلیسی مثل سیل وارد مملکت میشود بهمین واسطه ها صد هزاران فقرای کا بیمه ایران گاشد و د ون نتیجه و شمارظاله المینی که آنها باید بله ها گرفتار کرد و اند امید کلت و تحریر دارند.

مد گرسنه و ذلیل شده شهریه روز بروز عده شان بواسطه دهاتیهای خانه و پیران شده رو بزیایی است از گرسنه نزد یک بهلاکت عمومی هستند ولی خوانین و شروتند ان مفت خورکه از خون این فقرای ظلموم گرد شناسرا کلفت کرد و اند باد و ستان و فاد ارشان یعنی مجتهدینو ملانیايان بی وجود ان ظالم بیتقوی و نکت حکومت شاهی د رقمهاییکه روی استخوانهای پوسیده این ملت ظلموم گرسنه ساخته شده مشغول عیش و عشرت گشته شاد و خرم زند گانی میکنند.

د و ثلث ملت ایران هم که طبیه تجارت و کسبه باشند آنها هم بواسطه اعتبارات و امتیازات بانکهای انگلیس و افلاس همی بولی رعا یا وعمله جات تجارت شان کسد شده و د رجه افلاس و محو شدن رسیده اند.

اعتناف فوق الذکر بواسطه ظلمهای مذکوره طرف ارانقلاب هستند لکن بواسطه بی علیه بی تشکیلاتی نمیتوانند باهم متحد شده یکمرتبه علی خروج کرد و آتش انقلاب را در مملکت روش نموده و زینه ظالم و ظالهین را زجاگتند.

کی سبب فلاتهای ایران شده

شاه عوض اصلاح دردت کمی چندین کا بینه که از همان آقایان و شروتند ان مرکب بودند تشکیل داده و حکومت راند و اند.

این حکومتها فقط مشغول لخت کردن رعا یا شده خزینه دولت که از دست رنج فرار گم شده بدون ملاحظه از حساب دادن یان نظرارت ملت حیف و میل میکنند و چنین حکومتی البته هیچ وقت بفرکرد بختی های ملت یا تنظیم قانون جدید یکه مبنی برآسا پیش رعیت باشد نبوده و نیست بلکه فقط در فکر اسیر کرد ن وند کرد ن رعیت و بالاخره تحول داد بانگلیسیها بود و مستند چنانکه انگلیسیها نه بقه اسلحه بلکه بکت همین وز رای ایران داراصحاب ایران شده اند در سایه معاہده سنه ۱۹۱۹ انگلیسیها مالیه مملکت را در دست خود شن گرفته و قشون ایران را تحت نظارت صاحبمنصبان خود شقرارد اور دخیال استحکام حق تصرف خود ش بسر سرمهلت و دولت ایران است.

برای هرجا هر حکومتی که طرف ارسياست خود ش بود معین میکرد و حقیقتاً بکلی فرمانفرمای ایران میتوان گفت از هر طرف شروتهای طبیعی مملکت را میکند و آذ و قه که احصل دست رنج خود ایرانی است برای گرسنه نگاهد اشتن و محتاج بخود کرد ن فقرای کاسبه جمع و احتجکار کرد و حتی ضایع میکند.

مال التجاره قلب کارخانه های خود ش را اورد و بقیمت میفوشنده از بکنتره طلا و نقره موجود د رایران را بکشد از طرف دیگر صنعتگران کم مایه ایران که با کارخانه های دست کار کرد و وزگار میکرد راند مجبر بر افلاس و هر شکستگی کرد و بالاخره همه آن کارگران بیچاره را بکد اشی و وفاکه اند ادخته و سهیمن و بسطه شهرها مملواز کارگران و عمله جات بیکاره از گرسنه مجبورند یا سائل بکف باشند یا نوکری انگلیسیها را بکند.

علاوه بر این وضع سیاست مداری حکومت شاهی طبع کارخانیین و ملاکین بی وجود ان وجهه طلبی وزرای خائن که بطلانی انگلیس بینده شده اند باعث خرابی هستند. با الترازهای اینها نادانی و یک سنگی و بد اتفاقی خود ملت مظلوم ایران بیشتر باعث این ذلتها و فلکهای ایران شده است.

منظرهای ایران

عموماً عمله جات و دهاتیها گرسنه و مملکت خراب و پیران بواسطه اینکه حکومتهای امپراتوری روس و پس از آنکه مملکت ایران از پیرو طلاقاییه برشوت دادند خراب نمودند و معاهدات و امتیازاتیکه از حکومتهای بی فخر وجود ان شاهی گرفتند.

مثل معاهده (۱۸۸۹ - یا - ۱۳۰۶) تمام شروتهای طبیعی ایران را راههای حمل و نقل ایران را بدست گرفته مملکت را ای فلاحت گذشت و بحال خرابی اند اختند و با همین سیاست زحمتکشان و زارعین مظلوم ایران را با سطه احتیاج برای خود بند و برد و ساختند و حتی نگاشتند که آنها برای خلاصی خود بفکر اجتماعات و تشكیلات بیفتند.

سکوت غیرممکن است

هرچه خواهیم ناله را پنهان نکم سینه میگوید که من تنگ آدم فریاد کش هر کسی بقدرت ره وجود ان داشته باشد یا خوفی از دست انتقام داشته باشد و ملت گرسنه بی پشت و پناه ایران را بیند بایستی بصدای بلند فریاد کند: باین وضع نمیتوان زند گانی کرد. باستی همیشه در هرجای مردم مظلوم بگویید که هنوز وقت هلاک نیست هنوز موقع قضا و محوش ند نرسیده چرا که وقتی با اطراف نظر کنید و ملتگفت میشود هنوز آخرين و تنها کمکی و پشت و پناه ملت مظلوم ایران یعنی فرقه اشتراکيون ایران است.

با دید انست که اعضای بیحساب همین فرقه در راه آزادی ملت مظلوم ایران دست از جان و مال و ناموس کشیده ها کمال قوت قلب میگوشت تا فراقی کا سبیه ملت ایران را لرزیجواری سارت خارجه و چنگال ظالمین داخلمه نجات داده آنها را از دنیا گرسنگی و جهالت و دلت بیرون کشیده و دنیای روشن آزادی و آسایش د اخیل کند.

مقصد فرقه اشتراکيون ایران

مقصد این فرقه مقدمن است که یک حکومتی تشکیل بشود را ایران از خود فراز و حمکشان ایران نه اینکه ازد ولتمدن اند و مقتخواران.

این وضع حالیه را در رنظر میگیرد می بیند حکومت ظالمه استبد ادی سلطنتی در ایران بریاست و در نقاط مختلفه مملکت هنوز قوای سلاح اجنبي موجود است و حکومت مستبد شاه را محافت و محارث میکند.

قدم اول ما

رعا یا وزارعین مظلوم ایران را که مرکب از چندین میلیون است بیک یگر متفق کرد و تشکیل انجمنهای محکم دهاتیها باید هم و کوشش نمایم که رعا یا حالی شده بد اند جهالت و خرابی که شاه با اعوان با وفا اطرافی سالیهای سال ملت مظلوم را در آن نگاهد اشته بودند با خرسیده و پایستی بانها بگهانیم که همچنانکه یک دسته چوب و قتنی بهم پیوسته باشد آنرا نمیتوان در هم شکست مگر آنکه آنها را هم جد اکرده و تک تک نمود همین طور تمام ظلمهایی که با نهاد میشود بواسطه نهادی ویکه بودن است اماد سه جات متفقه مشکله کارگران ورقای متوجه فقرار که برای هزاره باد شفناشان تشکیل میشود شکستن غیرممکن است.

افراد فرقه یا هر کسانیه طرفدار فرقه اشتراکيون ایران هستند بعباره اخري هر کس خوشبختی وطن و ملت را بخواهد باستی د رهمه جاوهمه وقت در این موضوع خلق را موعظه کند و تبلیغات نماید و ادام قوه بکوشد که مثل عقاب بد شمن حمله کرد و اورا محو و نابود نماید.

عمله جات را بایم متحد و متفق کنند و این اتفاق و اتحاد تقریباً اولین بیلی خاکی است که فرای کاسمه از قبریک جهت د شفناشان میسازند بر مید ارند یا اولین قدی است که بسمت سعادت و خوشبختی بر مید ارند. فرقه اشتراکيون ایران خوب میداند که با اتحاد عمله جات و کارگران وکل فرقه دیموکرات در ایران

یکمرتبه نمیتوان حکومت حاضره وساط سلطنت را مدل بر حکومت شواعی (سوسیالیستی) کرد و هم فقرای ظللو را راضی نمود بنا بر این آن تابودن انقلاب چیان ایران را تشکیلات د یوکراسی و رناظر گرفته فرقه اشتراکیون ایران خیال میکند که اول بایستی در ایران یك قوه اندکابی ملی فراهم کرد تا با آن قوه دشمنان خارجی وساط حکومت شاهی را محو و برطرف نماید.

خطمشی ما

بواسطه نبودن کارخانجات و معادن و راههای آهن در ایران عمله جات و کارگران با تشکیلات نیسته بعلاوه موهومات ذیل که عموم ملت مظلوم ایران را حافظه دارد و بی علمی و جهالت که عده خرابی ملت بواسطه آنست و تجمعیات جا هلانه صنفی که اساسن بد یختی ایران بوده است در نظر میگیریم.

از آخر طرف اثرات انقلاب که از فشار ظلم امروزه در هر نقطه و میان هر دسته پد او شمود ارast و خرابی اوضاع اقتصاد و معیشت عمومی که روز بروز در تزايد است البته یک اختلال و اغتشاش برپا خواهد شد.

وقتیکه این مسائل را در نظر میگیریم بخوبی معلوم میشود که در وله اول انقلاب ایران انقلاب ملی (د یوکراسی) خواهد شد.

فرقه اشتراکیون ایران این انقلاب د یوکراسی را همه نوع کم و همراهی خواهد کرد و کوشش خواهد کرد که در صور این انقلاب دهاقین وزارعین زیاد داخل بشوند چونه بالاخره اتحاد و اتفاق آنها زیر بیرق کاموناخواهد شد.

و پس از آنکه دشمن عمومی و خارجی رفع شد و قبح و نصرت انقلاب چیان محقق گردید آنوقت این مبارزه ملی بد بیمارزه صنفی خواهد شد.

آنوقت است که صنف عمله جات و زحمتکشان بیرق سوسیالیستی را بلندر کرد و برای رسیدن بمقصد اصلی هرمانع و فرقه که در مقابل باشد رفع کرد ه معارضین را مغمونه د و میطرف مقصد اصلی یعنی اساسن سوسیالیستی کامونیستی خواهد راند. عجال التایار ای حل مسائل و اجرای مقاصد مذکوره فرقه اشتراکیون ایران لازم میداند که مسائل ذیل که نکات اصلی این راه است بدون فوت وقت و تاخیر اجراید ارد.

نابودیاد ظالمین

چون عدد ه سبب خرابی امروزه ایران انگلیس های ظالم هستند بر مالزم و واجب است که با اتمام قوا کوشش کنیم تا این مهمنان ناخوانده را بیرون نماییم.

و تبادل فراموش کرد که با هالی مظلوم حالی کیم که این مهمنان ناخوانده فقط آمد و اند برای غارت ملت و مملکت و شاهه که تابحال بکمل آنها خون ملت را کشیده در این موقع چون از جمله انقلاب ترسیده و دیگر امیدی بنگاهد اشنن تخت و تاج ندارد البته دوستی خواهد جسبید با انگلیس ها که بلکه بقوه آنها خارج زانه دولت که از خون ملت مظلوم جمع شده با خودش ببرد بایستی این نکته را خوب ملتفت بود.

نابودیاد انگلیس ظالم جهانگیر! مرد و دموکراد دستگاه سلطنتی که مرکب است از خوانین و اعیان و ملاکین بی انصاف!

زنده باد اختیارات ملت

حکومت مشکله از خوانین و سرمایه خارجی را بایستی بکلی از قلب محروم رعای ای مظلوم خارج کرده تا ملت آزاد ایران با اختیار خود ش هر قسم حکومتی که بخواهد تشکیل بد هد که ان حکومت از خود ملت و تابع رائی و میل ملت باشد.

مسلح کردن زحمتکشان

بایستی قشونیکه با پیش ملت و اسخوانین جمع شده و امروز محافظت سیاست سرمایه داران خارجه را میکند متفرق کرد و رعوض آنها لازم است عموم زحمتکشان وزارعین را مسلح کرد تا آزادی که گرفته اند حفظ نمایند و حملات دشمن را رد کنند.

زمین مال زارع است

پایاستی تمام اراضی زراعتی تقسیم بشود رمیان زارعین زحمتکش بقدیر که هر زارع با خانواده خودش بتواند آن زمین را بکارد.

ملکین بی انصاف که عده آن هاد را بیان بیش از سه چهار میلیون نیست ولی هر کدام املاک چند یعنی پارچه ملاک متعدد، صدها و هزارهاره از اراضی را میکارند در اختیار خود شان دارند پایاستی تمام آنها را درستشان را کوتاه کرد و تمام مایلک آنها را منقول جان داریمیجان همه را مجاناً تقسیم کرد میان همان رعایای زحمتکش.

املاک خالصه و موقوفات را نیز که عده ماً موریا مجتهدهین مفتخرورد ردست گرفته و میخورد پایاستی با اختیار ملت واکد ارشود.

مالیات عاد لانه

بیچاره زارع که با عرق جیبین زحمت میکشد ولی بد بخت ابد از زحمت خود فائد نمیرد چونکه موقع خرمن آنچه که ارباب بی انصاف میگیرد که حق اوست اگرچیزی مانند باسامی مالیات سرشماری سراسری چوب و فلک وغیره غیره از طرف مأمورین بی انصاف حکومی میگیرند.

خلاصه اگر تواند فقط یک شکم نیم سیزی برای خود شوالاچیزی دیگری از شمره زحمتش نمیبیند و فائد ه زحمت اوراماً مأمورین و اربابان میگیرند که روز بروز هم گرد نشان گلفت میشود.

پایاستی از این مالیات هابکلی موقوف شده و هجای آن مالیات عاد لانه برقرارشود که یعنی عشرتیه از عایدات غیر از خرج یعنی از عایدات زیادی از خرج ریخت گرفته شود. رعایای بی زمین یا کم حاصل نباشند ابد مالیات بد هند.

فقرانیابیستی گرسنه بمانند

خواهیں و مالکین آذوقه را نبارکرد ه هر وقت بخواهند و هر قدر ریتوانند جنس را کران کرد ه و خود را دلتنعند میکنند. هرچه قدر فرای بیچاره گرسنه تریشوند محترمین بی انصاف قیمت جنس را بیشتر کران میکنند. پایاستی فوری تعلیم انبارهای جنس محترمین ضبط شد ه و قیمت مناسب معین در رمیان اهالی گرسنه تقسیم شود.

آزادی عمومی

ملکت همیشه باید آزاد باشد چرا که بخت و سعادت ملت و مملکت بسته با آزادی است. عموماً مملکتی که گرفتار سرپنجه نفوذ خارجی شد وقتی میتواند بحال استقلال اولیه خود عود کند که قوای اجتماعی ملت ظاهر شد ه و با قوای مشکله متعدد شروع بکند بزندگانی جدید.

نیست باد سکوت پست فطیراته و دزل آفر. فوراً بایستی اعلام شود: آزادی عمومی، حریت شخصی، آزادی نطق و قلم، آزادی اجتماعی-ات و اتفاقات و عقاید.

با استی فوری رفع شود ظالم و جبس وند هائیکه بواسطه اظهار عقايد سیاسی و مذهبی و شکایت از بسی انتظامی حالت ها قائم واقع شد ه و میشود.

محاكم عدليه

حال حاضر محاکم و مراجعه جات مردم درست روحانیوی است که قسمت اکثر آنها جزو همان مالکین و دلتنعند ائمہ هستند که فقرای کاسپیه گرفتار زنجیر ظالم آنها هستند.

در حقیقت دزد خودش پاسبان و ظالم خودش حاکم است.

با استی فوری چنین محکمه ها عوض شده و عموماً اعضاً محاکم باید طرف اطمینان فقا و خصوصاً قضاء محاکم با استی انتخاب شده از طرف خود ملت باشد و قضاء و روئای محاکم فعلی فوراً خود شان پایاستی جلب بمحاکمه شده و جدا به بینند مثل دشمنان ملت و انقلاب.

از آنچه یکی از شرکیون ایران نمیخواهد ابد ادخالتی در رذ اهباب مختلفه بکند و همین طورهیچ
میلی بتحقیرهیچیک از آنها ندارد علی هذ آزادی تا مید هد بمن اهbab مختلفه که هر یک از افراد ملت ایران
پیرو و دارای هر رذ هبی که میخواهد باشد . و چون مذهب مسئله وجود آنی است ابد آنبا یستی وجود ازراحت
فشار قرار داد تا هر کسی هر عقیده را میخواهد پیروی کند ولی همینقدر را یستی داشت که مذهب را نبا یستی
د ادخل در امورات سیاسی و حکومتی کرد و کلی این د وقوه با یستی از یک یگردد ابا شند .

معارف عمومی

ملت مظلوم ایران قرنها بواسطه ظلم و فشار استبداد از جاده معارف و تدبیر دو رفتاده و سکلی د رتاری
جهل زندگانی میکند .

حکومت شاهی واعوان امیرای اینکه ملت را در رجهالت نگاه بد ارتد تاباین و باسطه آنها را بآسانی زیر
زنجیرشیده و مغزا استخوان آنها را بمکتد تمام علم و معارفیکه برای زندگانی نوع بشر لازم است مخفی کرد و راه
تحصیل آنرا بروی ملت بسته اند .

تحصیل علم بایستی علوم و مکاتب بازنشود برای عمومیت دادن معارف ره شهر و هاست
فوری بایستی مد ارسن و مکاتب بازنشود برای عمومیت دادن متعصب علم بایستی منحصریک دسته اشراف برپرست
باشد بلکه البته بایستی عومی باشد زیرا که سعادت و آیش عوم اهل عالم در تحصیل علم است .

نیست باد اختلاف ملی

اختلافات ملی آلت دست حکومتهای جهانگیر است که با این آلت همیشه برای منفعت و هوای پرستی خود
یک ملت را ملت دیگرینگ و امید ارند .

و همین مسئله های باعث آنست که هیچ وقت نگذارد یک ملت دیگر یعنی زحمتکشان و فقرای عالم
بهم زند یک شده و با یکدیگر اتفاق نکند .

ولی طبیعت صلح پرور فقرای کاسبه که تشکیل یک هیئت جامعه و یک خانواده بشری مید هند بزودی
ملتفت میشوند که دشمن آنها کیست و دوست آنها کدام است . زحمتکشان وزارعین یک ملکتی دارای هر
مذهب و عقیده باشند ابد اد لیلی ند ارد و اسبابی درمیان نیست که دشمن زحمتکشان وزارعین ایران باشند
بلکه باید دانست تمام زحمتکشان و فقرای کاسبه عالم یک دشمن عمومی دارند آنهم درسته ظالمین است که به
آنها ظالم میکنند و از زحمتکشان وزارعین اروپا و آمریکا مد تهای مید داشت که برای آزادی و آیش رنجیران
عالی زحمت میکشند و دستهای تاول کرد و براد رانه خود را برای کش کرد و از اراد کردن فقرای کاسبه
مظلوم شرق را زکرد و اند و میگویند .

عموماً اختیارات و حکومت هر ملتی بایستی درست عمله جات وزارعین همان ملت باشد و هیچ قسم تحکم
و ظالم بایستی باید سرانهای باشد .

باید دانست که مد تهای میدی است کلمات ذیل با قطرات خون سخ نوشته شده :

فقرای کاسبه جهان و ممل مظلومه شرق متخد شود!

باید بد آنید دشمن اول شماشه و اعیان و اشراف و طرفدار اوهستند .

و دشمن دویم که کمتر از اولی ظالم نیست سرمهای داران و جهانگیران انگلیسند .

بنابراین بایستی باید صد ای عمومی همه فریاد کنیم :

نابود باد تشکیلات مستبد و حکومت شاهی !

نیست و نابید باد حکومت طعکار و حریص ظالم انگلیس !!

زنده باد تشکیلات عالیه متفقة ملت قدیم ایران و ممل مظلومه شرق !!!

تـ

بسی و اهتمام براد ران فرقه اشتراکیون ایران د رعایم آباد نیشا بهر طبع رسید د رمطبعه زیرزمینی
شب کرد . پانزدهم ذی قعده الحرام ۱۳۳۹

